Afghanistan Digital Library

adl0142

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q

This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (http://afghanistandl.nyu.edu/). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser. When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu

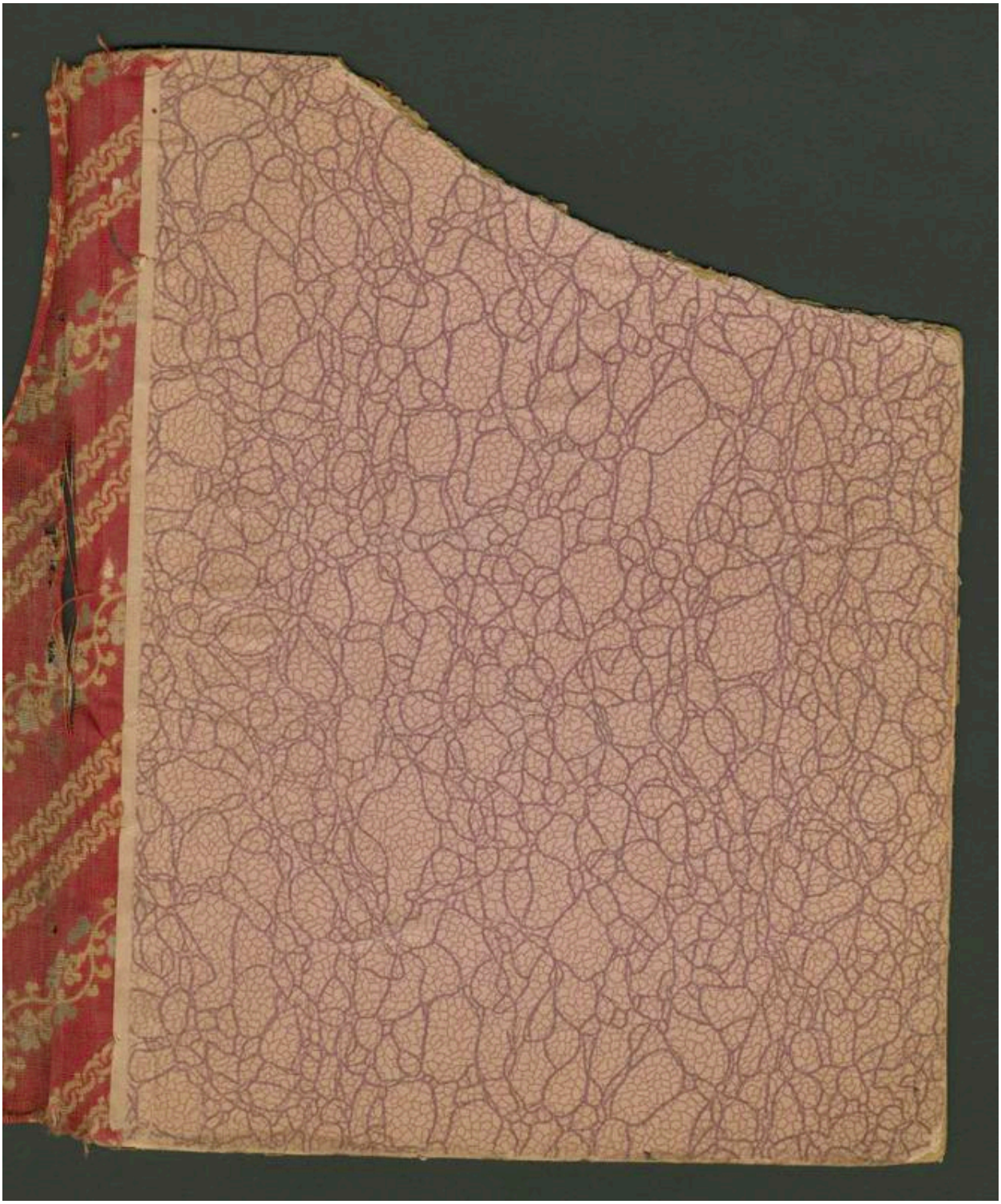

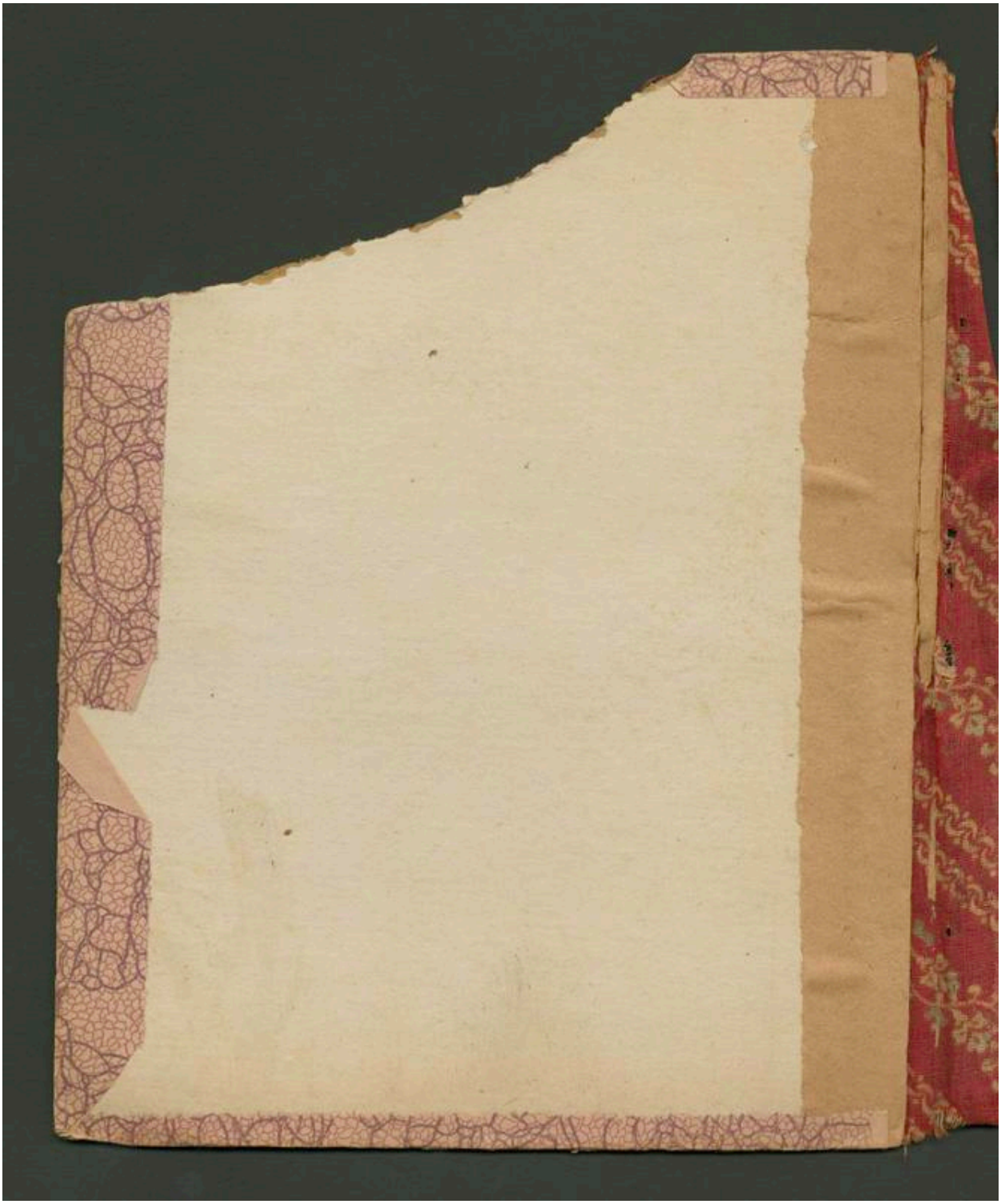

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 3 of 310

(عـدد) کتبخانهٔ (عـدد)
۱۷ ۱۷

مطبعهٔ عنایت

تاریخ مجاربهٔ روس و ژاپان

۱۹۰۴ — ۱۹۰۵

جلد پنجم

مترجمش بزبان فارسی

محمود طرزی

این کتاب غیر از یکه وقوعات حربیه را که از آغاز اعلان حرب تا بوقت امضا شدن
[معاهدهٔ صلح با تفصیلات تمام جامع میباشد احوال جغرافیه و تاریخیه
و ایستاتستیکیه و سیاسیهٔ هر دو دولت محاربرا
نیز باتمام تفصیلاتش بیان میکند.

دردارالسلطنهٔ کابل درمطبعهٔ مبارکهٔ عنایت بزیور طبع آراسته گردید

سنه ۱۳۳۶

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 4 of 310

دستهٔ کشتیهای جنگی دوم روس در بحر محیط

درختام سنهٔ ۱۹۰۳ وابتدای سنهٔ ۱۹۰٤ ، حکومت روس برای محافظهٔ موازنت قوای بحریهٔ خوددر اقصای شرق (اوسلی یاپیا) ، و(اورورا)،و(ویمتز ی دونسقوی)نام کشتیهای زرهپوش خودرا باچند کشتی مخرب طوربیدو در زیر قوماندائی قونترامیرال (ویره نیوس) سپرده ازبحر (بالتیك) بسوی اقصای شرق روانه کرده بود.

امیرال (ویره نیوس)به بسیار سنگینی و آرامی که کویاستی وکاهلئی قوهٔ بحریهٔ روس را برهمه مردمان زیاده تراثبات نماید بسیروسیاحت آغازنهاد ، و از نتیجهٔ این سستی وکاهلئی خود ، دوکرو وازوری که دولت ژاپان از دولت ایتالیا خریداری کرده، وبواسطهٔ طایفه‌های انگلیز بسوی ژاپونیاسوق شده بود ازپیش روی خودفرصت گذشتن رابداد ، وبه اینسبب خطای بسیار بزرگی ارتکاب ورزید .

لزوم ،واهمیت واصل شدن این لوی غند بحریهٔ روس دربحر محیط کبیر پیشتر ازرسیدن این دوکروواز ورژاپانی یك امرظاهرو آشکاری بود. وخیلی ضرور بود که امیرال (ویره نیوس) نمیگذاشت که کروواز ورهای مذکورازپیش او سلامت درگذرد .ومیبایست که طوربیدوها،وزرهپوش(دونسقوی) را عقب گذاشته تنهابا کشتیهای(اوسلی یاپیا)،و(اورورا) بسرعت بسیار بزرگی برفتار خود دوام میورزید. حالآنکه امیرال روس این قوت وجسارت را مالك نبوده

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 5 of 310

و بامنزلهای کوتاه کوتاه، وقدمهای آهسته آهسته برر فتار خود دوام ورزیده در (۱۶) فبروری به (جیبوتی) واصل شد. ودر نجابه اواز (پترسبورگ) امر رسیده که بازپس به بحر (بالتیك) عودت کنند.

این قوهٔ بحریه وقتیکه به بندرگاه (قرونشتاد) برگشت، تخم فرستادن یك دسته کشتی جنگی دیگری را به بحر محیط سرزنموده. چونکه لازم بودن فرستاده شدن قوای امدادیه بدارالحرب روز بروز تشدد میکرد. وهم بسرعت وزودتی که ممکن باشد این قوهٔ امدادیه باید فرستاده شود. زیرا ژاپانها بنا گهان بر (پورآتور) هجوم برده قوهٔ بحریهٔ روس را دوچار خسارنموده، ودر تماس اول یك نتیجهٔ مسعودهٔ حاصل نکرده بود. پس لازم وضروراست که حکومت روس سرازنو قوهٔ امدادیه بفرستد، و دربحر یك حاکمیت متفوقی بدست آرد. وجبیرهٔ مافات نماید.

حالانکه رجال بحریهٔ روس در خصوص تشکیل دادن یك دسته کشتیهای جدید از حد زیاده بمشکلات دوچار آمدند. کشتیهای که در دستگاههای کشتی سازی خود داشتند یا بسیار پیروفرسوده بودند، یا بسیار طفل نارسیده. چهار قطعه زرهپوشی که طرز ساخت آنها به پروغرام بحریهٔ ژاپان، موافقت میکرد هنوز حاضر نشده بودند. چونکه در روسیه یك چیزی که به بسیار سستی وآرامی اجرامی شود آنهم امور بحریه است. غیرازین چار زرهپوش، سه زرهپوش دیگر که محتاج تعمیرات وانشاآت مخصوصه بودند، ویکچند کروازور، وبقدرده مخرب طورپیدوبدست موجود بود.

یك بحریهٔ که در سال (۳۰۰) ملیون (بودجه) - یعنی میزان دخل وخرج - را مالك باشد اینقدر موجودات نسبت به آن حقیقتاً خیلی جزویست. این بی اقتدارئی روسیه در عدد کشتیها ازین بود که قسم اعظم وجه بحریهٔ شان در راه احتیاجات

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 6 of 310

حقیقیهٔ قوهٔ بحریه صرف نمیشد بلکه در راه بعضی احتمالات واهیه استعمال میگردید.

دولت روس در قوای بحریهٔ خود اصول (تقسیم عمل) را مانند دولت فرانسه تطبیق کرده بود که باین صورت بسی کشتیها را مالك بود. مثلا یك دسته (کشتی بحر آزاد) یك دسته (کشتی مدافعهٔ بحر بالتیك)، یك دسته (کشتی بحر سیاه) بدست داشتند. هیچ کمبودی نداشتند. تنها همین یك کمبودی را داشتند که مالك چنان یك دسته کشتی نبودند که در هر جائیکه بخواهند اثبات وجود و لیاقت بتواند!!!

(کشتی مدافعهٔ بالتیك) بقدر (۱۱) قطعه زرهپوش را مالك بود که با آنها یك خرمن سفاین طوربیدو نیز موجود بود. این طوربیدوها برای سفرهای دور و دراز هیچ یك شرایطی را حایز نبودند.

دولت روس باوجودیکه از ژاپانها دوبار زیاده تر طوربیدو را مالك بودند بازهم (۱۱) مخرب طوربیدو کشیده توانسته بودند که ازین (۱۱) عدد تنها (۹) عدد آن به بحر محیط کبیر واصل شده بود.

*
**

تا به تمام شدن زرهپوشهای نوبتاخیر حرکت کشتی دوم بحر محیط کبیر مجبوریت دیده شد. وتا این زرهپوشها تمام میشدند را قصای شرق (پورآرتور) را ژاپانها برآ و بحراً درزیر محاصره گرفته بودند. محصورین قلعه بسبیکه تول غند های بری روس که در (مانچوری) بودند از مغلوبیت بمغلوبیت گرفتار می آمدند امید امداد و معاونت بجز از طرف بحر از دیگر طرف نداشتند. اما چه چاره که این امید محصورین بیچاره نیز بیهوده و رایگان میرفت. زیرا هر نقطهٔ بحریکه بر (پورآرتور) محیط بود عطف نظر استمداد میکردند بغیر از کشتیهای مظفر دولت «شمس طالع» بدیگر چیزی تصادف نمیکردند!

مسئلهٔ متنازع فیها که عبارت از بردن یك دستهٔ کشتی بزرگی را از بحر

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 7 of 310

(بالتیك) به بحر (محیط کبیر) بود حداً مشکلات عظیمه معروض گردیده بود.

به این مأموریت مهم امیرال (روژه ست وه نسکی) مقرر شده بود. امیرال مذکور برین راه وسفر دور ودراز ۵ عبارت از (۱۲۰۰۰) میل است هیچ یك اس الحرکات را مالك نبوده و در اثنای اینچنین یك سیاحت عظیم، هم با دشمن و هم با دولتهای بیطرف بدست و گریبان شدن مجبور بوده به این سبب علی الاکثر در سواحل آزاد، بازلنگر انداخته می توانست.

غیر ازین به تنظیم داخلی حرکات یك قافلهٔ بزرگی که از واپورهای داك مرکب بود و برای رسانیدن ارزاق و رغال کشتی ها مأمور بود هم نیز مجبور بود. موانع درین راه آنقدر بسیار بوده که اکثر مردمان گمان میکردند که این دستهٔ کشتی دوم اصلا حرکت کرده نخواهد توانست. مع هذا بر خلاف همه گمانها این دستهٔ کشتی بزرگ در — (۱۳) اوکتوبر از میان آوازهٔ تحسینها و شاباشهای یك جم غفیری بسوی اقصای شرق از بندر کاه (قرونشتاد) تحریك چرخ عزیمت نمود.

صورت ترکیب دستهٔ کشتی در آن زمان از قرار ذیل بود:

(۷) قطعه زرهپوش.

(۲) قطعه کروازور زرهپوش.

(٤) قطعه کروازور محفظه دار.

(۷) قطعه مخرب طوربیدو.

و یکچند سفینه قلیه که ترتیبات کشتی سازی را حائز بود.

در اثنای راه به این کشتی یك سفینهٔ خسته خانه، و کروازورهای معاون و از داوطلب بعضی واپورها التحاق نمود.

کروازورهای محافظه دار (اولهغ) و (ایزومروت) با دو قطعه کروازور معاون و پنج قطعه طوربیدودر (۱۵) و مبراز (لیباو) حرکت کرده توا

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 8 of 310

نستند که این مفرزه درروز (١٤)هم ماه‌فبروری در(ماداغشقار)به دستهٔ بزر
گ کشتی ملاقی گردید . تنها (٣) طوربیدوبه سببی که به بعضی خسارات در
راه دوچارشده بودند دربحر سفید بماندند .

کشتی (روژه‌ست ونسکی) هشت روز بعدازحرکت خودبه واقعهٔ مؤلمهٔ
(هول) تصادف نمود که اینواقعه چنان یك نزاکت واهمیتی راحائز بود که کم‌مانده
بود در مابین دولت (بریتانیای بزرگ) و(روسیهٔ بزرگ) یك حرب بزرگی را
نتیجه بدهد . اما بدلالت خیرخواهانه ومنصفانهٔ حکومت (فرانسه)حادثهٔ
مذکوره بسهولت برطرف گردید .

مع هذا ، وقعهٔ مذکوره چون دراول قدم حرکت کشتی بظهور آمد
برای آیندهٔ بسیار تیره ومظلم دستهٔ بزرگ کشتی روس یك فال خیرواقبالی
شمرده نشد . علی‌الخصوص ازیحادثهٔ غریب ومشئوم امیرال(روژه‌نست و
نسکی)که ذاتاً خیلی عصبی‌المزاج بودبدرجهٔ متأثر گردیدکه بیمارشد .

بناءً علیه درحق صورت ظهور این حادثه ، وکیفیت رفع وازالهٔ آن
تفصیلات ذیل‌را مینگاریم :

﴿ حادثهٔ (هول) ﴾

دستهٔ بزرگ کشتی روس که درزیرقوماندانتی امیرال(روژه‌نست ونسکی)در
شب(٢٢)اوکتوبرسنهٔ ١٩٠٤ بندرگاه (شاکان) راترك کرده بود در(بحر
شمال) درموقعیکه به(دوگه ربانق) معروفست به‌یك دسته کشتیهای ماهیگیری
انگلیز که به بندرگاه (هول) منسوب بودتصادف نمود .

سفاین حربیهٔ روس برکشتی‌های ماهیگیری مذکور آتش کشاده یکی ازانهارا
غرق ، ودونفررا مجروح ، و(٢٠) آدم راجروح ساخت .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 9 of 310

بمجردیکه این حادثه به انگلتره عکس نمود، یك هیجان وشورش عظیمی بحصول آورد؛ مطبوعات واهالی سریعاً یك تضمینات یعنی تاوان بسیار مهمی طلب نمودند. سفیر دولت روس قونت (بکندروف) که درلندن بود ازطرف یك قسم اهالی لندن علناً تحقیر گردید.

حکومت انگلتره در جهٔ شدت هیجان واقع را بنظر دقت گرفته، ویگانه خط حرکت خود را تابع حسیات عمومیه ساخته تهدید آمیز یك طوروو ضیعتی اتخاذ نمود.

در (۲٤) اوکتوبر لورد (لاندسوون) درنزد حکومت روسیه درینباب تشبثات اجرا نمود، ونهمانیدکه موقع ایمسئله به تأخیر وامهال متحمل نیست.

جناب قرال (ادوارد) دریك تلگرافنامه‌ئیکه بمدیر بلدیهٔ (هول) گشیده بود این حادثه را بهاین عبارت که: (یك حرکتیست که معذرت قبول نمیکند.) توصیف کرده بود.

رئیس وکلا، وسیو (بالفورد) در نطقی که درقارهٔ عوام برخوانده بیان کرد که: (بعد ازچنین تجاوز بزرگ، امپراطور روس بی آنکه دوچار اندیشه بشود، وتو بیخ وتکدر کرده شود، ومجازات به بیند احتمال دوام کردن سفر آنرا رد میکنم.)

جناب (زار روس) به قرال (ادوارد) تأسفات خودرا باتلگراف بیان نمود، ووعدهٔ کرد که بمجردیکه اسباب وشرایط حادثه معلوم شود مکمل وطما نیت بخش تضمینات عطا خواهد نمود. حالاً آنکه این تلگرافنامه حسیات نفرت وعداوتکارئی حربجویانه که ازیکسر تادیگر سرحد مملکت انگلستان را استیلا کرده بود تسکین نمود.

خلاصه درروز (۲٦) اوکتوبر دولت انگلیز به تدارکات جدیهٔ حربیه آغاز

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 10 of 310

نهاد . و به عموم کشتی های خود ه در (بحر مانش) و (بحر سفید) و بحرهای دا خلی دشت برای حاضرباش سفر حرب اوامر قطعی فرستاد .

در (۲۷) ماه درباب و قایعیکه در اثنای مرور کشتیها از بحر شمال جریان یافته بود از طرف امیرال (روژه ست ونسکی) بجناب حشمت مآب (زار) یك راپوری به تلگراف رسید . امیرال مذکور درین راپور خود حادثه را چنین بیان کرده بود :

(قوهٔ بحریهٔ روس در اثنائیکه بر راه خود روام داشت، در شب تاریك کشتی پیشدار کشتیهای جنگی دوچار تعرض دو طوربیدوی مجهولیکه چراغهایش خاموش بود گردید . لهذا بر طوربیدوهای مذکور امر آتش داده شد . هیچ کشتی حرب در چنین حال و وضعیت اگرچه در زمان صلح هم باشد بجز همین طرز حرکت ه کشتی روس کرده دیگر طور حرکت نمیتواند . »

این راپور امیرال روس ه از (ویغو) کشیده شده بود از طرف مطبوعات انگلیز قبول نگردید . موسیو (بالفور) اینسخن امیرال را به تعبیر (خیالهای محض) توصیف نمود .

دولت (فرانس) ه از آغاز این بحران سیاسی در مابین این دو طرف برای تسهیل ائتلاف از اظهار فعالیت خالی به دتوسط و مداخله نموده اختلاف واقع یکقدری سکونت پذیر شده، و نتایج وخیمهٔ ان راه وقوع آن خیلی محتمل بود تا یکدرجه جلوگیری کرد .

جناب (زار) حواله شدن مسئلهٔ منازع فیها را در داخل شرایطی ه معاهده نامهٔ (لاهی) تعیین کرده است بیك قومیسیون تحقیقاتیکه بین الملل تشکیل بیاید تکلیف نمود .

دولت انکلستان این تکلیف را قبول کرد . بنابرین بحران مذکور درنهایت

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 11 of 310

اوکتوبر بتمامها سکونت پذیر گردید . قومیسیون یعنی (کمیشن) تحقیقات بین الملل در (۲۰) م دسمبر سنهٔ (۱۹۰۵) در (پاریس) اجتماع نمود .

مرخصهائیکه از طرف دولت (روس) درین قومیسیون مأمور شده ، معلم حقوق دارالفنون (پترسبورگ) بارون (طونه) ، وامیرال (قازنوقوف) ومستشار سفارتخانه پاریس اوقونت (نقلودوف) بودند . مرخصهای دولت (انگلیز) امیرال (بومون) و موسیو (اوبارنه) بود . از طرف دولت (امریکا) امیرال (داوی) ، واز طرف دولت (فرانس) امیرال (فورنیه) مرخص شده اجتماع کردند .

در انعقاد نخستین رسمئی که در (۲۲) م ماه منعقد گردید بنابر فقرهٔ اول معاهده نامهٔ (صلح لاهی) این چار امیرال ، یك مرخص نجمین دیگر نیز انتخاب باید میکردند . لهذا به اتحاد آرا از بحریهٔ دولت (اوستریا) امیرال (شپون) را قبول کردند .

ریاست قومیسیون را به امیرال (فورنیه) حواله کردند . مذاکرات علنی اجرا گردید . والحاصل بعد از قیل وقالهای بسیاری که اجرا گردید نتیجهٔ کار ، وقرار بریك مسئلهٔ قطعی المفادی قرار نیافته بحصول یك نتیجهٔ که موجب تمنو نیت هردو طرف باشد فیصله پذیر گردید .

اینست مسئلهٔ حادثهٔ (هول) که بیان گردید . حالا ما باز دستهٔ کشتی دوم بحر محیط روس عقب گیری کرده به بینیم که کجا میرود ، وچه میکنند ؟

وقتیکه کشتی روس (طنجه) را ترك کرده براه افتاد بر دو قسم تقسیم گردید :

(۵) قطعه زرهپوش نو ، وگرووازورهای زرهپوش بصورتیکه قطعهٔ (افریقا) را از دماغهٔ امید گردش کنند راه غرب را پیش گرفت . (۲) قطعه زرهپوش کهنه وگرووازورهای محفظه دار ، وطوربیدوها برای گذشتن از (قنال سویس) راه

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 12 of 310

(بحر سفید) را گرفتند . این هردوقول در (۹)م جنوری در (نوسی یه) باهم یکجا شدند .

امیرال (روژه ست ونسکی) در یکجا حوادث سقوط (پور آرتور) ومحو شدن دستهٔ کشتی نخستین بحر محیط را شنید . خبر فلاکت آور این مصیبت، وضعیت حرکت اورا سراسر تبدیل نمود .

(روژه ست ونسکی) اگر تنها بسر خود در مقابل دسته های کشتی (ژاپان) بر ود، هیچ شبهه نیست که بیك گردابی محقق زوال رو پیمای عدم شده میرود . اگر در (لیباو) بحاضری وتدارك یك دسته کشتی سوم بکمال کرسی وفعالیت پرداخته نمیشد این دسته کشتی دوم بهمه حال واپس خواسته میشد .

ذاتاً از بسیار وقتها مطبوعات روس ار فرستاده شدن جمله سفاین حربیهٔ روس را به اقصای شرق بحثها میراندند . مطبوعات مذکوره بیان میکردند که برای پس بدست آوردن حاکمیت بحریه را دراقصای شرق باید از هیچگونه فداکاری روگردانی نشود .

اما افکار عمومیه به این نشریات واقعهٔ مطبوعات بتمامها اشتراك نمیورزید و میگفتند که دولت روس همهٔ قوای بحریهٔ خودرا به اقصای شرق فرستاده نمی تواند چونکه اگر چنین بکند بحر (بالتیك) خودرا خالی میکند . وممکنست که درچنین وقت عجز وضعف اودیگر یك دولت فرصت طلب اورو پائی او بعضی سوا حل اورا بربابد .

والحاصل بهمه حال فرستادن یك دسته کشتی جنگی دیگر بمعاونت دستهٔ کشتی (روژه ست ونسکی) قرار گیر گردید . زیرا برای محافظه کردن خودرا از هجوم یك دشمن موهوم مخیل ، دیده ودانسته لکدکوب یك دشمن موجود مجسم شدن شایان حیرت یك حرکتی بود .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 13 of 310

بناءً علیه نظارت بحریهٔ روس به جریان افکار عمومیه تابع شده تجهیز و تسلیح یك دستهٔ کشتی سومین را امر نموده امیرال (نه بوغانوف) با این دسته کشتی (۳) و مرکب از (۵) قطعه سفینه حربیه بوده در (۱۵) مم فبروری از (لیباو) حرکت نموده حالا در باب حقوق جنگ کنندگان و بیطرفان یکقدری بحث راندن از فایده خالی نیست :

حقوق محاربین و بیطرفها

حرکت تول غند کشتی دوم بحر محیط بسوی آبهای اقصای شرق در مابین دولت های بیطرف موجب خیلی قیل و قال بزرگی گردیده بود بناءً علیه در پی جواب باب محاربین یعنی با همدیگر جنگ کنندگان، و غیر محاربین یعنی بیطرفان یك چند سخن گفتن لازم می آید :

در زمانهای سابق، چون یکبار در مابین دو حکومت مخاصمات آغاز مینهاد طرفین محارب هرگونه قواعد حقوقیه و مدنیه را از حکم ساقط پنداشته بمقابل همدیگر خود بکمال شدت و وحشت حرکت میکردند، و در دار الحرب هیچ خصوصیت و حق را نمیشناختند، حالا آنکه در تمام دوام مدت حرب بسی حقوق و منافعی، و جود است که محاربین بر تجاوز کردن آن حق و صلاحیت ندارند .

حربهای این زمانرا از حربهای زمانهای پیش چیزیکه تفریق میکند همینست که به این حقوق و منافع رعایت میشود و تمایلات انسانیتپرورانه نشان داده میشود، مع هذا در سالهای اول این عصر بیستم میلادی این رعایت و تمایلات هنوز بدرجهٔ مطلوب نرسیده است .

قواعد مخصوصهٔ که در مابین حکومتهای متمدن در باب حقوق محاربین قبول شده است از یکدیگر کم و بیش فرق دارد، مثلا از طرف ارکان حربیه عمومیهٔ المانیا اثریکه در باب (حقوق محاربین در حرب بری) نشر شده است در اول

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 14 of 310

صفحهٔ آن این قواعد بنظر دقت بر میخورد :

« مقصد از حرب تنها این نیست که قوت‌های محاربهٔ دشمنرا ، وقلعه‌های آنرا محو بکنند ، نی بلکه بالجمله منابع مادی ومعنوی مملکت اورا تخریب وافنا کرد نست . ملاحظات انسانیتپرورانه یعنی اشخاص واملاك واموال آن اشخاص راغرضدار نشدن آنوقت داخل حساب میشود که به طبیعت ومقصد حرب ایراث ضرر نکند »

مارشال (مولتکه) درحق این بحث چنین میگوید :

« حرب . تنها عبارت از محو کردن قوای عسکریهٔ دشمن نی بلکه قوهٔ مالیه شمندو فرها ، واسباب تعیش ، وهمه منابع ثروت اوراحتی حیثیت ، وشرف ، واعتبار حکومت دشمنرا نیز بمحو وافنا کردن جواز میدهد »

اثری که ارکان حربیهٔ عمومیهٔ (برلین) نشر کرده است اساساً بر سه قسم جداشده است :

قسم اول : معامله درحق تول غند دشمن ؛

قسم دوم : معامله درحق اهالی وممالك دشمن ؛

قسم سوم : معامله باحکومتهای بیطرف .

کسانیکه بالفعل در ذیل محاربین داخلست اینها ست :

اولا : رئوسای حکومت وناظرها ، که اگر برتبهٔ عسکری باشند یانباشند ؛

ثانیاً : تول غند موظف ؛

ثالثاً : قطعات غیر منتظم — یعنی ایله جاری — ؛

والحاصل این اثر مکمل درباب معامله هریك ازین اقسام تفصیلات مکمله بیان میکند که همه مباحث آنرا درینجا ذکر وبیان کردن امکان کنجایش ندارد امابعضی قواعد اساسیهٔ را که تول غندهای المان برعایت کردن احکام آن مجبور

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 15 of 310

گرفته شده اند در نجا بدرج کردن آنها اکتفا میورزیم :

۱ — اسلحه وتشبثات غیرمشروعه :

در چشمه ها ، وچاهها ، وارزاق خوردنی ، وغیره زهر آمیختن ؛ به سرایت وتوسع دادن مرضهای ساری مدد کردن ؛ بلاسبب اهالی را کشتن ؛ کله هائیکه موجب محنت ها ومشقتها شود استعمال کردن ؛ اسیران ومجروحان را کشتن ؛ محاربینی که تسلیم شدن بخواهند آنها را تلف کردن ؛ در دارالحرب های اور وپا از قطعات غیرمدتی استفاده کردن ، اینست که همهٔ اینگونه وسایط وحرکات در شمار اسلحهٔ غیر مشروعه وتشبثات خائنانه داخلست .

۲ — محاصره ها وبو مباردمانها :

اولا ، قلعه وموضعهای مستحکم درزیر محاصره گرفته شده بران بوم بار دمان اجرا میتوانند شد .

ثانیاً ، شهرهای غیر مستحکم ، وده ها ، وخانه های منفرد که ازطرف دشمن اشغال شده باشد ، ویاوقتیکه دشمن ازان استفاده بکند محاصره وبوم بار دمان میتواند شد . هاجمین بی آنکه بدشمنی که درچنین محلها النجا برده باشند خبر بدهند یکسر برانها هجوم برده وآنهارا درزیر آتش طوپ گرفته میتوانند . وقتیکه بریك شهر مستحکم بومباردمان میشود هاجمین بلاتفریق بر استحکامها وابنیهٔ خصوصیه به آتش کردن صلاحیتدار هستند درچنین احوال هیچ جا مانند معابد دینیه مکتبها ، کتبخانه‌ها ، موزه خانه‌ها ، تیاترها وغیره ها جمین را از آتش کردن منع نمیتوانند . مع هذا اگر از چنین اماکن مهمه وخصوصیه بدانند که یك ضرر وزیانی به اونمیرسد آنجاها را در خارج دا یرهٔ آتش خود داشتن هاجمین آزاداست . اهالی شیکه دریك قلعه باشند خواه از خود آن قلعه باشند وخواه بیگانه درحق همهٔ آنها یکسان معامله میشود .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 16 of 310

۳ــ دسایس حربیه ومال گریزانیدن :

اونیفورمه ، یعنی لباس رسمی عسکر دشمنرا پوشیدن ، ودشمنرا به آن صورت بازی دادن یك حال غیرمشروع شمرده میشود . امافراد عسکریهٔ دشمنرا بخود مایل ساختن، وبرای آنها تخواه وبخشش دادن ، وافعال خائنانه وفراری های شانرا قبول کردن جائزاست .

٤ ــ درارد وها مأمورین مطبوعات :

در وقت حاضر بنابر وظیفهٔ مهمه که عالم مطبوعات ایفامیکند، مأمورین مطبوعات را درد ار الحربها قبول نکردن جائز نیست . مع هذا درائنای محاربه مأمورین مطبوعات را بیك نظامنامهٔ عسکری تابع باید داشت . وبرای مخبرئی حرب آنچنان مردمانی را قبول باید کرد که شرف وحیثیت ، وذکاودرایت ، وتربیه ونزاکت شان مسلم باشد .

این مخابرین مطبوعات خواه دوست، وخواه بیگانه باشد، چون درقرار گاه عمومی قبول شوند برای رعایت کردن از پنج فقرهٔ ذیل بشرف وحیثیت شان سوگند داده میشود :

اولا : در باب قوت، ووضعیت ، وحرکات قطعات عسکریه هیچ چیزی شایع نکنند ، ودرباب بنتها ومقاصد سرقوماندان نیز حرف واحد نشرنمایند . اماد ربعضی اوقات به اذن واجازهٔ ارکان حربیهٔ تول غند، این ممنوعیت برای مخابرین مطبوعات رفع وزایل شدن جائزاست .

ثانیاً ــ چون بجواریك قطعهٔ عسکری برسند هماندم به نزد قوماندان آن قطعهٔ عسکری رفته در باب اقامت خود درانجا اذن واجازه طلب میکنند ، و اگربنابر بعضی اسباب عسکری اذن اقامت به اودرانجاداده نشود هماندم بلاتأخیر برمیگردد .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 17 of 310

ثالثاً : اوراق رسمیهٔ که به آن اثبات هویت خود شانرا بتوانند درنزد خود داشته میباشند . وبمجردیکه اثبات هویت‌شان مطلوب شود همانندم آن اوراق رابمامورین معاینه نشان میدهند .

رابعاً : دفتر مخابرات ، ومأمورین سفریهٔ شان ، دایماً به قوماندانهای قطعهٔ که دران هستند معلوم باید بود .

خامساً : به اوامر واشعاراتی که ازطرف افسریکه درمابین قرارگاه عمومی ومخابرین مطبوعات مأموراست حرف بحرف اطاعت وپیروی مینمایند .

مخابرهای ملی ویااجنبی که درباب احوال وحرکات تول غند هرزه درایی کرده نشر حوادث نمایندهما نندم ازقرارگاه اخراج میشوند . واگر بیشتر ازان جرات ورزند بحضور یك دیوان حرب جلب ومحاکمه میشوند .

اخبارنگارانی که هیچ مساعدهٔ رسمیه استحصال نکرده باشند ، وبقطعات عسکریه رفاقت کنند ، واز هرگونه معاینهٔ عسکریه خارج مانده باشند ، آنها را بیك شدت بیرحمانه از قطعات عسکریه میرانند ، وبه آن گونه اشخاص به نظر اشخاص مهلکه ومضره دیده میشود .

آمدیم بر حقوق ووظایف بیطرفها :

یك حکومت بیطرف بهیچگونه مالزمهٔ حربیه بیکی ازمخاصمین معاونت کرده نمیتواند . دیگر اینکه تا ازدستش بیاید تبعهٔ خودرا ازمیل ومحبت بیك طرف منع کردن نیز ازوظیفه های حکومت بیطرفست .

(مالزمهٔ حربیه) یك تعبیریست که بسیارچیزهارا در برمیگیرد . لهذا این مسئله در اول امر موجب بسی اختلافات بزرگی شده است . مثلا پسه الزم ترین عنصر مالزمهٔ حربیه را تشکیل میدهد آیا تبعه ورعایای یك حکومت بی

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 18 of 310

طرف را از اعانه یکی از محاربین چسان منع کردن ممکن میشود ؟

یك بانکری که تابع یکدولت بیطرفی باشد هر گاه بیك دولت محارب پسه قرض بدهد او را از این آرزوی او که منع کرده میتواند؟ چونکه این یك حالیست که آنرا نه حقوق دول اصلاح و تعدیل میتواند و نه از انسبب یك حکومت مسئول میشود .

اما اگر اینمسئله قرض دادن تبعهٔ آن دولت به تشویق و تحریك خود آن دولت بوقوع آید مسئول شدن آن لازمست .

آمدیم بر دیگر مواد مالزمهٔ حربیه :

اولا اسلحهٔ حربیه مانند طوپ، تفنگ شمشیر، وجبه خانه وغیره

ثانیاً : مواد ابتدائیه که برای ساختن مالزمهٔ حربیه بکار است مانند (کوکرد ، شوره ، پوست وغیره غیره)

ثالثاً : اسپها ، وقاطرها ومانند ذالك .

رابعاً : ملبوسات، وتجهیزات ، مثلاً هر جنس اونیفورمه ،موزه وبوط و آلات ، وادوات اردوگاه ، لوقوموتیفها یعنی انجنهای ریل، اوتوموبیلها، وه لوسیپیدها ، اسباب تلگراف و تلفون وغیره از اسبابهای گریزئی حرب شمرده میشود .

اما این یك را نیز فراموش نکنیم که یك قسم مهم این مواد برای احتیاجات بیتبه وصلحیهٔ انسان نیز لازمست . لهذا از نظریات آن انحراف ورزیده در تطبیقا ت آن از قرار ذیل بحرکت کردن مجبوریت دیده میشود .

— اولا، حدوعطای ارزاق، وحیوانات جاندار، ومأکولات وغیره محل بیطرفی شمرده نمیشود .

— ثانیاً ، از طرف تبعهٔ یك حکومت بیطرف هر گاه بمقصد صرف تجارت یك مقدار جزوی گریزئی مالزمهٔ حرب تدارك شود باز هم بیطرفی را خلل نمی

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 19 of 310

رساند. اما اگر مقدار بسیاری از مالزمهٔ حربیه تدارك شود در انوقت معلوم میشود که حکومت آن تبعه آن را حمایت میکند.

ارکان حربیهٔ (برلین) این را قبول میکند که قافله های زخمیها و بیمارها از مما لك یك حکومت بیطرف بگذرد. اما گذشتن قافله های اسیرا را قبول نمیکند.

این یك امر اشکاریست که یك حربی که در مابین دول معظمه بوقوع آید بمعاملات تجاریهٔ آن دولت خیلی ضررها میرساند. چونکه هرگاه شاخ یك درخت را ببریم دیگر شاخی که در پهلوی آنست هیچ یك المی حس نمیکنند، و درخت به قرار سابق محافظه حیات خودرا میکند چونکه رابطه ونسبت اجزای فردیه ئیکه در مابین نباتاتست خیلی محدود میباشد. اما اگر دست یك انسان را ببریم تنهانه اینکه اعضای دیگر آن یك عذاب الیمی حس بکند احتمال تلف شدن همهٔ وجود هم موجود است. زیرا بسبب جملهٔ عصبیهٔ که حیوانات دارند در مابین اجزای فردیه شان یك ارتباط ومناسبت بسیار بزرگی موجود است. وچون بعضی از تحییرات بدنیهٔ آن مختل شود در دیگران نیز تأثیر مضرت آن دیده میشود.

لهذا بسبب ارتباطات واتصالات مکملهٔ سریعه ئیکه در وقت حاضر مابین دولتها و مملکتهای متمدنه موجوداست، وامنیت واعتبار، ومناسبات ومعاملاتی که در جمعیت انسانیه وسعت کرفته است مشابه حوادث و علایمیکه جملهٔ عصبیه اظهار میکند بعضی احوالها بظهور میآورد.

پیش از ین هرگاه در یك حکومتی اغتشاشات محاربه ظهور میکرد بدیگران هیچ ضرری نمیرسانید؛ حالا آنکه در اینوقت چنین نیست. مثلا صد سال پیش از ین اگر یك حادثهٔ در ژاپونیا بوقوع میآمد بعد از هشت نه ماه در اورو پا شنیده میشد و آنهم بگوش بسیار کم مردمان میرسید، وکم مردمان از ان آگاه میشد. حالا آنکه در امروزه روز یك حادثهٔ که در ژاپونیا بوقوع آید دو سه ساعت بعد از

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 20 of 310

شرق تاغرب خاص وعام هرکس آن رامیشنوند، وهمه عالم از ان باخبر میگردند.

یك پاریسی، باوجودیکه باژاپان هیچ یك علاقه ومناسبتی نداشته باشند باز هم ازسبب بعضی اخذ وعطای تجارت کم وبیش متضرر شدن شان بی اشتباه هست.

هرآنقدرکه وسایط نقلیهٔ واتصالیه، واعتبار تجارت وسعت وتزاید کرد درمیان اقوام موجوده ارتباط ومناسبات نیز تزاید مینماید. این حقیقت بمجرد آغاز کردن (محاربهٔ روس وژاپان) تمامها ظاهر گردید. چونکه بمجردیکه حوادث حرب شنیده شد در (بورسهٔ) لندن یك هیجان بزرگی بوقوع آمد. اسهام انگلیز بیك صورت بسیار مدهشی تنزل نمود. درروزهای بسیار بدترین جنگ (ترانسوال) نیز ایچنین تنزل وقوع نیافته بود. درظرف ۲۴ ساعت اهالی انگلیز تقدریکچندصد ملیون غایب کردند.

در (بورسهٔ پاریس) نیز همچنین حال هیجان بوقوع آمد. درظرف یك روز درواردات فرانسه (۸۷۵) ملیون زیان بوقوع آمد. چونکه فرانسویان تقریباً (۸) ملیار فرانك اسهام روس راحامل بودند. بسبب شکست خوردن روسها این اسهام از قیمت اصلیهٔ شان یکبار تنزل نمود. وتنها اینمسئله درپاریس ولندن منحصر نماند، بلکه هر مملکت نسبت بحال و شان خود ازان تاثیر عمومی حصه دار گردید.

پس دیده میشود که درین عصر حاضر درهر گوشهٔ دنیاکه یك بی انتظامی ظهور نماید تابدیگر طرفهای دنیاباوجودیکه هیچ مناسبت درمابین شان نباشد سرایتها وتاثیرهای عجیب وغریبی پیدا میکنند.

درخصوص بیطرفی محاربات بحریه از محاربات بریه بیشتر اجرای تاثیر میکند. چونکه محل جریان حرکات بحریه دروقت صلح طریق مشترك تجارت

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 21 of 310

همهٔ حکومتهاست ، وبمجردیکه اعلان حرب بشود بحریکه دارالحرب است برای دو حکومت محارب مخصوص میماند . یعنی تنها همان دو حکومتی که باهم بکار جنگ میکنند در منطقهٔ بحریهٔ دارالحرب حقوق مخصوصهٔ خودشان را تطبیق واجرا کرده میتوانند مثلا سفاین تجاریه را معاینه وتفتیش میکنند ؛ چراغهای دوار سواحل راخاموش میکنند ؛ بندرگاهاو خلیجها راباطوربیل وموانع سایره سدوبند مینمایند ؛ وماشبه ذالك .

بناءً علیه درهر محاربهٔ بحریه ؛ دولتهای بیطرفیکه علاقه دار هستند نظر بحقوق ومنافع شان بهمه حال یك طور معینی برای خود میگیرند . درنمحابهٔ روس وژاپان همهٔ دولتها بیطرفی خودشانرا بصورت رسمی اعلان کرده بودند واکثردولتها چگونگی استفاده کردن محاربین طرفین را از بندرگاها وبندرگاههای خودشان کهتاچه درجه ، وچه حدباشد بهردوطرف تبلیغ نمودند .

ازجمله حکومت انگلیز چنان قرار داده بود که سفاین حربیهٔ طرفین دربندرگاهها یعنی لنگرگاههای حکومت مشارالیها زیاده از (۲٤) ساعت توقف نکنند ؛ وبجزهامقدرزغالیکه آنها راتابیك لنگرگاهی که نزدیکترین لنگرگاهها باشدبرساند بیشترزغال نه بردارد .

حکومت فرانسه ، درانثنای اعلان حرب که دستهٔ کشتیهای جنگی (ویره نیوس) روس ، در (جیبوتی) بودنه درباب زمان توقف ، ونه برداشتن زغال وارزاق هیچیك وقت وحدی معین نکرده بود . وغیراز برداشتن اسلحه وجبه خانه برای دیگرهیچ چیزی بهیچگونه تقیداتی نه پرداخته بود .

حکومت ژاپان ، درانثنای اعلان حرب یك بیانیهٔ نشرکرده باان بیانیه نامه گریزیهای حرب راتعیین نمود :

۱ — اسلحه ، جبه خانه ، موادناریهٔ محربه ، امتعهٔ خام و آلات وادواتی

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 22 of 310

که برای ساختن آنها بکار آید، چنتو، اونیفورمه، وسایط ولوازمی که برای اکمال نواقص اردوو کشتی جنگی بکار آید. لوحه های زره کشتی، مالزمه ئیکه برای انشاأت وتجهیزات کشتی سازی بکار آید؛ والحاصل دیگر همه گونه وسایطی که برای مقصد حرب نافع باشد. همه اینگونه چیزها اگر از مملکت دشمن بگذرد وبسوی مواقعیکه عسکر در کشتی جنگی دشمن باشد برده شود گریزئی حرب شمرده شده ضبط ومصادره میشود.

۲ — ارزاق، مشروبات، ومأکولات، اسباب وبراق اسپ وطوپ کشی عرابه، زغال، چوب، پیسه، کلچه های طلاونقره، تلگراف، تلفون، مالزمهٔ شمندوفر پلسازی، وغیره؛ همه اینگونه چیزها که برای عسکر دشمن، ویابسوی مواقعیکه عسکر دشمن درانجاست برده شود گریزئی حرب شمرده شده ضبط ومصادره میشود.

بیانناممهٔ که درباب گریزئی حرب ازطرف حکومت روس نشرشده بود نیز نزدیک به بیانناممهٔ ژاپان هابود. تنها پیسه راداخل گریزئی حرب نکرده بودند. وبمقابل آن، نفت، واسپریت، ودیگر مواد احتراقیه، واسپ، ومکتوب وتلگرافنامه، وواپورهای نیم کاره ئیکه در راه ساخته شود اگرچه درزیر بیرق دیگر دولت هم باشددرمیان گریزئی حرب داخل کرده بودند.

چیزیکه روسهارا برای این تدابیرسوق کرده بود این بود که بخیال شان میرسید که ژاپانها هنوزدربندرگاهای خود شان واپورهای بزرگ ساخته نمیتوانند. وازانسبب ضبط ومصادرهٔ همه کشتیهایی را که بطرف جزیره های ژاپان بروند اعلان کرده بودند.

دوام ورزیدن حرکت دستهٔ کشتیهای جنگی دوم بحرمحیط روس بسوی شرق

امیرال (روژه ست وتسکی) بعداز انکه بقدر دونیم ماه درجوار (ماداغسقار)

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 23 of 310

اقامت نمود در (۱۶) ماه مارچ قطعیاً بسوی اقصای شرق رهسپار عزیمت گردید.
امیرال مذکور بعد از کمی بخیال آن بود که باسفینه های کشاف ژاپان تماس حاصل نماید. زیرا از چندوقت به اینطرف اینخبر شایع شده بود که بعضی کروواز ور های ژاپان در جوار جزیره های (سوند) که در (بحر محیط هندی) واقعست گشت وگذار دارند.

این خبر از یك فکر بسیار ساده و بسیطی نشأت کرده بود. زیرا امیرال (توغو) برای بازی دادن دشمن را بحرکات سفاین حربیهٔ خود به نشر کردن این چنین حوادث ساخته گی آغاز نهاده بود. امادر حقیقت حال حکومت ژاپان بسوی جنوب محض از برای یك نمایش ساخته گی (قاراکی)، و (شیطوزه) نام (۲) کروواز ور محفظه دار خودرا، با (یاماناماروه)، و (امریکاماروه) نام (۲) قطعه کروواز ور معاون خوددر زیر قوماندائی ویس امیرال (دهوا) فرستاده بود.

این فرقهٔ کوچك ژاپان در (۱۲) هم مارچ در ساحل جنوب (قوشه نشین) ودر (۱۵) هم ماه مذکور در (سنگاپور) نمایش اجرا کرده در (۱۸) هم ماه واپس بسوی شمال عودت کرده بود.

دستهٔ کشتی های جنگی روس باوجود این استخبارات بر کوتاه ترین راه ها از آب نای (سنگاپور) گذشته در (۸) م اپریل در جوار (آننام) مواصلت نمود.

امیرال (روژه ست وه نسکی) در جوار سواحل (آننام) تابه رسیدن قدمهٔ دوم کشتی جنگی خوده در زیر قوماندائی امیرال (نه بوغاتوف) در همان تاریخ از (جیبوتی) حرکت کرده بود لنگر انداز اقامت گردیده بود.

بسبب استفاده کردن سفاین حربیهٔ روس از سواحل مستملکات فرانسه درمابین کابینه های (توکیو)، و (پاریس) اختلافات سیاسیهٔ بسیار شدیدی برپا گردیده بود که اگر (روژه نست ونسکی) یکقدری پیشتر ازین در سواحل (هند

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 24 of 310

چینی) اقامت میکرد مسئلهٔ سیاسیهٔ که درمابین (ژاپان) و(فرانس) بازشده بود از قلم صلح وصلاح بیرون برامده به نوك سر نیزه، و گله های طوپ محول میگردیده نهایت الامر ملاقی شدن دسته کشتی های جنگی (نه بوغانوف) ودسته کشتی جنگی (روژه ست وه نسکی) در (۸) م ماه می بعد از انتظار بسیاری میسر گردید، درین اثنا این تول غند بحرنی روس از ین سفاین قرار ذیل مرکب شده بود :

کشتیهای زرهپوش	قینازسوا روف
	امپراطور الکساندر سوم
	بورودنیو
	اورل
	اوسلی یابیا
	سیصویی وملیکی
	ناوارین
	امپراطور نیکولا
گرووازورهای زرهپوش	آدمیرال ناقیموف
	دیمتری دونسقوی
	ولادیمیر مونوماق
محافظهای ساحل	آدمیرال اوشاقوف
	آدمیرال سه نی یاوین
	جنرال آپراسقین
گرووازورهای محفظه دار	اورورا
	اوله غ
	آلماز
	ژه مچوغ
	سوبیه تلانا
	ایزومرود

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 25 of 310

گروواز زور های معاون
- قوبان
- اورال
- ته رك
- ریبون
- دنیه پ ر

مخربهای طور پیدو
- بونیه پی
- براوی پی
- بله سیتاچی پی
- بیستره پی
- بودری پی
- به زوبره چنی پی
- بیه دودی پی
- غرومقی پی
- غروزنی پی

دستهٔ کشتی نقلیه های داوطلب
- هیمالا
- پاروسلاوك
- تامبوف
- دورونه ژ
- ولادیمیر
- کیه ف
- قوره ۲

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 26 of 310

سفاین ثقیله
مالاقا
مه رکوری یی
قسه نیا
ژوپیتر
سترو غانوف
کیتایی
قورونیا
غوروچاقوف
هر مانلرشه

کشتیهای خسته خانه
اوره ل
قوستردما

کشتیهای تعمیر
قامی شقا
انادیر

کشتی آب بردار
کشتیهای ارزاق
مه نه اورا
ناجه دا
دانوب

ره ۰ورکورها
روس
سویر

اینست تول غند بحری روس که بسوی شمال بحر چمای عزیمت شده میرود امیرال (روژه ست وه نسکی) پیش ازانکه به اراضی بحریهٔ دشمن داخل شوداز یك قسم بزرگ قافلهٔ کشتیهای نقلیهٔ خود تخلیص گریبان نمود ۰

﴿ نشر حوادث پیش از محاربه ﴾

ازدستهٔ کشتی ژاپان هیچ یك خبر راست قطعی گرفته نمیشود ۰ یا آنکه بسیار

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 27 of 310

خبرها گرفته میشود. مثلا یکبار یك حوادثی شایع شد که کشتی های ژاپان در جوار جزیرهٔ (فورموز) باعمهٔ سرعت خود بجولان بازی و بحر تازی دیده شده است. بازیکروزی این خبر منتشر گردید که بقدر (۸۵) قطعه سفینهٔ حربیهٔ ژاپان در جوار (به-قادور) جمع آمده است.

نهایت الامر بکمال موفقیت این خبر شایع شد که یك گروه از ورژاپان که اسم آن غیر معین است به (هونغ قونغ) آمده باشرکت تخلیصیه — یعنی یك کمپنی که کشتیهای غرقشده را رهایی میدهد درباب رهایی دادن کشتی زرهپوش (میقازا) که سوارئی امیرال (توغو) میباشد، ودر آبنای (باشی) به بد صورت در ریگ بند مانده است مذاکره کرده است.

حالا آنکه در حقیقت امر امیرال (توغو) برای اکمال کردن تجمع عمومی همهٔ قوای بحریهٔ خود مشغول تدارکات و حاضری های خود است. واینهمه حرکات وشایعات محض از برای آنست که دشمن خود را به این قانع سازد که دستهٔ کشتی ژاپان به ترتیبات یك مدافعهٔ متحرکه مشغول میباشد.

حال آنکه امیرال (توغو) لحظه بلحظه از همه حرکات وتشبثات دشمن خود معلومات صحیح ودرستی میگیرد. واکثر این معلومات را نیز از طرف نشریات هرزه درائی خود روسها بدست می ارد. پیش ازین نیز دیده بودیم که روسها درخصوص حرکات عسکرئی خودشان که پنهان داشتن آن خیلی اهم والزم بود پیش از وقت اشاعه میکردند. از جمله در (۲۳) وم جون پارسال چار روز پیش از حرکت خروجی که امیرال (ویت هفت) میخواست از (پورارتور) اجرا بکند از طرف نظارت بحریهٔ روس به اخبارها اعلان شده بود که خسارات دسته کشتی جنگی (پورارتور) برطرف شده، وضایعات آن اکمال گردیده ودرین روزها در زیر قوماندانئی امیرال (ویت هفت) بسوی (ولادیوستوق) بحرکت مهیا

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 28 of 310

می باشد .

نتیجهٔ این نشر حوادث چه شد ؟ همین شد که قوماندانهای ژاپان بمجرد یکه این را خبر شنیدند همهٔ دستهٔ کشتیهای جنگی خود را در پیشگاه (پورآرتور) جمع آورده بخروج دستهٔ کشتیهای جنگی روس انتظار کشیدند .

جنرال (غربیه نیرغ) و دیگر قوماندانهای نول غند مجورنی روس نیز هم چنین بعضی حوادث و معلومات عسکریه را پیش از وقت نشر کردند و نتیجه های وخیم آنرا برای العین مشاهده نمودند . این گونه پیباکی و بی دقتی مطبوعات روس درباب نشر حوادثی که پنهان داشتن آن ضروری دیده میشد الحق که شایان حیرت است .

یکچند وقت محررهای روس این خطاهای خود شانرا دانسته فقره هائیکه برای دشمن فایده رساند ننوشتند . اما این تقیدات احتیاطکارانه شان بسیار دوام نورزید ، مطبوعات ، ومأمورین روس باز در وقتی که جان مسئلهٔ حرب میبود از اول بدتر به نشر حوادث و معلومات پرداختند .

مثلا درین اوقات باز (روس) نام اخبار روس در نسخهٔ (۱۴۲) وم خود از یك مادقاتی که باز ناظر بحریه کرده بود بحث رانده نشر نمود که : (سر قوماندان) دستهٔ کشتی جنگی روس امیرال (روژه ست ونسکی) بیمار است ، وپیش از انکه از (لیباو) حرکت کند مرض کرده دردی او خیلی شدت کرده بود ، و در اثنای این چنین یك سفر دور و درازی که او در پیش گرفته البته خیلی خسته و مانده خواهد که این حال یك نتیجهٔ وخیمی حاصل خواهد کرد .»

بعد از یك کمی باز همین اخبار از بیماری امیرال (فه لکرسام) که بعد از (روژه وه نسکی) جانشین اوست بیانات نشر نمود این امیرال (فه لکرسام) دستهٔ کشتی جنگی زره پوش دوم روس را قوماندهٔ میکرد . پس این حوادث برای ژاپانها تا چه

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 29 of 310

درجه فایده‌مند شدن ان امرا شکار یست .

حال انکه اخبار روس تنها به اینهم اکتفا نورزیده اینرا هم علاوه مقال نمود که : «بسببی که دستهٔ کشتی های جنگی روس در آب های (ماداغسقار) یعنی در منطقهٔ حاره بسیار مدت اقامت کرده اند تنها امیرال (نه لکر سام) نی بلکه همه امرای عسکریه احوال شان مختل شده است .»

ازین بیانات اخبار روس معلوم میشود که احوال صحیهٔ دسته کشتیهای جنگی روس که برای زدو خورد امیرال (توغو) میرود سراسر مختل است . اخبار روسی هنوز بهتر ازین حوادث نیز نشر کردن گرفت : مثلا نوشت که اصل مقصد سر قوماندان روس و وظیفهٔ یگانهٔ او همینست که دستهٔ کشتی های جنگی را به (ولاد یووستوق) ببرد ؛ و بعد از انکه به آن بندرگاه مواصلت کند (روژه‌نست وه‌نسکی) وظیفهٔ ماموریت خود را گویا تمام کرد . لهذا او پس برخدمت خود که ریاست ارکان حربیهٔ بحریه است عودت میکند .

(روژه‌ست وه‌نسکی) درینوقت تنها روح دستهٔ کشتیهای جنگی ، بلکه روح امیدهای تمام ملت روس است . پس درچنین دورهٔ بحران آمیز محاربه ، مطبوعات روس دربات احوالات مهمهٔ او اینگونه نشر حوادث کردن حقیقتاً شایان حیرت است .

هرگاه مأمورین عسکریه ، ومحررین ملکیهٔ روس درباب دانستن اینکه این گونه نشر حوادث برای خود شان چقدر مضر و برای دشمن شان چقدر نافعست درفن حرب بحری لاعلی التعیین یك اثر و تألیف ارباب این فن را مطالعه میکردند برای شان خیلی بهتر میشد .

بعد از سواحل هند چینی ، (روژه‌ست وه‌نسکی) مجبور بود که حرکات خود را برای خدمتی که ازو منتظر است تنظیم نماید سر از نجا ، و می الیه به اینده

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 30 of 310

صورت حرکت کرده میتوانست :

یکی آنکه یك قسمی از دستهٔ کشتی های جنگی خود را فدا کرده، و هرچه باداباد گفته براستقامت (ولادیووستوق) برای خود یك راهی کشادن ، و بعداز آنکه یکبار به این اس الحرکات بیاید در انجا به اجرا کردن بعضی حرکات بحریه نو نوی آغاز کردن .

دیگر اینکه پیش از آنکه به بندرگاه (ولادیووستوق) برسد بر دشمن پیش رفته ، و با آن یك محاربهٔ قطعیه اجرا کردن .

در صورت اول ، بی آنکه بادشمن برابر بیاید اگرچه بفدا کاری بسیار بزرگی هم باشد عبارت از یك تجربهٔ درباب رفتن (ولادیووستوق) شمرده میشد .

شبث دوم بریك تفوق قوت موقوف بود . بهردوصورت مسئلهٔ زغال درینباب یك عنصر مهمی تشکیل مینمود که از وقایع جریان یافته بخوبی معلوم میشود که امیرال (روژه ست وانسکی) بدرجهٔ کفایت زغالرا مالك بود .

ما حالا از ین صرف نظر کرده بسوی پلان و نقشه (توغو) به بینیم :

هیچ شبهه نیست که امیرال ژاپانی بر ین یك قرار داده است که به استقبال دستهٔ کشتی های جنگی روس نرود ، و اورا در امیکه میگذرد انتظار بکشد .

برای رفتن (ولادیووستوق) از بهر گذشتن دستهٔ کشتی های جنگی روس سه گذرگاه موجود بود :

یکی آبنای (چوشیما) ؛

یکی آبنای (چوغارو) ؛

یکی آبنای (په روز)

این دو آبنای آخرین برای دستهٔ کشتی های جنگی روس کار آمدنی نبود، زیرا دستهٔ کشتیهای جنگی برای رسیدن تا به آنجا بصرف کردن مقدار بسیاری

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 31 of 310

از زغال خود مجبور میگردید. دیگر اینکه این دو آبنا برای ژاپانها نیز چندان خوب نبوده. چونکه ژاپانها از بندرگاههای خودشان خیلی دور میانداخت. لهذا یگانه بیرامیرال (توغو) همین بود که در نزدیکی بندرگاههای عسکری خود بادشمن محاربه کند. واز ینسبب آبنای (چوشیما) برای امیرال ژاپانی یك دار المصادمهٔ بسیار مکملی تشکیل مینمود.

امیرال (توغو) درطرفهای آبنای (چوغارو)، و (پهروز) دو کشتی که با آلات تلگراف بی سیم مجهز بود فرستاده بود که اگر خط حرکت دسته کشتیهای جنگی روس را به آنطرف ها ببینند هماندم سریعاً باو خبر بدهند. ودر انوقت بسرعت تمام باهمه قوت خود به آن آبناها رسیده بتواند.

جزیرهٔ (چوشیما) آبنایی را که بهمین نام موسوم است بردو قسم غیر مساوی تقسیم کرده است. قسم شرقی آنراه خیلی واسعتر است (آبنای قوره)، وقسم غربی آن راه تنگتر است (آبنای بروقنون) میگویند.

وقتیکه به (آبنای قوره) داخل شود، در مدخل این آبنا و بر ساحل جزیرهٔ (مینیون) به یکی از بندرگاهها یعنی لنگرگاههای مهم ژاپونیا تصادف میشود که آنهم عبارت از بندرگاه (ساسه بو) میباشد، و یکقدری بجهت جنوبی آن، بندر (ناغازاکی) واقعست. که این هردو بندرگاه بسی حوضهای کشتی سازی و آلات وادوات تعمیرات کشتیها را مالك میباشند. در یك کنار دیگر این آبنا یك بندرگاه عسکری بزرگ دیگری موجود است که آن را (بندرگاه کوره) میگویند. درمخرج این آبنا (مه جورو) نام یك بندرگاه عسکری دیگری نیز موجود است.

آبنای (بروقنون) اگرچه بندرگاههای عسکری ندارد لکن در وقت حرب بندرگاههای (فوزان) و (موزامپو) را یك یك اس الحرکات برای خود میتوانند گرفت. ژاپانها این بندرگاهها را برای همین مقصد بدقت تمام ترتیب و تنظیم کر

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 32 of 310

ده اند. وچون هنوز برای ساختن حوضهای بزرگ کشتی سازی درینجاها وقت وفرصت نیافته اند، ولی بازهم برای آنقدر تعمیراتی که کشتیهای بزرگ خودرا تابدیگر بندرگاههای بزرگ رسانیده بتواند، وکشتیهای کوچك درا نجابخوبی تعمیر بشوند حوضهای کوچك بوجود آورده اند.

انست که امیرال (توغو) بنابرین فوائدومحسنات همین آبنارا برای دستهٔ کشتی جنگی خود کمینگاه اتخاذ کرده، وگذرگاه دستهٔ کشتیهای جنگی روس را نیز به آمو گردانیهای که میدانست برهمین راه برابر کرده است.

مع هذا بسیار مردمان این فن، این بی حرکتی، وعدم تشبث طوریدو های ژاپان را بنظر حیرت وتعجب میدیدند، ومیگفتند که: اگر این طور پیدو های خودرا امیرال (توغو) درفراخنائی های جزیره های (فورموز) و(په سقادور) بحرکات بحری سوق میکرد درفتار وحرکات دستهٔ کشتی جنگی روس راخیلی سکنته دارمیتوانستند.

وبعضها این سکوت معنداته، ویااین قرار عالمانهٔ امیرال ژاپانی را چنین تفسیر کرده میگفتند که: سرقوماندان دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان برای آنکه تا وقت حملهٔ قطعی نرسد دشمن خودرا برموجودیت خود آگاهی نمی بخشد، و قوای حربیهٔ خود را مانده نمیکند لهذا ازجزو تامهای خودهیچ یکی رابه استقبال دشمن نفرستاده است.

فی الواقع که پلان امیرال (توغو) همین بود که محاربه رادردیگر جائی بلکه دریك محل معینی که تصور کرده است اجرا نماید. مشارالیه برین پلان خودموفق آمده، وازان فوائد عظیمی بدست آورده که بعدازین به تفصیل ازان بیان می شود. اماقبل ازانکه به تفصیلات این محاربهٔ خونریزانهٔ (چوشیما) آغاز کنیم یکقدری ازاحوال خصوصیهٔ محاربات بحریه، وفرق آن بامحاربات بریه اگر بحث رانده شود ازفایده خالی نخواهد بود.

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 33 of 310

فرق درمیان محاربات بریه وبحریه

اول یکبار این را باید دانست که تصادف دودشمن در بحر، وپیدا کردن همدیگر خودرا خیلی مشکل یك کیفیتیست .

در خشکه انسان همیشه میداند که دشمن خودرا درکجا خواهد یافت؛ حالآ نکه در بحر کار اینچنین نیست . اگرچه بوقوع آمدن محاربه که در فلان محل وفلان موقع خواهد بود کشف واستدلال میشود اما معنای حقیقتی ان دایما در پردهٔ مجهولیت میماند . مثلا رو سهاباین یك، میدانستند که پاناهاربه را در نزدیکتی بندرگاههای خودشان اجرا خواهند کرد . زیرا فایدهٔ شان درهمینست . ولی باین نمیدانستند که محاربه آیا محاربهٔ در (۲۵) میل یا (۵۰) میل درشمال؛ ویا بهمین قدر مسافه درجهت جنوب این بندرگاهها بوقوع خواهد آمد؟

اهمیت این هردوحال در نزد روسها یکی بود . اما چیزیکه انهاازان میترسیدند کیفیت اجرا شدن محاربه دریك ابنای تنگی بود . زیرا دربحرهای بازو آزادموضعهای فایده مند وبیفایده موجود نیست . بلکه معنای صحیح (موضع) هم موجود نیست . چونکه دستهٔ کشتی های جنگی که درمقابل همدیگر هستند ازحرکت کردن ، ومانوره نمودن یك آن خالی نیستند . واین مانوره هانسبت به حرکات ومانوره های خشکه بسرعت وسهولت دریك مقیاس بزرگی اجرا میشود . مثلا اردوهای بری درحالتیکه درروزی از (۱۰ تابه ۳۰) فرسخ مسافه قطع میتوانند ، دستهٔ کشتی های جنگی بحری درروزی از (۳۰۰ تابه ۵۰۰) فرسخ قطع میکنند . وهم درراهیکه میان بحر می پیمایند هیچ اثر قدم خودرا هم نمیگذارند که دشمن بحرکت آن پی برده بتواند برای این کیفیت تاریخ حرب یامثال های بسیاری نشان میدهد که یك دستهٔ کشتی جنگی درپی دیگر دستهٔ کشتی جنگی افتاده ولی همدیگر خودرا نیافته اند .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 34 of 310

مشهورترین مثالها دستهٔ کشتیهای جنگی فرانسه است که تولغند (ناپولیون بوناپارت) را یکعصر پیش ازین نقل میداد ، و در حالتیکه بحر سفید را از یکسر تا بدیگر سر به پیمود دشمن به آن تصادف نتوانست نمود .

امیرال (نه لسون) انگلیزی از بسیار وقتها در فراخناهای لنگرگاه (طولون) خروج دستهٔ کشتیهای جنگی فرانسه را انتظار میکشید . اما این دستهٔ کشتیهای جنگی یك روز یکه طوفان بسیار شدیدی ظهور نموده بود و امیرال انگلیزی از بندرگاه بمجبوریت دور شده بود فرصت خروج را یافته بود .

بعد از چندروز (نه لسون) خبر گرفت که یکقطعه عسکری فرانسه در جزیرهٔ (مالطه) بیرون برامده است ، و آنوقت خبر شد که (بوناپارت) ببحر سفید برامده است . بنابرین مومی الیه هماندم درعقب آن براه افتاده دستهٔ کشتیهای جنگی فرانسه را جستجو کردن گرفت و در (۲۸) جولائی به (اسکندریه) رسیده . زیرا میدانست که فکر استیلاجویانهٔ (ناپولیون) عبارت از گرفتن قطعه (مصر) است . ولی چون در انظر فهامیچ علامهٔ از دستهٔ کشتیهای جنگی فرانسه نیوفت دوچار ردشده باز برای جستجوی آن به دریا برامده .

حال آنکه یك روز بعد از حرکت (نلسون) دستهٔ کشتیهای جنگی (ناپولیون) به (اسکندریه) رسیده بی پروا عسکر خود را بخشکه براورد . آیا این کار چه سان پیش آمد ؟ به اینصورت پیش آمد که دستهٔ کشتی جنگی فرانسه بسبب که بسیار سفاین نقلیه همراه داشت آهسته آهسته راه میرفت ، و (نلسون) چون آزاد بسرعت تمام قطع مسافه مینمود . حتی وقتیکه به اسکندریه می آمد از پهلوی دستهٔ کشتی های جنگی فرانسه گذشته بود اما بسبب دمهٔ شدیدیکه به تصادف ظهور نموده بود همدیگر خودشان را ندیدند .

مع هذا در نجاتها کیفیت دمه مانع ندیدن دو دستهٔ کشتیهای جنگی بهمدیگر

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 35 of 310

شان نمیشود. بلکه تاریکی شب نیز راههای مختلف برای دو دسته کشتی های جنگی پیدا میکند که همدیگر خود شان را دیده نتوانند.

دیگر اینکه در خشکه بسیار وقتها میشود که دو اردو ماهها به ترصد هم دیگر مشغول ماند، یك محاربهٔ عمومیه در مابین شان بوقوع نمیآید. حال آنکه در بحر بمجرد یکه مخاصمین باهمدیگر برابر آمدند هانوقت با همدیگر بمحاربه آغاز میکنند.

در محاربهٔ بحریه یك خصوصیت دیگری هم هست که خیلی شایان دقتست و آن اینست که در محاربات بحریه سر امیرال و ارکان حربیهٔ او دایما به تهلکهٔ مردن و یا مجروح شدن معروض میباشند.

حالا آنکه در خشکه سر اسر کار دگر گونه است. چونکه در خشکه سر قوماندان هیچگاه بالذات به آتش دشمن معروض نمیشود. و اگر در داخل دایرهٔ آتش دشمن در اید برای سر قوماندان یك قباحت بزرگی شمرده میشود.

در (تاریخ محاربات اقوام) به بسیار قوماندانهای تصادف میشود که نا به قطعات خط پیش داخل شده برایگان خودرا بقتل رسانیده اند. حالانکه اینحرکت آن سر قوماندان ها یك فضیلت نی بلکه یك خطا و نقصان عظیمی برای شان بار اورده است.

در ین محاربهٔ اقصای شرقی جنرال قونت (که للر) نام روسی نا به یك نقطهٔ تهلکه ناکی پیشرفته خودرا برایگان تلف ساخت که اینهم یك مثال نوی برای اینگونه قوماندانهای بیمغز تشکیل میدهد.

آتشه میلیتر المانی که حرکات نول غندروس رادر (مانچوری) تعقیب میکرد جنرال (قوروپاتکین) رابسببی که قرارگاه عمومی خودرا نزدیك جبهه بیك وضعیتی وضع کرده بود شایان اعتراض و توبیخ دانسته بود. وبالعکس طرز حر

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 36 of 310

کت ماره شال (اویاما) را که قرارگاه عمومی خود را در بسیار عقب جبههٔ محاربه وضع کرده بود، وازروی رایورهائیکه ازقوماندانها میامد ماشد انکه شطرنج بیازد برروی خریطه مانوره های محاربه را بواسطهٔ تلگراف وتلفون اجرا واداره مینمود تحسین وافرین کرده است.

درحقیقت حال نیز همچنین است که یك سرافسرکل صورت حرکت ومعاملهٔ اودرمیدان محاربه همین طور باید بود.

دیگر اینکه درمیدانهای محاربهٔ بریه جنرالها وقوماندانها نادراً ویاتصادفاً مقتول ویامجروح میشوند. وسرقوماندان هرگاه قضاءً درمحاربه کشته شود هماندم جانشین او موجوداست، چونکه درهیئت اویك هیئت ارکان حربیه بزرگی موجود است.

حال انکه دربحر حال ووضعیت سراسردگر گونه است زیرا سرامیرال با همهٔ هیئت ارکان حربیهٔ خوددریك کشتی بسوارشدن مجبوراست که ضایع شدن این کشتی موجب ضیاع سرامیرال وهمهٔ ارکان حربیهٔ اومیشود. چنانچه در (پورارتور) برسرکشتی (پتروپاولوفسق) امد.

سرامیرال دربحرداعما درزیرتهلکهٔ تاثیرآتش دشمن معروضست. حتی از همه طایفه های کشتی خود بیشتردرزیرتهلکه میباشد. زیرا ظایفه ها را کثر شان دردایرهٔ ماشین وجاهای مستورتر میباشند. حالانکه امیرال برای قوماندهٔ دستهٔ کشتی جنگی دایما برسرپل کشتی باید ایستاده باشد. بنابرین هرگاه درمحاربات بحریه تلف شدن بسیاری ازامیرالها دیده شود دوچار حیرت نباید شد. مثلادرین حرب بعدازکشته شدن امیرال (ماقاروف) امیرال (ویت هفت) کشته شد که هیچ شایان تعجب نیست. درمحاربات بحریه وقوعات دایما همچنین امده ورفته است. صورت تلف شدن امیرالهای مشهوردنیامانند (رویتر)، و(نلسون)

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 37 of 310

نیز بهمینصورت بوقوع امده است .

افسران ارکان حربیهٔ بحریه نیزیادر (بلوقهاوز) ویارسرپل قوماندائی کشتی هابامیرال یکجامیباشندکه درتهلکهٔ دایمی معروض هستند . چنانچه در (۳)ومماه جولایی یك گلهٔ بزرگی ۵ ازطرف دشمن بر کشتئی (سه زار و پنج) کفید چنانچه امیرال (ویت هفت) مقتول شدهمه افسران ارکان حربیه را نیز مجروح نمود .

دیگر اینکه چون امیرال کشته شود، قوماندائی را بدیگر قوتر امیرالهائیکه در دیگر کشتی باشدحواله وتودیع کردن نیز خیلی مشکل یك کیفیتیست . زیرا این کیفیت تنهابیك اشارتی اجرا میشودکه علی الاکثر ان اشارت هم با گله های طوپ دشمن خراب شده میباشد . درروز (۱۰) هم اگست درو قتیکه برنس (وختومسکی) قوماندائی دستهٔ کشتی های جنگی روس رادرعهده میگرفت عین همین حال بوقوع امده بود . در تاریخ اسفار بحریه درخصوص بسی مثالها ذکر کرده میتوانیم .

دیگر اینکه سر امیرال هر چیزی رابلذات بایدبه بیند ، وبداند ؛ ونظر به اوضاع مختلفهٔ محاربه کهبیك سرعت بزرگی تبدل وانقلاب میورزدلحظه بلحظه بدادن اوامر متنوعه مجبور است . وبعضی وقتها میشودکه باشارتهای مخصوصه کیفیت دادن اوامر ممکن نمیشود . پس درچنان اوقات امیرال میبایدکه بواسطهٔ حرکات کشتی خود امر های خود را بکشتیهای معیت خود بفهماند . لهذا کشتئی سوارئی امیرال همیشه درپیش روی همهٔ دستهٔ کشتی های جنگی باید رفتار نماید . وازینسبب بایدسرامیرال بیرق خودرا بربهترین وقوتمندترین کشتیهای خودبرافرازد . وازینست که امیرال (توغو) بیرق خودرا برکشتئی (میقازا) ۵ بهترین کشتیهای دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان ؛ وامیرال (روژه ست

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 38 of 310

وه نسکی) در نیمحاربه بیرق خودرا بر کشتی (قیناز سواروف) ۵ بهترین کشتی دستهٔ کشتیهای جنگی روس بود برافراشته بودند .

والحاصل در محاربهٔ بحریه ، سفینه امپرال دایما در زیر تهلکهٔ عظیمی معروض است . وقسم اعظم گلهٔ هایران جمع وتوحید میشود . تابحال در نیمحاربه ها ژاپانها بمحو کردن سفینه های امپرال روس موفق وکامیاب آمده اند . به بینیم که بعد ازین چه میشود . آیانوبت فلاکت در نیبار بر سفینهٔ (میقازا) یابر کشتی (قیناز سواروف) توجیه خواهد کرد ؟

* * *

خبرهای آخرینی که از اقصای شرق آمده چنان معلوم میشود که (روژه ست وه نسکی) بدرازنی ساحل شرقی جزیرهٔ (چوشیما) به آبنای (قوره داخل) شده است این خبر چنان معلوم میشود که راست باشد . زیرا بندرگاه (تاکاریکی) بسمتی که به آبنای (بروقنون) متوجه است اگر دستهٔ کشتیهای جنگی روس ازانجا بگذرد از دو جهت باطور پیلهای تحت البحر ، وطور پیدوها تهدید میشود . امادر آبنای (قوره) از یکطرف به این تهلکه درزیر تهدید نمیماند .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 39 of 310

(محاربهٔ میدان بحری در چوشیما)

تلگرافهایی که از هرطرف می آید ؛ از آغاز یافتن محاربهٔ عظیمهٔ که از بسیار زمانها همه عالم به انتظار آن بودند خبر میدهد ! این محاربه در آبنای (قوره) بوقوع آمده است .

امیرال (توغو) پلان ونقشهٔ که در باب تاجهای مظفریت دستهٔ کشتی های جنگی خود ، وفلاکت و ادبار دستهٔ کشتیهای جنگی روس از بسیار وقتها کشیده ، وازما هاماهها بکمال صبر ومتانت به پنهان داشتن آن کامیاب آمده ، وعالم رابه این اعمال خود حیران ساخته ؛ اینست که درینوقت بکمال حشمت وجلال بمیدان میبراید .

دستهٔ کشتیهای جنگی روس بردوقول بسرعت ساعت (۱۰) میل راه پیمایی داشتند . قول راست که درزیر ادارهٔ خودامیرال (روژه ست وه نسکی) بود مرکب از (۷) قطعه زرهپوش ، و (۱) قطعه کروواز ور زرهپوش بود . زرهپوشها عبارت ازین کشتیها بود: (قیناز سواروف) سواری خودامیرال . (الکساندردوم) ؛ (بورودینو) ؛ (اوره ل) ؛ (اوسلی یابیا) ؛ (سصویی) (ناوارین) ، قوماندان دسته های کشتی کروواز ورزرهپوش (امیرال ناقیموف) بود .

قول دوم عبارت ازین کشتیها بود: زرهپوش (نخستین نیکولا) سواری امیرال (نه بوغانوف) درپیش روی قول مذکور میرفت . درعقب آن (جنرال آپراقین) ، و (آدمیرال سه نیاوین) ، و (آدمیرال اوشاقوف) نام سه قطعه کشتیٔ محافظ ساحل ؛ و (اوله غ) ، و(او روزا) نام دو قطعه کرو

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 40 of 310

وازورهای محفظه دار ؛ و (دیمتری دونسقوی) ، و (ولادیمیر مونومواق) نام دوقطعه کرووازورهای زرهپوش میآمدند .

درمابین این دوقول ویکقدری عقب تر :(انادیر)، و(ایرتش)، و(قامچی تقا) ، و(قوزه) ، و(روس) ، و(سویر) نام کرووازور معاون حرکت میکردند . و(اورال) نام کرووازور بزرگ نهایت قول را تشکیل میداد .

کرووازور(سوییه تلانا) ، و(ژه مچ.غ) ، و(آلماز)، و(ایزدسرود) نام سفینه هابرای خدمت کشف در بغلهای قولهارفتارداشتند .

(مخرب طوربیدوها) نیزدر جوارزرهپوشهامیبودند .

درشب(۲۷)م ماه ؛ تلگراف های بی سیم بهدستهٔ کشتی های جنگی روس نزدیك بودن فاین حربیهٔ ژاپان را خبرداد !

هنگامیکه شفق سرزدهواخیلی غبار آلود،ودمه داربود ، دیدن یکچند میل به آنطرف ممکن نمیشد ! باد ازسمت جنوب غربی بشدت وقوت تمام میوزید .بحرخیلی مواج بود .زرهپوشهابسیارمی جنبید .

این طپش ولرزش، ازطپیدن ولرزیدن دلهای افراددوملت،مسلحه درین آن خبرمیداد! اصل نقطهٔ جانداراین محاربهٔ روس وژاپان درهمین جاست . دو دشمنی که ازماهها بملاقات خونریزی همدیگرخودمنتظر، وتاحال بهیچ صورت خودرا ملاقی نمیشدند اینست که درینوقت : «چه خوش باشد که بعد از انتظاری » به امیدرسد امیدواری ! » گفته بامدهشترین اسلحهٔ که قوهٔ اختراع بنی نوع بشربرای محوو هلاك همدیگر خود درینعصر حاضر بروی کارآورده در میدان مبارزه برای خون ریزی مهیاشده اند. درین بحرمواج ازخون هائیکه بریزد موجهای سرخ آتشینی محصول میآید ! امیدهای ظفر که ازبسیار وقتها دردلهای متردد ومتهیج دوقوم بسیار بزرگ بطغیان

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 41 of 310

آمده باجدید ترین سلاحها و مد هشترین آتشهای مدنیت حاضره امروز آخر به یکی ازاین دونتیجه منجر میشود :

مظفریت ؛ مغلوبیت ! ...

ساعت (۷) بود که دراستقامت طرف راست روس (ایزومی) نام سفینهٔ کشاف ژاپانی پدیدار شد. این کشتی بعداز انکه یکچندی دستهٔ کشتی های جنگی روس را بخوبی از نظردقت گذرانید یکی یکبار درمیان دمه‌ها درافق از نظر نهان گردید .

بساعت (۱۰) وقتیکه دستهٔ کشتیهای جنگی روس به برابرنی (ایکیشیما) رسید ؛ درپیش روی چپ آن یك لوی غند کرووازورهای دشمن ظهور نمود؛ ودر طرف راست نیز یکچند سفینهٔ محافظ ساحل نمایان شد . این لوی غند های ژاپان را روسها باطمطراق استقبال کرده ، وبا آن تماس خودرا دایما محافظه کرده یکسر براستقامت شمال شرقی بحرکت خوددوام ورزیدند .

امیرال (روژه ست وه نسکی) در اثنائیکه بقسم شرقنی آبنای (قوره) داخل میشد زرهپوش (اوسلی بابیا) ودوزرهپوش دیگررا که درعقب آن بود بطرف سرقول چپ خود گذرانید. بهاینسبب تول غند بحرنی او بردوقول بسیارغیر مساوی ترتیب یافت . قول راست تنهااز چهارزرهپوش مرکب بود که یك فرقهٔ متجانسهٔ تشکیل میداد؛ قول چپ از (۱۱) قطعه سفاین حربیهٔ مختلفهٔ ترکیب یافته یك قول بسیار درازی تشکیل شده بود .

اینست که دستهٔ کشتی های جنگی روس بااین نظامیکه دانسته نمیشود که چسان نظامست بمحاربه پیش میرود. درین اثناده برطرف شد .دستهٔ کشتی های جنگی ژاپان را که بسرعت ازطرف شمال پیش میآمد بمیدان براورد .

امیرال (توغو) برای آنکه حرکات دشمن خودرا روزبروز خبر بگیرد

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 42 of 310

درمابین ساحلهای (قوره) و(ژاپونیا) برای ترصد و دیده بانی از سفاین کروا زورهای معاون خود دو خط وضع وتشکیل داده بود .

در روز (۲۷) ماه می بوقت ساعت (۵) صبح (شیانومارو) نام کروا زور معاون ، از اقسام خط خارجی ؛ پدیدار شدن دستهٔ کشتی های جنگی روس را اشارت داده . وهم فهمانید که دستهٔ کشتی های جنگی دشمن چنان معلوم میشود که از قسم شرقی آبنای (قوره) براستقامت شرقی شمالی بگذرد . ساعت (۷) سفینه (ایجومی) که در جناح چپ خط دوم ترصد بود ؛ این خبر (شیانومارو) را تصدیق وتأکید نمود .

دستهٔ کشتی های جنگی روس درین اثنا (۲۵) میل در شمال غربی (ایکیشیما) رسیده بود . لوی غندهای کروازور معاون ژاپان برای کشف وتحقیق کردن آن در حال به استقبال شان دویدند . امیرال (توغو) با زرهپوشها و کروازور های زرهپوش خود از اس الحرکات خویش که از بسیار زمانها در آن پنهان نشسته بود بیرون برامد ، واز شمال (چوشیما) گذشت ، وهمه قوای حربیه خود را بخود جذب وجلب نموده در شمال جزیرهٔ (قوجو) کمین گرفت .

بحر خیلی مواج بود ، طورپیدوها ، ومخربها بسیار زحمت میکشیدند امیرال (توغو) دانست که این هوا برای استعمال این سفینه های کوچك غیر مساعد است . لهذا برانها امر کرده که بخلیج (میورا) التجا ببرند ولی این امر بهمهٔ طورپیدوها واصل نشده . از اینرو بقدر دو لوی غند طورپیدو با کروازورهائیکه به آن مربوط بودند رفاقت کردند . از ساعت یك (٤٥) دقیقه گذشته بود که امیرال ژاپان به دستهٔ کشتی های جنگی خود این اشارت را داد که : (سلامت ، ویا فلاکت امپراطوری ژاپان به نتیجهٔ این محاربه تابعست . لهذا هر کس از هر وقت زیاده شدت ولیاقت خود را در این وقت بمیدان باید برارد !) بعد ازین اشارت ؛ دستهٔ

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 43 of 310

کشتی های جنگی جسیم ژاپان مانند کوه های سیاری که بتأثیر زلزله بحرکت آید به یکباره گی جنبش نمود .

دستهٔ کشتی های جنگی (۱)م . و(۳)وم که در عقب همدیگر بریك خط مرتب براستقامت جنوب شرقی ره پیمایی اغاز نهاد . دستهٔ کشتی های جنگی نخستین درزیر قوماندهٔ خود امیرال (توغو) ازین کشتیها مرکب بود: (میقازا ؛ شیکی شیما ؛ فوجی ؛ اساهی) زرهپوش . (قازوغا ؛ نیشین) کروازور های زرهپوش .

دستهٔ کشتیهای جنگی سوم درزیر قوماندهٔ امیرال (قامیمورا) ازین کروازور های زرهپوش مرکب بود: (ایجومو ؛ ایوآتا ؛ یاقومو ؛ اچوما ؛ ازاما ؛ توکیوا)

سفینهٔ امیرال ، یعنی (میقازا) سفاینی را که درعقب خود داشت درپی خود کشیده بصورتیکه پیش روی هردو قول دستهٔ کشتی های جنگی دشمن را بگیرد بسوی شرق تبدیل استقامت نمود . این دو دستهٔ کشتی های جنگی ژاپان باینصورت قولهای روس را درزیر آتش شدید طوپ گرفته ، وراه را بران سد کرده دستهٔ کشتی های جنگی روس را سراسیمه ومتحیر ساخت .

مانورهٔ (توغو) خیلی درخشان بود ! کشتی های زرهپوش (اوسلی یابیا) و (قیناسوآروف) رابدرجهٔ مرگ زده وزخمی نمود که دوباره خود را جمع ستوانستند . تفصیل ان به اینصورتست که (اوسلی یابیا) بسببی که از قوماندان کل هیچ یك امری نگرفته بود یکسر ازپیش روی دشمن به پیش روی خود دوام ورزیده ازمسافهٔ غیر معین برخصم خود آتش کشاد .

در اول امر ژاپانها به آتش وجواب ندادند . بعدازان از مسافهٔ (٦٠٠٠) متره برین سفینهٔ بدبخت یك آتش بسیار مهلکی کشادند . بنابرین این کشتیٔ روس در زیریك طوفان اهن مذاب شده بطرف راست روی خودرادور

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 44 of 310

داد . این دو رییك سوق طبیعی بوقوع آمده بود . چونکه همه ضربه های که به آن آماج شده بود از طرف چپ رومی آمد . و چون هرچه به آن طرف نزدیك شده میرفت به آن قول دیگر تقرب میورزید .

امیرال (توغو) سریعاً بر راهیکه داشت دوام ورزیده در حال به برابری قول دوم واصل شد . ودستهٔ کشتیهای جنگی نخستین آن آتش خود را بر کشتی زرهپوش امیرال (قیناز سواروف) جمع وتوحید نموده اینهم مانند رفیق خود (اوسلی یابیا) بطرف راست تبدیل جبهه کرد .

به اینصورت ؛ محاربین باهمدیگر بردو خط موازی برابر آمدند اما خط ژاپان در یك انتظام حقیقی ، و همه کشتی های آنها متحداً اجرای حرکت میکردند ، خط روس از حالا یك بی انتظامی بزرگی نشان میدادند . از جملهٔ سفاین حربیه یکی دیگرشان را تعقیب نمیکردند . دیگر اینکه مسافه که درمابین جزوناتها اصولاً موجود بودن آن لازم می آمد خیلی تبدیل یافته بود .

در کم وقت این ابتری وبرهمی در میان دستهٔ کشتیهای جنگی روس تزاید وافزونی گرفت . زرهپوش (اوسلی یابیا) باهمه معنای حقیقی آن بحال یك غرقابی درآمده بود . وبا این حال آتش بزرگی نیزدران شعله ور گردید . این کشتی هر قدرکه برای شتاب کردن برجای خود کوشش ورزید هیچ فایدهٔ نه بخشید . لهذا بالضروره به برامدن ازخط مجبور گردید .

در ین اثنا دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان کوشش میورزیدند که بازبسو قولهای خط روس که بسرعت بسوی راست افتاده بودند تقرب ور زند ، وباز آنها را درمابین آتش دوطرفه بگیرند .

به اینصورت دوخط محاربه که بفاصلهٔ (۳۰۰۰ تا به ۴۰۰۰) متره جدا جدا حرکت میکردند یك یك دایرهٔ قوسی متحدالمرکزی ترسیم میکرد که

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 45 of 310

این وضعیت برای ژاپانها موجب تفوق مهمی میگردید ، وبسبب وسعت و امتداد خط روس ؛ ژاپانها در اثنای ترسیم این قوس دایره بمقابل کشتیهای اول روس افتاده بودند .

بحقیقت که این کشتیهای اولین روس خیلی زحمت میکشیدند نهایت بعد از سه ربع ساعت که محاربه دوام یافت سفینهٔ (الکساندر سوم) بربغل چپ خوابیدن گرفت . کشتیٔ (قیناز سواروف) نیز درمیان یك دود بسیار کثیف وغلیظی پیچیده شده بود . ماندم این دو کشتی بخارج خط حرب افتادند .

در دیگر سفینه های روس نیز حریقها طهور کرده بود . دودی که بادغربی آنرا همیراند میدان محاربه راسراسر سیاه گردانیده بود .

در جهت ژاپانها سفینهٔ (قازوغا) سه طوپ خود راضایع کرده بود . کشتی (آزاما) نیز زخمهائیکه درخط آب خود برداشته ، وخرابیهائی که در سکان آن هم رسیده بود از انسبب به ترك کردن موقع خود که در خط حرب داشت مجبور گردید . امابعدازکم وقت کشتیبانان ماهر ژاپان به تعمیر آن موفق آمده باز بخط حرب داخل شد . دیگر سفینه هانسبتاً کمتر دوچار خسار شده بودند .

درظرف کمتر از یکساعت از کشتیهای قوتمندترین روس سه قطعه زرهپوش بیك حال خارج از محاربه مانده بود . دیگر سفینه ها چون از آمر خودشان که بر کشتی (قیناز سواروف) بود محروم مانده بودند از طرف سفینهٔ زرهپوش (بورودینو) سوق وادار میشدند .

بعدازین دستهٔ کشتیهای جنگی روس بجزاینکه از نظر دشمن خود را پنهان کنند واز دایرهٔ تأثیر آن بخارج برایند دیگر مقصدی برای شان نمانده بود . ساعت (۳) بود که سر قولهای هردو خط محاربهٔ قوسیاره بدرجهٔ که حس شود به جهت جنوب شرقی متوجه شده بودند .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 46 of 310

درین اثنا یك طبقهٔ کثیف دمه میدان محاربه رافرا گرفته هردو مخاصم را از همدیگر شان سترنمود. (توغو) که درینبار مهمات وجبه خانهٔ خودرا به اداره وسرفه جوئی صرف کردن میخواست درحال آتش خودرا قطع نمود. سفینهٔ (بورو دنیو) ازین فرصت استفاده کرده برای جمع کردن سه زرهپوش از خط خارج مانده، وبرای پیدا کردن امیرال خودیکی یکبار بسوی شمال برگشت. اماچون یکقدری دمه برطرف شده بود هاندم ازطرف ژاپانها دیده شد. (توغو) نیز درحال دستهٔ کشتیای جنگی خودرا بعقب تبدیل جبهه داده بیك وضعیت معکوسی دراورد. دستهٔ کشتیهای جنگی سوم ژاپان نیز انحرکت دستهٔ کشتیهای جنگی اول را تعقیب نمود.

قوت هردو دشمن باز سراز نو بردو خط موازی برابر آمدند سرقولهای ژاپانها بخط روس که تدریجاً بطرف چپ دور میخورد تقرب کردن میخواست.

از ساعت ۳ تا بساعت (٤) و (٤٥) دقیقه طرفین بسببی که در دیدن همدیگر بمشکلات برخوردند محاربه شدتیکه داشت تایکدرجه ضایع کرده بود. درین اثنا زرهپوش (اوسلیابیا) که ازبند کردن رخنه‌ها وخاموش کردن حریق خود عاجز مانده بود بریك بغل خوابیده آهسته آهسته غرق میشد. این کشتی درانوقت منفرد مانده بود، وبرای معاونت او (راوابی) و (بوینی تی) نام دو مخرب طوربیدو گذشته شده بود که مخرب‌های مذکور بقدر (٤٠٠) نفر مرتبات اورا رهبی داده توانسته بودند.

زرهپوش (قیناز سواروف) راشعله‌های حریق پیچانیده بود. فرقهٔ طوربیدوی (هیروزه) ازین فرصت استفاده کرده برزرهپوش مذکور هجوم برد. ولی بهاین هجوم خود موفق نگردید. زیرا زرهلی مجروح بصورت نومیدانه خودرا مدافعه میکرده و مخرب (شی حاوی) ژاپان رااز محاربه خارج نمود. بعداز یکساعت

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 47 of 310

لوی‌غند(سوزوکی) برزرهپوش مذکور هجوم نمود. وطوریکه ازطرف مخرب (آزاشی‌یو) برونداخته شدزرهپوش روس‌را درحال‌یک بغل‌بخوا بانید، وسرا سربیکارساخت.

زرهپوش (الکساندرسوم) تایکدرجه‌به تعمیرات خودموفق آمده پس بخط حرب داخلشده توانسته بود. اماچه فایده که درانوقت تول‌غند بحری روس برهم ودرهم شده، وازنظام اصلی‌خودبیرون برامده بود.

زرهپوش (بورودینو) که خیلی‌دوچارخسارشده بود دستهٔ کشتی‌های جنگی راسوق‌واداره میکرد، ولی‌رفته رفته طرف سرش‌بغرق شدن آغاز نهاده بود، بازهم خودداری‌کرده، وازدمه ودودیکه دران اثناسطح دریارا احاطه کرده بود استفاده نموده برای رهایی‌یافتن ازنظردشمن بسوی شرق به تبدیل استقامت کوشش ورزید.

دودستهٔ کشتی های جنگی‌ژاپان بازبه‌اجرا کردن مانورهٔ اول خود آغاز نهادند، ودرحالتیکه کشتی امیرال‌درپیش‌روی همه‌بودترتیبات‌طبیعیهٔ‌خودرا سرازنواحدنمود. زرهپوش(بورودینو) بطرف‌جنوب آمد. وخودرا از نظردشمن به‌پنهان‌کردن موفق‌گردید. امیرال (توغو) بی‌آنکه اورابه بیند (۸) میل مسافه قطع نمود. وبرراه خود‌بقافلهٔ کروازورهای محفظه‌دار وکروازورهای معاون برخورده انهارا براتش طوپ‌بگرفت. درین‌اثنا دانست‌که برراه غلط میرود. لهذا هماندم‌برای بجنگ آوردن‌شکار خودقوای موجودهٔ خودرا تقسیم‌نموده‌خودش‌بادستهٔ کشتی‌های‌جنگی‌اول‌بسوی‌شمال برگشت، و(قامیمورا) را باکروازورهای زرهپوش‌بسوی‌جنوب‌غربی سوق نمود.

در اثنائیکه دستهٔ کشتیهای جنگی(توغو)یکسر بسوی‌شمال‌بحرپیمای‌من

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 48 of 310

یت بود دفعتهً (اورال) نام کروازور معاون روس که بسبب دمه راه را غلط کرده بود در پیش ویش تصادف کرده در کم وقت آن را غربال آسا سوراخ سو راخ نمود ، و بعد از کمی در قعر بحر ناپدیدش ساخت .

این دستهٔ کشتیهای جنگی (توغو) در کم مدت بازبادستهٔ کشتیهای جنگی زرهپوش روس که بصورت درهم و برهم در حال فرار بودند تماس حاصل نمود . زرهپوشهای روس (٦) قطعه بودند . محاربه بازبشکل و نظام سابق آغاز نهاد از ساعت (٦) محاربهٔ طوپ در شمال شرقی آغاز نهاده تا بشب دوام ورزید . رفته رفته آتش طوپ های روس کسب ضعفیت مینمود . ژاپانها آتشهای خودشانرا برقومند ترین زرهپوشهای روس جمع و توحید کرده بودند . بعد از نیم ساعت زرهپوش (الکساندر سوم) که سر از نوبخط محاربه داخل شده بود بازده و زخمی شده از خط حرب بیرون برامد ، و بعد از کمی در میان موجهای مدهش بحر غوطه خوار گرداب فنا گردید .

ساعت (٧) نوبت فلاکت به زرهپوش (بوردینو) رسید . و کمی نگذشته بود که باتاریکی شب باشعله های حریق خود در زیر دریا فرو رفت .

مرتبات این کشتی از طرف (قازوغا) نام کروازور ژاپان رهایی داده شدند در عین زمان زرهپوش (قیناز سواروف) که بیک پهلو در خارج خط در جهت جنوب غلطیده مانده بود ، (وقامچاتقا) نام کروازور معاون بمدد رسانی بااوهمراه بود از طرف کروازورهای ژاپان که طوربیدوها باآن بوددیده شده کشتی (قامچاتقا) رابا گله طوپ ، و (قیناز سواروف) را بادودانهٔ طوربیل که از (خاروزامه) نام مخرب انداخته شد غرق و ناپدید ساختند .

امیرال (روژه ست ونسکی) که از ساعت چار به اینطرف از کشتی (قیناز

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 49 of 310

سواروف) به مخرب طوربیدوی (بوینی بی) سوار شده ، ودر حالتیکه مجروح همشده بود درمیدان محاربه حیران وسراسیمه باین سو و آنسو گردش داشت .

بوقت شام شدت بادرو به آرامی نهاده بود . درین اثنا کشتیهای طوربیدو های ژاپان که در خلیج (میورا) التجا برده بودند مانند زنبورهای که از زنبور خانه برایند برروی بحر منتشر شدند . امیرال (توغو) درینوقت میدان محاربه رابه آنها سپرده آتش خودرا منقطع نمود ، ویکسر بسوی شرق برفت . سفینهٔ کشاف (ناچوتا) نیز برای حاضر کردن موعد تلاقی برای اقسام مختلف دستهٔ کشتی های جنگی که فردادران جمع شوند به جزیرهٔ (ماچوشیما) برفت .

درانثنائیکه مابین زرهپوشها این وقایع بوقوع میآمد ، درانطرف دیگر کروازورهانیز با همدیگر بمحاربه دست و گریبان شده بودند .

امیرال (توغو) وقتیکه امر آغاز محاربه رابدادلوی غند های کروازورهای امیرال (دهوا) وامیرال (اوریو) که بریك خط ترتیب یافته بودند یکسر بسوی استقامت غرب پیش شدند .

لوی غند (ده وا) مرکب بوداز (قازاکی ، وشیطوزه) نام دو قطعه کروازور صنف دوم ، و (فوقاتا ، واوتاوا) نام دو قطعه کروازور صنف سوم .

لوی غند (اوریو) مرکب بوداز (تاینوا ، وتاقاچیحو) نام دو کروازور صنف دوم ، و (چوشیما) نام کروازور صنف سوم .

این لوی غند ها از مسافهٔ بسیار بزرگی قول روس را از چپ احاطه کرده در عقب آنها بیامد ، ودر جهت راست آنها موضع گرفته آنهارا در زیر تهدید در اورد .

ظهور کردن این کروازورهای ژاپان در عقب نهایت قول روس که در زیر قوماندانتی امیرال (نه نکیست) بود هیچ موجب تهلکه واندیشهٔ نبود . زیرا

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 50 of 310

برای محاربه کردن با نهایدست امیرال (نه نکیست) مهمتر و مقتدر تر وسایط حربیه موجود بود. درمیان کروازورهای ژاپان تنها دو سفینه تجهیزات مکمله را مالك بود که یکی کروازور (قازاکی) ودیگرش کروازور (شیطوزه) بود. حالانکه درداخل لوی غند کروازورهای روس دو کروازور زرهپوش ودو کروازور محفظه دار بزرگ ، ویك کروازور محفظه دار کوچکتر وبسی کروازورهای صنف سوم موجود بود. لهذا لوی غند (دهوا) رایا به قبول کردن محاربه یا به پس کشتن مجبور ساختن برای امیرال (نه نکیست) بسیار آسان بود. امابرای اجرای انکار از خط جداشدن وبکمال ازادی به استقبال کروازورهای ژاپان رفتن لازم می آمد که امیرال (نه نکیست) اینچنین نکرد، واز ینسبب کروازورهای ژاپان دراطراف خط قول نهایت روس بدون مشکلات آزادانه گردش توانسته اند .

والحاصل بعداز انکه بقدر دوساعت یك محاربهٔ طوپ بوقوع امد در خط دهدار دستهٔ کشتی های جنگی روس یك بی انتظامئی بزرگی بوقوع امد ، ودو سفینهٔ معاون روس که یکی (ایرچیق) ودیگری (روس) نام داشتند از خط جدا جدا افتادند. لوی غند (اوریو) هماندم براین دو کشتی دویده اولا کشتئی (روس) را درظرف بکچند دقیقه غرق ساخت ، وکشتی (ایرچیق) را نیز به اندرجه دوچار خسارت نمود که بعداز کمی درساحل (چوشیما) رفته غرق و نا پدید گردید .

ساعت (٤ونیم) بود که درین قسم میدان محاربه دستهٔ کشتی های جنگی امیرال (قاطوقا) مواصلت نمود. این دستهٔ کشتی های جنگی مرکب از کشتئی محافظ ساحل که به سیستم (حاشیدانه) بود ، وکروازور (شی یودا) وچند کروازورهای کوچك مرکب بود .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 51 of 310

بنابر تضییق این دو قوت کروواز ورهای روس از نهایت خطی که از ابتدای محاربه به آن مربوط بودند جدا شدند ، و سر راست بسوی جنوب بر جهیدند لوی غندهای ژاپان از مسافهٔ بزرگی حرکات تعقیبیهٔ خودرا اجرا میکردند که این هم اثبات میکرد که مقصد کروواز ورهای ژاپان محاربه کردن نی بلکه آنهارا مشغول ساختن ، واز میدان محاربه جدا کردن ، و بر سفاین معاونه هجوم بر دن بود که باین مقصد خودشان بکمال موفقیت نایل شدند . خلاصه محاربه ئیکه در مابین کروواز ور ها در گرفته بود بر قافلهٔ بی انتظام کشتیهای روس خیلی مهلك ومؤثر گردید ، ولی غیر از کشتی (سوبیه تلا) که محو و نابود گردید دیگر همه کروواز ورهای روس بفرار کردن موفق آمدند .

بساعت (۷) شام مخرب طوربیدوی (بونی بی) به کروواز ور ها تقرب کرده اشارت داد که امیرال (روژه ست وه نسکی) زخمی ودر اضطراب است و وظیفهٔ سر قوماندانی را بدیگری ترك کرده است . این اشارت بر ای سر انجام محو و منهزم شدن دستهٔ کشتی های جنگی روس یك علامت ماهم و فلاکتی بود !

کروواز ور های (اوله غ) و (اورورا) و (ژه مچوغ) و کشتیهای معاون (انادیر) و (قوره آ) و (سویر) براستقامت جنوب از نظر پنهان شدند . سفاین (دیمتری دو نسقوی) و (ولادیمیر) و (سه میه تلا) و (آلماز) برای پیدا کردن یك طریق نجات بسوی شمال جدا جدا رهسپار شدند .

* * *

وقتیکه ظلمت شب جهانرا فرا گرفت بقدر (۲۰) مخرب و (۶۰) طور پیدو در آبنای (قوره) مانند زنبورها منتشر شده بجستجوی اقاض را کنندهٔ دستهٔ کشتیهای جنگی روس افتادند .

هجومهای نخستین این طوربیدو ها از ساعت (۸) یك ربع گذشته به

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 52 of 310

اطراف لوی غند امیرال (بوغاوف) که براستقامت شمال شرقی پویان بود گرد آمدند . این دستهٔ کشتی های جنگی دران اثنا از کشتیهای (نیکولای نخستین) و (اوره ل) ، و (ناوارین) و (ناقیموف) و (سیصوی) و (ایزومرود) مرکب بود . بجز کشتیهای (سیصوی) و (اوره ل) که خیلی دوچار خسار شده بود دیگریکی از انها بسیار زده نشده بود . لهذا در هجومهائیکه در ینوقت بوقوع آمد سفاین مذکوره بکمال تهور و هیجان خود را مدافعه میکردند . این هجومها تا بساعت (۱۱) بلا فاصله یکی دیگر را تعقیب نمود . سفینه هائیکه برسر قول بودند ، هجومهای طوربیدوی ژاپان را بکمال موفقیت رد کرده توانستند .

اما در سفینه هائیکه به تضییق اصلی معروض بودند حال اینچنین نبود . کشتی (ناقیموف) و (سیصوی) باطوربیل زخمی شدند . کشتیهای (اوشاقوف) و (ناوارین) غایب شدند . این دو سفینه بوقت صبح در جهت شمالی (چوشیما) بلوی غند مخرب طوربیدوی (یوزوکی) تصادف کردند . کشتی (اوشاقوف) بکر یختی موفق شد . اما کشتی (ناوارین) باطوربیل اگرچه زخمی شد ولی بصورت یك بغله برفتار خود دوام ورزید .

و الحاصل در نتیجهٔ این هجوم شبانهٔ طوربیدوها از طرف روسها یك زرهپوش غرق وناپدید گردید ؛ یك زرهپوش ویك کروزور زره پوش به بد صورت زخمی شد . در جهت ژاپانها نیز در اثنای این عربده سه قطعه طوربیدو ضایع گردیده بود . وغیر ازین بسی طوربیدوهای دیگر نیز کم وبیش دوچار خسار شده بودند .

•
• •

فاجعه هنوز به انجام نرسیده بود . در روز (۲۸) م ماه می که خورشید جهان آرا برای دیدن حال فلاکت اشتمال دستهٔ کشتیهای جنگی روس طلوع

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 53 of 310

نمود ، امیرال (توغو) امرداد که همه اقسام دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان سر راست بسوی جزیرهٔ (ماچوشیما) توجیه حرکت نماید .

امیرال ژاپانی ازینحرکت ،قصدش این بودکه دستهٔ کشتیهای جنگی خود رادرانجا ازشرق تابغرب انتشارداده کشتیهای روس را که بسوی (ولادیو وستوق) رفتن بخواهند یکان یکان توقیف بکنند . امابه اینهم حاجت نماند .

در وقت طلوع آفتاب روز (۲۸) م می درنزد امیرال (نه بوغانوف) تنها کشتیهای (نیکولای نخستین) که سواری خود اوبود ، و (سه نیاوین)، و (جنرال اوپر اقسین) ، و (اوره ل) ، و (ایزومرود) باقی مانده بود . وبسوی سنگلاخهای (لیانقور) براستقامتی که لوی غندهای دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان آنرا تعقیب میکردند بصورت موازی بقطع مسافه آغاز نهادند .

لوی غندگرووازورژاپان که درزیر قوماندانئی امیرال (قاناوقا) بودودود های کشتیهای روس رادیده برای کشف وتدقیق آن برفت .

امیرال (توغو) درین اثنا بادستهٔ کشتیهای جنگی(۱) ودستهٔ کشتیهای جنگی «۳» در [۲۰] میل جنوبی (ماچوشیما) بود . بمجردیکه باتاکراف بی سیم از موجود بودن پنج قطعه کشتیهای روس دران جوار خبر گرفت هماندم قوای حربیهٔ خود را برسرآن سوق وتوجیه نمود ، ساعت پنج ونیم بود که امیرال (نه بوغانوف) ازهرجهت احاطه شده بود . وبمجردیکه زره پوشهای ژاپان برکشتیهای روس آتش کشادند سفینهٔ « نیکولای نخستین » که سواری خود امیرال « نه بوغانوف » بودبیرق سفیدتسلیم شدنرا برافراشت . سفینه های دیگر روس نیز پیروی آنرا کردند . تنها کشتی « ایزومرود » تسلیم نشده براستقامت شرق فرار نمود .

« شیطوزه » نام گرووازورژاپان که یک روزپیشتر باه قازاکی » نام سفینهٔ

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 54 of 310

زخمی امیرال « دهواه » تابه خلیج « آبورایا » رفاقت کرده بود، درین اثنا باخود امیرال عودت میکرد . درراه باکشتی طوربیدوی « بهزودیروجنی بی » روس تصادف کرده اورا با کلهٔ طوپ غرق نمود .

لوی غند کرووازورهای امیرال (اوریو) که بسوی محل ملاقات میرفت در ساعت (۷) صبح در جهت غرب یك کشتیٔ دشمن را دید . این کشتی (سو یبه تلا تا) نام سفینهٔ حرب روس بود . هماندم (فی طاقا) و (اوطو وا) نام دو کرووازورژاپان برای محاربهٔ کشتی مذکورازلوی غند جداشدند . کرووازور روس یکسر بسوی غرب شمالی بگریختن آغاز نهاد . ولی کشتیهای ژاپان خود رابه آن رسانیده کشتی روس را بقبول کردن محاربه مجبورساختند . وبعدازانکه بقدریکساعت محاربه بوقوع آمد درنزدیکی خلیج (شیقو) غرق وناپدیدگردید .

مخرب طور پیدوی (پیستری بی) نام روس که درحال فراربودبعداز یکساعت پنج میل دورتراز ان ازطرف کرووازورهای ژاپان بعین همین فلاکت دوچارگردید .

• •

برای جمع آوردن کسانیکه بدریا افتاده بودند وزنده مانده بودندکرووازورهای معاون (شیمانو مارو) و(طانیان مارو) و(یاواطامارو) و(صادومارو) ویکچند قطعه مخرب طوربیدومقررشده بودند . درصبح (۲۸)م ماه کرووازور (صادومارو) ومخرب طوربیدوی (شیرانووی) کرووازورهای زرهپوش (امیرال ناقیموف) و(ولادیمیرمونوماق) نام روس را که درشب گذشته باطور پیل زخمدارشده بودند، وازدیگر رفقای خود جدا مانده بودند دیدند . امابه نزدیکشدن آنهاجسارت نکرده دراطراف آنها به پاسبانی ماندند .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 55 of 310

ساعت (۱۰) بود که هردو کروازور روس در پی همدیگر بغرقشدن رخ نهادند. کشتی (صاروماروو) مرتبات آنهارا رهایی دادند. درین اثنا (غروسکی بی) نام مخرب طور پیدوی روس مشاهده شد، ودر حال فرار آغاز نهاد. اماطور پیدوی (شیرانووی) وطور پیدوی نمبر (۶۳) در پی آن افتاده بعداز محاربهٔ بسیار شدیدی آنرا اسیر کردند. ولی اززخمهای کاری که برداشته بود بعداز کمی بقعر دریا سقوط نمود.

* * *

کشتی (سیصوده لیقی) روس که یکشب پیشتر باطور پیل زخمدار شده بود در (۳۰) میل شرقی (چوشیما) درحالتیکه سکانش شکسته بود حیران حیران گردش میکرد. کشتیهای (شیانومارو) و (طاسیان مارو) و (یاواطامارو) آنرا دیده برو حمله آوردند. ولی حاجت بمحاربه نیفتاد زیرا کشتی روس دران اثنا غرقشدن گرفته بود. کشتیهای ژاپان درخوب وقت بسر وقت آن رسیده بقدر (۵۷۰) نفر مرتبات آنرا رهایی دادند.

* * *

کروازور (اوشاقوف) نام روس بعدازانکه ازدست طور پیدوهای ژاپان رهایی یافته بود یکسر بسوی بندرگاه (ولادیووستوق) بحریمای آغاز نهاده بود. در (۲۸) ماه بعداز پیشین بسوی شمال دودهای بسیاری مشاهده کرده بخیال آنکه دستهٔ کشتی های جنگی روس خواهد بود به آنطرف تقرب کردن گرفت. حال آنکه دودهای مذکور از دستهٔ کشتی های جنگی ژاپان که دستهٔ کشتی های جنگی (نه بوغانوف) را اسیر کرده بود انتشار مییافت. کشتی (اوشاقوف) ازین حال هیچ خبردار نبوده یکسر به آنطرف نزدیکشده میرفت.

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 56 of 310

دستهٔ کشتی های جنگی ژاپان که نزدیکشدن کشتی مذکوررا دید ، هماندم دودستهٔ کشتی خودرا برای کشف وتحقیق آن فرستاد . کشتی (اوشاقوف) دانست که آنها کرووازورهای زرهپوش ژاپانست . اما این آگاهی او خیلی نا وقت بوقوع آمد! بنابرین بتمام قوت وسرعت براستقامت جنوب بفرار شتاب نمود کرووازورهای ژاپان نیز بشتاب تمام درعقب آن افتادند . وبساعت (٨) به اورسیده هماندم بهتسلیم شدنش اشارت کردند . کشتی روس این اشارت را به اتش جواب داد ، لهذا کرووازورهای ژاپان اتش شدیدی بروگشاده درکم مدت اورابقعر بحر نایاب غریق لجه فناساخت واز مرتبات ان تنها (٣٠٠) نفررا رهایی داده اسیر کردند .

* * *

در وقت شام (٢٧)م می کرووازور (دیمتری دونسقوی) نام روس بسبب مستئی رفتار خودازدسته کشتی های جنگی کرووازورها که درزیر قوماندانی امیرال (نه نکیمت) براستقامت جنوب ره پیمابودند عقب مانده دستهٔ کشتی های جنگی را از نظر غائب کرد لهذا راه خودرا تبدیل داده راه (ولادیووستوق) را پیش گرفت . بوقت صبح این کرووازور زرهپوش روس . مخرب های (بیه دوبی) ، و(غروزنی) و(بونی) روس را یافت درمخرب (بونی) بسیار مردم دیده میشد . : مگر امیرال (زوژه ست وه نسکی) ورئیس ارکان حربیهٔ او ، ویك قسمی ازمرتبات کرووازور غرقشدهٔ (اوسلی یابیا) دران موجود بود .

کرووازور «دیمتری دونسقوی» فلاکتزدگان کشتی «اوسلی یابیا» را با خود برداشت ، ومیخواست که به طوربیدوی «بونی» مزغال بدهد که درین اثنا درافق دودهای کشتی های ژاپان نمایان شد . مخربها بفرار آغاز نهادند

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 57 of 310

اما بعد از کمی برجعت مجبور شدند . زیرا ماشین طوربیدوی « بونی بی » دوچار خسارشده برفتن مقتدر نشد .

امیرال «دروژه ستوه نسکی» وارکان حربیهٔ اوازطوربیدوی «بونی بی» بطوربیدوی «بیه دودی بی» سوارشدند . مرتبات «بونی بی» را کروازور « دیمتری دونسقوی» گرفت . بعدازکمی سفینهٔ « بونی بی غرق شد .

«بیه دودی بی » و« غروزنی بی» بسرعت ممکنهٔ خود بفرارشتافتند . امابساعت « ۳» در« ۴۰ » میل جنوبی « ماچوشیما» از طرف « سازانامی »و « قاکه رو» نام مخربهای ژاپان کشف شده تعقیب شدند .

سفینهٔ «بیه دودی بی» احتمال فرارراً فقودیافته بیرق تسلیم برافراشت . ویکشتئی «سازانامی» که باو نزدیکشده بود خودرا تسلیم نمود . سفینهٔ «غروز نی بی» بامخرب « قاکه رو» بجنگ اغازنهاد ، ومخرب مذکوررا سقط نموده به فرارموفق امد .

حالاارباب مطالعه تصور بفرمایندکه چون ژاپانهادرسفینهٔ «بیه دوی بی» امیرال « روژه ستوه نسکی» وارکان حربیهٔ اورابدیدند تاچه درجه دوچار حیرت ومسرت شده باشند !

« دیمتری دونسقوی » براستقامت « ماچوشیما » برفتار خوددوام ورزید لکن قریب شام بودکه ازطرف کروازورهاوطوربیدوهای ژاپان احاطه گردید . وازدوطرف بران گله باری اغازکردند . مع هذا کشتئی روس تابه آخرپایداری ومقاومت کرده عارتسلیم شدن را قبول ننمود . درروز« ۲۹» می سفینهٔ مذکو ره درنزدیکئی « ماچوشیما» بود ، وباوجودیکه اقسام حیانیه ان هنوزدرست بود کپتان ان برین قرارداد که کشتئی خوددرابدست خوددربحرازادغرق نماید . لهذا مرتبات خودرا درجزیره بیرون براورده کشتئی خودرا دربحرفراخ

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 58 of 310

غرق نمود. مرتبات ان از طرف «قازوغاه» نام کروواز ورژاپان اسیر شدند.

در «ولادیووستوق» برای نتیجهٔ محاربهٔ «چوشیما» بیك اندیشه و خاجان بسیار بزرگی انتظار میشد. ساعت «٦» روز «٢٩» م می بود که در افق پیش امدن کشتی کشاف «الماز» مشاهده شد. اثار نشه وسروریکه از ظهور این کشتی محصول امد بسیار کم مدت دوام ورزید. زیرا سفینهٔ مذکوره در روز «٢٧» م می در وقت تاریکی شب از دسته کشتیهای جنگی مفارقت کرده بود، و خبرهای که اورده بود هیچ یك امید مسرتی نمی بخشید. در کشتی «الماز» «٥» مقتول و «١٠» مجروح بوقوع آمده بود.

بساعت «١١» روز «٣٠» م می مخرب طوریپدوی «غروزنی» مواصلت کرد. بعد از ان مخرب (براوی) نیز آمد که درمیان این مخرب «١٧٥» نفر مرتبات کشتی مغروقه (اوسلیابیا) موجود بود. این مخرب در (٢٧) م ماه بعد از انکه دو چار خسار گردید بسرعت بسیار کوچك بره پیمایی آغاز نهاده واقسام چوبین خودرا سوخته سوخته و بهاینصورت خودرا تابه انجا رسانیده است.

سفینهٔ «ایزومرود» که در وقت اسیر شدن امیرال «نه بوغاتوف» برهایی دارن کریبان خود از اسارت کامیاب آمده بود در شب «٣٠» م ماه بمدخل خلیج «لادیمیر» که بقدر «١٥٠» میل در طرف شمال «ولایووستوق» واقعست واصل شده بود. اما در انجا چون بر خشکه نشست کپتان آن اورا برهوا کرد.

از همه پیشتر دو سفینهٔ معاون «قوره آ» و «سویر» نام نیز در «٣٠» ماه به (وونغ) مواصلت نمود.

*
* *

درباب کروواز ورهای امیرال (نه بکیست) هنوز هیچ یك حوادث کرفته نشده و نیز از مخرب های «بودری بی» و (بله سیتاچی بی) وسفینهٔ نقلیهٔ (انا

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 59 of 310

دیر) هیچ خبری نبود .

در (٤)م جون یك تلگرافی رسید . به این تلگراف معلوم شد که امیرال «ثه نکیست» با کرووازورهای (اولاغ) ، و (اوروورا) ، و «زه مچوغ» در (۳) وم ماه بساعت (۱۰) به (مانیلا) مواصلت کرده است . در انجا لمحهٔ همهٔ این کشتیها را برداشته بیطرفی شان اعلان کردید .

اما اینمسئله معلوم نشد که آیا این سفاین حربیه درشام محاربه چرا دستهٔ کشتی های جنگی خودشان را ترك کرده بودند ، و بچه سبب به (مانیلا) آمده بودند؟

روز دیگر سرگذشت (بودری بی) ، و (بله سیتاچی بی) نیز معلوم گردید . این دو سفینه بعد از محاربهٔ (۲۷)م جولایی اولا قسم کلانی دستهٔ کشتی های جنگی را تعقیب کرده بودند ؛ و بعد ازان به استقامت جنوب غربی توجه حرکت کرده درشب از کانال غربی آبنای قوره گذر کردند . اما چهارن سفینهٔ (بودری بی) خیلی دو چار خسار شده بود درساعت پنج صبح بقعر نایاب دریا سقوط نمود . سفینهٔ (بله سیتاچی بی) چار افسر و (۷۵) نفر باقی ماندهٔ را جمع کرده یکسر بسوی (شانغهای) رهپیمایی آغاز نهاد .

این کشتی بعد از انکه همهٔ زغال خودرا سوختانده تمام نمود (۳) روز متمادیاً برروی بحر بی حرکت ماند . نهایت الامر در (۷۰) میل شمالی جزیره های (ساده ل) به (قونه لینغ) نام یك واپور انگلیزی تصادف کرده واپور مذکور آرا کشیده کشیده بچارم جون به لنگرگاه (شانغهای) برسانید .

کشتی مقلیه (انادیر) از محاربه آنقدر رم خورده بود که مسافهٔ مابین (قوره) و (ماداغشقار) رابیك نفس قطع کرده در (۲۷)م ماه جون خودرا به (دیه غو سواره ز) رسانیده بود .

* * *

در ینبار هیچ گفتگو نماند ، محاربه را ژاپانها بیك نتیجهٔ بسیار درخشانی به

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 60 of 310

انجام رسانیدند. از (۳۶) قطعه کشتیهای جنگی روس که به بحر ژاپان داخل شده بودند تنها یك کروازور کشاف، ودو مخرب طوربیدو بهدف مقصود یعنی (ولادیووستوق) واصل شده توانسته بودند.

سه قطعه کروازور، ویك مخرب طوربیدو، ودو سفینهٔ نقلیه ببندرگاه های بیطرف التجا بردند. باقی ماندهٔ آنها یك قسمی غرق ویك قسمی بدست دشمن اسیر شدند.

از «۲۰۰، ۱۴» عسکریکه دردستهٔ کشتی های جنگی روس موجود بودند «۶،۱۴۲» عدد آن اسیر، و«۵،۰۰۰» آن مقتول وغایب شده بودند. در طرف ژاپانها «۱۱۶» مقتول، و«۵۳۸» مجروح بوقوع آمده بود.

* * *

نتیجهٔ عاقبت محاربهٔ میدان «چوشیما» را تنها دودولت مخاصم نی بلکه همه جهان مدنیت بایك بیصبرئی بزرگی انتظار میکشیدند. هرکس به این یك میدانست که این دودستهٔ کشتی های جنگی تابوقتیکه سراسر محو بشوند باهم دیگر زدوخورد خواهندکرد. دردوساحل ابنای «چوشیما» یك هیجان عظیمی حکمفرما بود. درساحل شرقئی ان ممالك ژاپانیا بودکه بقدرچهل ملیون نفوس بشر بشمشیر تیز «توغو» اعتمادکرده لرزان لرزان یك صدای ظفر را ازطرف «چوشیما» انتظارداشتند. درساحل غرب اراضئی «مانچوری» بود که یك تول غند بسیار بزرگی که ازماهها بحرب وجدال مشغول بودند بازهم بیك چند کلمه خبریکه ازطرف امیرالهای بزرگ شان برسد گوش به آواز ترددو اضطراب بودند.

اهالئی ژاپان بربزرگی شان، وعلو فطرت امیرال «توغو» که مقدمهٔ اقبال این محاربه را بیك مهارت و مهابت فوق العادهٔ وضع وتأسیس داده بود

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 61 of 310

قطعیاً امین بودند . مارشال « اویاما » نیز بر ذکای فطری، وشجاعت جبلّی رفیق خود تمامها معتمد بود . اماباوجودانهم بسببیکه تبدل وتغیر در احوال حرب ؛ مانند تبدلات احوال هوائیه اجرای حکم وتأثیر دارد از ان رو از یك نتیجهٔ دکر کونی خوف واندیشه میشد ، واز ینسبب در هر طرف اندیشه‌های عظیمی برپا بود .

نهایت الامر یکچند سطر راپوریکه از قلم خونچکان امیرال « توغو » برامد بهمهٔ این ترددها ، وهیجانها ، وانتظارها خاتمه کشید . زیرا مشارالیه باان را پور خود تمام همشهریها ، وجمله عالم مدنیت تبشیر مینمود که شاهد ظفریت در بنبار نیز در زیر بیرقهای طالع مند دولت شمس طالع جلوه کر کردیده است .

حالا پیش از انکه بمحاکمات محاربهٔ میدان « چوشیما » درائیم میباید راپورها ی مفصل امیرال هز بر مثالی را که در ظرف یك روز یك دستهٔ کشتی‌های جنگی بسیار بزرك دشمن را زیروزبر نموده ، وبفضایل مخصوصهٔ عسکریهٔ خود از همه امیرالهای بزرك زمانهای سابق سبقت کرفته مطالعه باید کنیم :

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 62 of 310

(راپورهای مفصل امیرال توغو)

در باب محاربهٔ میدان چوشیما

« باطف و عنایت جناب حق دستهٔ کشتیهای جنگی ما با دستهٔ کشتیهای جنگی دوم و سوم دشمن در روزهای (۲۷ و ۲۸) م ماه می محاربه کردند، و آنها را سراسر سرنگون و خراب نمودند .

« هنگامیکه قسم نخستین دستهٔ کشتیهای جنگی دشمن در بحرهای جنوب پدیدار گردید با دستهٔ کشتیهای جنگی ما بنا بر تبعیت اوامر حضرت (میکادو) برای خودشان اینگونه خط حرکت اتخاذ کردند و ورود آنها را انتظار بکشند ، و در آبهای خود ما با آنها محاربه بکنند . بنابرین قوای بحریهٔ خود ما را در آبهای (قوره) جمع و تحشید کردیم ، و در انجا برای آمدن دشمن بسوی شمال منتظر شدیم .

« دشمن بعد از انکه یکمدتی در سواحل (انام) توقف ورزید یکسر براستقامت شمال به پیش آمدن اغاز نهاد ، و چند روز پیش از تاریخیکه به آبهای ما رسیده بتواند بنا بر جب پلان و نقشه ئیکه پیش از این مقرر شده بود یک قسمی از سفینه های کشاف خود ما را در سمتهای جنوب غربی برای ترصد انها مامور کردم . دستهٔ کشتیهای جنگی ما که از سفاین عسکریهٔ حربیه مرکب بودند — بیک صورتیکه در نخستین اشارت فلک لنگر عزیمت بتوانند در اس الحرکات خودشان بمحاربه حاضر بودند .

« بعد از انکه این ترتیبات اجرا گردید ، در (۲۷) م می بساعت (۵) سفینهٔ

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 63 of 310

(شینا نومارو) که درجنوب غربی خدمت قراول بزرگ را ایفامینمود باتلگراف بی‌سیم این خبررا بما داد :

دستهٔ کشتیهای جنگی دشمن درخانهٔ راقم (۲۰۳) (۱) مشاهده شد ، وچنان گمان میشود که یکسر بسوی ابنای شرق پیش می اید .)

« ثمرهٔ انتظار بسیار تلخی که از ماهها دوام میورزید بحاصل شدن ، یعنی با دشمن تماس کردن اغاز نهاده بود . بنابرین خبر سفینهٔ (شینانومارو) درهیئت عمومیهٔ دستهٔ کشتیهای جنگی ما هرکس بر سرکار خود دویدند . کشتیهای ما هاندم لنگر برداشتند . وهر دستهٔ کشتیهای جنگی جداجدا اخرترین ترتیباتی را که برای استقبال دشمن لازم بود گرفته وبسوی موضعهای که پیش ازین به آنها نشان داده شده بود سرراست برر فتار اغاز نهادند .

« درساعت (۷) سفینهٔ کشافیکه درجناح چپ خط ترصد داخلی بود این اشارت را داد :

« کشتیهای دشمن پدیدار گردید ، دربند قیقه در (۲۵) میل بسوی شمال غربی (اوکیشیما) واصل شده اند ، وبراستقامت شمال شرقی برفتار خود دوام دارند . »

لوی غند (مازامیشی) ولوی غند (دهوا) ، ودستهٔ کشتیهای جنگی کروواز ورها که درزیر ادارهٔ ویس امیرال (فانوقا) بود از ساعت (۱۰) تابساعت «۱۱» در مابین جزیرهٔ « ایکیشیما » ، و (چوشیما) متعاقباً بادشمن تماس حاصل کردند . این لوی غند باوجودیکه درزیر اتش طوپ دشمن معروض میشدند باز هم تابجوار (اوکینوشیما) بالنهایه تماس خودشان را محافظه کردند ، وبئی هم درحق موضع دشمن

«۱» برروی نقشه که ارکان حربیهٔ امیرال توغو کشیده بودند آن قسم بحررا بر بعضی خانه‌ها تقسیم ، وهر خانه را بیك رقم هندسه توسیم کرده بودند .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 64 of 310

باتلگراف معلومات قطعیه بما میفرستادند .

«اینست که باوجود همهٔ بسیار کثیفی که پنج میل به انطرف دیدن ممکن نمیشد ما از سی چهل میل دورتر موضع دشمن خودرا چنانچه بچشم خود به بینیم بشنا ختن باینصورت موفق شدیم .

«ذاتاً ماخیلی پیشتر از انکه دشمن را به بینیم به این یك واقف بودیم که قوای عسکریهٔ دشمن ما ازدستهٔ کشتیهای جنگی دوم وسوم بحر محیط مرکب است، ودر رفاقت آن هفت سفینهٔ معاون موجوداست ، وبردوقول ترتیب یافته است وقومندرین کشتیهای شان درسر قول راست آنها میروند، وسفاین معاونه آنها را از عقب تعقیب میکنند، وسرعت رفتارشان در ساعتی (۱۲) میل میباشد ، و همهٔ دستهٔ کشتی های جنگی یکسر بسوی شمال شرقی پیش میشوند .

«پس باین معلومات کاملهٔ که برای من حاصل شده بود برای من ممکن گردید که بساعت (۲) درجوار (اوکینوشیما) ترتیبات خودرا بیك صورتی بگیرم که بر طرف سرقول چپ دشمن هجوم بتوانم .

«تخمیناً ساعت یکنیم بود که لوی غند (ده وا) ، ولوی غند کروواز وز هاولوی غند کپتان (توغوماز امیشی) که بادشمن تماس خودرا محافظه کرده بودند پی هم دیگر مواصلات کرده باهم دیگر یکجاشدند .

«ازیك (٤٥) دقیقه گذشته دشمن رانخستین بار بچشم خود دیدیم که از ما بیك چند میل دور تر بود ، چنانچه از اول تصور کرده بودیم همچنان بود . یعنی قول راست از چار قطعه زرهپوشی که به طرز (بورودینو) بود تشکل کرده بود . قول چپ کشتیهای زرهپوش (اوسلی یابیا) ، و (سیصویی) ، و (ناوارین) ، و (ناخیموف) را احتوا میکرد . درپی اینها (نیکولای نخستین) باسه قطعه کروواز ورمحافظ ساحل می آمدند که اینها جدا گانه یك

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 65 of 310

دستهٔ کشتیهای جنگی تشکیل کرده بودند . سفینه هـای (ژه مچونغ) و (ایزومرود) درمابین هردوقول به پیش رفتارداشتندکه خدمت کشف را ایفامیکردند . عقب تر آنهادرمیان دمه هاسفینه های (اوله غ)و (او رورا) رانیزخیال میال میدیدیم ، (دونسقوی) و (لادیمیر) بادیگرسفاین معاونه به امتداد بسیارمیلهادورتریك دیگرقولی بوجود آورده بودند .

« بنابرین بهمهٔ دستهٔ کشتیهای جنگی خودامردادم که بکار آغاز کنند ، وبکشتیهائیکه درپیش چشم من بودند این اشارت رادادم که :

« اقبال وادبارحکومت مابه نتیجهٔ همین محاربه تابعست . هرکس هرغیرت وفعالیتی که ازدستش می آید قصورنکند . وامروز ازهروقت زیاده بکوشد . »

« بعدازکمی دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی مایکسربسوی استقامت جنوب غربی دویدند ؛ و ازدونیجدقیقه گذشته یکی یکبار بسوی شرق برگشتند ، و بیك صورتیکه ازپیش روی سرقول دشمن مائلاً بگذرند ، وراه رابروبگیرند برفتار آغاز نهادند .

« لوی غندگرووازور های زرهپوش مادرعقب دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی مامی آمدند . ویك خط تشکیل کرده میرفتند . لوی غند های (ده وا) و (اوریو) ولوی غندگرووازورهای کپتان (توغومازامیشی) چنانچه در نقشه به آنهانشان داده بود بیك صورتیکه ازپشت برقول دشمن هجوم برند بسوی جنوب رهسپارگردیدند . اینست که درابتدای محاربه وضعیات متناظرهٔ مخاصمین به همین صورت بود که بیان شد . »

راپوردرباب محاربهٔ دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی

هنگامیکه دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی ماتقرب ورزیددشمن سرقول خود

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 66 of 310

را بجهت راست تبدیل داد ، وازساعت (۲) هشت دقیقه گذشته بودکه آتش آغازنهاد . تا یکمدتی مابه اوجواب ندادیم ، اماچون بقدره ۶۰۰ متره به اونزدیکشدیم ماندم به یك آتش بسیار شدیدی مقابله کردیم . واین آتش خود رابردو سفینهٔ بزرگ پیش روی دشمن جمع وتوحیدکردیم . درزیر این تضییق و فشارما ، دشمن حرکت خودرایکقدری بسوی جنوب برگردانید ، وهردوقول دشمن دریك آن راههای خودشانراتابشرق تبدیل داده باینصورت قولهای ماودشمن یك وضعیت مساوی وبرابری پیدا کرده.

کشتی زرهپوش «اوسلی یابیا» که قول چپ راسوق و اداره میکرد بصورت بسیارناگواری دو چارخسار شده ، ویك حریق بزرگی دران بحصول آمده ماندم از خط حرب بیرون برامد درینوقت همه کروازورهای ما بیك صف ، دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی ما را پیروی میکرد . و متحداً اجرای حرکت وفعالیت میکردند .

هرانقدرکه مسافه کم میشد آتشهای هردودستهٔ کشتیهای جنگی مازیاده ترکسب شدت و غیرت میورزیدند ، درین اثنا کشتی زرهپوش (قیناز سوا روف) روس که سرکردهٔ قول بود ، وزرهپوش (الکساندرسوم) درمیان شعله های آتش مانده خط محاربه راترك کردند .

رفته رفته ترتیبات عسکریهٔ دشمن ابترشدن گرفت ودرهرطرف آثار بی انتظامی پدیدار گردید ، غیرازین ، دیگرسفاین حربیهٔ روس درمیان بسی تهلکه هاپویان شد . دودهاوشعله های آتشیکه باباد تندغربی همدم شده بود درآن واحد درمیدان محاربه منتشرشده ازیکسرتادیگرسرکشتیهای دشمن راآتش احاطه نموده. حالآنکه بااین ابرهای دود ، طبقات دمه نیزمنظم آمده کشتیهای ما آتش خودراقطع کردند .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 67 of 310

« در طرف ماهم کشتیهای جنگی کم و بیش زحمت کشیده بودند . کشتی جنگی (آساما) درنزدیکی خط آب خوداز طرف دنبال باسه گلهٔ دشمن زخمدار شده ، وترتیبات سکانش برهم خورده ، وآب بسیاری بداخل کشتی درا مدن کرفته بود . به اینسبب کشتی آساما از خط حرب بیرون برامد . ولی در کم وقت بعداز یك تعمیرات مجمله بازبموقع خود که درخط حرب داشت درامد . اینست که درساعت (٢) و ٤٥ دقیقه وضعیت حربی قوای اصلیه که باهمدیکر در آویخته بودند عبارت از همین بود که بیان شد . اینرا هم بکوئیم که هنوز از همین وقت بخت وطالع محاربه سرا سر قرار کرفته بود که چه میشود .

« بعد دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی ما دشمن را در استقامت جنوب به تضییق وفشار دادن دوام ورزید وهر کاه وناکاهی که کشتیهای دشمن از میان دمه ها ودودها پدیدار میکردید دستهٔ کشتیهای جنگی ما آنهارا درزیر آتش شدیدی میکرفتند ، وبرافزونی قوت تضییق وفشار خود دقت واهتمام میورزیدند .

« بساعت ٣ بریك خطی که باخط دشمن موازی بود برابر آمدیم ویکسر براستقامت جنوب شرقی رفتار داشتیم . درین اثنا یکی یکبار دشمن بسوی شمال برکشت . و از عقب خط مابسوی شمال توجه نمود . دستهٔ کشتیهای جنکی اصلی ما هماندم بقدر ١٦ کرثه بسوی چپ تبدیل استقامت ورزیده ، وبصورتیکه زرهپوش (نیشین) درپیش خط بود بسوی شمال غربی برفتار آغاز نهادیم . کرووازور های زرهپوشهای بزرك مارا پیروی میکردند ، وبه اینصورت کشتیهای دشمن بازدرزیر یك آتش مدهش مابسوی استقامت جنوب انداخته شدند . ازساعت ٣ هفت دقیقه کذشته بود که (ژه ، چوئن) نام کشتی جنکی روس بخسارتهای مدهشی کرفتار آمده درعقب ماند .

« کشتی (اوسلی یابیا) نام روس که پیش ازین از خط حرب بیرون افتاده

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 68 of 310

بود ۱۰ دقیقه از ۳ گذشته در میان امواج بحری نام و نشان گردید. (فیناز سوا روف) نام کشتی جنگی روس در این اثنا در یك حال بسیار بحران انگیزی تنها مانده بود. این کشتی اولا یك دگل خود را، و پس از آن هر دو دودکش خود را غایب نمود، و در میان شعله های آتش و دود های کثیف مستغرق گردید. نهایت سرا سر بیکو ضعیت ناامیدانه در آمد. امید حیات و نجات برای طایفه های آنهم نماند.

« دیگر سفاین دشمن که اکثر آن بسیار خسار زده شده بودند باز یك بار دیگر تبدیل استقامت نمودند و تا به استقامت شرق آمدند. بنابرین دستهٔ کشتی های جنگی اصلی ما نیز بقدر ۱٦ کرنه بسوی راست تبدیل استقامت نمود. و گاه به آتش بسیار شدید عمومی، و گاه به انداخت طوربیل کشتیهای زحمت کنندهٔ دشمن را از حمتها و آزار هاداده بعقب گیرئی شان دوام ورزید. تا از ساعت چار چهل و پنجدقیقه گذشته وضعیت حرب ثابت ماند. دشمن را دایما بجهت استقامت جنوب انداختیم و در زیر آتش بسیار شدیدی گرفتیم. .

*
* *

« در اینجا از طرز حرکت محاربهٔ لوی غند طوربیدوی مخرب (شیبایا). لوی غند (میروزه) که از ساعت سه چهل دقیقه گذشته تا بساعت ٤ و ٤٥ دقیقه اجرا کرده اند بصورت خصوصیه بیان کردن لازمست.

« این کشتیهای کوچك حربیه طوربیلهای خود را بصورت بسیار بهادرا نه بر کشتی (فیناز سوا روف) که کشتی امیر الست انداختند. نتیجهٔ طوربیلهائیکه از لوی غند اول انداخته شد معلوم نگردید ولی یك طوربیلی که از طرف لوی غند دوم انداخته شد (فیناز سوا روف) را از بغل چپ بطرف دنبال گفته زد. و بعد از کمی کشتی مذکور از تاثیر آن طوربیل بقدر ۱۰ درجه میل نمود. در اثنای این دو هجوم مخرب طوربیدوی (شیرانوی)، و طوربیدوی (آزاشیو) با کله

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 69 of 310

های که از کشتیهای دشمن از هرهرطرف برانها میبارید زخمدار شدند، وتلفات های بسیار بزرگی دیدند . اماهزارشکر که هردوی شان دریك کمدت ازین وضعیت مخاطره ناك رهایی یافتند .

« از ساعت ٤ چهلدقیقه گذشته بودکه دشمن ازین فکر خودکه بسوی شمال یك راهی برای خود پیدا کند صرف نظر نمود . چونکه یکسر استقامت جنوب راگرفته فرار کردن . بی وغیرت ورزید . بنابرین دستهٔ کشتیهای جنگی اصلئی مابصورتیکه گرووازورهای زرهپوش درپیش بودندبه تعقیب دشمن سرعت نمود . امابسبب دمه ودودهای آتش تایکمدتی دشمن از نظرپنهان گردید

« بعد ازانکه بقدر ۸ میل بسوی استقامت جنوب رفتار نموده بودیم درطرف راست خودیك گرووا زورصنف دوم ویکچند کشتی معاون دشمن رامشاهده کردیم ، وهماندم برآنها آتش کشادیم درساعت پنج ونیم دستهٔ کشتی های جنگی اصلئی مابرای پیدا کردن زرهپوشهای دشمن بسوی استقامت شمال برگشت . وگرووا زورهای زرهپوش رای هجوم کردن برگرووازورهای دشمن برر فتاراستقامت جنوب غربئی خوددوام ورزیدند . سرازینوقت تاوقت شام که تاریکی شد هردودستهٔ کشتی های جنگی ما بردوراه مختلف حرکت کرده همد یگرخودرا از نظرغایب کردند .

* * *

« از (٥) (٤٠) دقیقه گذشته دستهٔ کشتی های جنگی اصلئی مابر (اورال) نام سفینهٔ معاون روس که از نزدیك مامیگذشت آتش کشاد ، وهماندم اورا غرق نمود ، وبرای جستجوی دشمن بررفتاریکه داشت دوام ورزیده نهایت دستهٔ کشتیهای جنگی مادرجهت چپ خودشش قطعه سفینهٔ دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی روس رامشاهده کردکه یکسربسوی شمال شرقی روبفرارنهاده

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 70 of 310

بودند . هما ندم به آنها نزدیکشدیم ، وبریك راهی که موازی برراهیکه آنها گرفته بودند بود برابر آمدیم . درمابین مابازمحاربه در گرفت . چون رفته رفته مسافه کم شده میرفت دشمن از آتش شدتناك مابسیار بسیارمتاثر گردید . دشمن در اول امربه استقامت شمال شرقی پویان بود . اما آهسته آهسته راه خود رابسوی غرب برگردانید ونهایت در استقامت شمال غربی بماند . این محاربه که بر دو خط موازی اجرا گردید از ساعت (٦) شام تابه شب دوام ورزید . دشمن آنقدر زده وزخمی شدکه آتش شان نیز خفت وسستی پیدا کرد .

« دستهٔ کشتیهای جنگی مابیك حال آزاد انه و مالکانهٔ مانده لحظه بلحظه کسب شدت مینمود . یك زرهپوش دشمن که به سیستم (الکساندرسوم) بود ازخط برامدودرعقب بماند . یك سفینهٔ دیگردشمن نیزکه مانندزرهپوش (بوردینو) دیده میشد واین کشتی قول حرب را اداره میکرد از (٦)(٤٠) دقیقه گذشته آتش گرفت . واز (٧) (٢٣) دقیقه گذشته یکی یکبار درمیان دود های بسیار غلیظی مانده . وگویا آتش بمخزن جبه خانهٔ آن سرایت کرده در یك آن واحدغرق وناپدیدگردید . کرووازورهای زرهپوش ما که در جنوب دستهٔ کشتیهای جنگی کروواز ورهای دشمن را تعقیب میکردند ۷ دقیقه از ۷ گذشته بشکل کشتی (بوردینو) یك زرهپوشی مشاهده کردندکه این سفینهٔ دشمن سیك بغل بسیارمیل کرده بحرکت مانده بود . درنزدیك این کشتی (تا خیموف) نام دیگر کشتی روس نیز موجود بودکه هردوی شان دریك کمدتی ترك سفینهٔ حیات کرده درقعر بحرمات غوطه ور گردیدند . بعدتر ازین ازز بان اسیرهای روسی که بچنگ افتاده بودند معلوم شدکه یکی ازینها (الکساندرسوم) ودیگر آن (بوردینو) بود .

« رفته رفته تاریکی بسیارعمیقی جهانرا فرامیگرفت گویاطبیعت میخواست

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 71 of 310

که درپیشگاه دیده های امیدان هردو خصم جان همدیگر که ازصبح دم تابه این دم بفانی کردن همدیگر میکوشند یك پردهٔ سیاهی بیاویزد. اما این کشتیهارا، این قلعه های سیاررا، این کوههای آتشفشانرا که از بسی زمانها برهمدیگر خود سلاح خونریزیرا برداشته اند کجا آرام میگیرند؟ هیچ شبهه نیست که دشمن خودرادر آغوش ظلمت شب درانداخته برای حیات باقیماندهٔ خود درباب تدارك کردن یك ملجا وماوایی میکوشد. امادستهٔ کشتیهای جنگی ما ازین شبی که روز آرا بکمال شرف وشان بسر آورده نیز استفاده کردن میخواست واز ازو پرده های کیف، وطبقه های غلیظ تیره کنی شب را یکان یکان ازهمدریده گریبان دشمن خودرا که ازپیش تیغ مظفریتش درکر بختن است بجنگی آوردن واورا سراسر محوو پریشان ساختن ازجملهٔ مقاصد مهمه اش بود.

«بناءً علیه باوجودیکه تیره کنی شب بسیار بود باز هم ترك مخاصمات نکردیم، واکر دشمن ازیکطرف میگریخت، درهمانطرف کشتیهای ما براو حمله می آورد، هرطرف که آتش بکشاید طرف مقابل اوراجواب میدهد. اکر کشتی های بزرك بایستد کشتیهای کوچك بکار زار آغاز میکنند. طوریکه بلها بغرش می آید!!

* * *

«بواقعیکه لوی غندهای طوپیدو ومخرب طوپیدوهای مابعدازانکه همه تدارکات لازمهٔ خودشان را برای هجوم حاضر کردند دشمنرا درجهت شمال از طرف جنوب وشرق به احاطه کردن آغاز نهادند، بنابرین دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی ما آهسته آهسته ازتضییق وفشاردادن دشمن به صرفنظر کردن آغاز نهاد ومیدان حرب رابرای این کشتیهای کوچك آتشین جولان خودوا کذاشت.

(۲۸) دقیقه از (۷) کذشته بودیعنی هنکامیکه آفتاب جهانتاب شعاعات آخرین خودرا برموجهای حزین دریای زاپان نشرمیکرد، درین ساحهٔ دریا

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 72 of 310

شیکه افراد دو ملت بزرگ دران پهلوانیها کرده اند لوحه های بسیار عبرت انگیز الم آمیزی بوجود آمده بود . درینوقت بر دستهٔ کشتیهای جنگی خود امر دا دم که استقامت شمالرا بگیرند، وموعد تلاقی را برای فردا صبح جزیره های (او لونغ) راتعیین کردم .

﴿ محاربهٔ لوی غندهای (ده وا) و (اوریو) «وتوغو» ودستهٔ کشتی ﴾
﴿ های جنگی گرووازورها ﴾

[این توغو غیراز امیرال توغوست]

« وقتیکه بساعت (۲) امر آتش کشادن داده شده بود لوی غندهای (ده وا) و (اوریو) و (توغو) ودستهٔ کشتی های جنگی گرووازورهای ما از دستهٔ کشتی های جنگی اصلی جدا شدند . ودشمن را بجهت راست خود گرفته بسوی استقا مت جنوب توجه کردند . وبموجب پلان ونقشهٔ سوق الجیشی که پیش ازین کشیده شده بود برای برهم کردن کشتیهای دشمن که دمدار تول غند بحرنی دشمن را تشکیل کرده بود، وعبارت از سفینه های معاون (اولاغ) و (اوروزا) و (سوبیه تلانا) . و (الماز)، و (دیمتری دونسقوی)، و (ولادیمیر — مونوماق) بودند حرکت کردند .

« لوی غندهای (ده وا) و (اوریو) یکجا و بر یك خط حرکت کرده بدستهٔ کشتیهای جنگی گرووازورهای دشمن نزدیک شدند، و مقابل را میکه آنها گرفته بودند یك راهی گرفته بمحاربه آغاز کردند .

« بسا اینکه سرعت افزونتری که این لوی غندهای ما داشتند دشمنرا گاهی از راست وگاهی از چپ بزیر آتش طوپ گرفته وضعیت آنهارا به آرزو و دلخواه خود تبدیل وتعدیل میدادند درمیان (۳۰) دقیقه درد مدار دشمن بی انتظامی ظهور

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 73 of 310

نمود سفینه های معاون، و کروواز وزها از همدیگر جدا شدند .

«یك کمی بعد از ساعت (۳) یك کشتی بطرز ساخت کشتئی جنگی (اوروا) از دیگر کشتیها جداشد، و بیکطرف نزدیکشد. لکن بتأثیر آتش سفینه های ما بصورت بسیار سنگینی زخمدار و دوچار خسارشده باز به تبدیل دادن راه خود مجبور گردید. (٤٠) دقیقه از (۳) گذشته بود که (۳) قطعه مخرب طوربیدوی دشمن برما هجوم کرد اما بی آنکه هیچ یك نتیجهٔ حاصل کنند به پس رانده شدند.

« از نتیجهٔ هجومهای مشترك لوی غندهای (ده وا) و (اوریو) بساعت (٤) درمیان لوی غندهای دمدار دشمن یك بی انتظامئی حقیقئی بدیدار آمد .

« در میان کشتیهای جنگئی این قسم میدان محاربه هیچ یك اثر ترتیب و نظامی باقی نماند . از ین کشتیها هر کدام جدا جدا دوچار خسارشده بودند و بعضیها بدرجهٔ که حرکت نتواندرسیده بودند .

« ساعت چار را (۲۰) دقیقه گذشته بود که لوی غند (اوریو) یك کشتئی معاون سه دگلهٔ دودودکش دارمشاهده کرد . هماندم بران آتش گشاده در یك کم مدتی آنرا بقعر دریا رهسپار ساخت .

و نیز همین لوی غند یك کشتئی دیگر چهار دگله و یك دودکش دار را نیز بزیر آتش شدید طوپ گرفته و آنرا نیز بدرجهٔ غرق رسانید. درهمین وقت دستهٔ کشتیهای جنگی کروواز وزرهای ماولوی غند توغو نیز بمحای محاربه واصل شدند ، وقوتهای موجودهٔ خود را بر لوی غندهای اوریو، وده واضم والحاق کردند، و همهٔ این قوهٔ مجتمعه دست یك کرده بادستهٔ کشتیهای جنگی کروواز وزرهای دشمن وسفینه های معاون دشمن که بیك حال بسیار ابتر و برهمی بود بشدت تمام هجوم بردند و انهارا خراب و پراضطراب ساختند .

« درین اثنائیکه این کارها میشد چار کشتئی جنگی دشمن که از طرف دستهٔ

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 74 of 310

کشتیهای جنگی اصلئی ما دفع وطرد شده بودند بر استقامت جنوب واپس رانده شده به دستهٔ کشتی های جنگی کروواز ورهای ما التحاق کردند . از نتیجهٔ این اتفاق چار زرهپوش با کروواز ورها این بعمل آمد که لوی غند (اوریو) ، و لوی غند کروواز ورهای ما با دشمن تا بسیار وقتها از مسافهٔ بسیار نزدیك بمحاربه کردن بسیار جدی و حقیقی در آویختند، و درین محاربه همه کشتی های ما کم و بیش زحمت کشیدند اما هزار شکر که خسارتهای ما بدرجهٔ شایان اهمیت باشد نبوده

« سفینهٔ (قازاکی) نام لوی غند (ده‌وا) که بیرق خود امیرال (ده‌وا) را حامل بود در زیر خط آب خود از طرف چپ دوچار خسار شده بود . این کشتی برای اجرا کردن تعمیرات موقته بیکجایی که دریا آرام بود در کشید . (امیرال ده‌وا) کشتی (شیطوزه) را با کشتی قازاکی تر فیق نمود ، و دیگر جزوهای نام لوی غند آن در زیر ادارهٔ قو نترامیرال (اوریو) در آمد . بساعت (٦) سفینهٔ قازاکی به دریاچهٔ (ابورانیا) واصل شد و قو نترامیرال (ده‌وا) بیرق خود را بر کشتئی (شیطوزه) برافراشته در شب باز در میدان محاربه بیامد . ولی کشتئی قازاکی چون تعمیرات خود را تا روز دیگر نتوانست بسر برساند در تعقیب دشمن بروز دیگر اشتراك ننمود . در لوی غند (اوریو) نیز کشتئی (نانیوا) که سوارئی امیرال بود در زیر خط آب خود یك ضربهٔ اوبوس را بخورد . بنابرین او نیز برای اجرا کردن تعمیرات موقته به ترك کردن خط حرب مجبور شد .

« درینوقت هم در طرف شمال و هم در طرف جنوب همه دستهٔ کشتیهای جنگی دشمن سراسر پراکنده و پریشان شده بود . و یك حالی که دل انسان بران میسوخت درآمده بود ، و از ینسبب بود که در ساعت پنج و نیم دستهٔ کشتی های جنگی کروواز ورهای زرهپوش ما از دستهٔ کشتی های جنگی اصلی جدا شده ، و برای هجوم بردن بر کروواز ورهای دشمن یکسر بسوی جنوب حر

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 75 of 310

کت نمود . درینوقت لوی غند (اوریو) ، ودسته کشتی های جنگی کرووازورها ولوی غند (توغو) دشمن را درزیر تضیق و فشار آورده کشتیهای دشمن فوج فوج بسوی شمال بگریختن آغاز نهادند . لوی غندهای مادر اثنای تعقیبی که داشتند به کشتی زرهپوش (قینازسواروف) و (قامچاتقا) که بر رفتار اقتدار نداشتند ودر عقب مانده بودند تصادف کردند، وهماندم ترتیبات غرق کردن آنرا گرفتند . ده دقیقه از ۷ گذشته (قامچاتقا) راغرق کردند . بعداز ان لوی غند طور پیدوی (فوژیموطو) که بهمراه دستهٔ کشتیهای جنگی کرووازورهای مابودبر زرهپوش (سواروف) تاختند . این سفینه تابه آخر وقت بایك طوپ کوچکی که داشت درمدافعه دوام ورزید . امانهایت الامرباضربهٔ دوطورپیل بزیردریا فرو رفت !

« ۲۰ دقیقه از ۷ گذشته بود: کشتیهای ما که دربن قسم میدان محاربه بودند برای رفتن بموعد ملاقاتی که درجزیره های (اولنوغ) تعین شده بود امر گرفتند ، وازینسبب از محاربه صرف نظر کردند ، وبسوی استقامت شمال شرق براه پیمایی آغاز کردند .

راپورت در باب محاربهٔ طورپیدوها

« محاربهٔ شب ۲۸ بمجردیکه محاربهٔ روز ۲۷ منقطع گردید آغاز نهاد . ایمحاربه عبارت از جنگ وجدال بسیار شدید ومهلکی بود که لوی غندهای طور پیدوها ، ومخرب هااز جهتهای مختلف اجرا کرده بودند .

«بادبسیار شدیدی که از صبح باینطرف دروزیدن بوددریا را خیلی پرجوش وخروش نموده بود . وبه اینسبب این سفینه های کوچك مابه بسیار مشکلات ماوره یعنی حرکات عسکریهٔ خودرا اجرا میتوانستند . بنابرین پیش ازانکه

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 76 of 310

محاربهٔ روز آغاز کند لوی غند طوربیدوهای را که در پیش من بودند در خلیج (میپورا) فرستادم . بوقت شام شدت باد یکقدری کمشد ، اما دریا هنوز خیلی در طلاطم بود ، و به اینسبب وضعیت سفاین طوربیدوی ما هنوز برای مانوره کردن در شب مساعد و موافق نبود ، مع هذا لوی غندهای طوربیدو ، و مخربهای ما از بیم آنکه مبادا این فرصت یکباره از دست شان فوت شود با وجود طلاطم بر دهشت بحر پیش از غروب شمس خود را بمیدان رزمگاه در انداختند ، و در باب نزدیکشدن به دشمن جد و جهد نمودند .

« لوی غند مخرب (فوژیموطو) که از جهت شمال می آمد ، ولوی غند مخرب (باژینا) که از شمال شرقی می آمد ، ولوی غند طوربیدوی (قاوازه) از سه طرف بر دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی دشمن بشدت هجوم بردند . در همین وقت لوی غند مخرب (یوشیژیما) ، ولوی غند مخرب (هیروزه) از جهت شرق ، و جهت شرق جنوبی بر آخر قول همین دستهٔ کشتیهای جنگی دشمن اجرای صولت کردند .

« لوی غندهای طوربیدوی (فوکودا) ، (اوتاکی) ، (اویاما) ، (قاواداً) که از جهت جنوب میآمدند دستهٔ کشتیهای جنگی کروازورهای دشمن را که از دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی جدا افتاده بودند بشدت تمام عقب گیری نمودند . به اینصورت در وقتی که تاریکی شب جهان را فرا میگرفت این دستهٔ کشتی های جنگی کوچك ما دشمن را از سه طرف احاطه کرده بودند .

« پس معلوم شد که این وضعیت مهلکهٔ دشمن را بیك خوف و هراس فوق العادهٔ انداخته بود که بعد از غروب آفتاب از راهیکه بر استقامت جنوب غربی گرفته بود صرف نظر کرده سر از نو باز بسوی استقامت شرق توجیهٔ حرکت نمود . هجوم شبانهٔ لوی غند های طور پیدوی ما بساعت (۸) شب

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 77 of 310

اول از هجوم لوی غند مخرب (یازیما) که بطرف سردستهٔ کشتیهای جنگی دشمن اجرا کردند آغاز نهاد . و سر ازین ساعت همه لوی غند های طور پیدوی ما ازهراستقامت مانند شاهینهای تیز پروازی برین دستهٔ کشتیهای جنگی به پرواز آمدند ، و نابساعت (۱۱) شب اصلا از هجوم فارغ نشدند دشمن نیز همه پروژه کتورها ، وطوپهای خود را استعمال کرده ازمدافعه ومحاربهٔ نا امیدانه کوتاهی نکردند . و لی به این هجومهای متمادی حشرات البحر طور پیدوهای مامقاومت وتوانایی نتوانسته همه ترتیبات محاربهٔ شانرا کاملا زیروزبر نمودند ، وهریك ازکشتیهابیك یك طرفی گریخته درهرجهت دستهٔ کشتی های جنگی یك بی انتظامی وپراکنده گی بزرگی حکمفرما گردید .

« طور پیدوهای مابعقب گیری آنهابشدت دوام ورزیدندمیدان محاربه درهم وبرهم گردید . سه قطعه زرهپوش دشمن که یکی زرهپوش (سیصو یی وه لیتی)، ودیگرش کرووا زورزرهپوش (امپراناخیموف) ، وگرو وازور زرهپوش (ولادیمیرمونوماق) بودند باطور پیلهای طور پیدوی ما زخمهای کاری خورده از کاردرافتادند . ازطرف ماطور پیدوهای نمبر (۶۹) ازلوی غند (قو کودا) ، ونمبر (۳۴) ازلوی غند (اویاما) ، ونمبر (۳۵) از لوی غند (قاوادا) بتأثیراوبوسهای دشمن غرق شدند . مخربهای (هارو زامه) ، و (آقاچوکی) ، و (ایقاچوکی) ، و (یوژیری)، وطور پیدوهای (صوژی) ونمبر ۶۸ ونمبر (۳۳) نیزازگله های اوبوس دشمن خوب متأثر شدند . و بصورت موقت از صف حرب بیرون برامدند . ضایعات مرتبات مادر لوی غند های (قوکودا) ، و (اویاما) ، و (قاوادا) نسبت بدیگران زیاده تربوقوع آمده بود . طایفه های سه طور پیدوی ماازطرف مخرب (قاری) وطور پیدوهای نمبر (۳۱) و (۶۱) رهایی یافتند .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 78 of 310

« از قرار گفتهٔ اسیرهای روسی که بدست ما افتاده بودند چنان معلوم شده که هجوم طوربیدو های ما که در شب اجرا کرده بودند خیلی مدهش شده بود . این کشتیهای کوچك مابه آنقدر سرعت هجوم میکردند ، وآنقدرنزدیك می آمدند که توقف دادن آنها غیرممکن دیده میشد ، وازانقدرنزدیك طوربیلهای خودرامی انداختند که نشان گرفتن آنهاغیرقابل مینمود .

« غیر ازین هجومهائیکه ذکرکردیم لوی غند مخرب (سوزوکی) ودیگر لوی غند های طوربیدوی مانیز ازاستقامتهای مختلف به عقب گیری ، و جستجوی دشمن افتاده بودند . بوقت صبح روز (۲۸) در (۲۷) میل شرق شمالی (قارازاکی) نام محل دوقطعه سفینهٔ حربیهٔ دشمن رادیده برا نها هجوم بردند ، وهمانده یکی ازانهارا غرق کردند نظربه گفتهٔ اسیرهائیکه بدست آمده بود این کشتی غرق شده سفینهٔ حربیهٔ (ناوارین) بود که از هردو طرف خود دو دوطوربیل خورده ودرظرف دودقیقه درقعربحرپو یان گردیده است . دیگرلوی غند های طوربیدوی ما اگرچه تمام شب بجستجوی دشمن درا ستقامتهای مختلف تك وتاز کردند ولی هیچ اثری از دشمن گریزپای خود نیافتند .

« اینست نتیجهٔ هجوم طوربیدو ها که درشب ۲۸ می اجرا گردید .

راپوردرباب محاربهٔ میدان ۲۸ می

« درروز (۲۸) می دستهٔ کشتی که از ۲۴ ساعت به اینطرف جهانرافرا گرفته بود بتمامها برطرف شده بود . دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی مابادستهٔ کشتیهای جنگی کروازور های زرهپوش ما تخمیناً در (۲۰) میل بجهت جنوبی جزیرهٔ (اولنونغ) موجودبودند . دیگرلوی غندهای ما ، ودستهٔ کشتیهای

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 79 of 310

جنگی طوربیدو های ما که به هجومهای دیشبهٔ خودشان کشتیهای دشمن را تارومار کرده بودند ازراههای مختلف بموعد تلاقی یکسر پیش می آمدند.

« ساعت (۵) را (۲۰) دقیقه گذشته بود. درانثنایی که من برای سدکردن خط رجعت دشمن دستهٔ کشتیهای جنگی کرووازورهای زرهپوش خود را بطرز زنجیر کشف از شرق بسوی غرب ترتیب میدادم ازطرف دستهٔ کشتی های کرووازورهای ما که تخمیناً (۶۰) میل درعقب، وبراستقامت شمال برفتار بودند خبرداده شدکه دستهٔ کشتیهای جنگی دشمن رادرجهت شرق دیده اند، که بسی ستونهای دود های آن به آسمان بلند میشود.

« بعداز کمی این دستهٔ کشتیهای جنگی کرووازورهای مابدشمن نزدیك شدند وبما اشارت کردندکه دستهٔ کشتیهای جنگی دشمن عبارت از ٤ قطعه زرهپوش ودو کرووازور میباشد، ویکسر بسوی شمال دررفتاراست. هیچ شبهه برای ما نماند که این کشتیها عبارت از قسم اصلی ویران شدهگی دستهٔ کشتی های جنگی دشمن خواهد بود. بنابرین دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی ما با دستهٔ کشتیهای جنگی کرووازورهای زرهپوش ما برای بستن راه رابر دشمن بطرف راست تبدیل حرکت کرده براستقامت شرق رفتارنمودند. لوی غند های (توغو) و (اوریو) نیزبه دستهٔ کشتیهای جنگی کرووازور ها التحاق کرده درعقب آنهاموضع گرفتند. به اینصورت بساعت ده ونیم در (۱۸) میل جنوب (تاکه شیما) دشمن از هرجهت احاطه شده بود.

« این قوت دشمن عبارت بود از کشتیهای زرهپوش (اوره ل) و (نیکولای نخستین)، ومحافظهای ساحل (آپراکسین)، و(سه ن یاوین) وکرووازور (ایزمرود) که همهٔ آن پنج قطعه میباشد. درهمین وقت یك کرووازوردیگردشمن در استقامت جنوب از بسیاردور پدیدار گردید، و

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 80 of 310

لی خیلی زود باز از نظر پنهان شد .

« اینچند پاره کشتی که مابقی ویران شده کلی دستهٔ کشتیهای جنگی دشمن بود به آندرجه خسارت زده شده بودند که باقوای فایقهٔ ما مجال محاربه کردنرا ندا شتند . وبعد ازانکه کرووازورهای زرهپوش مایك چند گلوله برانها انداختند قونترامیرال (نه بوغاتوف) که قوماندان این کشتیها بود اشارت کشید که با همهٔ قوای حربیهٔ که در زیر ادارهٔ اوست آرزوی تسلیم شدن را دارد . من این اشارت اورا قبول کردم ، ویك خوبئی دیگرهم با آنها کردم که افسران شا ن را اجازهٔ محافظه کردن شمشیرهای خود شان را دادم . تنها کرووازور (ایزمرود) دشمن پیش ازکشیده شدن اشارت تسلیم باهمهٔ سرعتی که داشت یکسر بسوی جنوب فرار نموده از پیش لوی غند (توغو) در گذشت ، وبسوی شرق یك راهی برای خود پیدا کرده توانسته از نظر پنهان گردید . درین اثنا کشتئی (شیطوزه) با التحاق مینمود که از خلیج (آبورایا) عودت میکرد ، ودرراه یك مخرب طوربیدوی دشمن را غرق کرده بود .

« وقتیکه (شیطوزه) گریختن سفینهٔ (ایزومرود) را مشاهده کرد ، هماندم تبدیل استقامت نموده (ایزومرود) کربزبارا تعقیب نمود . اما دشمن برهایی دادن گریبان خود کامیاب آمده درجهت شمال به میان مسافات بعیدهٔ بحر از نظر نهان گردید .

« پیش ازین وقایع ، در وقتیکه لوی غند (اوریو) بسوی شمال پیش میرفت بساعت ۷ صبح درجهت غرب یك کشتئی دشمن را مشاهده نمود هماندم کشتیهای (اوناوا) ، و (نی ناقا) که درزیر قوماندانئی کپتان (آریما) بودبه تعقیب آن شتافتند . ساعت (۹) بود که به آن رسیدند ، وشناختند که کشتئی (سوبیه تلانا) ست برفاقت این کشتئی دشمن یك مخرب طوربیدوهم بود . این دو کشتئی ما

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 81 of 310

چون یك کمی بدشمن نزدیکشدند آتش بسیار شدیدی کشادند . وبعد از یکساعت محاربهٔ کشتئی (سوبیه تلانا)ی دشمن را در نزدیکیهای خلیج (شی بوك بی یونغ) غرق کردند . سفینهٔ (نی ناقا) بامخرب طوربیدوی (موراقومو) که نو بمدد کارئی شان رسیده بود (بیستری) نام مخرب طوربیدوی دشمن را که با (سوبیه تلانا) بود عقب گیری نمودند از (۱۱) (۵۰) دقیقه گذشته بود که اورابه ساحل نزدیك کرده درزیر فشار گرفتند، ونهایت در یك خلیج بی نامی از اغرق ونابد بدساختند . مرتبات این دوسفینه که زنده مانده بودند جملهً از طرف کشتی های معاون (امریکامارو) ، و (قازوغامارو) رهایی داده شدند .

«درائنائیکه قسم اعظم دستهٔ کشتی های جنگی مرکب ما که دشمن را اسیر کرده بودند هنوز در محل وقعهٔ اسیر شدن امیرال (نه بوغاتوف) بودند، وباچهار کشتئی جنگی اسیر شدهٔ دشمن مشغول بودند بنا گهان از دور کشتی امیرال (او شاقوف) مشاهده شده همانده یك مفرزهٔ بحریه که از کشتیهای (ایواته) و (یاقومو) مرکب بودند بر او بحمله آوری مقرر شد . یك کمی از ساعت ۸ گذشته بود که این دو کشتی مابه کشتئی دشمن رسیدند، وهماندم تسلیم شدن اورا تکلیف کردند . اما کشتئی روس به این تکلیف کشتیهای مابه آتش طوپ جواب دادند . بنابرین بجز اینکه بروهجوم برده شود دگر چارهٔ نماند . نهایت الامر کشتئی روس را غرق کردند ، و ۳۰۰ نفر مرتبات آنرا از میان موجهای فروبرندهٔ بحر محیط رهایی داده اسیر کردند .

«ساعت ۳ ونیم بود که (سازانامی) ، و (قازارو) نام مخرب طوربیدوهای مادو مخرب طوربیدوی دشمن را تخمیناً (٤٠) میل در غرب جنوبئی جزیره های (اولنونغ) مشاهده کردند که یکسر بسوی شرق در گریختن بودند . یکی از ین کشتیهای دشمن که درعقب مانده بود یك برق سفیدی برافراشته اشارت

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 82 of 310

تسلیم شدن خود را نمودار کرد. بنابرین طوربیدوی (سازانامی) نام مارفته انرا بدست تصرف خود دراورده. معلوم شد که این مخرب طوربیدوی دشمن (بی به دودی) نام کشتی روس است. ویس امیرال (روژدست وه نسکی) با همه ارکان حربیهٔ خود درین کشتی بودند، و جملهٔ شان باطبقه های خود اسیر افتادند. طور پیدوی (فازه روی) ماتا بساعت (٦) ونیم به تعقیب کشتی دیگر روسی دوام ور زید، ولی بگرفتار آوردن آن موفق نشده کشتی کوچك روس گریبان خودرا رهایی داد.

«لوی غند های (اوریو) و (یازیما) بساعت (٥) شام کروواز ورزرهپوش (دیمتری دونسقوی) دشمن را مشاهده کردند، وهماندم بعقب گیری آن شتافتند. درین اثنا کشتی های «اوتاوا»، و (نی تاقا) نام ما بهمراه «آزازیری» و (شیرا قومو)، و (قویوکی) نام مخرب طوربیدوها از خلیج (بی یونغ) برمی گشتند. بنابرین از جهت غرب به او تقرب کردند، وهماندم بر کشتی مذکور آتش کشادند. و به ینصورت کشتی روس در میان آتشهای مقر اصلی کشتیهای ما درافتاد و تا بوقت شام که تاریکی شب جهان را فرا گرفت بشدت تمام بمحاربه دوام نمود. کروواز ورد شمن به بدصورت زده و زخمی شد. اما باز هم بشناوری دوام مینمود. تا آنکه در تاریکی شب از نظر نهان گردید. و کروواز ورهای ما آتش خود را قطع نموده «قویوکی». و (یازیما) نام مخرب طوربیدوهای ما براو حمله آوردند. اما بنتیجه مشکوك و غیر معین بماند. روز دیگر بوقت صبح این کشتی دشمن در نزدیکی ساحل جزیره های (اولنوغ) دیده شده هماندم از طرف کشتیهای ما بقعر دریا فرستاده شد. مرتبات آن که در جزیره ها برامده بودند از طرف (قازوغا)، و (قوبوکی) جمع آوری شدند.

«در اثنایی که قسم اعظم دستهٔ کشتی های جنگی مرکب ما در شمال به این

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 83 of 310

صورت حاصلات حرکات شدیدانهٔ جوانمردانهٔ خودرا بجمع کردن مشغول بودند ، درجهت جنوب نیز بسیاری از سفاین حربیهٔ دشمن اسیر میشدند . سفینه های معاون (شینانومارو) ، و(تنان مارو) و(یاوتامارو) برای تحریات وتجسسات بوقت صبح (۲۸) می حرکت کرده بودند . این کشتیها بعد از یکمدتی در (۳۰) میل شمال شرقئی (قازازاکی) (سیصوپی وه لیق) نام کشتئی دشمن را مشاهده کردند که این زرهپوش دشمن یکشب پیشتر باطور پیلهای طوربیدوهای مازخمدار شده بودند . ودرین وقت که سفاین معاونهٔ ما میرسیدند ، درحالت غرق شدن بود . کشتیهای معاون ماهاندم بگرفتار کردن آن ، وخلاص کردن طایفهٔ آن حاضر شدند . اما ساعت (۱۱) بود که این زرهپوش بسیار بزرگ دشمن نیزد رزیر دریا از نظرها نهان گردید .

« در دیگر طرف از ساعت (۵) (۲۰) دقیقه گذشته بود که مخرب طوربیدوی (شیرانووی) ، وسفینهٔ معاون « سادومارو » به کشتئی جنگئی « امیرال ناخیمو ف » در « ۵ » میل شرقئی ساحلهای « چوشیما » تصادف کردند که کشتئی مذکور درمیان یك تهلکهٔ عظیمهٔ مانده بود . درعقب این تصادف « ولادیمیرمونوماق » نام کشتئی جنگئی دیگر دشمن را دیدند که این هردو کشتئی بحالت غرق شدن بودند . کشتئی « سادومارو » ی ماهاندم بتدارکات ضبط کردن آنها آغاز کردند . ولی کشتیهای دشمن آنقدر خسارت زده شده بودند که از هرطرف انهار خنه ها ی جسیمی پیداشده انها بشدت دران هجوم مینمود . کشتی ما همینقدر توانستند که مرتبات انهارا رهایی بدهند . بساعت « ۱۰ » هردوی انها درزیر بحر پویان شدند . درهمین اثنا بود که « غرومکی » نام مخرب طوربیدوی دشمن دران جوار پدیدار شد ودفعتهً بسوی شمال بره پیمائی آغاز نهاد . (شیرانووی) همان دم اورا عقب گیری کرد ودرین اثنا طوربیدوی نمبر (۶۳) نیز رسیده هردوی شان

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 84 of 310

بر کشتی دشمن هجوم برده آن را ضبط و طایفه اش را اسیر کردند . اما سفینهٔ مذکو ردبه آنقدر خسار دوچار آمده بود که از ساعت (۱۲) (٤٦) دقیقه گذشته بود که از سطح آب الوداع ابدی گفته در قعر بحر شتابان گردید .

بعد از محاربه دیگر اقسام دستهٔ کشتیهای جنگی ما و سفاین معاونهٔ ما هر هر طرف میدان محاربه ، و سواحل همجوار را بخوبی جستجو کرده بسیاری از مرتبات سفاین غرق شدهٔ دشمن را بدست آوردند . همهٔ اسیرانی که درین محا ربه اسیر دست ما شدند بمعهٔ مرتباتی که در کشتیهای اسیر شده بودند به (٦٠٠٠) هزار آدم بالغ شدند .

« نتیجهٔ محاربهٔ که از روز (۲۷) می بعد از پیشین آغاز . و در روز (۲۸) می بعد از پیشین به انجام رسید عبارت از همین بود که بیان گردید . بعد از محاربه یك قسمی از دستهٔ کشتیهای جنگی ما تا بسیار جاها بسوی جنوب برای جستجوی دشمن پویان شدند ، ولی دران جهتها هیچ یکی از سفاین دشمن دیده نشد . تقریباً (۳۸) قطعه کشتی دشمن بداخل شدن دریای (ژاپان) تشبث ورزیده بودند . که ازین جمله تنها یکچند کروازور ، و مخرب طوربیدو ، و یکچند سفینهٔ معاون بی اهمیت از دست سلاح قهروند میرما گریبان خود را رهایی داده توانسته اند . درین محاربه عظیمه که دو روز دوام نمود ضایعات ما تنها بر سه طوربیدو منحصر مانده است . بعضی دیگر سفینه های ما نیز اگرچه کم و بیش دوچار خسار شده اند ، ولی هیچ یکی از انها بدرجهٔ که از خدمت خود پس بماند زده و زخمی نشده اند . ضایعات نفوسی که در همه دستهٔ کشتی های جنگی ما بوقوع آمده از افسران و نفریها (۱٦۰) مقتول و (٥۳۸) مجروح میباشد .

« در مابین نفوذ و اقتدار این دو قوت معارض یعنی دسته کشتی های جنگی ما و روس یك فرق بزرگی موجود نبود ، و این را هم اعتراف میکنم که افسران

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 85 of 310

ومرتبات دشمن به بسیار غیرت وشدت جنگ کردند، ولی باوجود آنهم دسته کشتی های جنگی ما مظفر آمده نتایج مذکوره را حاصل کردند که اینهم اثر جسارت ودلاورئی خودمانی بلکه از فضایل برگزیدهٔ حضرت ایمپراطور ما یك نشانهٔ علوی ایست. اینقدر کم بودن ضایعات مانیز بجز تاثیر حمایهٔ ارواح اجدا دایمپر اطوری بردیگر هیچ چیزی عطف واسناد کرده نمیشود. وهمه افسران وافراد ما که بیك شدت ودلاورئی مردانهٔ حقیقی محاربه کرده اند چون به سوی این نتیجهٔ مظفریت، وبی نسبتئی ضایعات خود می بینند بجز اینکه آن را بر اثر شفقت وحمایهٔ ارواح منقدمین حمل نمایند دیگر چیزی گفته نمیتوانند.»

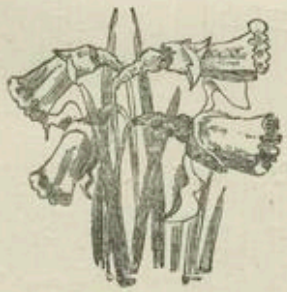

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 86 of 310

ملاحظات

درباب محاربهٔ میدان چوشیما

عاقبت الیمه — و طرز ساخت سفاین حربیهٔ روس

انجام الم انگیز کشتیهای جنگی روس از بنقرار است :

(۱) — کشتیهای زرهپوش روس (۸) قطعه بود (٦) قطعه آن غرق کرده شدکه اینهاست : (قیناز سواروف ؛ الکساندردوم ؛ بوردینو ؛ اوسلی یابیا ؛ سیصوی‌وه لیقی ؛ ناوارین) دوقطعهٔ آن اسیرشدکه اینهاست : [اوره ل ؛ نیقولای نخستین]

(۲) — کروزوا زورها (۹) عدد بود (٤) قطعهٔ آن غرق شدکه اینهاست : [امیرال ناخیموف ، سوییه تلا نا ، و لادیمیر ، ایزومرود] سه قطعهٔ آن به (ما یلا) فرارکردند ، ودرا نجامحبوس شدندکه اینهاست : [اوروزا ، اوله غ ، ژه مچوغ] یکی به بندرگاه (ولادیو وستوك) گریخت که نامش [آلماز] است .

(۳) — محافظهای ساحل (۳) عدد بود . دوعدد آن اسیرشدکه [اپ اقسین ، ودیگرش سه نیاوین] بودند . یك عدد آن غرق شدکه [امیرال اوشاقوف] بود .

(٤) — مخرب طوربیدوها (۹) عدد بود (٤) قطعهٔ آن غرق کرده شد

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 87 of 310

که اینهاست : [بوئی نی ، بیستری ، غروبکی ، ویکی دیگر] . یکی اسیر افتاد که نامش (پی به دووی) بود . یکی در اثنای گریختن به [شانغهای] بسبب خسارانی که یافته بود غرق شد . نامش (یله ستیاجی) یکی به شانغهای گریخت ودرا نجا نجهیزاتش برداشته شده محبوس ماند که نامش [بودری] بود . یکی به ولادیوستوك فرار نمود که نامش (براوی) بود . آخری آن معلوم نشد که چه شد .

(۵) — گرووازورهای معاون یکدانه بود که آنهم غرق کرده شد . نامش (اورال) بود .

(٦) — واپورهای معاون (٦) قطعه بود . (٤) قطعهٔ آن غرق کرده شد . نامهای شان [قامچاتقا ، ایرتیش ، آنادیر ، روس] بود . دو قطعهٔ آن به شانغهای فرار کرده درانجا حبس شدند که نام شان [قوره آ ، و سیویر] بود .

(۷) — واپورهای خسته خانه دو قطعه بود که هردوی آن اسیر شدند ، ویکی بعداز اسیر شدن آزادی داده شد که نامش [قوستروما] بود ، ودیگرش که (اوره ل) نام داشت در غنایم بحریه داخل شد .

— ﴿ اجمال ﴾ —

کشتیهائیکه غرق شده	۲۰	قطعه
کشتیهائیکه اسیر شده	٦	قطعه
کشتیهائیکه گریخته اند وغرق شده	۲	قطعه
کشتیهائیکه بیندر گاههای بیطرف رفته وحبس شده	٦	قطعه
کشتیهائیکه اسیر شده ورهایی داده شده	۱	قطعه
کشتیهائیکه فرار کرده اند	۲	قطعه

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 88 of 310

در روسیه بملیونها نفوس به حوادثی که از آبنای (چوشیما) بیاید منتظر بودند . حتی این انتظار تمام ساکنان کرهٔ زمین شامل بود .

آرزوی شدیدیکه در دلهای روسها برای غالبیت دستهٔ کشتیهای جنگی شان جا گیر شده بود اگر یکان یکان حساب میشد یك جمع بسیار بزرگ دهشتناکی از امید تشکیل مینمود ! قسم اعظم مردمان به تدقیق بعضی حسابها ورقها مشغول بود . مثلا بعضی عدد سفاین حربیهٔ روس را ، و بعضی مقدار جفس وطوپهای سفاین حربیهٔ شانرا ، و بعضی شجاعت ودلیری تاریخیهٔ افسران ومرتبات شانرا حساب کرده دستهٔ کشتیهای جنگی امیرال (روژه ست وه نسکی) را از دستهٔ کشتیهای جنگی امیرال (نوغو) قوتمند تر ومافوق تر تصور میدادند . ولی هزار افسوس که این تصورات منظره از قوه بفعل نیامد ! خبر حقیقت بسیار تلخی همهٔ این حسابها وتخمینهارا زیر وزبر نموده اینهمه امیدها را باخاك یکسان نمود .

این یك امر طبیعیست که شاهد ظفریت بحری به تفوق عددی روی النفات ندارد ، بلکه در آغوش قوتمندتر ، وتجربه دیده تر ، و باتدارك تر یك دستهٔ کشتی های جنگی میاندازد که در یك دار الحربی که بخود او خوب معلوم باشد حرکت کرده بکمال سهولت وزودی نواقص خودرا اکمال ، واحتیاجات خودرا بر طرف بتواند . اینست که این محاربهٔ چوشیما این حقیقت تجربهٔ تاریخیه رابازبما بخوبی روشن ومبرهن نمود .

« روژه ست وه نسکی » هنگامیکه از (لیباو) بسوی اقصای شرق میرفت امید مشخص همهٔ دولت روس شده برفت ؛ اما دراول مصادمهٔ که باد شمن نمود یك نا امیدی مجسمی تشکیل داد ! وسنگ خوش عیار موفقیت وکامیابی را در پلهٔ میزان روسها توانست نهاد .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 89 of 310

مع هذا همهٔ این قباحت عدم موفقیت را بر او انداختن گناه است !

در خصوص یك محرر روسی اینچنین مطالعات بیان میکند :

« امیرال روژه ست وه نسکی » چرا از ابنای های (په روز) یا (چوغارو) مرور نکرد و از ابنای (قوره) گذر کرد ، تا اینکه این فلاکت را بر خود بیاورد ؟ پس اگر چه اینگونه یك اعتراض معقول بر او وارد میشود ؛ اما اگر او بجواب بگوید که (برای طی کردن اینقدر مسافه بدرجهٔ کفایت زغال نداشتم) ، در آنوقت چه حق داریم که به او چیزی بتوانیم گفت .

« اما اینهم جای دقت و اندیشه است که آیا امیرال (روژه ست وه نسکی) بدر امدن آبنای قوره قطعیاً مجبور بود؟ آیا وقتی که آن دمهٔ کثیفه را دیده بود نمیتوانست که پیش رفتن خود را تا برطرف شدن دمه معطل بگذارد؟ آیا نمی توانست که در سواحل قوره یك خلیجی را برای خود اس الحرکات گرفته برای داخل شدن در آبنای مذکور موافقتر یك زمانی را انتظار بکشد ؟ این است که این سوالها را خود (روژه ست وه نسکی) باید جواب بدهد!

جناب زاریوس در عقب محاربهٔ (چوشیما) به امیرالهای خود به اینصورت بیان تبریکات کرده است :

- § صورت تلگراف § -

در توکیو : به یاور حریم و بس امیرال روژه ست وه نسکی

« بشما و دیگر همه افسران و مرتبانی که در دستهٔ کشتیهای جنگی شما بوده از صمیم قلب تشکر میکنم . در اثنای محاربه در خصوص بجا آوردن وظیفهٔ مقدسهٔ خودتان حرکات فداکارانهٔ که برای من و تمام روسیه اجرا کرده اید شایان تقدیر و ثناست . بموفقیت و کامیابی تشبث شما ارادهٔ الهیه شرف تعلق نمود . اما بمقابل آن شما آن امر عظیم را بجسارت و شجاعت فوق العادهٔ تان

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 90 of 310

تزئین واعلا کردید . روسیه دایما بوجود شما مغرور خواهد بود . در نزدیك وقت اعادهٔ عافیت کردن شمارا ، وصبر ومتانت نشاندادن شمارا از جناب حق تمنی ونیاز میکنم . »

دیگر

درمانیلا : به قونترامیرال نه نکیست

« قوماندانها ، وافسران ، ونفرهای کرووازورهای (اولغا ، واورو را ، وزه مچوغ) بهمهٔ شما جداجدا تشکر میکنم ، و خدمات برگزیدهٔ شما را که درانثنای ان محاربهٔ دهشتناك بجا آورده اید تقدیر وثنا میکویم . جناب حق بخاطر اینکه وظایف مقدسهٔ خودتانرا بخوبی بجاآورده اید بدلهای شما صبر وتسلی احسان بفرماید . »

دیگر

درولادیووستوك : به قوماندان (آلماز) یاور حرب (چاغین)

« بشما بکمال صمیمیت تشکر میکنم درانثنای محاربهٔ بد بخت چوشما از حرکات فداکارانهٔ که بجاآورده اید به قوماندان وافسران ، ومرتبات سفینه های ایزومرود ، آلماز ، غروزنوی ، و راوی ازطرف من بیان ممنونیت بکنید درمیان اینهمه المها وکدرهائیکه روسیه رااز یکسر تادیگر سراستیلا کرده بیادآوریهای وظیفهٔ مقدسهٔ شما حسان فرمودن تسلی وقوت را بشما از جناب حق دعا ونیاز میکنم . »

نتایج این محاربه از تصور بدبین ترین مردمان نیز وخیمتر ومؤلمتر کردید . طالع درین بار نیز بروی روسها خنده نکرد . هنوز دراول محاربه امیرال (روژه ست وه نسکی) زخمدار کردید . واکرچه مشار الیه ازسفینهٔ امیرال بکشتیٔ طوربیدوی (بوئی نی) نقل نموده توانست ولی اداره کردن دستهٔ

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 91 of 310

کشتیهای جنگی برای او ممکن نشد . تا آنکه این امیرال بدبخت آخرالامر باهمهٔ ارکان حربیهٔ خود بدست دشمن اسیر افتاده فلاکت خود را بکمال رسانید .

بعد ازو ، قدیمترین قوماندانها امیرال (فه لکرسام) بود که او نیز آنقدر ناجور و ضعیف بود که پیش از رسیدن دستهٔ کشتیهای جنگی روس به (چو شما) ترك سفینهٔ حیات نموده است . پس به اینصورت قوماندانئی دستهٔ کشتیهای جنگی بعد از روژه ست وه نسکی ، وفه لکرسام ، اول به امیرال (نه بوغانوف) وبعد هم به امیرال (نه نکیست) که معلوم نشد که چه شد انتقال می یافت امیرال (نه بوغانوف) مدهشترین رذالتها ونامردیهائیکه خیال بشر آنرا تصور نتواند قبول نمود . یعنی باچار کشتی جنگی زرهپوش ویك مخرب طوربیدو خود را بدشمن تسلیم کرد .

نقطهٔ مد هشترین این فلاکت نوی که بسر روسها آمد عبارت از همین عار اسارتیست که از طرف امیرال (نه بوغانوف) قبول گردید .

* * *

در نظامنامهٔ بحری روسها درباب تسلیم شدن بدشمن این سطرها مندرجست :

« در اثنای محاربه شخصی که قوماندانست به افراد و افسرانی که بهمراه اوست دلاوری باید بدهد . وبکمال فداکاری وشجاعت تا به آخر درجه جنگ باید کند . اما اگر از این سه حال یکی پیش شود همه افسران بزرگ وخورد را در پیش خود جمع کرده وهمراه آنها مشورت کرده هرگاه رایهای همهٔ شان درباب قبول کردن اسارت قرار گرفت از بهر آنکه خونریزی بیهوده نشود کشتئی خود را بسبب حالات ذیل بدشمن تسلیم میتواند :

حال اول — : هرگاه گله های دشمن آنقدر شکافها و رخنه ها در کشتئی

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 92 of 310

اوپیدا کرده باشد که بستن آن ممکن نباشد ، وکشتی بغرقشدن آغازنهد .

حال دوم — : هرگاه جبه خانه درکشتی هیچ نماند ، وطوپ های کشتی بتأثیر گلله های دشمن سراسر ازکار بیفتند ، و الحاصل هنگامیکه ازهمه اسباب جنگ ودفع کردن دشمن محروم بماند ، ویادرمرتبات آنقدرضایعات و کمبودی ظهورکند که تاب آوری بیرون دایره امکان شود .

حال سوم — : هرگاه درکشتی یك احتراق یعنی سوختنی که قابل گل کردن نباشد ظهور نماید .

واماباوجوداین سه حال بازهم اگرقوماندان دید که عسکرخودرا بواسطهٔ قایقهاوکشتی های کوچك بهیچصورت رهایی داده نمیتواند وبهیچصورت کشتی خودرا غرق کرده نمیتواند درانوقت قبول کردن عار اسارت برای اوجائزاست . »

اینسخن ومقصد نظامنامهٔ بحری روس بسیارواضح وصریح است که یك افسر بحری ازینکه خون ریزی بی فائده بکند تسلیم شدنش اولتراست . اما کشتی خود رانی بلکه خودرا ونفری های بحری خودرا تسلیم کند ، وکشتی خود را بهمه حال بدست دشمن ندادهٔ بهمه حال غرق بایدکند . واگرازغرق کردن کشتی خودسراسر محروم گردد وبهیچصورت نتواندکه کشتی خود را غرق کند درانوقت تسلیم میتواند نمود .

درپیشها که کشتیها ازچوب ساخته میشدخراب کردن وغرق ساختن آنها حقیقتاً خیلی مشکل بود ، وبرای خراب کردن آنهالازم میشدکه آنهارا برهوا کنندیعنی بپرانند . وپراندن آنها بموجودبودن باروت بسیار زیادی موقوف بود . حال آنکه دروقت آخرهای محاربه باروت بدرجهٔ کفایت در کشتی پیدا نمیشد . دیگراینکه اگرکشتی رابرهوامیکردند همهٔ طایفه‌های آن

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 93 of 310

نیز با آن کشتی محو و تلف میشدند که اینگونه یك فداکاری را هیچ یك قانون بشر امر و تعیین کرده نمیتواند. و اگر این چنین یك تشبثی بشود عبارت از یك حرکت قهرمانانهٔ فوق العادهٔ خواهد بود.

از دیگر چیزها صرف نظر، حالا اینرا بگوئیم که یك سفینهٔ چوبی را خراب کردن بسیار مشکل یك کاری بود. اما امروزه روزگه سفاین حربیه را از فولاد و آهن بساختن آغاز کرده ایم خراب کردن آنها در وقت ضرورت خیلی یك امر آسانی شده است. زیرا بمجرد یکه سرپوشهای متحرك فولادی که در قسم زیر آب واپور موجود است باز شود هماندم آبها در درون واپور هجوم نموده واپور را بقعر بحر میبرد که در آنوقت برای طرف غالب بجز اینکه برای رهایی دادن مرتبات کشتی غرق شده کوشش ورزند دیگر کاری نماند، زیرا کشتی را از غرق منع کردن غیر ممکن یك چیزیست. چونکه برای رهایی دادن کشتی را از غرق، اولا باید سرپوشهای (کنستون) را که نام همان سرپوشهاست — و در درون مخزنهای واپور پنهانست شناختن لازم است که آنرا نیز بجز خود صاحبان همان واپور دیگر کسی نمیشناسد. و گیرم که دشمن تربیات عمومیهٔ آن کشتئی سرپوش باز شده را مفصلاً بداند، در آنحال نیز بند کردن آن از طرف غالب غیر ممکنست زیرا بمجرد یکه سرپوشهای مذکور باز شود هماندم آبهای بحر در مخزنهای مذکور از زیر هجوم کرده مخزنهارا در آن واحد پر میکنند، و بستن آنرا محال میسازد.

مثلا قایمقام (ایوانوف) که در سفینهٔ (روریق) روس در (شه مولپو) بود بعد از مقاومت مردانهٔ که بمقابل دستهٔ کشتی های جنگی ژاپان اجرا کرد، و کپتان اول و دوم کشتی تلف شده نوبت کپتانی بخود او رسید و از سلامت کشتئی خود مأیوس شد بفر و آوردن بیرق کشتی نیز تنزل نموده - سرپوشهای (کنستون) کشتی زده و زخمئی خودرا باز کرده در میان موجهای بحر ناپدید گردانید. برای

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 94 of 310

ژاپانها در انوقت بجز اینکه طایفه‌های بدریاافتادهٔ روسها را رهایی دهند دگر کاری باقی نماند .

(سته ره غوجی) نام کشتی طوربیدوی روس نیز همت دونفر فدائی کشتی مذکور بهمین صورت غرقشده از اسارت دشمن رهایی یافت . در وقتیکه ژاپانها بکشتی مذکور رسیدند و بران تسلط یافتند همین دو نفر عسکر فداکار بحری بوجه دخودشان سر پوشهای مذکور را از نظر دشمن پنهان ساخته و پیش از انکه ژاپانها به بند کردن انها کامیاب آیند انرا باز ، و باخود یکجا غرق نمودند ، واز عار اسارت دست دشمن طوربیدورا رهانیدند .

حالا مردانگی ، و نامردی ، وغیرت و بی غیرتی امیران (نه بوغاتوف) را با این دو مثالی که بیان شد مقایسه نمائیم! اما این مقایسه را درمابین کشتئی که امیرال (نه بوغاتوف) وهمراهان او سوار بود ، وکشتئی طوربیدوی (سته ره غوجی) که تامه آخرین نفرئی او تلف شده بود اجرا نمیکنیم . زیرا از ان کشتئی بزرگ امیرال که بصدها نفوس انسانی دران موجود بود فداکارئی (سته ره غوجی) را طلب کردن جائز نیست لکن از جناب (نه بوغاتوف) وهمراهانش میپرسیم که چرا مانند قوماندان (روریق) حرکت ننمودند ؟ وبچه مجبوریت باچهار سفینهٔ زرهپوش عار تسلیم واسارت را قبول کردند ؟

زیرا چیزیکه از همه بیشتر دلهای قوم روس را پاره پاره کرده وعوض اشك خون از دیدگانشان بارانیده همین مسئله شده است درین فاجعهٔ مدهشهٔ (چوشیما) که روسها محاربهٔ قطعیهٔ بحریه را بسر اسر بای دادند ، وامید های حاکم شدن بحری را یکقلم وداع ابدی گفتند باز هم از همهٔ این فلاکتها این عار اسارت (بوغا نوف) بدتر بود .

آیا روسهای بیچاره بعداز ین نیز چگونه خبرهای فلاکت آوری خواهند

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 95 of 310

شنید ؟ آیا خواندن رابورهای شرمسارانهٔ سقوط (پورآرتور) که عدد طوپ های تیار وسالم آن را، ومقدار باروت های ناسوخته آن را دران خواندند کم نبود که برسر آن همه این رابورعار اسارت (نه بوغانوف) را نیز خواندند .

این خبرها بقوم روس بسیار تلخ میآید . زیرا یك ملتی که دروقت فرستادن دستهٔ کشتیهای جنگی خودرا بسوی اقصای شرق برمظفریت قطعیهٔ خود بنای فکر کرده باشند ، وبعوض مژده وبشارت خبرمغلوبیت واسارت رابشنو ندالبته که دلخون وداغ درون خواهند شد !

آیا امیرال (نه بوغانوف) چارزرهپوش خودرا درزیر کدام شرایط وچسان قواعد به اسارت تسلیم نمود ، وتابه بندرگاه های ممالك ژاپان بچه صورت رسیده توانست ؟

این یك معلوم است که دروقت اینگونه اسارتها درواپورهای اسیرکرده شده بیرق دشمن ، بربالای بیرق ملتئی خود آن واپور برافراشته میشود . آیا امیرال (نه بوغانوف) وارکان حربیهٔ او باینگونه معاملهٔ ناموس شکنانه چسان تحمل کرده توانستند؟ اینست که ازهمه پیشتر اینها را باید بدانیم که چه بود وچه شد؟

امیرال (نه بوغانوف) برای خراب کردن زره پوشهای خود که اسیردست دشمن نشود بهیچ یکی از اصولهائیکه درزیر احوال وشرایطیکه یك قوماندان بقبول تسلیم واسارت به آن مأذون باشد تشبث واقدام نورزیده . حق نظر بقول ژاپانها زرهپوش های مذکور از جائیکه اسیر افتاده بودند یعنی از پیشگاههای جزیره های (اوکینوشیما) تابه لنگرگاههای (مه جورو) و (ساسه بو) بپای خود شان آورده توانسته شده اند . پس معلوم میشود که لوی غند امیرال (نه بوغانوف) بعد از انکه تسلیم شده اند چنان درست وتوانا بوده اند که (۳۵۰) فرسخ یك مسافه را قطع کرده توانسته اند ! حیرت !!

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 96 of 310

پیش از تسلیم شدن مفرزهٔ (نه بوغاتوف) ضایعات وتلفیات مرتبات ان نیز آنقدر حائز اهمیت نبود. زیرا بنابر قول ژاپانها عدد اسیرهائیکه بدست ژاپانها در این کشتیها در افتاده اند عبارت از (۲۳۰۰) نفوس بودند .

پس چون حالا اینواقعهٔ اسارت (نه بوغاتوف) را با واقعهٔ سفینهٔ (روریق) که تفصیلات آن پیش ازین ذکر شده بود مقایسه نمائیم شایان حیرت یك فرق ومباینتی می یابیم. ومردانگی و بیغیرتی را در وجدان ودماغ اشخاص می یابیم نه در همهٔ یك قوم و ملت !

در نظر افسرانی که دلهای شان بحسیات وطنیه ، وغیرت ملیه مملو باشد مرگ ومردن هزار بار شیرینتر وشرفدارتر است ازینکه پیش از صرف کردن همه قوت وقدرت خود بدشمن - برفروآرند . الحق که برای جنس عسکر ازین بیشتر ذلت وحقارت تصور نمیشود که پیش از انکه حق سلاح خود را نداده، وهمه زور بازوی خود را صرف نکنند، وهمه آمال مقدسهٔ خود را بجوش و خروش نیارد بدشمن تسلیم نفس نماید !!

یکی از اخبارهائیکه در روس نشر میشد ونام آن اخبار (سن پترسبورغ) بود بنابر فلاکت (چوشیما) در یکی از صحایف خود این سطرها را درج کرده بود:

« امیرالهای ماچنان یك دلیری وشجاعتی نشان ندادند که مرگ را بر اسارت ترجیح کنند ! و از سرافسر کل گرفته همهٔ شان بدشمن اسیر شدند! این فلاکت عظیمهٔ روسیه همه گی از نتیجهٔ دنائت آنهاست . زیرا شاهد مظفریت را در آغوش کردن بحقیر شمردن مرگ موقوفست . »

اینسخن اخبار مذکور برای یك مغلوب مجروحی که در بستر دور بدست دشمن اسیر افتاده یك تحقیر بسیار بزرگیست . بلی ! ازین یك هیچ انکار نمیشود که امیرال (روژه ست وینسکی) از نقطهٔ نظر ادارهٔ حرب بسی خطا

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 97 of 310

ها کرده است . اما این گونه خطا های اویك دلیل ذلت ودنائت او نمیشود . چونکه اگر یك قوماندان بر خلاف قواعد مخصوص حرب بصورت بی تدبیرانه حرکت کند ، دنائت وپست فطرتی اونی بلکه بی و قوفی وبی تدبیری اوثابت میشود .

بناءً علیه آن اخبار (سن پترسبورغ) که بیست وچارساعت پیش (روژه ست ونسکی) راباهمهٔ قوت وقدرت قلمیهٔ خود مدح وثنامیگفت حالا بیکبار تبدیل لسان کرده آن بیچاره رابه دنائت متهم ساختن موافق انسانیت نیست .

*
* *

اینست که محاربهٔ میدان (چوشیما) به اینصورت جریان کرده بود . حالا یکقدری درمابین این محاربه ، ومحاربهٔ بحری که در (۱۰) م آگست یعنی ده ماه پیش ازین بوقوع آمده بود ، ملاحظه و مطالعه نموده قیاسات اجرا نمائیم :

اولاً چنان معلوم میشود که نتیجه های این محاربهٔ خونریزانهٔ بزرگ با نتیجه های محاربهٔ میدان (۱۰) آگست بعکس همدیگر بعمل آمده . در طرف ژاپانها این محاربه عیناً باهمان آدمها ، وهمان توپ ها ، وهمان آدمهای (۱۰) م آگست اجرا کرده شده بود ، حالا آنکه درنتیجه های این محاربه وآن محاربه چقدر فرق بزرگی پدیدار است ! زیرا در محاربهٔ میدان (۱۰) م آگست روسها شکست فاحش خورده ارهم پاشیدند ولی سراسر محو نشدند . ولی درین محاربهٔ (۲۷) می یك دستهٔ کشتیهای جنگی بزرگ یك دولت بزرگ تابفرد واحد سراسر محو وبی نشان گردید .

در (۱۰) م آگست ژاپانها از خودشان شبهه میکردند ، چونکه هنوز قوت خودشان را تجربه نکرده بودند . موفقیت وکامیابی نخستینی که حاصل کرده

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 98 of 310

بودند عبارت از نتیجهٔ یك شبخونی بود. وخودشانرا ازدرجهٔ که بودند کم قوت ترگمان میکردند، وروسهارا ازدرجهٔ شان افزونتر پرقوت میدانستند. وازین است که درانوقت امیرال (توغو) به احتیاط، وتانی، وبصیرت زیادی حرکت می کرد. ودروقت شام آن محاربه ازین آسانی کامیابئ خود خودش نیز بحیرت افتاده، وبریدن خط رجعت روسهارا بخاطر وخیال خودهم نیاورده پس به اس الحرکات قدیم خود برگردید.

اما به بینید که بعدازده ماه سراز نو امیرال ژاپانی چه اصول های دیگر درمیدان محاربه تطبیق میکند، وچه نیرنگهای عجیب وغریب بروی کار می آورد زیرا خطاها ئیکه دراول بار ازدستش سرزده بود دربنبار آنرا تصحیح، وایرادها ی اعتراض کنندگانی که برووارد آمده بودهمه را تصدیق واعتراف نموده.

بلی، دربنبار چنانچه درمحاربهٔ (۱۰)م آگست کرده بود درمسافه های دور ایستاده نشده. از (۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰) متر دور تر آتش کشاده. وهروقتی که اندا خت خود را بیفایده دید آتش خود راقطع نموده جبه خانهٔ خودرا تصرف واداره کرده. ودمبدم مانند شاهینی که شکار خودرا درپیش بیندازدشمن را تعقیب نمود.

بلی، دربنبار کار بسیار خوب اداره کرده شده، نتایج مانند صاعقه مهلك گردید! حالآ نکه محاربه دردا خل یك شکل بسیار بسیطی جریان یافته بود. گرووازورها برگرووازورها گله اندازی میکردند، زرهپوش ها برزرهپو شها هجوم میبردند. دراول امر بایك مانورهٔ بسیار درخشانی بکار آغاز کرده میشد. بعد ازان درمابین دوخط موازی یك آتش بسیار شدید طوپ کشاده میشد.

اصل هنرومعرفت سرافسرژاپانی عبارت ازین بود که اول قوای حربیهٔ

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 99 of 310

خود را بیکطرز بسیار معقول و پسندیدهٔ بردشمن هجوم میداد ، و به آنصورت برای خود یك فائدهٔ ابتدائیه واستقلالیهٔ بوجود می آورد . وبعد ازانکه این شددرانتایی که طوفان دوام داشته باشد بعضی حرکات بی نظام اجرا کردن غیرجائز است . بلکه بغل خودرا بدشمن داده باین صورت کوشش ورزیدن لازم است .

چونکه یك محاربهٔ بسیط در پایی خوب شده میتواند . ولی اگر دریك آن صدرنگ حرکت اجرا کرده شود از چنین محاربهٔ بحریه خیر نیست .

حوادثهای تلگرافیهٔ که فردای روز محاربهٔ عظیمهٔ (چوشیما) شنیده شدبا حقیقت حال فنئی حرب خیلی فرق وتباینت دارد . مثلا شنیده شد که دستهٔ کشتی های جنگی روس از سرو ، دنبال ، وپهلو احاطه شده است . حال آنکه این چنین یك مانورهٔ احاطه هیچ بوقوع نیامده بود . بلکه تنها بتجمع وتمرکز آتشها اکتفا کرده شده بود . سبب اینهم بسیار بسیطست ، یعنی درمسافه هائیکه درمابین (۳۰۰۰ و ۲۰۰۰) متر باشد مانوره های احاطه ممکن نمیشود . حالا اینمسئله را یکقدری واضح کنیم :

مثلا دو خطی را که از سفینه هامرکب باشد بریکدیگر بپیچانید . ویکی ازبندو خطهارا نسبت به آندیگر درسرعت وتیزرفتاری تا یکدرجهٔ مهم یك تفو قی بدهید .

می بینید که خطاول برسر خطدیگر دورخورده به اینصورت دشمن را بیك وضعیت غیرمساعد دراورده میتواند .

حالا باز همچنین یك دو خط را ازهمدیگر (۳۵۰۰) متردورتر تصور کنید . هرگاه ازین مسافه باز بهمین مانوره آغاز شود دو خط موازی بدو قوس دایرهٔ متحدالمرکز تحول میکنند .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 100 of 310

خط روس بسیار عمیق یعنی تابسیار جاها پنج هدیگر بود . وخط ژاپانها نسبت به این خط یکقدری پیشتر بود که این حرکت دائره وتی دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان برای آنها مهم یك فایده میرسانید . اما امیرال (توغو) در راپوری که نوشته است از یك محاربهٔ که بردو خط موازی بوقوع آمده بحث میراند . و چون مشارالیه برای خوداین را یك خط حرکت گرفته بود که از (۳۰۰۰) متر نزدیکتر نشود ازانرو همینقدر مانوره کرده میتوانست .

و قتیکه ازین سه محاربهٔ بحری روس وژاپان که یکی در (۱۰) م آگست سنهٔ ۱۹۰٤ و دیگری در (۱٤) م آگست سنهٔ مذکور ، و سومش همین محاربهٔ (۲۸) م می سنهٔ ۱۹۰۵ بوقوع آمده بحث وبیان میشود سبب یگانهٔ مظفریتهای ژاپانهارا از (تفوق سرعت) آن ها که موجب حاکم شدن مسافهٔ محاربه میباشد تخمین کرده اند .

اما ماحالا سرعت را بیکطرف بمانیم ، ودرجهٔ تاثیر آنرا بعدازین مطالعه کنیم ، بلکه اول امربا (مسافهٔ محاربه) مشغول شویم :

در اثنای جریان یك سفر حرب ازطرف کسانیکه بفن حرب آشنا نباشند بسی مطالعات غریبه نشر کرده میشود . اینحال اگرچه در هر مملکت در هروقت بوقوع می آید امابه اندرجه که درین محاربهٔ اقصای شرق این مطالعات غریبه ، بسیار بوقوع آمده دردیگر جا نشده .

مثلا پیش از محاربهٔ بحری (چوشیما) به یکچند روز مخابر اخبار (تان) فرانسوی اینگونه یك فقرهٔ درجریدهٔ خود نشر کرده بود :

« بسببی که امیرال (روژه ست وه نسکی) طوپهای بزرگ چاپ بسیاری دارد از مسافه های نزدیك بمحاربه درامدنش ایجاب میکند . »

حالآنکه این مطالعهٔ اخبار فرانسوی خطاست . اگرچه در باب فایدهٔ

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 101 of 310

تقرب (روژه ست وه نسکی) بدشمن این گفتهٔ مخابر فرانسوی درست است بسبب اما این فوائد تقرب ، بسیاری طوپهای بزرگ نی بلکه سراسر دکر گونه سببها دارد . یك افسر بحری روسی در خصوص چنین میگوید :

« در یك محاربهٔ بحریه (فائده مندترین) یك قاعدهٔ بسیار آسانی تعیین وایضاح شده است: مثلا اگر فرض شود که در نجا بادشمن یك زد وخورد گله اندازی بعمل میآید، قاعدهٔ مذکور در ینباب به اینصورت بیان کرده میشود:

« هر افزونی و برتری که بر دشمن داشته باشید میباید که مسافهٔ انداخت شمارا بقدر لازمی آن افزونی دهد ، و هر نقصان شما بمقابل دشمن میباید که مسافهٔ مذکوره را کم کند .

« حالا این مسئله رابایك مثالی واضح سازیم :

« فرض بکنید که ماتنها مالك طوپهای بزرگ دوراندازی میباشیم . و دشمن بمقابل ما طوپهای نزدیك اندازولی سریع آتش رامالکست . پس در نحال هیچ شبهه نیست که ما مسافهٔ خود را بدرجهٔ که از تأثیر گله های سریع آتش دشمن متأثر نشویم دور کرده برای تأثیر گله های دوراندازخودکو شش ورزیم که دشمن نیز درانحال به کوچك کردن مسافه بعکس ماسعی وکو شش خواهد ورزید .

مع هذا ، قصد ما ازینسخن اینهم معلوم نشود که مسافهٔ خودرا بادشمن آنقدر بزرگ بکنیم که تأثیر آتش مانیز بر دشمن کم شود . زیرا در انوقت بجز آنکه بیهوده جبه خانه صرف شود هیچ ثمرهٔ حاصل نمیشود .

« حالا بر همین مطالعه بفرضیات دوم بگذریم : این فرضیات از فرضیات اول یك کمی فرق دارد . چونکه در ینبار چنان فرض میکنیم که طوپهای هردو جهت از یك جنس ویکطرز است . اما طوپچیهای خودرا از طوپچیهای دشمن

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 102 of 310

ماهرتر، و نشان اندازتر، و تجربه دیده‌تر فرض کنیم . در انحال نیز مسافه را باید چنان انتخاب کنیم که از مهارت و نشان اندازی طوپچیهای خود فایده ببریم . زیرا اگر مسافه را نزدیک کنیم دران وقت در مابین نشان اندازهای ماهر، و طوپچی های غیر ماهر دشمن هیچ فرقی نمیماند .

« یک حال سوم که موجب جنگ کردن از مسافهٔ دور میشود اینستکه کشتی های ما از کشتیهای دشمن خوبتر زره دارتر باشد . یعنی زره های شان کلفت تر و متینتر باشد . در انحال اگرچه با یک رنگ و یک طرز طوپها مجهز هم باشند هرگاه از دور محاربه شود گله های کشتیهای خوب زره دارتر بر کشتی های که زرههای شان کمتر و کمل باشد خسارت های زیادی میرساند، و اگر بعکس آن باشد یعنی از نزدیک محاربه شود احتمال ضرر رسانیدن گله های دشمن بر کشتیهای ما بیشتر میشود .

« اما اینرا هم فراموش نکنیم که برای گرفتن و محافظه کردن مسافه های فایده ناک تفوق سرعت ما بهمه حال بر دشمن لازمست . مثلا در نجا دو سفینهٔ فرض کنیم که یکی زرهپوش و یکی بی زره باشد . پس هرگاه کشتئی بی زره بسبب کمبودی سرعت خود بیک حالی بماند که از محاربه احتراز کرده نتواند . بهمه حال میباید که تا بتواند خود را بدشمن نزدیک کند . زیرا اگر دیگر رنگ کند بی آنکه بدشمن هیچیک ضرری برساند خود را محو میسازد . اما اینهم شبهه نیست که کشتئی زرهپوش نیز برای بی تاثیر ماندن این مانورهٔ کشتئی بی زره سعی میکنند، و در دور شدن از و کوشش میورزد .

« این مطالعاتی که در حق (تعبیهٔ بحریه) یعنی فن جنگ بحریه گفته شد در نظر مردمانیکه به (تعبیهٔ بریه) یعنی فن جنگ خشکه عادت گرفته اند خیلی غریب دیده میشود . چونکه آنها این عقب کشیدن زرهپوش را که برای نزدیک

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 103 of 310

نشدن دشمن را به خود اجرا میکند مطلق معنای (رجعت) یعنی گریختن را میدهند . و هم در پناب حق دارند از برا در خشکه هر رفتاریکه به عقب اجرا کرده میشود نتیجهٔ آن موجب از دست برامدن یك قطعه اراضئی که برای رجعت کنند گان فائده مند و مستحکم بوده میگردد .

« حال آنکه در دریا این چنین نیست . چونکه در انجا نه پیش رفتاری و نه رجعت موجود است . بلکه هر چیزی عبارت از همین است که یك آنرا ولتر بر دشمن یك ضربهٔ قطعی فرو آورده شود و برای این کار هر رنگ مانوره ها و حرکت هائیکه لازم باشد جائز است .

« بناءً علیه چنانچه پیش ازین بیان کردیم که یك کشتی زرهپوش از پیش یك کشتئی بی زره اگر دوری گیرد البته که برای فایده و منفعت خود میگیرد . چنانچه اگر یك کشتئی کوچك طوربیدو نیز را برشود باز مجبور است که به همین رنگ حرکت کند . زیرا کشتئی طوربیدو ایماسی میکند که برای انداختن طوربیل خود را بدرستی و صحت تامیتواند بدشمن نزدیك شود . حال آنکه کشتی زرهپوش بزرگ مجبور است برینکه این دشمن کوچك خود را نگذارد که او نزدیك شود . بنابرین در پیش رفتن بر او هیچ فایدهٔ برای زرهپوش ملحوظ نیست . و در دور شدن ازو ، واز دور اورا غرق کردن ، ویا اورا سرا سیمه ساختن سراسر خیر و منفعت است .

« حالا چون این قاعده های اساسئی بحری را آموختیم بما معلوم میشود که در محاربهٔ (چوشیما) بسببی که امیرال (روژه ست وه نسکی) چار قطعه زره پوش بسیار مکمل با طوپ های بزرگ چاپ دور انداز مجهزی بدست داشت لهذا برای او فایدهٔ کلی درهمین بود که از مسافهٔ دور و بزرگ محاربه کند . و برای زرهپوشهای محافظ ساحل (نه بوغانوف) نیز همچنین بود .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 104 of 310

امابرای زرهپوشهای (نیقولای نخستین) و (ناوارین) وگروواوزورزه پوش (ناخیموف) لازم بود که از نزدیك محاربه میکردند. زیراطرز ساخت وزره، وتجهیزات کشتیهایی که ذکرشد بقرار قواعدی که تاکنون ذکروبیان کردیم همچنین محاربه کردنهارا اقتضا میکرد.

« بنابرین (امیرال روسی) که ازمسافهٔ نزدیك بجنگ نشست وقیام نموده بلکه از مختلف الجنس بودن کشتیهای او، ویاآنکه اجرا کردن محاربه را بصورت قطعی پیش آمده باشد.

« والحاصل هیچ کس این رایش ازوقت تعیین کرده نمیتواند که بگوید آیامسافهٔ دراز لازم بودیا کوتاه؟ بلکه حل وفصل کردن این مسئلهٔ مهمه را درچنان آوان مدهش یك کاری بود که بخود امیرال روس عائد وراجع بود. ولکن هیهات! زیرا این مسئلهٔ انتخاب مسافه یك چیزی بود که بفکر وآرزوی (روژمست وه نسکی) نیز تابع نمیشد! چونکه در دستهٔ کشتیهای جنگی او بسی کشتیهای سست رفتار وتیزرفتار وغیره موجود بود که حرکات دستهٔ کشتیهای جنگی را بمشکلات می انداخت ومطالعات روژمست وه نسکی را افشار میداد.

« حال آنکه دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان بسببی که خیلی یکرنگ ویك طرز بود امیرال روسی را همیشه تابع حرکات خود میساخت. خلاصهٔ کلام دریك محاربهٔ میدان بحری چیزیکه ازهمه اول درانباب دقت وتدبر شود همین است که درداخل مسافهٔ فائده مندی محاربه کنند. واگردشمن خواهد که نزدیك شود، وشما نخواهید که دورشوید میباید که بریك استقامتیکه بعکس استقامتیکه او گرفته عقب بکشید که درینباب نیزشما دایما ازادید.

« حالا دیدیم ودانستیم که درمحاربات بحریه (مسافهٔ مفیده) چه چیز است پس درا نحال باز اینرا بیاد بداریم که درین محاربهٔ (چوشیما) بسببیکه طوپهای

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 105 of 310

امیرال (روژه ست وه نسکی) هم بسیار، وهم از چاپ بزرک بود از مسافهٔ دور بمحاربه در آمدنش فائده مند بود، و بسبب بسیار ئی طوپ های وسط چاپیکه امیرال (توغو) بدست داشت از نزدیك محاربه کردنش فائده مند بود.

« دیکر اینکه (روژه ست وه نسکی) به آزادئی حرکات خود مالك نبود چو نکه دایما میبایست که براستقامت راه (ولادیووستوك) به پیش برود. حالآ نکه امیرال (توغو) بسببی که بر هیچیك استقامت معینه تابع نبود برای هر رنك مانوره کردن سراسر آزاد بود.

« دیکر اینکه آفتاب، و باد نیز در محاربهٔ بحریه دخل و تعلق کلی دارد. مثلا وقتیکه جنك میکنند آفتاب را در طرف پشت کذاشتن خیلی فوایدی دارد علی الخصوص در وقتهای صبح و شام که آفتاب به افق نزدیك باشد. چونکه در چنان وقت اکر پشت به آفتاب و رو بدشمن داده شود تابش آفتاب چشمهای طوپچئی دشمن را سوخته از نشان کرفتن درست محروم میسازد. وهم برای طرف مقابل کشتیهای دشمنرا خوب روشن ساخته هر چیز آنهارا بصورت نمایان و درخشانی بنظر نشان میدهد. پس معلوم شد که در محاربهٔ بحریه آفتاب از نقطه نظر فن انداخت تأثیر بسیار مهمی اجرا میکند. چنانچه در محاربهٔ (۱٤) آکست (سنه (۱۹۰٤) امیرال (ژه سن) روسی بسببی که امیرال (توغو) اورا بطرف تابش آفتاب، وخودرا پشت به آفتاب مانوره کرده، وامیرال (ژه سن) نیز به این کار موافقت کرده بود خطای عظیمی نموده بود.

باد نیز در محاربهٔ بحریه خیلی اهمیت زیادی دارد. چونکه از هر استقامتیکه باد بسیار شدتی می آید نظر به استقامت آمدن باد موجهای بسیار بلند و بزرکی برروی آب پیدا میکند. پس در انحال اکر چنان یك وضعیتی کرفته شود که موجها از دنبال کشتئی ما خورده منکسر شوند، وجبههٔ کشتیهای دشمن را استیلا کرده پارچه های موجها طوپهای سرکشتی های دشمن را در استعمال

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 106 of 310

بمشکلات اندازد بسیار فائده دارد .

« دیگر اینکه اگر محاربه در نزدیك یك ساحلی بوقوع آید ، وضع گرفتن مادر مابین دشمن و ساحل فایده منداست . زیرا در انوقت طوپچیهای دشمن محیط کشتیهای مارا که باسواد ساحل آمیخته شده بخوبی نمی بینند ، وکشتیهای مابسبب خط افقی که محیط کشتیهای دشمنرا احاطه کرده خوب نشان گرفته می توانند .

« بنا علیه فائده برداشتن ازین چیزهائیکه ذکرشد موقوف بر آزادی حرکاتست . حالا آنکه در آبنای (چوشیما) امیرال (روژه ست وه نسکی) بهازادی حرکات خود اصلا مالك نبود . وامیرال (توغو) بوجه دلخواه خود سراسر آزاد بود . »

این بود مطالعهٔ افسر روسی که درباب محاربهٔ (چوشیما) بیان کرده است . حال انکه افسر مذکور در بعضی جاها بسیار نظر یات پرستانه اداره کلام کرده است .

اگرچه طرفکیران این دستور که : « در محاربه های بحری ، هرطرفیکه به ان طرف دیگر مسافهٔ محاربه را بجبر و زور قبول بکناند انطرف غالب میشود . » بسیار است . اما در اول امر این عبارت از یك (دستور) است وبس . ثانیاً این قاعدهٔ کلیه را اسرار میدان محاربه در میان یك شکل مبهمی احاطه میکند . دیگر اینکه دشمنرا به اینگونه یك اطاعت کردن انقدر اهمیت نالك چیزی نیست . خلاصهٔ کلام این یك علاجیست که هر کس انرا میداند . راست ترش اینکه این یك سفسطه ایست ، وهم یك سفسطهٔ تهلکه ناك !

مثلا دو کشتیٔ بهم مساوی را که درعدد ومکملیت تجهیزات هیچ فرقی از هم نداشته باشند بمقابل همدیگر بیارید که مسافهٔ مابین همدیگرشان نیز عیناً باهم مساوی باشد ، وبیکدیگرشان یکرنگ فائده برسانند .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 107 of 310

درین یك هیچ شبهه نیست که هرسفینه ئیکه نشان انداز های خوبترو ماهرترراماك باشد برهدف مطلوب زیاده ترو بمقدار بیشترگله ها میتواند انداخت . امامسافه هرقدرکه باشد باشد ؛ درستی وصحت انداخت سفینهٔ مذکورثابت میماند . و اینرامم اعتراف میکنیم که بمقابل این نتایج عملیه بدور شدن ازهمدیگرتبدل میکند . بناءً علیه حالاین راجستجوبایدکنیم که برای طرفیکه مالك تفوق انداخت است آیادر کدام منزل مسافه این تفوق یك اعظم تأثیر نافع حاصل میکند ؟ چون چنین است میگوئیم که این اعظم تأثیر در مسافه های کوچك حاصل شده میتواند .

سفینه ئیکه خوبتر انداخت میکند درمنزلهای بزرگ ازگله های دشمنی که بدتر انداخت دارد محفوظ مانده یکان یکان گلهٔ بروخواهد خورد . اما بمقابل این ، عددگله های خود اونیز که برهدف مطلوب روانه میکند کمتر میشود . وغیرازین تأثیر انداخت تنهابعددگله ها ئیکه برهدف اصابت کند تابع نیست . زیراوقتیکه بربدنهٔ کشتی گله هامانند جاله پنی هم بریزدافسران ونفربهارا معطل میسازد ، وآنهارا کور میکند ، و مانع انداخت ، وتعمیر خسارات ، وسکونت مامورهٔ شان میشود . واگرگله هایکان یکان بیفتد — که ازمسافه های بسیار دوربوقوع میآید — افراد وافسران خودشانرا جمع آوری کرده میتوانند ، وهیچکس موازنت فکریهٔ خودرا کم نمیکند ، ورا همهای آبی که ازتأثیرگله های دشمن درکشتی باز شود بخاطرجمعی آنرا میتوانند بندند ، واگریك حریقی بظهوررسد بزودی چارهٔ اطفای آنرا میتوانند .

در استعمال منزلهای بزرگ استحصال فائده دراتوقت ممکن میشود که دوسفینه به یکرنگ ویکطرزتجهیزات را مالك نباشند . مثلایك سفینه مانند کشتی (کینگ ادوارد هفتم) طوپهای چاپ بزرگ بسیاری رامالك باشد . اینچنین

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 108 of 310

کشتی در مسافه های بزرگ از طوپهای وسط چاپ متاثر نمیشود . زیرا از طوپهای مذکور گلوله هائیکه انداخته میشود تا بوقتی که بهدف برسد هم قوت زندگی خودرا ضایع میکنند . حالا آنکه گلوله های بزرگ چاپ دور انداز قوت خودرا از آن مسافه هنوز ضایع کرده نمیباشد . بناءً علیه از نقطهٔ نظر مدافعه مسافه های بزرگ فائده مندتر است . و برای تعرض درکم مدت بسیار گلوله انداختن جمع شرط است . پس اگر (کینگ ادوارد هفتم) از بن یك امین باشد که از دشمن خود خوبتر گلوله میاندازد در نزدیکشدن بدشمن فائده دارد .

در سه محاربهٔ بزرگ بحری (محاربهٔ روس وژاپان) که بوقوع امده نظریهٔ معقولهٔ (مسافهٔ محاربه) عبارت ازهمین قواعد بست که ذکرشد . در محاربهٔ (۱۰)م آکست تفوق انداخت ژاپانها درابتدای محاربه به تحقیق رسیده بود که این را هیچکس انکار کرده نمیتواند . اما بسببی که از مسافهٔ (۵۰۰۰) و (۶۰۰۰) حتی (۷۰۰۰) متر آتش کرده بودند پیش از انکه یك کشتی دشمنرا غرق بکنند همه جبه خانهٔ شان خلاص شده بود . اگر دل قوماندان دستهٔ کشتی های جنگی روس بقدر ذره کشتی (سه زاروویچ) متین میبود این وضعیت ژاپانها برای خود ژاپانها خیلی خطرناك میشد . دیگر اینکه در محاربهٔ (۱۰)م آکست اگرچه حریقهای بسیاری در کشتیهای روس بظهور امد ولی هیچ حریق ان نتیجه های وخیمه حاصل نمود . بلکه درهر کشتی که حریق ظهور نمود به بسیار چابکی واسانی جلو گیری ان رانوانستند امادر بن محاربهٔ (۲۷)م می کشتیهای روس درمیان شعله هاوعلوها مانده بودند که چار کشتی بسیار مهم ونامدار آنها درمیان همان شعله هاوعلوها غرق ونابود گردید . پس اگر گلوله هامانند جاله پی همدیگر باریدن نمیگرفت ، وافسران ومرتبات کشتی های روس را آنقدر سراسیمه وپریشان نمیساخت که از جلو گیری خاموش کردن کشتیهای خود عاجز نمیماندند احتمال که

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 109 of 310

هیچ یکی از انها به این حال تهلکه ناك نیافتادند .

لهذا معلوم شد که به اندرجه تاثیر حاصلکردن کله ها ، و به اندرجه سرعت و پی همدیگر رسیدن خسارتها از (مسافهٔ مؤثر محاربه کردن) بظهور پیوسته است . سفاین ژاپان در بمحاربه به تهلکه زیاده تر معروض بودند . . مع هذا ضایعات وتلفات شان زیاده از محاربهٔ (۱۰) م آکست نبود . حتی یك کشتی خود را هم غایب نکرده بودند . در (۱۰) م اگست در کشتئی (میقازا) (۲۳ مقتول و ۸۸ مجروح بوقوع آمده بود . حالآ نکه درین محاربهٔ (۲۷) م می (۸ مقتول و ۵۵ مجروح) درین کشتی بعمل آمده بود .

پس ازین یك معلوم میشود که (توغو) دران محاربه که از مسافهٔ بزرگ محاربه نموده بود ؛ در خصوص سرعت خود سوء تطبیق بعمل آورده بود و باین صورت به اصول (تصرف قوا) رعایت نکرده بود . حال آنکه درین محاربهٔ (۲۷ م) می اگر در کمتر ازین مسافهٔ که استعمال کرده بود هم محاربه میکرد ضایعاتیکه در محاربهٔ سابق به آن دوچار شده بود بیشتر ضایعات نمیداد . زیرا خود را به آتش خود حمایه میکرد .

بناءً علیه در محاربهٔ میدان چوشیما موفقیت وکامیابی حقیقی از شدت و کثافت آتش بوجود آمده . این کثافت آتش که ازین چند عنصر مرکب است یکی (سرعت انداخت) ، دوم (قطعیت نشان گرفتن) ، سوم (تاثیر و نفوذ مرمیات) ، چارم (مانوره های تعبیه) از حمایهٔ که مسافه آن را بوجود آرد عالیتریك حمایهٔ تشکیل میکنند . وهر انقدر که مسافه کمتر شود قیمت حقیقیهٔ آن چابکتر افزو نی میگیرد .

(سرعت) یعنی تیز رفتاری نیز یکی از عنصر های بسیار خوب و مهم (تعبیه) یعنی فن جنگ است . سرعت ، معین قوتست . اما هیچ وقت بجای قوت قایم

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 110 of 310

نمیشود . سرعت را مانند یك سلاحی دانستن هم خطاست . سرعت بسیار خوب چیزاست اما جایش را دیده استعمال باید کرد .

آمدیم برینکه آیا کشتی های جنگی را چقدر سرعت باید داد ؟ این مسئله بقوهٔ مالیهٔ هر دولت منحصر است . مثلا دولت انگلیز که دعوای حاکمیت دریا ها را میکند واین ادعای خودرا بقوت ثروت عظیمهٔ که دارد اثبات هم کرده میتواند ، هرقدر که دلش بخواهد حجم استیمانی کشتیهای خودرا بزرگ کرده میتواند . اما مانند فرانس یکدولتی که به بودجهٔ (۳۰۰) ملیون بدشواری ادارهٔ موازنت میتواند کار دگر گونست .

یکدولت بحریه بمجردیکه درکشتی های جنگی خود خواه ازجهت سرعت و خواه ازجهت تجهیزات یك تجددی نشان بدهد همان دم دیگر دولتهای بحری پیروی اورا کرده روزبروز تبدلات بوقوع میآید . مثلا امروز می بینیم که دولت فرانس زرهپوش های (۲۰) میل سرعتی میسازد . همانديد یم که ژاپان ، المان ، امریکا نیز هم چنان زره پوشها ساختند ، وانگلیز آن را به (۲۱) میل سرعت بالا برآورد .

اما برای سرعت اعظمیهٔ یك دستهٔ کشتی های جنگی یك حد معینی موجوداست که ان حد نیز لایتغیر نیست بلکه نسبت بدرجهٔ تحرك دستهٔ کشتی های جنگی تبدیل مییابد . مثلا دستهٔ کشتیهای جنگی که کشتیهای ان سریع گفته شود این چنین نیست که تیزرفتارتری ان منظورباشد . نی بلکه هرکس که از سرعت خود خوب فائده بردارد همانطرف سریعتر گفته میشود .

(ناپولیون بوناپارت) میگفت که : « من باگامهای پاهای عسکر خود حرب میکنم . » اینسخن بسیار راست است . اما این چنین نیست که پاهای عسکر ناپولیون ازپاهای عسکر اوستریا درازتر بود ، نی بلکه عسکر فرانس نسبت به عسکر

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 111 of 310

اوستریاپای انداختن را خوبتر وبهتر میدانستند . واز انسبب ناپولیون باپاهای عسکر خود براوستریا غالب امد .

این حال عیناً درسفاین حربیه نیز قابل تطبیقست . بناءً علیه این چنین لازم نیست که سرعتهای سفاین حربیه جدا جدا برسرعتهای سفاین دشمن جداجدا فایق باشد . نی ، بلکه هردستهٔ کشتی های جنگی نیکه بهیئت عمومیهٔ خوداز دیگر دستهٔ کشتی های جنگی چابکتر حرکت کند ، یعنی از سرعت خود بهتر فایده بردارد آن دستهٔ کشتیهای جنگی باسرعت تر وچابکتر شمرده میشود . زیرا این ممکن نیست که دریك دستهٔ کشتیهای جنگی همهٔ کشتیها بیك طرز ویکرنگ سرعت راما لك باشند .

* * *

محاربهٔ میدان (چوشیما) منفعتی که ازیك تعقیب شدتناکی حاصل میشود بمیدان بداهت وثبوت رسانید . اگرراست بگوئیم این یك ازبسیار وقتها یك کیفیت معلومی بوده که ازتعقیب شدید نتیجه های بسیار درخشانی بحصول میآید . اما مثالهائیکه دربنباب موجود بودبدرجهٔ کهنه شده بودکه نزدیك بفراموشی رسیده بود . وان محاربه آن را تازه کرد .

ژاپانها ازبسیار وقت قدر وقیمت اهمیت حرکات تعقیب رانشناخته بودند . درحربی که بهمراه چین کرده بودند ، درمحاربهٔ (یالو) زرهپوشهای چین از دست شان گریخته توانسته بودند . درین محاربه روس نیز در (۱۰) م آگست منع کردن دستهٔ کشتیهای جنگی روس رابه (پورآرتور) بخیال وخاطر خود هم نیاورده بودند . لکن زده زده حرب آموخته میشود ؛ اینست که ژاپانها نیز همچنین حرکت کردند . اما آخرالامر استاد عالم شدند .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 112 of 310

یك قوهٔ بحریهٔ که چاره را برخود منحصر دید سلامت خودرا درفرار می بیند . اما بسببی که در اول به بسیار تلفات وضایعات دوچار شده میباشند بمحا فظهٔ ارتباط وانتظام جزو تامهای خود موفق شده نمیتوانند ، ودرکمدت انقا ض قوای موجوده اش یکان یکان ازهم میپاشد . بنابرین درانحال چون تعقیب شوددرپیش روی خود بجز بعضی سفاین منفرده ویابعضی غروپ های غیر مقتدره بدیگر چیزی تصادف نمیکنند . وچون دستهٔ کشتی های جنگی تعقیب کننده به آن برسد بسببی که برای آنها هیچ امید سلامت نمیباشد یا کشتیهای خودرا غرق میکنند — که اولزهمین است — یاتسلیم میشوند . این است که نتایج عظیمهٔ که از تعقیب انتظار میشود ازهمین انقلابی که درقوهٔ معنویه بحصول میاید وناامیدی های طرف گریزنده بحصول می آید .

بنابرین درانثنای تعقیب به تدبیرهای بسیار بزرگی نیزحاجت نیست . علی الخصوص بسبب نقصان مهمات نیز درتعقیب توقف نبایدکرد ، ودایما تعقیب بایدکرد . چونکه درین محاربهٔ چوشیما بجزکشتی (دیمتری دونسقوی) که بصورت بسیارسستی تعقیب شده بود دیگر هیچیکی ازکشتیهای روس که گرفتار آمده اند یك مقاومت وتوانائی جدی نشان نداده اند .

ازراپور امیرال (توغو) اگرچه چنان معلوم میشودکه سفینه های (سو یبه تارا نا) و (و امیرال اوشا قوف) بتاثیر گله ها غرق شده اند ، ولی احتمال داردکه اینهاهم مانندکشتی (مونوماق) خودراخودغرق کرده باشد که اینهم ازنتیجهٔ تعقیب شدیداست . لهذابعد ازمحاربه جهتی که غالب آمده باشدنبایدکه شکار بچنگ آوردهٔ خودرا سست بماند .

*
* *

مطالعاتی که نابدینجا ذکر شدبرتعبیهٔ ژاپانها مؤسس بود . حالا نیزیکقدری

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 113 of 310

تعبیهٔ روسها را تحلیل و تدقیق میکنیم :

این یك قاعده است که هرطرفیکه مغلوب باشد همه قباحتها را و انداخته میشود اما اینچنین حکم نباید کرد که همیشه خطا بر خطا یهان طرف مغلوب باشد . چونکه گاهی میشود که در کشف و استدلال خود غلط میخورد ، و یا آنکه هرچه که از دستش بیاید میکند و همه جهد خود را صرف میکند ولی موفق نمیشود . حتی بعضی اوقات همه ترتیبات او از ترتیبات طرف غالب بهتر میباشد ، ولی یك حادثهٔ ناگهانی مثلا مانند یك خسارت عظیمهٔ که در خیال و خاطر نباشد ، یا یك غلط فهمی که در اشارات واقع آید ، یا یك مانورهٔ غلط همهٔ پلانهای بسیار درست و منتظم را زیروزبر میتواند ساخت .

اما هزار افسوس که در جهت روسها از این گونه چیزها هیچ اثری موجود نبود . از همه اول یك چیز یکه هیچ معنی آنرا ندانستیم این است که در خدمت کشف چرا اینقدر بی اهمیتی و بی مبالاتی نشان دادند . در دنیا هیچ وقت هیچیك دستهٔ کشتیهای جنگی در باب حرکات دشمن خود به اینقدر جه بیقیدی نشان نداده است ! سفاین خفیفه بجای اینکه در سرقول یعنی سر قطار حرکت بکنند در نهایت قطار میرفتند . حیرت ! علی الخصوص که روسها هرانقدر که به آبنای (قوره) نزدیکشده میرفتند این عدم اهتمام و بیقیدی شان بیشترشده میرفت . صدبار حیرت ! هزاربار حیرت !!

حالا از امیرال روسی میپرسیم که آیا جناب شما نمیدانستید که مانند (اورورا) و (ژه مچوغ) کشتی های کشاف برای چه مقصد ساخته شده ، و بهمراه دستهٔ کشتی های جنگی بچه مقصد رفاقت کرده ؟ هیچ شبهه نیست که اینگونه کشتیها باقوهٔ حربیهٔ خود به دستهٔ کشتی های جنگی خدمت و معاونت کرده نمیتوانند . بلکه اینها وظیفهٔ خصوصیهٔ دیگری داشتند که آنرا بجا میاوردند . پس اگر جناب

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 114 of 310

امیرال به این نداند که وظیفهٔ اینگونه کشتیها بجز کشف کردن راه ، وبظاهر براوردن قوای عسکریهٔ دشمن دگرچیزی نیست چسان حیرت نباید کرد ! بنابرین نادانی امیرال دستهٔ کشتی‌های جنگی روس مانند یك قطار کورهای بی عصا به پیش میرفتند . وباینصورت رفته رفته بخطهای ترصد دشمن تصادف نمودند .

کروازورهای متعدد ژاپان که از بسیار وقتها مانند شاهینهای گرسنهٔ منتظر شکار بر خط ترصد قابو کرده بودند ، هماندم در اطراف این غلیوازهای کورسنگین پرواز ، به پرواز آمدند . دستهٔ کشتیهای جنگی روس برای دفع کردن آنها هیچ حرکت دست وپا نزدند ؛ بلکه برای تدقیق کردن خندان خندان (توغو) که عدد کشتیها ، وترتیبات رفتار ودیگر احوال آنها را خوب بخود معلوم کند اجازه ومساعدهٔ کامله داد . زهی امیرال بی پروا !

اینستکه امیرال خوابرفته بهمینصورت برفتار خود دوام ورزید ؛ تا آنکه بعد از کمی زرهپوشهای امیرال بیدار پدیدار گردیده محاربه آغاز نمود . بنابرین سوالهای بسیار دیگری برای امیرال روسی پیدا شد !!

آیا دستهٔ کشتیهای جنگی چرا بردو قطار غیرمساوی حرکت میکرد ؟ آیا امیرال چرا کوچکترین استقامتها را گرفته بود ؟ آیا کروازور (ناخیموف) را که در نوع خود فرید ویکتا بود چرا درمیان دو زرهپوش تنگ گرفته بود ؟ آیا سفینه‌های (مونوماق) و(دیمتری دونسقوی) را چرا درعقب گذاشته بود ؟ آیا کروازورهای محافظه دار بازره پوشها چرا درداخل یك خط میپودند ؟ آیا این وضعیت آنهارا بهضربه های مهلك دشمن معروض نمی نمود ؟ آیا بمجرد دیکه دشمن پدیدار شده بودقافله را یعنی کشتیهای بیکار را از دستهٔ کشتیهای جنگی چرا جدا نساخت ؟

جناب امیرال برای همهٔ این سوالها هیچ یك جواب شافی پیدا نمیتواند .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 115 of 310

پس چنان معلوم میشود که (روژه ست وه نسکی) بمجرد یکه ظهور نمودن دوازده کشتی زرهپوش دشمنرا یکی یکبار در پیش روی خود بدیدند دست پاچه شده ندانست که چکند. تا وقتیکه در وسط آبنای (قوره) میرسید بجز کرووازور های صنف دوم ویکچند محافظ ساحل دشمن دیگر سفینهٔ ندیده بود. لهذا چنان گمان کرده بود که امیرال (توغو) باقسم کلی خود در جهت شمال در کدام جایی اورا انتظار میکند که اینهم بر عدم کشفیات او دلیلست. اما چون چنین حکم کرده بود چرا نظام رفتار خودرا تبدیل نمود؟ و چرا بجای این، یا ترتیبات نظام رفتار، و یا ترتیبات نظام محاربه را قبول نمود؟

در اثنای محاربه نیز طرز حرکت و سیاهچنان چیزی نیست که دانسته شود. دایما میدان را بدشمن ترک کرده، وچون یك سکوت کلی حاصل شده باز بگر فتن استقامت (ولادیووستوق) کوشش ورزیده و یك حال تدافعی و بیقیدی مانده اند. واز حرکات شان چنان معلوم میشود که همه آرزو و مقصد شان همین بوده که ازین وضعیت مشکله چسان رهایی یابند. هدف مقصد شان یکسر بولادیووستوق رسیدن بود، نه محاربه کردن، و دشمنرا مغلوب ساختن!

چنان گمان کرده بودند که مانند محاربهٔ میدان (۱۰) م اگست یکچند گله اندازی شده از آبنای کوریا خواهند گذشت. این چنین گمان و تخمین یك خطای عظیمی بود. زیرا گذشتن از آبنای مذکور موقوف بر ظفر یافتن دشمن بود. و امید یگانهٔ ظفر یافتن نیز همین بود که بادشمن بشدت دست و گریبان شده جنگ فداکارانه نماید.

در آخر روز وضعیت محاربه آنقدر خراب شده بود که باقدرت بشریه چاره یافتن تعمیر آن خارج تصور بود. مع هذا کشتیهای طوریید و میتوانستند که بیك تجربهٔ طالع تشبث ورزیده بتوانند.

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 116 of 310

از احوال مخصوصهٔ محاربهٔ میدان (چوشیما) یکی هم اینست که ژاپانها درحملهٔ نخستین بردشمن خود غالب آمده ترتیبات محاربهٔ خودشانرا تبدیل دادند. حالاً نکه روسهابرهمان ترتیبات پرخطاوسرا سرغلط خود تابه آخر مربوط مانده اند .

بعد ازیك تجربهٔ که نه باردران فاصله آمد ، وبه بهای خونهای بزرگی حاصل شدبازهم روسهاتابه آخرمحاربه بکشف وتحقیق کردن حرکات دشمن سرفرونیاوردند. وهمان اعتقاد باطل خودشان که عبارت از جنگ اجتناب ورزیدن وبصورت معجزه به (ولادیووستوق) رسیدن بود ماندند .در آخرهمانروزمحاربهٔ کروازورهائیکه هریك بیك طرفی گریخته رهایی یافته بودند بازهم بهمانطورماتوره اجرا میکردند . طورپیدوها نیز بیکصورتیکه هیچ معنی آن دانسته نمیشد سیروحرکت میکردند که به این کارهایك حیرت نی بلکه بصدها .. هزارهاحیرت !

مطالعهٔ یك افسر روسی

افسرروسی میگوید :

بیشترازهمه چیزیکه درمحاربهٔ میدان(چوشیما) نظردقت وحیرت انسانرا بخود میکشد این استکه دستهٔ کشتیهای جنگی روس چنان حرکت کورکورانهٔ میکردندکه گویابه قوای کلیهٔ دشمن هیچگاه برنخواهند خورد ، وبهمین اعتقاد بودندکه دفعتهً بهجوم دشمن معروض شدند .تنهامهمین و قمه دلیل واضحست برینکه (زوژهستوه نسکی) راهیراکه بران رفتنی بود هیچ استکشاف نکرده بود .

درین یك هیچ شبهه نیستکه روسهانظربه ژاپانها کمترکرو وازورها

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 117 of 310

راما لك بودند . لکن (روژه ست وه نسکی) راواجب آن بود که بعدازانکه جزیره های (ساده ل) راترك نمود لوی غندگرو وازور های خود را از پیش برفتارمی انداخت . لوی غند مذکوره به پیش رفته وکشفیات لازمهٔ خودرا اجرا کرده دروقت لزوم برقسم کلی دستهٔ کشتیهای جنگی برگشته میتوانست . وبه اینصورت سواحل غرب و شرق جزیرهٔ (چوشیما) را کشف وجستجو کرده بلکه از زرهپو شهای بزرگ (توغو) وقت تر خبر دارشده میتوانست .

اگرچه درینگونه مانوره کردن تهلکه ضایع شدن بعضی گرووازورهای روس موجود بود ، اما بمقابل آن فایدهٔ آمو ختن موضع حقیقیٔ دشمن استحصال کرده میشد .

دستهٔ کشتیهای جنگی روس وقتیکه به آبنای (قوره) داخل میشدلوی غندگرووازورها در جهت چپ اوبود ؛ که ازین یك معلوم میشود که زره پوشهاوگرووازورهادریك آن به دارالحرب واصل شده اند .

حالاً نکه یك خطای عظیمی درینباب از (روژه ست وه نسکی)بوقوع آمده . بلکه لازم آن بود که گرووازورهابسببی که اززرهپوشها سریع الحر کت ترهستند بواسطهٔ تلگراف بی سیم بالوی غندزرهپوشها ارتباط خودرا محافظه کرده برفتاریکروز پیشتر تقدم کرده میتوانستند . وازین لوی غند گرووازورهاها نهائیکه سریعتروقوتمند تربودند درسرلوی غند یك قطارتر تیب میکردند . ودرینباب ازهجوم طور پیدوهای دشمن هیچ اندیشه نباید کردزیرا طوپیدوهادرپیش طوپهای بزرگ چاپ بسیارکم به کامیابی نایل میشوند .

دیگراینکه هرگاه لوی غندگرووازورهایکروزپیشتر ازقسم کلی در آبنا ظهورمیکرد هیچ شبهه نیست که یك مفرزهٔ مهم دشمن رانخود جلب کرده

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 118 of 310

بامعلوم میشد که قسم کلی دشمن درنزدیکی (چوشیما) تجمع کرده است.

برای اینکه طرز حرکت (روژه ست وه نسکی) را تایکدرجه ذی حق نشان بدهیم این مطالعه را بیان میکنیم که (روژه ست وه نسکی) به این فکر بود که بر دشمن خود یکی بکبار بخبر شبخون زند، وتازابا تاخود را جمع آوری کنند آبنای رادر گذرد.

بلی اگر کاررا ازین نقطهٔ نظر مطالعه کنیم لازم می آید که مومی الیه را درباب پیش نفرستادن گروواز ورهایش معذور به بینیم. امامانند (توغو) یك نهنگ دریارا که بهمراهش بسی کشتیهای کشاف موجود است آسان آسان غافل ساختن وبشبخون ازودر گذشتن یك کار آسانی گمان نباید کرد. حالا نکه برای اینکار نیز اگر درمد خل آبنا توقف کرده برای گذشتن از انجا یك فرصت مناسبی میجست واحوال دشمنرا بخود تایکدرجه معلوم میکرد بهتر میبود.

بااینهم بگوئیم که چون او برین قرار داده بود که بهمه حال آبنای را بنا گهانی بگذرد البته برای تحقیق کردن دشمن که درانجاهست بایست لزوم باقی نماند. زیرا به اینصورت خودرا بدشمن نشان میداد، ویك محاربهٔ را که وقوع آن بهمه حال محتمل بود بدست خود حاضروتعجیل مینمود. پس چون چنین بود آیا این اقتضا میکرد که اگرهیچ نباشد تابدرجهٔ ممکن برای حاصلکردن یزاری موفقیت همهٔ تدابیروترتیبات لازمه راحاضر کند؟

حالا نکه ترتیبات محاربهٔ که امیرال (روژه ست وه نسکی) قبول نموده خیلی عجیب وغریب یك ترتیباتی بود که غیراز عجیبی وغریبی آن سبب بسی نتیجه های الم انگیزی نیز میشد.

حالااین یك رانیز بگوئیم که درتعبیهٔ بحریه یك قاعدهٔ اساسیهٔ موجود است که این قاعده نظریه بسی تجربه ها، ونتیجهٔ بسی مانوره ها، و تصدیق

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 119 of 310

بسی امیرالها درجهٔ که استثناقبول نکند قطعی و حکمی میباشد ، و آن قاعده اینست : « در آوان محاربه یك دستهٔ کشتی های جنگی دایماً بر یك خط مرتب باید بود . »

بواقعی همچنینست زیرا یك نظام باهم نیامیخته که از چند خط مرکب باشد در محاربه قابل تطبیق و استفاده نمیشود . درین قاعده هیچ یك چیزیکه دانسته نشود موجود نیست . مع هذا در وقتیکه امیرال روس به آبنای (قوره) داخل میشد آنقدر یك ترتیبات بدو نا موافق برای محاربه گرفته بود که حد ونهایت نداشت . (۱)

(۱) — اگرچه درینباب دیگر مطالعات هم در اصل کتاب موجود است ولی چون آنها به بعضی نقشه ها ، واسبا بها موقوف بود و هم متعلق امور بحری بود که بدردما نمیخورد از ترجمهٔ آن صرف نظر شد فقط .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 120 of 310

اجمال وقایع

از یك کتابیکه درباب (حاکمیت بحریه) بزبان فرانسوی نوشته شده گرفته شده است .

دولت روس هیچوقت یکدولت بزرگ بحری شده نمیتواند . زیرا (جغرافیا) مانعست . در اول امر میان یك ولایتی که هر طرف آن باخشکه محاط بود این ملت (موسقوف) بزرگ شده بزرگ شده بدرجهٔ رسید که خودرا نابسوا حل بحر رسانیده وباینصورت در اطراف سه بحر از همدیگر بسیار دور جایگیر شدند . اما چسان بحرها ! هریك مانند یك کوچهٔ که راه بدر رفت نداشته باشد ، ویایك تالاب محصوری که راه آمیزش آن بابحر مفقود باشد ، واگر راه آمیزش بابحر محیط داشته هم باشد آن راهها در دست بعضی ملتهای هست که همه رقیب اوهستند ! . . .

این وضعیت (سوق الجیشیهٔ) بحریه موجود داشتن سه دستهٔ کشتیهای جنگی را که نه بایکدیگر معاونت کرده بتوانند ، ونه باهمدیگر یکجاشده بتوانند اقتضا میکنند . مثلا راه دستهٔ کشتیهای جنگی (بحر سیاه) بامعاهدهٔ پاریس ابدیاً سد شده که معاهدهٔ مذکوره نیز از نتیجهٔ طبیعیهٔ جغرافیاست . آمدیم بردسته کشتی های جنگی (بحر بالتیك) و (بحر محیط کبیر) که آنها هم یکی درغرب ، ودیگری در شرق میباشند . یعنی در دونوك دنیا افتاده اند . واگر بخواهیم که درجهٔ مشکلات تقویت ومعاونت این دودستهٔ کشتی های جنگی را بیك دیگر نشان بدهیم بهتر از این مثال وقیاسی نیست که دستهٔ کشتی های جنگی (بحر بالتیك) روس

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 121 of 310

که در زیر قوماندانی (روژه‌ست وه‌نسکی) بمعاونت دستهٔ کشتی‌های جنگی (بحر محیط) روانه شد بعد از (۱٤) ماه به آبجا رسیده توانست. یك پولیتیك شناس دور اندیش بحری، در راه اقصای شرق میتوانست که بعضی نقطه‌های استناد یعنی تکیه گاهها تأسیس و بنیاد داده محذورها و علتهای این مسافهٔ بزرگ را تا یکدرجه کوتاه تر بتواند. بحقیقت که پیش از (۵۰) سال دولت روس میتوانست که در بین راه بعضی (اس الحرکات) ها بدست آورده بتواند. اما حالا (آن قدح بشکست و آن ساقی نماند)! هیهات! زیرا همه آنها گرفته شد این چنین نظر دور بینانهٔ عاقبت اندیشانه که قدر و قیمت کوههای سخت و سیاه بیهودهٔ (جبل الطارق)، و زمینهای گرم پر وحشت (عدن)، و (هونقونغ) و امثال آنها را بشناسد که در آینده موجب چه فواید کثیرهٔ میشود ها ناقوم انگلیز است و بس. انبساط و فراخی قوم روس همیشه درخشکه‌ها بوقوع آمده است، و در امور بحری خیلی پس مانده‌اند.

چنانچه جغرافیای عمومی بر ضد منافع روس است، جغرافیای محلی و خصوصی نیز برای منافع او چندان خدمت نکرده است. بندرگاه شهر (ولادیووستوق) که بندرگاه یگانهٔ همهٔ ممالك (سیبریای) روس است در وسط بحر (ژاپان) واقعست که دران دریا نیز از سه درهٔ دریایی یعنی (آبنا) درآمده میشود که یکی آبنای (په روز) دیگری آبنای (چوغارو) دیگری آبنای (قوره) است که هر سه آبنا از طرف سواحل (ژاپان) محکوم است. این راهها گذرگاههای حقیقی ایست که برای درآمدن یا برآمدن (ولادیووستوق) بهمه حال از ان گذشتن لازمست. محاربهٔ میدان (۱٤) آگست، و محو و زوال یافتن دستهٔ کشتی‌های جنگی (روژه‌ست وه‌نسکی)، و مصیبت کشتی (نوویق) همه در همین آبناها واقعشده.

دولت روس بامید آنکه از قید اسارت خلاص شود (پورآرتور) را ضبط نمود. اما در نحال نیز این دو اس الحرکات بحرئی او بالاراضئی ژاپان از یکدیگر جدا شده

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 122 of 310

بود که برای رفتن از یکی بدیگر یا همه سواحل دشمنرا از یکسر تا دیگر سر قطع کردن، و یا یك دور بسیار درازی اجرا کردن لازم می آمد. چنانچه بعد از محاربهٔ میدان (۱٤)م آگست سفینهٔ (نوویق) روسی همچنین حرکت دور ودرازی خواسته بود ولی باز ممانعت طبیعیهٔ جغرافیا تصادف کرده در آبنای (پهروز) غرق و ناپدید گردید.

چنین گمان نشود که این حرب در مابین روس وژاپان بناگهانی ویکی یکبار باز شده است. حکومت ژاپان از بسی سالها برای حرب بکمال شدت وتهالك خود را حاضر میکرد. پس دولت روس را نیز باید بمقابل یکچیزی که روز بروز احتمال وقوع آن کسب قوت وصحت میکرد باوجود اجتناب از جنگ باز هم اینقدر بیقیدانه و بی احتیاطانه حرکت نمیکرد.

حکومت ژاپان حساب وموازنهٔ خود را در بناب بصورت بسیار مدبرانه اجرا کرده بود، ودر اثنای حرب معلوم شد که هیچ حرکت او بی حساب و بی تدبیر واندیشهٔ سالها سالها نبود. حال آنکه نظر به نواقص وخطاهائیکه در اثنای حرب از حکومت روس ظهور نمود بخوبی معلوم شد که در خصوص تدقیق وضعیت وشرایط سوق الجیشیه خیلی بی دقتی و بی پروایی روا داشته.

حرب، بازیچهٔ اطفال نیست؛ بلکه یك امر عظیم و مشکلیست که موی موی آن را از هر نقطهٔ نظر سنجیده میزان دقت وامعان کردن لازمست. واگر این چنین نشود از قوای حاضره، ولوازمات حربیه هیچ استفاده نمیشود، واز فلاکت بفلاکت، واز مصیبت بمصیبت انسان را پویان پویان بسر میاندازد. خطای نخستینی که روسها ارتکاب کرده اند اینستکه اهمیت استدائی نتیجهٔ حرب بحری را بخوبی درك نکردند که چه میشود. زیرا چنانچه برای ژاپانها بود، برای روسها نیز خط مواصلات یعنی راههای بهم رسیدن شان عبارت از بحر بود. بنابرین

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 123 of 310

درین یك هیچ شبهه نبود که هر طرف حاکمیت بحری را بدست آرد، البته حاکم وضعیت حرب نیز همانطرف است. هرگاه روسها حاکم بحر میشدند ژاپانها به (قوره) عسکر براورده نمیتوانستند. بالعکس چون ژاپانها حاکم بحر شوند بسبب بسیا رئی مردمیکه دارند، افراد عسکر احتیاط بی پایان وفراوانی از جای بسیار نز دیك بمیدان حرب میریزانند که روسها آیا مقابل اینگونه قوت از مسافهٔ هشت نه هزار کیلومتر بدرجهٔ کفایت جسان عسکر رسانیده خواهند توانست؟ اینستکه اینهمه از بی حسابی و بی پروائی و بی تدبیریست.

اگر حکومت روس تاثیر واهمیت صاحب شدن قوهٔ بحریه را در تاریخ حرب بخوبی تدقیق میکرد البته که از معروض شدن به اینقدر هزیمتها و فلاکت هاو بی آبیهاو بی غیرتیها که باشان و شرف دولت معظمه کی او هیچ متناسب نیست اجتناب میکرد.

پیش از محاربهٔ سلاح، یك حرب اقتصادی یعنی حرب مالی بوقوع آمده بود. درین مسئله همه فواید در جهت روسیه بود. منابع ژاپان بسیار کم و محدود بود. زیرا این ملت غیور باغیرت همه قوهٔ مالیهٔ خودرا در مابین مصارف تولغندیری وقوهٔ بحریهٔ خود تقسیم کرده بودند. زیرا سخن آخرین شان همین بود که هم در دریا و هم در خشکه بردشمن خود غالب بایدشوند.

هرگاه حکومت روس بردریا حاکم میبود تنها بهمین واسطهٔ مالیه ژاپان را از مناسبات خارجیه سراسر تجرید کرده میتوانست. لهذا از همه الزم این بود که حکومت روس در اقصای شرق از ژاپانها زیاده تر یك قوهٔ بحریهٔ موجود میکردند. وچون خودرا طرفدار صلح میدانست آیا برای محافظه وادامهٔ صلح بهتر از بنواسطه چه بود؟

اما آیا دولت روس این تفوق بحری را استحصال ومحافظه کرده میتوا

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 124 of 310

نست ؟ هیچ شبهه نیست که اگر میکرد میتوانست . اگرچه این محقق است که در ظرف بیست وچارساعت یك قوهٔ بحریه بوجود آورده نمیشود . دولت ژاپان درین خصوص بسیارسالها متمادیاً سعی وغیرت کرده بمقصد خود رسیده بود . در چندتی که او سعی وغیرت دایمی خودرا محض برای مضمحل کردن روس صرف مینمود اگر روس نیز این احتمالات رادرزیر نظر دقت گرفته سعی وکوشش میورزید بخوبصورت حاضر شده میتوانست . اینوقت واینمدت برای حاضرتی او نیز کفایت میکرد . وبسببی که بودجه یعنی دخل وخرج بحریهٔ رو س ازدخل وخرج بحریهٔ ژاپان بزرگتر وافزونتر بودزیاده ترکامیاب میشد .

برای اینکار روسیه لازم بود که یك پولتیکی تعقیب میکرد که سواحل (با لتیك) خودرا باز گذاشته میتوانست . لکن پولیتیك وحرب هردو یك چیزاست . برای یك حرب بسیارخوب ، یك پولیتیک بسیارخوب لازم است . دیگر اینکه چون پیشها بسی عسا کر احتیاط رابه بسیارزحمت ومشقت وشرایط غیرمساعد بدارالحرب فرستاده بود ، آیا اگر اینهارا پیش از آغازشدن محاربه درانجا میفر ستاد بهترنمیشد ؟

حالا آنکه هیچ یکی ازینکارها ساخته نشد . اساس دستهٔ کشتیهای جنگی ژا پانرا هشت کشتی زرهپوش که دو قطعهٔ آن پیش از اعلان حرب از (ایتالیا) خریده شده بود ، وشش کروزا زور زرهپوش تشکیل داده بود . بمقابل این روسیه بعضی جزوتامهای غیرکافی که فیشن بعضی از آن ها نیز از گذشته ها بود موجود کرده بود .

در ظرف مدت مهلتی که برای اوداده شده بود باید که ترسانه یعنی کارگا ههای کشتی سازی (ولادیووستوق) و(پورآرتور) خودرا بدرجه که زرهپو شها درحوضهای آنها برای تعمیر درامده میتوانستند توسیع وآماده میکردند .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 125 of 310

حالاً نکه درانباب هم قصور ورزیدند حتی ترتیبات تدافعیهٔ ایندو موقع را نیز ناقص گذاشته بودند . بالعکس لنگرگاه نجارتی (دالنی) از حد زیاده تزئین و اعمار شده بود که همه منابع موجودهٔ را که در دست بود زینت و عمارت آن بلع نموده بود واین بدان میماند که یك کاوکادی را در پیش روی گوها بگذارند !

* * *

قوای بحریهٔ روس در وقتیکه نخستین هجوم ژاپانها بوقوع آمد یعنی هجوم (۸) م فبروری سنه (۱۹۰٤) بردوقسم جدا شده بود . زیرهیوشها بایکچند کروازور در (پورآرتور) بود . ودر (ولادیووستوك) سه قطعه کروازور بسیار مهم که دایرهٔ کار گذاری شان خیلی بزرك بود باسفینهٔ (بوغاتیر) موجود بود . بسبی که حرب از بسیار وقتها بدرجهٔ آمد بود که همه کس میدانست که قابل اجتناب نیست باوجود آنهم منقسم ماندن قوای بحریه باینصورت بنا بر یك مجبور یتی نبود . بلکه این انقسام بوجه مطلوب خود شان بود! آیا این درست یك تدبیری بود؟ نی ...

مقصد روسیه گویا این بود که اعلان حرب چون بشود ، وظیفهٔ لوی غند (ولادیووستوك) رفت وامدیکه درمابین (قوره) وژاپونیا بشود واین لوی غند آنرا منع وتضییق خواهد کرد ، ومالهای گرانبهای حربی که از (هونقونغ) و (شانغای) و (امریکا) بیاید آنهارا بچنگ خواهد آورد .

دستهٔ کشتیهای جنگی پورآرتور در مرکز منطقهٔ که حرکات عسکریه دران جریان بیابد خواهد بود . که وظیفهٔ آن نیز گویا عسکر ژاپان را از رامدن به (ما نچوری) و (قوره) منع کردن خواهد بود!

حالاً نکه پیش از ینهم گفته بودیم که این نتیجه بحاکمیت بحریه استحصال شده میتواند . روسها امید میکردند که اگر در (ولادیووستوك) یك لوی غند

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 126 of 310

کروواز ورهای بزرک خودرا بگذارند هیچ نباشد از قوای عسکریهٔ ژاپان نیز همانقدر یك قوت را بهانطرف بمقابل حمد جمع جلب کرده باینصورت موازنهٔ قوت (پورارتور) خودرا محافظه خواهد توانست ۰ حالانکه این حساب ارکان حربیهٔ روس غلط و خطا بود ۰ زیرا موجود بودن یك لوی غند کروواز ورروس ۵ در (ولادیووستوق) باشد برای ژاپانها آنوقت تهلکه ناك شده میتوانست ۵ تول غند های خودرا به (قوره) و (مانچوری) نقل میدادند وچون این آمدو شد منقطع میکردید تهلکهٔ ۵ از طرف کروواز ورهای روس اجرا میشد یك چیز خیالی میبود ۰

اگرچه برای ژاپانها اینمسئله موجب یك دلتنگی بزرکی میشد که کردش کشتی های روس را در پیشکاه سواحل بحر محیط به بینند، وضبط شدن وابور های داکی که ملزمهٔ حربیه را حامل باشند مشاهده کنند ۰ اما این احوال نسبت بمقصد حقیقی که مغلوب کردن دستهٔ کشتیهای جنکی اصلی و حاصل کردن حاکمیت بحریه است از احوال طبیعیهٔ عادی شمرده میشد که امیرال (توغو) ازین نقطهٔ نظر این چنین ترتیبات را اخذ و قبول نمود :

درمقابل لوی غند بحریهٔ (ولادیووستوق) تنها بعضی تدابیر تدافعیه کرفت ۰ وقوای عسکریه خط نخستین خود را کاملاً در بحر اصفر جمع نمود، وبعد از شبخونی که در (۸)م فبروری بر (پورارتور) برده دوزره پوش ، ویك کروواز ور روس را زخمدار و بیکار ساخت ، وبه آنصورت تفوق و برتری خودرا بردستهٔ کشتی های جنکی روس بدست آورد ، درانوقت امیرال (توغو) یك قسمی از کروواز ورهای بزرک خودرا برای ترصد آبنای (قوره) جدا کرد اما باوجود آنهم بجای آنها لوی غند محافظهای ساحل خودرا که در (ژه نسان) عملیات عسکر براوردن بخشکه را حمایه میکرد قایم نمود اگرچه باینصورت

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 127 of 310

بدستهٔ کشتی های جنگی خود قوت های سست حرکت را الحاق نمود لکن از روی عدد و اقتدار فایدهٔ تفوق و برتری خود را بر دشمن نمود

بعضی کسان بر این اعتراض کردند که اینقدر قوت را در پیش (پورآرتور) جمع کردن زاید و بی لزوم بود . اما اینسخن درست نیست . زیرا در صبح شب شنبه ۹ یعنی روز (۹) م فبروری وقتیکه امیرال (شتارق) با دستهٔ کشتیهای جنگی خود از مدخل (پورآرتور) بر مد در پیش روی خود قوای کلی دشمن را یافته مجبور شد که یك خط حرکت تدافعی را قبول نماید . و از اوقت دستهٔ کشتیهای جنگی روس هم قوهٔ مادیه و هم قوهٔ معنویهٔ خود را غائب نمود .

آمدیم بر مسئلهٔ فن (سوق الجیش بحری) ژاپانها : در اینباب اگر هر قدر مدح و ثنا شود سزاست . امیرال (توغو) بمیل طبیعی (انقسام قوت) گرویده نشد . و از بنکه نتیجهٔ یك مصادمه ، یعنی زد و خورد قوای کلی را که برای عاقبت حرب تامیرهای بزرگی اجرا میکند به تهلکه می انداخت ؛ برغرق شدن ، و یا بدست افتادن یکدو کشتی نقلیهٔ که در طرف شمال بدست دشمن بیفتد ترجیح نمود .

روسها چنانچه سفینه های بزرگ خود را بردو قسم تقسیم نموده بودند طوربیدو هاو مخرب طوربیدوهای خود را نیز بردو قسم جدا کرده بودند . روسها در اقصای شرق بقدر (۲۵) مخرب طوربیدو داشتند که ژاپانها مقابل آن از (۱۸ تا ۲۰) مخرب کشیده میتوانستند روسها پنج شش دانهٔ اینها را بسبیکه به (ولادیوستوق) فرستاده بودند از اینرو فایده نیکه در تفوق عددی داشتند ضایع کرده بودند . طوربیدوهای خود را نیز بر همین دو بندرگاه تقسیم کرده بودند که به اینصورت نسبت به ژاپانها که طوربیدوهای بسیاری را مالك بودند خیلی کم قوت تر و پست تر ماندند . چونکه ژاپانها طوربیدو

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 128 of 310

هاومخربهای خودرانیزمانندیگرسفینه های خوددر(بحراصفر)جمع کردند.

و الحاصل روسهـاراالازم بود که تابوقتیکه یك مظفریت قطعیهٔ دربحر حاصل میکردند ویك قسمی ازقوتهای ژاپانرا محو وپریشان میساختندقوای بحریهٔ خود شانرامجتمع نگهمیداشتند.

و اینرانیزفراموش نکنیم که ژاپانهااصلااینرابخاطرخود نگرفته بودندکه تادستهٔ کشتیهای جنگی روس را سراسر معطل نکنندنه تول غندهای خود را بصورت منتظم بخشکه بریزند،ونه بر(پورآرتور) هجوم ببرند.پس چون چنین بود اگردستهٔ کشتیهای روس در(ولادیووستوق)ویادر(پورآرتور) میبود بهردوصورت دستهٔ کشتی های جنگی ژاپان برهمانطرف حمله میکرد. اماچون بندرگاه(پورارتور) اقدروسعت وامتدادنداشت که همه دستهٔ کشتی های جنگی روس دران جمع وتحشیدکرده بتواند، وبندرگاه(ولادیووستوق) بهتروخوبتراین صفات را مالك بود بندرگاه(پورارتور)تنگ ومدخلش خیلی باز بودکه باین سبب یك اس الحرکاتی که اهمیت ان بدرجهٔ وسط شمرده میشد بود. حالانکه(ولادیووستوق)هم بیشترامین بود وهم محاصرهٔ ان مشکلتربود که بانسبب اگرروسها بندرگاه ولادیووستوق راداس الحرکات) خود میکردند بهتر میبود.

*
* *

(پورارتور) انتخاب کرده شد ازین انتخاب هماندم درافکارسوق الجیشیهٔ روسها اثربی امینی غریبی که درباب(اس الحرکات)هاداشتندبمیدان برامد.

بواقعیکه روسها درباب مدافعهٔ شهر(پورارتور)بسیاربی پروایانه حرکت کرده بودند، و طرزترتیبات تدافعیهٔ شان نیزغلط بود زیراهرگاه درجوار یك موقع مستحکم، یك موضع سوق الجیشی که برای دشمن فایده برساند

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 129 of 310

موجود باشد ان موضع را از اقسام ترتیبات تدافعیه ان موقع مستحکم شمرده، وبرای منع کردن جایگیر شدن دشمن دران موضع ان را نیز بجای موضع پیش اعتبار کرده هرگونه ترتیبات تدافعیه را دران اجرا نمایند این قاعدهٔ اساسیه در ترتیبات مدافعهٔ بریه اقدر ضروری یك چیزیست که هیچ اعتراض قبول نمیکند همچنان در مدافعه‌های بری نیز تطبیق کردن اینقاعده از لوازمات ضروریست .

لهذا روسها در باب منع کردن جایگیر شدن امیرال (توغو) در جزیرهٔ (الیوت) که در پیشگاه (پورارتور) بود هیچ تدبیری بکار نبرده بودند که این یك خطای بسیار بزرگی بود حالانکه حمایهٔ جزایر مذکوره بقدر (پورارتور) الزم واهم شمرده میشد .

حالا این سوال وارد میشود که آیا قلعهٔ (پورآرتور) بدون حمایهٔ دستهٔ کشتی های جنگی خودش خود حمایه میبایست کرد؟ یا آنکه دستهٔ کشتی های جنگی در راه حمایهٔ این قلعه فدا میبایست شد ؟ لهذا گفته میشود که اس الحرکات ها برای سفاین حربیه بوجود آورده شده‌اند . از اروعهده برای مدافعهٔ آنها بر ذمهٔ کشتیهاییست . دیگر اینکه روسها میبایست که تنها یك فکر، یك مقصد ، یك هدف میداشتند که انهم عبارت از بدست اوردن حاکمیت بحریه می بود . زیرا اگر حاکمیت بحریه نمیبود محض که یك روزی از روزها (پورارتور) میافتاد واز دست میرفت . واگر حاکمیت موجود بود ژاپانها در خشکه بمحاربه دوام ورزیده نمیتوانست . زیرا برای ان تول غند دهشتناکی که به (مانچوری) ریخته بودند جاری کردن یك سیلابهٔ ارزاق ومهمات لازم بود .

چون چنینست (پورارتور) از کشتیها معاونت انتظار نمیبایست کرد . بلکه تا از دستش میامد در بحر جولان میکرد، ودر باب باز کردن راه دستهٔ کشتی

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 130 of 310

های جنگی که بامداد می‌آمد کوشش میورزید، و بدشمن شناور خود از هر طرف بدیها باید میرساند .

اگرچه در راه این سعیها و کوششها احتمال محو و تلف شدن دستهٔ کشتی های جنگی روس نیز موجود بود . اما اینگونه محو شدنش می‌ارزید . زیرا برای یك سبب و خدمت حقیقی بوقوع میامد . از اینکه مانند یك بازیگر های بدبختی در یك گوشهٔ میخ شده میماند این بهتر بود که مانند قهرمانان شجاعت نشان در میدان کار زار ندای جان میکرد . حالانکه دولت روس بهوس انکه جان کندن (پورارتور) رایکچند روز دیگر نیز تأخیر کند دستهٔ کشتی های جنگی خود را برای ان فدا ساخت . وباینصورت یك خطای بزرگی ارتکاب نمود .

قلعهٔ (پورارتور) یك هیکل نفوذ و عظمت روس در اقصای شرق بود و آز و هوس طفلانه او همین بود که موجه های بیرق خود را یکچند وقت دیگر نیز بر استحکامهای نیم خراب ان مشاهده کند و در راه این آز و هوس دسته کشتی های جنگی خود را فدا ساخت .

ان دستهٔ کشتیهای جنگی بی کار بی اقتدار طبعاً در زیر حکم و ادارهٔ قوماندان قلعه در امده بود . و قوماندان قلعه چون در باب تسلیم نکردن قلعه به حیثیت و ناموس خود عینا قسم خورده بود ، از هر چیزی پیشتر لازم بود که در باب از دست نیرامدن قلعه سعی و کوشش ورزد . وچون حق و ادارهٔ دستهٔ کشتی های جنگی خارج صنعت او بود ، البته که دستهٔ کشتیهای جنگی را فراموش کرده بود ، حتی در آخر کار آن کشتیهای بیچارهٔ وامانده را یکان یکان مانند رهزنان لخت کرده اسلحهٔ انهارا برای تجهیز و تقویهٔ استحکامهای خود برده .

اینست که باینصورت پنج زرهپوش و دو کروازور و بسیاری از طوربیدو هاو مخرب هائیکه بی انکه بدشمنی یك ادنا ضرری برسانند یکان یکان هدف گله

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 131 of 310

های صدمنی طوپ های اوبوس جنرال (نوژی) شده برحیات خودشان خا تمه کشید ند .

(روژه ست وه نسکی) بدبخت هنگامیکه بادستهٔ کشتیهای جنگی (بالتیك) به اقصای شرق میرسید درپیش روی خود یك قلعهٔ خرابی ۵ مزار پرحسر ت دستهٔ کشتی های جنگی روس بود ، ودر پیشگاه ان دستهٔ کشتیهای جنگی دشمن خودرا بامهٔ قوت وسط تش برحیات یافت .

حال انکه اگر همت میکردند وبجای انکه سلاحهای خودرا بدست (اشتوسل) تسلیم کرده بحسرت وبی غیرتی دراز بربحر فرومیرفتند خودشانرا بگله های طوپ دشمن غرق میکردند ،وهیچ نباشد یکدو کشتی امیرال (توغو) را نیزازخود پیشترمیکردندایابهترنمیبود ؟

امیرال (وبرمن) چندبارا گرچه از (پورارتور) برای همین مقصدبیرون برامدن راآرزوکرد ولی قوماندان قلعه جناب (اشتوسل) پرکسل اورانگذا شت ! زیرا بهطوپ ها وجبه خانه ومرتبات آن احتیاج داشت .

پس آیا درزیراین احوال واین شرایط ازرسیدن دستهٔ کشتیهای جنگی بحربالتیك چه فائده حاصل میشد ؟ نظربه این افکار وتصورات سوق الجیشیه هرگاه دستهٔ کشتیهای جنگی مذکور را دراو روپا میگذا شت ونمیفرستا دند خوبتر میبود .

* * *

روسها مغلوب شدند . این نتیجه نبایدکه موجب حیرت وتعجب مابشود . زیرا بسیار بسیار خطاها کردند . ژاپانها خطانکردند ؛ زیرا غالب آمدنرا آر زومیکردند . وبرای غالب آمدن هروا سطهٔ لازم بودهمهٔ آنرا استعمال کردند . زرهپوشها ، کرووازورها ، طوربیدو ها ، مخربها همه‌را دربش

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 132 of 310

گاه (پورآرتور) جمع کردند . وبه‌اینصورت دشمن خود شان‌را که درباب مسئلهٔ حاکمیت بحر به رقیب شان بود تضییق و محصور نمودند . که اینکار خیلی منطقی و معقول یك کاری بود .

هر چیزیکه طرف غالب بکند آن را بحرت تحسین کردن درطبع بشر یك میل طبیعی مخصوصی موجود است . چونکه کامیابیها برای حرکات یك معیار کمال وعدالت شناخته میشود . حرب یك تیاتر فاجعه انگیزیست که از بسی پرده‌ها تشکل است که پردهٔ اول آن همیشه از فتوحات بحری متشکل است . بنابرین همهٔ قوای حربیه بحریه را در صحنهٔ فعالیت وضع کردن لازمست . پردهٔ دوم به‌امتداد سواحل جریان می‌یابد . زیرا طرف مغلوب عقب کشیده کشیده به بندرگاههای خود النجا میکنند که درانوقت این بندرگاهها همه وسایط تدافعیه را استعمال کرده به نگهبانی خود کوشش میورزند .

خلاصه درحرب بحری بدودستهٔ کشتیهای جنگی از همدیگر فرق دار احتیاج نیست باکه تنها یك دستهٔ کشتیهای جنگی کفایت میکند . امابسیار قوتمند بودن آن شرط است . قوای بحریه هیچ وقت نباید که دوچار انقسام بشوند . چونکه انقسام قوت ، موجب ضعف است . وظیفهٔ یگانهٔ قوای بحریه همین است که مجتمعاً برسردشمن حمله کنند ، ویااورابسوی خود کشیده ضرر آن را برطرف وازاله کنند .

والحاصل قوای حربیه را پیش‌ازوقت بیهوده پراکنده نباید کرد ، بلکه همهٔ وسایط ومساعی را بردستهٔ کشتیهای جنگی اصلی دشمن توجیه وتوحید کردن لازم است . اینست اجمال نتایج سوق الجیشیهٔ که ازحرب بحری روس وژاپان استحصال شده است .

بعد ازخراب کردن دستهٔ کشتیهای جنگی نخستین بحر محیط روس ، هنوز

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 133 of 310

وظیفهٔ بحریهٔ ژاپان تمام نشده بود چونکه بعد از ضبط قلعهٔ (پورارتور) بچار ماه یك دستهٔ کشتیهای جنگی بوروس بقصد استحصال حاکمیت بحریه بسوی اقصای شرق می آمد . وضعیت بسیار مشکل بود . چونکه تا یك کامیابی روسها همه نتایج موفقیتهارا تابه اندم بدست امده بودند ووزبرکرد میته انست .

اگرچه قوتیکه ازاامیرال (روژه ست وه نسکی) سوق میکرد از عناصر غیر متجانس ترکیب یافته بودومرتبات انها اکثری بحریه ، وکم بهاوی اطاعت بودند ، ولی بخت وطالع حرب آنقدر یك چیز بیوفائیست که اگر بهمهٔ اعتماد ، و تمام امید به ان دل بسته شود ازتهاکه خالی نیست . ازاروژاپانها ازین دستهٔ کشتیهای جنگی نوایندهٔ روس باز هم از اندیشه خالی نبودند . وهم فکرشان از نتیجهٔ که از مصادمه حاصل شود بیشتر به این مشغول ومصروف بود که ایا مصادمه درکجا خواهدشد ؟

این وضعیت حربیهٔ این بار با وضعیت حربیهٔ ابتدای محاربه هیچ مشابهت نداشت . چونکه در بنبار دستهٔ کشتیهای جنگی روس راتنها یك هدف مقصد بود که آنهم رسیدن به بندرگاه (ولادیووستوق) بود . وبعدازانکه درانجا برسد گروواز ورها ، وطوربیدوها ، وتحت البحرها راجمع وتوحید کرده با همهٔ سفاین حربیهٔ خود به امید موفقیت وکامیابی بجنگ آغاز کند . وتابوقتیکه به آن اس الحرکات خود نرسد این دستهٔ کشتیهای جنگی آنقدر مزعج و مهلك یك چیزی شمرده نمیشد . چونکه مشکلات دایمهٔ احتیاج زغال اورادر هر جا بحال تدافعی محکوم میساخت . لهذا اصل کار همین بود که بر وبشرایط مساعد وموافق هجوم برده شود ، وایستاده کردن اورا در فلان جایافلان مأوا آنقدر اهمیتی نداشت .

مسئلهٔ که امیرال (توغو) به حل و فصل کردن آن مجبور بود انقدر

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 134 of 310

دشواریك چیزی نبود . زیرا چند صورت حل کردن آن ممکن مینمود .
قدمهٔ اول دستهٔ کشتیهای جنگی روس تقدریك ماه درجوار ممالك (انام)
برای رسید ن بقدمهٔ دوم خود توقف نموده بود . پس بخوبی ممکن بود که
پیش از انکه این قدمه طی نمایند (به یوغا نوف) که قدمهٔ دوم بود قوت بگیرد
رفته بر وهجوم کرده شود . دیگر اینکه دریکی از سه ابناهائیکه گذشتن دستهٔ
کشتیهای جنگی روس از ان متصور بودقابو گرفته درانثنای گذشتن بروهجوم
کند که امیرال (توغو) همین صورت حل اخیری راقبول نمود .

این پلان یعنی نقشه بسیار خوب تفکر شده بود . وبسبب قبول کردن
سر امیرال ژاپانی همین نقشه را شایان بسی تقدیر و تحسین میباشد . هراقدر
که دستهٔ کشتیهای جنگی روس به دورهٔ اخری سیاحت خود تقرب میکرد
درژاپونیا تردد وهیجان افزونی میگرفت . زیرا بیم واندیشهٔ اینکه مبادا بی
انکه دشمن دیده شود وجنگ باوشود به بندرگاه (ولادیووستوق) رسیده
بتواند همهٔ بی ها ورگهای ژاپانیانرا بحرکت میآورد . این حال دراکثراو
قات موجب گرفتن بعضی تدابیر غلط ومهلك هم میشود . مثلابسیار قوماندا
نها یصبری کرده ازبیم انکه مبادادشمنرا فرصت گریز بدهد تادرجهٔ ممکن در
دورجاها برای پالیدن اومیرود . اگرامیرال (توغو) نیزباینگونه ملاحظه ها
واندیشه هاافتاده برای جستجوی (روژه ستوه نسکی) بسوی جنوب میر
فت بیکوضعیت بسیار بدی میافتاد .

لهذا این امیرال باوقار جرار بعدازانکه برای هجوم بردن بردشمن برین
قرارداد که هروقتیکه دستهٔ کشتیهای جنگی روس داخل دریای ژاپان بشود
بروهجوم کند درانحال چنان لازم میامده قوای حربیهٔ خود را چنان جمع
وتحشید کند که برای فراراوامکان نگذارد . وقتیکه ازطرف جنوب آمده

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 135 of 310

بسوی شمال رفته شود ، برای رفتن (ولادیووستوق) کوتاه ترین راهها ابنای (قوره) است . راه رفتار دستهٔ کشتیهای جنگی روس نیز طبعاً همین راه بود بنا برین (توغو) باهمه قوای عسکری خود درهمین ابناجایگیر شده بود . مشار الیه دریجا بحقیقت که خیلی درخشان یك موضع حاضری را امالك بود چه، نگه اگر (روژه ست وه نسکی) این راه را گذاشته ژاپونیارا از طرف شرق دور کردن آرزو میکرد ، درانحال دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان بر خطهای داخلی مملکت حرکت کرده پیش از رسیدن او به بسیار وقت بشمال میرامد و در آبنهای (چو غارو) و (په روز) رفته دستهٔ کشتی های جنگی روس را انتظار میکشید .

حال آنکه (روژه ست وه نسکی) به این فریضهٔ سوق الجیشیه تبعیت نکرده ، واز آبنای قوره به (ولادیووستوق) رفتن را آرزو نمود ، ودردرون آنا دستهٔ کشتیهای جنگی خود را بحمله های دشمن محو وتلف ساخت . بااین فاجعهٔ مدهشه حرب بحری روس وژاپان به انجام رسیده و بعدازان بحریهٔ روس در اقصای شرق موجود نماند .

از ابتدای محاربه حرکات حربیه ازطرف ژاپانها بیك اعتدال دم وراستی ودرستی بسیار بزرگی سوق شده بود که سبب یگانهٔ این مظفریات درخشان آنها نیز همین مسئله شده است . اماچون درین کارها بخوبی غور شود هماندم این یك سوال وارد میشود : آیا بکدام یك بیشتر حیرت باید کرد ؟ بحکومت ژاپان که این چنین تدابیر معقولهٔ متینی در پیش گرفت که مدار اینهمه کامیابیهای درخشانی گردید ؟ یا آنکه ملت ژاپان که این تدابیر حکومت خودرا بدون قید وشرط قبول کرده به سعیها و کوششهای دلیرانهٔ خودشان درمیان اقوام حاضرهٔ دنیا درجهٔ نخستین شرف وشان را حاصل کردند ؟

این یك (چیستان) است! هرکس بفکر خود یك جواب میتواند بگوید والسلام!

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 136 of 310

حرکتهای اخیرین محاربه در مانچوری

محاربهٔ میدان (موکدن) در جلد چارم این کتاب به کامیابی ژاپانها انجام رسیده بود. حالا باز در مانچوری رفته به بینیم که وضعیت حربیهٔ اینده و تول غند محارب در چه حال است ؟

میدان محاربهٔ (چوشیما) قوای بحریهٔ روس را از میان برداشته بر حرب بحری یك خاتمهٔ بسیار درخشانی کشیده. در (مانچوری) از آخر ماه مارچ تا به ابتدای ماه دسمبر در وضعیت تول غندهای اصلی هیچ یك تبدلی بوقوع نیامد. اینده و رسکون و استراحت به افزونی دادن، و کامل کردن قوتهای هر دو طرف گذران نموده. در اثنای دور مذکور تول غند روس با این قوتهای بزرگی که بیان میشود تقویه شده بود :

اولا: قول تول غند چارم اوروپا ؛

ثانیاً : جزو تامهای نخستین قول تول غندهای (۱۹)م، و (۹)م و (۱۳)م.

ثالثاً : از غیر یك غندهای ذکاری اوروپا که بحال لوی غند هاوضع شده بود دو قول تول غند تشکیل یافته بود.

رابعاً : از قطعات جنرال (ره نه نقامف) نیز یك قول تول غند (۷)م سیبریا تشکیل یافته بود.

وغیر از اینها از (۱٤) طوپخانهٔ هوان، و (۲) طوپخانهٔ سیار شانزده طوپخانه بوجود آمده بود. و نیز (۳) طوپخانهٔ سریع آتش (۷۵) سانتیمتره یی نیز به (مان چوری) فرستاده شده بود.

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 137 of 310

و نیز بایك لوی غند شکارچی سیبریا محافظین (ولادیووستوك) تقویه شده بود.
و یك غبرك غند قول تول غند (۱۹) م نیز به اراضی (اوسوری) فرستاده شده بود.

*
* *

تول غند ژاپان نیز این قوای مهمهٔ امداده را گرفته بود.

(۱۸) لوی غندی که تول غند مذکور را تشکیل داده بود همهٔ آن لوی غند ها بموجود سفرئی شان ابلاغ شده، و سر از نو غبرك غند های کدام تشکیل داده شده بود. (اما این کدام کدام ارزاق مانند گندم وغیره گمان نشود بلکه خود عسکر را کدام کرده در وقت لزوم بجنگ سوق میکنند.)

در اثنای ترك مخاصمات قوت هریك از طرفین محاربین تخمیناً از (۵۰۰) هزار نفر عسکر که جمله گی (۱) ملیون شود ترکیب یافته بود. اما گر اینقدر نباشد ولی از (۸۵۰) هزار کمتر بهیچصورت نبود.

در تقسیمات تول غند ها نیز هیچ یك تبدل حقیقی بوقوع نیامده بود. باز بقرار سابق بمقابل سه تول غند (لینه ویچ) پنج تول غند (اویاما) موجود بود. از آخر ماه مارچ یعنی تقریباً — حمل — تا به ابتدای ماه دسمبر — یعنی تقریباً سنبله — حرکاتیکه در تول غند های طرفین اجرا شده عبارت از بعضی کار های قره غولهای پیش — یعنی چول پیره ماو گزمه های پیش — و خدعتهای کشف احوال یکدیگر مانده بود. مهمترین این حرکاتیکه اجرا شده جریان دوم — یعنی چاپول یا آنکه المان تازئی دوم — جنرال (میچه نقو) ست که در ماه می اجرا شده است. بناءً علیه ما هم در نجا تنها به ذکر و بیان آن اکتفا میورزیم:

﴿ چاپول دوم جنرال میچه نقو ﴾

درین اثنا قوای عسکریهٔ روس در حالتیکه روی شان بسوی جناب متوجه

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 138 of 310

بود در نخستین وقعهائیکه بیان میشود موجود بودند :

در غرب ، بهرارتی (سیلیه نقای) تول غند (۲)م درزیر ادارهٔ جنرال (قولباس) موجود بود .

در شرق ، تول غند(۱)م جنرال(قوروپاتکین)، ودرمرکز،وبرخطراه آهن تول غند(۳)م جنرال (ماسیاوف)موجود بود .

قول تول غند (٤)م در عقب احتیاط عمده را تشکیل داده بود . ودر (۱۰۰) کیلومتر بسوی چپ درموقع (مایلوچنغ) قول جنرال(رهنه نقامف) موجود بود .

جناح راست تول غندرا مفرزهٔ جنرال (میچه نقو) ستر کرده بود . متباقی صنف سواری یعنی رساله در پیش روی تول غند بودند .

جنرال (لینه ویچ) برای دانستن قوتهای موجودهٔ ژاپانها ، وکشف کردن موضعهای آنها جنرال (میچه نقو) را امر کرد که برجناح چپ ، و عقب تول غند ژاپان پیش برود .

قطعه هائیکه درزیر قوماندهٔ جنرال (میچه نقو) داده شده بود عبارت ازینهاست :

لوی غند سواری (قافقاسیا) . لوی غندقزاق (اورال ترانسبایقال) .

از غند (۲) م (طاغستان) یك طرب رساله .

از غند(نهرك قوبان) یك طرب سواری .

(۲) طوپ خانه سواری .

جمع همه (۵۰) طرب سواری ، و(۱۲) طوپ .

جنرال (میچه نقو) در(۱٦) م می(مفرزهٔ خودرا درموقع(ووپیه نغ) جمع نمود . در(۱۷)م می از نهر (لیااوهو) گذر کرد، وجناح چپ لوی غند(۷)م

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 139 of 310

ژاپانرا گردش کرد . وشب رادرمابین (فالامینقون)و(قون می بان) گذشتا ند . در(۱۸)م می بعضی خرابیهای خورد وریزه اجرا کرده ویکچند اسیر بدست آورده در جوار(فاقومه ن)اردوگاه تأسیس نمود .در(۱۹)م ماه مذکور در(سن من تینغ) باآلای یعنی غند(٤۹)م ژاپان برخورد وبصورت بسیاردلا ورانه در زیرحمایهٔ طوپچئی خودبرانها تعرض نمود . ودوبلوك پیادهٔ دشمنرا ازتیغ کشیده ، ودومترالیوز بدست آورده بپریشان کردن دشمن موفق شد .

بعد ازین اجراآت جنرال (میچه نقو) وظیفهٔ خودرا بانجام رسانیده پس از استقامت غرب بسوی شمال برگشت . و در(۲۳)م ماه درحالتیکه(۲)افسر و(۳٤) نفرمقتول ، و(۹) افسر، و(۱٤۰) نفرمجروح داده بود و(۲)مترا لیوز ، و(۲۰) عرابه و(۲۰۰) حیوان بدست آورده بود درمنزلگاه قدیم خود برگشت .

(میچه نقو) درأثنای این الحان تازئی خودمحیط خارجئی دشمنرا کشف کرده ، ومو جودیت قطعه های تول غند (۳)م ژاپانرا اثبات نموده مقصدیکه ازوظیفهٔ اوانتظارمیشد بسررسانیده بود .

*
* *

بعد از محاربهٔ میدان (چوشیما) دولت روس بمصالحه میل نمود . اگرچه قوماندان های تول غند مانچوری روس برای جناب ایمپراطوراسترحامنامهٔ خود را تقدیم کردندکه مابشدت برحرب دوام میورزیم ، ولی بازهم درمابین تول غند های طرفین خودبخودیك (متارکه)حاصلشده بود .(متارکه، ترك کردن جنگ رامیگویندکه برضای طرفین دوتول غندباهم جنگ کنندهٔ ترك قتل وقتال شود) ، وازین متارکه ژاپانهابیشتراستفاده کرده بودند . چونکه در أثنای این متارکه ومذاکرات صلحیه بعضی نقاط مهمهٔ دیگررا که برای

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 140 of 310

حصول مقصد شان خدمت میکرد نیز بدست آوردند . وبراجرای بعضی حرکات عسکریهٔ درجهٔ دوم تشبث کرده بودند . ازجمله حرکاتیکه درشمالی (قوره) بوقوع آمده ، و ضبط کردن جزیرهٔ (ساخالین) ازمهمترین این تشبثات است .

* * *

حرکاتیکه در «قورهٔ شمالی بوقوع آمده : وضبط شدن جزیرهٔ ساخالین

درانناییکه یك تول غند (۶)م ژاپان که ازدولوی غندا حتیاط ترکیب شده بود درزیر قوماندهٔ (هازه غاوا) ازمابین (ایالت ساحلیهٔ) روس ، و (نهر تومن) در جهت شمالی (قوره) برامده روسهارا سراسر ازاراضی (قوره) اخراج میکردند ، ازطرف دیگر ؛ امیرال (قاناوقا) در (۷)م ماه جولایی — یعنی نفر پیاده اسد — درجنوب جزیرهٔ (ساخالین) ، یعنی درجوار (قورساقوفسق) بایك قول تول غند دیگر بخشکه برامده شهر مذکوررا ضبط نمود . و مفرزه های روس را که جزیره رادرزیراستیلا داشتند جاروب کرده بسوی شمال میراندند .

در (۲۴) ماه مذکور امیرال (قاناوقا) شهر (الکساندروفسق) را که در ساحل غرب جزیره است بزیر آتش طوپ گرفته ، و به (آلقودا) نام موقع قطعه های نوع سکری ریختن گرفت .

محافظ شهر که ازهر طرف باعساکر دشمن درزیر تضییق درامده بود آخر الامر به تسلیم سلاح مجبور شده بود . ودر (۳۱) م جولایی والی جزیره نیز باسه هزار نفری که بااوماندهبود در موقع (اوفور) بدشمن تسلیم شده بود .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 141 of 310

در دیگر جهت یعنی در (مانچوری) قوهٔ معنویهٔ تول غند های روس روز بروز خراب شده میرفت. ودر وقتیکه معاهدهٔ صلحیه امضا میشد وضعیت تول غند ژاپان از هر وقت زیاده ترقوی ومتین بود.

* * *

متارکهٔ (۱۶) ستمبر، ووضعیت متقابلهٔ دو تول غند مخاصم

وقتیکه معاهدهٔ نامهٔ صلحیه امضاشد درمابین تول غندهای دودشمن که در (مانچوری) بودند یك (متارکه) نیز عقد گردید. این متارکه برین چند اساس بنا یافته بود:

اولا: درمابین دو تول غند خواه در (مانچوری)، وخواه در جهت نهر (تو من) تأسیس وبنیادنهادن یکیك (منطقهٔ بیطرفی).

ثانیاً: بعد ازین منع کردن آوردن قوت های مدد رسان.

ثالثاً: نگذشتن قطعه های عسکریهٔ روس از (خاربین) ونگذشتن قطعه های عسکریهٔ ژاپان از (موکدن).

بعد ازانکه سرافسرهای کل تول غند های طرفین بزین شرطها موافقت کردند، دو هیئت صلحیه درزیر ریاست جنرال (فوقوشیما)ی ژاپانی، وجنرال (اوغانوفسکئی) روسی برای تعیین کردن حدود بیطرفی، ودانستن متارکه را که ازکدام روز بموقع تطبیق وضع شود، در (۱۴) م ستمبر در موقع (شاقاچو) بایکدیگر یکجا شدند. درانجا ابتدای متارکه را از (۱۶) م ماه قبول کردند.

درین اثناوضعیت تول غندها از ینقرار بود:

در طرف روسها: تول غند (۲) م با قول تول غندهای (۸، و ۱۰، و ۱۶) وقول تول غند نخستین شکارئی اوروپا، وقول تول غند (۶) سیبر یادر غرب خط

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 142 of 310

راه آهن ، وقرارگاه شان در (فه نغهوزین) بود .

تول غند (۱) م باقول تول غند (۱، ۲، ۳، ٤) م سیبریا وقول تول غند نخستین اوروپا درجهت شرق خط راه آهن ، وقرارگاه شان در (قورسو) بود . و قول تول غند (۷) م سیبریا نیز در جوار (حایلو نغ چه نغ) بود .

تول غند (۳) م ، باقول تول غندهای (۹، ۰٤، ۱۹۱۷) م ، وقول تول غند شکارئی «۲» م اوروپا ، وقول تول غند «۵» م سیبریا درجهت شرق خط راه آهن بطرف پیش و نزدیکئی « قوچیاتین » بود .

قره غولها یعنی بهره هائیکه ازطرف سوارئی قازاق کشیده شده بودند . بدرازی خط (وو په نغ) و (مه هوغای) تأسیس شده بودند . قرارگاه بزرگ عمومی درمابین « قوچیاتین ، وقونشولینغ » بود .

آمدیم برطرف ژاپانها : تول غند های ژاپان بریك جبههٔ که متجاوز از « ۲۰۰ » کیلومتر بودیك زنجیر آهنین بزرگی تشکیل داده بودند :

تول غند « ۳ » م که ازلوی غند های « ۱، ۲، ۸، ۹ » ویك چند غند احتیاط « تشکیل یافته بود درمابین « چیاتون ، وفاقو ، ن » بود . رسالهٔ آن نیز درمقابل قازاقهای « ییچه نقو » پهلوی چپ شانرا ستر وحمایه میکرد .

تول غند « ۲ » م ، که ازلوی غندهای « ۳، ٤، ۵ » وغندهای بسیار احتیاط « مرکب بود ، درطرفهای « چانغ طوقو » بود .

تول غند (٤) م درغرب جادهٔ (ماندارین) وبیك وضعیتی که برین جاده حاکم باشد بود .

تول غند (۱) م درواد ئی (چین هو) بود .

تول غند (۵) م برخط (بولیانچا ، واینقومه ن) بصورتیکه جبهه اش بسوی قول تول غند سوارئی (ره نه نقا ، نف) متوجه بود افتاده بود .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 143 of 310

وقتیکه مصالحه عقد شد تول غندها از یاده تریك منطقهٔ سکون و استراحت قشانداده شده هر کس در انجا برای برگشتن بسوی مملکت خود منتظر امر نشستند.

* * *

خالی کردن قطعهٔ (مانچوری) از طرف تول غندهای مخاصمین بر چهار دور تقسیم کرده شد.

دور اول : در (۳۱) م دسمبر سنه (۱۹۰۵).

دور دوم وسوم : در (۱) م جون «و» ۱ «م» آگست سنه «۱۹۰۶» .

دور چارم: در «۱۵» م اپریل سنه «۱۹۰۷» آغاز میکرد .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 144 of 310

تفصیل مذاکرات صلحیه

از ماه جون تا به ماه ستمبر سنه ۱۹۰۵

بعد از شکستهای فاحش بزرگ آخر فی روسها، حوادثهای آغاز کردن مذاکرات صلحیه شایع شدن گرفت. در اواخر ماه مارچ بتحقیق پیوست که رئیس حکومت «امریکا» موسیو «روزوولت» برای بنیادنهادن مناسبات صلح و صلاح روس وژاپان واسطه و میانجی خواهد شد. رفته رفته این شایعه ها رنگ حقیقت را گرفت.

روز «۸» م ماه جون — یعنی تقریباً سرطان — سفیر امریکا مقیم «پترسبورغ» که موسیو «مایر» نام دارد با جناب «زار» ملاقات کرده یك تلگرافنامهٔ موسیو «روزوولت» را عرض و تقدیم نمود که موسیو «روزوولت» در ین تلگراف نامهٔ خود برای آغاز کردن بمذاکرات صلحیه از طرف هردو دولت مخاصم تعیین کردن مرخص را تکلیف میکرد.

در (۱۰) م جون قونت (لامسدورف) بموسیو (مایر) زبانی تبلیغ نمود که دولت روس با مرخصهای ژاپان بمذاکرات راضی میباشد. وقتیکه این حوادث در (مانچوری) شایع شد سرافسر تول غندروس جنرال (لینه ویچ) که بعداز (قروپاتکین) سرافسر شده است یك مجلس حرب عقد نمود. و این پروتستو نامه را بجناب زار فرستاد:

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 145 of 310

صورت پرو تستونامه

« حشمتمآب ،

« چون شنیدم که بنابر حسن نیت و توسط موسیو (روزوه لت) ذات حشمت پناهی شما به آغاز شدن مذاکرات صلحیه راضی شده اند همهٔ قوماندانهای تول غند را که در قرارگاه عمومی حاضر میبا شند جمع کرده یك مجلس حرب تشکیل دادم .

بعد از انکه اسباب مصالحه و موضعهای متقابلهٔ طرفین را بخوبی تدقیق و مناقشه کردیم ، من و همه رفیقان من متحداً و شدیداً برین قرار دادیم که تا بو قتیکه جناب حق قطعه های دلاور ما را به کامیابی آخری نایل وسزاوار سازد بر حرب دوام کنیم ، و بعرض کردن این قرارداد خود را به ذات حشمتپناهی شان کسب فخر و شرف میکنیم .

« بعد از محاربه های میدان (موکدهن) ، و (چوشیما) ، از صلح بحث کردن لایق نیست !

« دشمن ما بسبب غرور و نشهٔ که از کامیابیهای خود حاصل کرده بالطبع مغا یر شان و حیثیت دولت روس بعضی شرطهای سخت بیان خواهد کرد . اما مملکت ما بقبول کردن شرایط مذکوره هیچ مجبوریتی ندارد . چونکه ما هنوز به آن درجه تنزل نکرده ایم .

« فلاکت (چوشیما) بیشك که یك حادثهٔ الم انگیز یست . لکن آن حادثه را با تول غند دلاور ما هیچ مناسبت و رابطهٔ نیست . زیرا تول غند روس که در (مانچوری) است در بنوقت بیك وضعیت بسیار درخشانی میباشد ، و همهٔ افراد و افسران برای حاصل کردن کامیابی آخری بفکر انتقام کرفتن از دشمن بوده اوامر حشمتپناهی شانرا منتظر هستند .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 146 of 310

« موضعهائیکه قطعه های ما بدست دارند بصورت بسیار مکمل تحکیم کرده شده است . موسمهای باران تا به اینده مانع تعرض من بردشمن شده بود . اما حالا ضایعات ما که در محاربهٔ میدان (موکدن) بوقوع آمده بود بتمامها کامل شد ، وتول غندهای ما باقول تول غندهائیکه از اورو پارسیده تقویت پیدا کرده . از آنرو بکمال موفقیت به تعرضات خود بردشمن امنیت کامله دارم ، وخوب میدانم که این اقتدار در من موجود است . وامید میکنم که در همین ماه بیك تعرضی که همه احوال حاضره را سر اسر تبدیل بدهد آغاز بتوانم .

« باز عرض وتکرار میکنم : ذات حشمت پناهیشان بر قوت واقتدار قطعه های ما اعتماد تام کرده میتوانند ، ودر وضعیت حاضرهٔ ما نبودن هیچ یك جهت نهاکه ما کی که مخل شرف وحیثیت یك مصالحه را قبول بکنند امنیت کرده میتوانند .

از (غوچولین) فی ۱۰ جون سنه ۱۹۰۵ سر قوماندان
لینه ویچ »

* * *

این پروتستوی (لینه ویچ) تأثیریکه ازان امید بود حاصل نتوانست کرد . زیرا جناب زار روس یکروز بعد از گرفتن این پروتستو نامه بموسیو (روزوه لت) از توسط او در ینباب تشکر کرده ممانعت نکردن خود را در باب اجتماع مر خصهای روس وژاپان اعلان نمود .

آخرد ر (۲) مماه جولایی ازطرف حکومت (واشینغتون) یك نوطهٔ رسمی به اینصورت نشر گردید :

« حکومتهای روس وژاپان بموسیو (روزوه لت) این سخن را خبر دادند

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 147 of 310

که بزودی مرخصهای شان اجتماع خواهند کرد.

« این مرخصها ، برای اجرا کردن مذاکرات صلح ، وعقد کردن یك معاهدهٔ قطعیهٔ که ازجانب حکومتهای شان تصدیق کرده شود درخصت و صلاحیت نامه را حائز میباشند .

« از طرف روسها مرخصها : قونت (موراویف) وبارون (روزن) وازجهت ژ اپانها موسیو (قومورا) ، وموسیو (ناقاهیرا) میباشند . اینهم ممکن است که هردولت در نزد این مرخصها یکی یادو سفیرداشته باشند . »

*
* *

« قونت (موراویف) که ازطرف حکومت روس در (روما) سفیر بود این خدمت مرخصی را که به او تکلیف شده بود قبول نکرد . لهذا بجای اوموسیو (ویته) مقرر گردید ، ودر (۱۳) م جولائی درسرای (پترهوف) در باب تعیین شدن اوازطرف جناب زار امضا کرده شد .

« موسیو ویته » دراثنائیکه به (واشینغتون) میرفت در (۲۱) م جولائی (پاریس) رسید . روزدوم رسیدنش ازطرف (روویه) وروزدیگردرسرای (ئه لیزه) از طرف رئیس حکومت قبول گردید در (۳۰) م اگست مرخصهای روس باکشتئی (فایزه رویلهلم درغروس) نام المانی به (نیورك) واصل شدند .

در (۵) م آگست مرخصهای روس وژاپان نخستین باردر (اویستر بای) درکشتئی یاط مخصوص رئیس (روزوولت) که نام آن کشتی (مای فلوور) بودبا یکدیگر تصادف کردند ، ودرانجا رسماً بیکدیگر تقدیم ومعرفی شدند .

بعد ازان موسیو (روزوولت) بمهمانهای خود ایستاده بایك ناشتا اکرام کرده واین نطق را ادا نمود :

« بشمایان یك ادارهٔ اقداح تکلیف میکنیم . ومیخواهم که این قدحهای

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 148 of 310

خودتان را ایستاده پابامن یکجا بنوشید. به این نطق من از هیچیك طرف جوا
ب داده نمیشود. من بشرف حکمدارها و اهالی دو ملت بزرگی که مرخصهای
شان امروز در «های قلوه» بایکدیگر تصادف کرده اند داده نوش میشوم.
«شدنتا کترین آرزوها، وسوز شنا کترین تمنی ونیازهای من همین است
که تنها برای منفعت همین دو دولت بزرگی که بامرخصهای آنها درینوقت
پهلو به پهلو ایستاده ام نی، بلکه برای منفعت همه عالم انسانیت بزودی یك مصالحهٔ
حقیقی ومدیدی عقدوقرار گیرد.»

بعد ازان مرخصهای طرفین بشهر «پورتسموت» که قونفرانس صلح دران
بوقوع می آید روانه شدند.

اجتماع نخستین در روز چهارشنبه «۹» آگست بوقوع آمد امروز تنها به
تدقیق واخذوعطای اعتمادنامه های طرفین اشتغال ورزیده شد.

در «۱۰» م آگست این چنین یك نوطهٔ نشر کرده شد:

«در اجتماع «۱۰» م آگست مسئلهٔ صلاحیت نامه تنظیم کرده شد. به
اینصورت که طرفین درین خصوص بعدازین بهیچ مشکلی تصادف نخواهند
کرد. مرخصهای ژاپان بمرخصهای روس شرایط صلحیه را نوشته کرده تسلیم
وتقدیم کردند. مرخصهای روس اینمسئله را مطالعه کرده تابقدریکه ممکن باشد
بزودی جواب نوشته خواهند کرد، وبرهمین قرارداد مجلس به انجام رسید.
تاجواب دادن مرخصهای روس اعضای قونفرانس اجتماع نخواهند کرد.»

*
* *

درینوقت معلوم شد که مرخصهای ژاپان این شرایط را تکلیف وبیان کرده اند:

۱) — دادن مصارف حربیه «مقدار آن غیر معین»؛

۲) — ترك کردن جزیرهٔ «ساخالین»؛

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 149 of 310

۳) — انتقال دادن شبه جزیرهٔ (لیاتونونغ) راباد «دالنی»، و «پورآرتور» به ژاپان ؛

٤) — خالی کردن «منچوری» ، وپس دادن همه امتیازاتی راکه در دا خل این ولایت بدست آورده به (چین) ، وقبول وتطبیق کردن اصول (دروازهٔ باز) ؛

۵) — ترك کردن راه آهن (چین شرقی) راکه از (خاربین) تابه (پورآر تور) کشیده شده به ژاپان ؛

٦) — تصدیق شدن حمایهٔ ژاپان در «قوره» از طرف روس ؛

۷) — دادن حق صید ماهی در ابه ژاپان ، از حد شمال «ولادیووستوق» تا بحره «بهرنگ» در ساحل «سیبریا» ؛

۸) — ترك وتسلیم کردن همه کشتیهای جنگی روس که در جنگ گریخته وبه بندرگاه های بی طرف التجا کرده به ژاپان ؛

۹) — تحدید کردن روس قوای حربیهٔ خودرا دراقصای شرق .

*
* *

دراجتماع روزه ۱۴ م آگست مر خصهای طرفین برین سه مسئله ، وا فقت حاصلکردند :

اول : حاکمیت ژاپان بر «قوره» ؛

دوم : خالی کردن «منچوری» ؛

سوم : ترك کردن راه آهن «شرقی چین» .

امادوسها ترك کردن جزیرهٔ «ساخالین» ، ودادن تضمینات حربیه ، و تسلیم کردن سفاین حربیه ، وتحدید کردن قوای بحریهٔ خودرا در اقصای شرق قطعیاً ردکردند .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 150 of 310

در «۱۷» آگست مرخصهای طرفین عدم امکان نتیجه یافتن شرایط صلحیه را دیده مسئله هائیکه دران اختلاف بود در یك ضبطنامه درج کردند .

در «۱۸» م ماه مرخصهای هردوطرف، تابوقتیکه از حکومتهای متبوعهٔ خود شان درباب مسایل متنازع فیها تعلیمات و اوامر بگیرند مذاکرات را تا بسه روز تعطیل نمودند .

در «۱۹» م ماه رئیس «روزوه لت» ازین انقطاع مذاکرات بشبهه افتاده بموسیو «ویته» این تلگرافنامه را فرستاد :

«موسیو سرژویته !

«برای بردن یك مکتوب مرا برای شما همین دم فرستادن بارون «روزن» ویك معتمد دیگر خود را در پیش من بشدت رجا میکنم .»

اجتماعیکه در «۲۲» م ماه وقوع آن متصور بود تا به «۲۳» م تأخیر کرده شد . هیچ شبهه نیست که این تأخیر از سبب نیامدن اوامر وتعلیمات برای موسیو «ویته» بود که از «پترسبورغ» نیامده بود .

درین اثنا از طرف موسیو «روزوه لت» یکی از معتمدان او با دیگر یك مکتوب به نزد بارون «روزن» و موسیو «ویته» آمده ملاقات دور ودرازی درمابین شان بوقوع آمد .

نامه ایندم درباب صلح ، افکار عمومیه خیلی بدبینانه ومشکوکانه است .

در «۲۳» م آگست بعد از امضا شدن مضطبه ها ، ژاپانها برای تنظیم نمودن مسائل منازع فیه بموسیو «ویته» معتدل یك صورت حل وتسویه تقدیم نمودند . اینصورت حل وتسویه باینگونه بود که ژاپانها نصف جزیرهٔ «ساخالین» را که درینوقت بران حاکم میباشند بحکومت روس واگذار شوند وهم یکمقدار پیسهٔ که حکومت ژاپان تنها برای ادارهٔ حرب صرف کرده حکومت روس آن را عطا

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 151 of 310

کند. این طرز تسویه که از نتیجهٔ تشویقات «موسیو روزوولت» بود برای جناب «زار» نوشته شده در پنوقت بجواب آن انتظار کرده میشود.

در «۲۵»م آگست باز مذاکرات قونفرانس تعطیل کرده شد. نظر بیک روایت گویا مذاکرات در پنوقت راه براه بواسطهٔ قوت «لامسدورف»، و موسیو «ماب» در مابین جناب «زار» و موسیو «روزوولت» جریان میکنند.

در «۲۷»م ماه چنان معلوم میشود که حکومت روس تکلیفات موسیو «روزوولت» را قطعیاً رد نمود. تکلیفات آخری موسیو «روزوولت» عام نشد. اما این یك معلوم شد که حکومت روس ادا کردن تضمینات حربیه را یکقلم رد نمود. مع هذا مذاکرات منقطع نشد؛ وچنان دیده میشود که ژاپانها مقدار تضمینات حربیهٔ را که پیش ازین طلب کرده بودند به تنزیل دادن قرار داده اند.

بعد ازین، مذاکرات در ازشدن گرفت. مرخصهای ژاپان که از (توکیو) برسیدن اوامر انتظار میکشیدند زود زود تأخیر مذاکرات را طلب میکردند. موسیو (تا فاهیرا) بالذات با موسیو (ویته)، ملاقات نمود. باوجود آنهم در خصوص حاصل شدن موافقت آرا وافکار امیدها بسیار ضعیف است. در (توکیو) وکلا ووزرای دولت جمع آمده به تدقیقات واعتراضات مذاکرات «پورتسموت» آغاز نمودند.

ازشایعه هائیکه در تاخیر مذاکرات بوقوع میآید، وانقطاع پی هم آن افکار عمومیه بسیار متردد ومتهیج است، وچنان گمان میشود که توافق افکار حاصل نشود، وبه بسیار زودی مذاکرات منقطع شود.

در اثنائیکه احوال وافکار درین مرکز بودیکی یکبار در «۲۹»م ماه از پشت پرده شیکه صحنهٔ مذاکرات «پورتسموت» راستر و مخفی داشت یکصدائی که مشابه بصفیر به های خبر دادن پرده بالاشدن تیاترها بود شنیده شد. صلحی که پیشتر از یکروز

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 152 of 310

غیر ممکن شمرده میشد به صرفنظر کردن ژاپانها از اختلافات ومدعیات خود شان یك امر ممکن وراستی دیده شد .

این تبدیل افکار ژاپانها، یك قسمی از تضییق واصرار موسیو (روزوءلت)، ویك قسمی از پولیتیك انگلیز که درین صحنه یك بازی عجیبی بروی کار آورد بظهور آمد .

نکول کردن ژاپانها از مطالبات سابقهٔ شان، موسیو (ویته را) به بیان کردن اینگونه سخنان مغرورانه سوق نمود :

«این مصالحهٔ که عقد شد بسیار شرفداریك مصالحه ایست . دولت روس بهیچگونه یك تعهدیکه مغایر حیثیت ومنافع روس ها باشد ندرامده است . ژاپانها راه آهن (شرقی چین) را تا به (خاربین) طلب کرده بودند . لکن من از نقطه (کوئن چه نس) که خوب بسوی جنوب واقع شده اصرار کردم ، وبمقصد خود کامیاب آمدم .

« ژاپانها تحدید کردن قوای بحریهٔ ما را در آب های اقصای شرق طلب کردند من رد کردم ؛ آنها نیز به این رد من موافقت کردند . وغیر از ین ژاپانها از مدعیاتی که درباب سفاین حربیه ما که در بندرگاههای بیطرف اقصای شرق محصور مانده بودند نیز صرفنظر کردند .

« ژاپانها جزیرهٔ (ساخالین) را نیز از ما خواستند . من به ترك کردن نیم جزیرهٔ مذکور که در نزد ما آنقدر اهمیت نداشت راضی شدم . ودرین خصوص نیز کامیاب آمدم .

« نهایت ژاپانها تضمینات حربیه طلب کردند . من قطعاً رد کردم . بنا برین اگر هیچ نباشد تنها مصارف حربیهٔ خودشان را از ما خواستند . من این را هم قبول نکردم . بعد ازان برفروختن یك قسم جزیرهٔ (ساخالین) را بقیمت

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 153 of 310

بسیار گران برما اصرار کردند. من بمقابل این اصرار و تکلیف شان گفتم که رو سیه به ژاپان یك رو بله نیز تضمینات نخواهد داد. در ینباب نیز کامیاب آمدم. موسیو (روزوه‌لت)، فرانسه، انگلیز، امریکا و الحاصل هر کس. حتی بسیار رفقای من که در روس بودند نیز پیسه دادن مرا به ژاپان توصیه کرده بودند. اما من در بخصوص بسیار عناد و اصرار کردم. مع هذا من هیچ امید نمیکردم که ژاپانها ازین طلب و تکلیف خود شان فارغ شوند. وچون موسیو «کومورا» بمن گفت که «درباب این فقره نیز با شما متفق الافکاریم» درجهٔ حیرت و مسرت خودرا هیچ تعریف نمیتوانم.»

* * *

وقتیکه برموادصلحیه موافقت نامهٔ طرفین حاصل شد مرخصهای روس وژاپان از حکومت متبوعهٔ خودشان عقد شدن یك متارکه را در مابین دو تولغند مخاصم طلب کردند.

حوادث عقد صلح در هر گوشهٔ جهان مدنیت سرورهای بسیار بزرگی بوجود آورد. همهٔ عالم انسانیت، این نتیجهٔ قونفرانس «پورتسموت» را به یك زبان شکران برموسیو (روزوه‌لت) که مشوق و ناظم این قونفرانس شده است عطف میکنند.

بنابر قراریافتن مصالحه رئیس حکومت فرانس این تلگراف نامه را به رئیس حکومت امریکا فرستاد:

«ذات عالیتی شما بجمعیت انسانیه یك وظیفهٔ بسیار عالی و نامداری را بجا آوردید. من این موفقیت شما را باهمه صفوت قلبیهٔ خود تبریك میکنم. دولت فرانس نیز، بدولت امریکا در باب این واقعهٔ مهمهٔ تاریخیه که دولت مذکوره آن وظیفه را بجا آورده بیان فخر و مسرت میکند.»

امضا

لوبه

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 154 of 310

غیر ازین ، رئیس « روزو.لت » ازطرف قرال انگلستان (ادوارد هفتم) وامپراطور المان « گیلیوم » دوم نیز باتلگرافنامه های مخصوص تبریك شده است .

حتی مس خصهای روس نیز بموسیو (روزو.لت) بااین تلگراف نامه بیان شکر ومنت کرده اند :

« همت عالئی شما را که درباب اجتماع قونفرانس (پورتسموت) وعقد مصالحهٔ شرفداری که در مابین دومملکت بوقوع آمد تاریخ بابك تحسین ، وقدرشناسئی بزرگی ایفا خواهد کرد . »

امضا

ویته ، وروزون

*

* *

در (۳۰) م آگست ، بنابر قرار گرفتن صلح موسیو (لوبه) بجناب زار روس این تلگرافنامه را فرستاد :

ازطرف رئیس حکومت فرانس بحضرت امپراطور روس .

« بنابر مصالحهٔ که مخفی از اثر فراست حشمتپناهی شان قرار گیرشد ذات حکمدارئی شانرا عن صمیم القلب تبریك میکنم .

« فرانسه ، که دوست ومتفق روسیه است نیز از نتیجه پذیرشدن اینچنین حربی که بوقایع دلیرانهٔ خودشهرتگیر عالم است به این چنین یك مصالحهٔ شرفداری بیان محفوظیت ومسعودیت میکند لوبه »

جناب زار نیز بااین تلگرافنامهٔ مختصر بموسیو (لوبه) مقابله کرده است :

« بجناب رئیس حکومت فرانس ، موسیو امیل لوبه : »

(از حسیات صمیمهٔ شما که باتلگرافنامهٔ دیروزئی خود بیان فرموده بودید بسیار متأثر شده مقابلةً بیان تشکر میکنم .) نیقولا

در (توکیو) قسم اعظم اهالی ازشرایط صلحیه ممنون نشدند . در

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 155 of 310

(پورتسموت) نیز در چهره های مرخصهای ژاپان یك اثر حزن وحرمان دید میشود . درژاپونیا همهٔ مطبوعات ژاپان مأیوس ومنفعل است . ازهر طرف همین سوال وارد میشود که آیاطرف غالب چرااینقدرطرفدارصلح ، ومغلوب چرابرسخن خود اینقدرمصروسخت ایستاده شد ؟

در روسیه ، شرایط صلحیه بصورت عمومیه مظهر قبول وتحسین گردید .

در (۳) م ستمبرجناب (زار) این بیانناه رابرتولغند (مانچوری) خود نشروتعمیم نمود .

«تولغندمحبوب من! که دایماًفدای جان حاضرهستند، به پیش رفتاری عدد فایق دشمن مقابله کرده تام نوزده ماه بهجومهای شدیدناك آن سینه دادند .

« تول غند ما که بموجب امرهای ماتشکیل یافته وباقطعه های نویکه از روسیه رفته تقویه وتکمیل شده امروز ازهر وقت زیاده ترقویست . وامروز روز به دو چار کردن هزیمت قطعیهٔ دشمن نیز حاضراست . من وهمه روسیه ازقوت واقتدارتول غند باشان خود امینیم ، ومهیابودن شانرابرای فدای نفس کردن درراه مدافعهٔ منافع ملك وملت میدانیم .

« مع هذا ، بنا بروظایفیکه بمقابل وجدان خود ، وملتیکه جناب حق بدست ادارهٔ من آنرا بودیعت سپرده مکلف میباشم برای استرداد نصف یك جزیرهٔ بسیار دوریکه درسنهٔ (۱۸۷۵) ژاپانها آنرابمارك کرده بودند هنوز تابسیاروقتهاعسکرمحبوب خودرابه احتیاجات سفریه گذاشتن مرامنع میکند . بناءً علیه تکلیفاتی که درباب جزیرهٔ مذکورواقعشدردنکرده شرایط خصم خودرادرباب عقد مصالحه قبول کردم .

« قطعه های روس در اثنای این حرب خونریزانه خیلی برهانیکه قیمت عسکریهٔ شانرا ، وحس فداکاری شانرااثبات نمایدنشان دادند .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 156 of 310

« این مسئله را به تول غند محبوب من بدانانید وبگوئید که من وهمهٔ روسیه آثارفدا کاری ئیکه در اثنای این جنگ بسیارمشکل بعمل آوردند با تمام صمیمیت قلبیهٔ خود مان تقدیروتقدیس میکنیم »
نیقولا

*
* *

درینوقت کاتبهای قونفرانس به پاك نویسی معاهده نامه که عبارت از (۱۷) فقره است مشغول هستند . معاهده نامه بزبانهای فرانسوی ، و انکلیزی نوشته شده است . بعد ازان که مسئلهٔ پاکنویسی به انجام رسیددر روز سه شنبه (٦) م ماه ستمبر بساعت (۳) در دالان دایرهٔ بحریهٔ (پورتسموت) از طرف دولت روس موسیو (وبته) وبارون (روزه ن) وازطرف دولت ژاپان بارون (کوموورا) وموسیو (تاقاهیرا) امضا کرده شد . این معاهده در ظرف پنجاه روز ازطرف حکمدارهای دو دولت تصدیق کرده خواهد شد ؛ مع هذا سر ازامروز مخاصمات این دودولت گویابه انجام رسیده است .

(متارکه)

در (۱۰) م ماه ستمبر ، در (ما نچوری) یك مأمور کمالهٔ ژاپان ، در حالتیکه یك بیرق سفیددر پیش روی شان ، وپنجاه نفر رفاقت شان بود بمو قع (شه موفر) آمدند . وبه افسر روسی که به استقبال آنها آمده بودند ، مکتوب مارشال (او یاما) راکه برای جنرال (لینه ویچ) نوشته شده بود تسلیم کردند .

درین مکتوب خودمارشال (اویاما) از سبب قرار یافتن مصالحه ، وختام یافتن محاربه جنرال (لینه ویچ) را مبارك بادی گفته بود ، وبعدازان برای حل

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 157 of 310

وتنظیم کردن (متارکه) که درمابین دوتول غندعقد کردن آن لازمست تعیین کردن یك مرخص روس را رجا کرده بود . ونیزفهمانیده بودکه ازطرف خود جنرال (فوکی شیما) رامرخص تعیین کرده وبرای محل اجتماع مرخصها استیشن (شاقه هازا) رامناسب دیده .

در (۱٤) م ستمبردرمابین تول غند های (مانچوری) مضبطهٔ متارکه نامه از طرف جنرال پرنس (فوکی شیما) وجنرال (اوره نوویچ) امضا کرده شد . متارکه نامه بقرارذیل از (٦) فقره مرکب بود :

۱) — درمابین تول غند های دودولت که در (مانچوری)، وقطعات شان که درمنطقهٔ (تومن) هستندبنابر تنسیب طرفین یك مسافهٔ ترك کرده شود .

۲) — قوای بحریهٔ هیچ یك ازمخاصمین، اراضئی که ازطرف آندیگر ضبط شده باشدیابه آندیگرتعلق داشته باشدبزیر آتش گرفته نمیتواند .

۳) — بسبب عقدمتارکه غنایم بحریه تعطیل کرده نمیشود، یعنی برگرفتارکردن غنیمت های بحریه دوام ورزیده میشود .

٤) — در اثنای امتداد متارکه قطعه های عسکریهٔ نوبدارا لحرب فرستاده نمیشود . وقطعه هائیکه دربنوقت درراه میباشنداز طرف ژاپانهابشمال (موکدن) ، وازطرف روسها بجنوب (خاربین) فرستاده نمیشود .

٥) — قوماندانهای تول غندودستهٔ کشتی های جنگی هردودولت، شرایط اساسیهٔ متارکه را درمابین خود شان بحاصلشدن اتفاق آرا تعیین وتحدید میکنند .

٦) — هردودولت ، هروقتیکه معاهدهٔ صلحیه امضا کردند برای اجرا وتطبیق (پروتوکول) این متارکه هاندم امرمیدهند .

درژاپونیادرباب معاهدهٔ صلحیهٔ (پورتسموت) عدم ممنونیت وناخشنودی

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 158 of 310

الآن دوام دارد . مع هذا چنان فهمیده میشود که بسایهٔ تدابیر حکیمانهٔ حکومت این حال یك نتیجهٔ بدی ندهد .

در (۱۸) م ستمبر موسیو (ویته) که از امریکا برگشته بود به (شربورغ) رسید .

در (۲۱) م ستمبر ، در خلیج (قورنیلوف) درمابین امیرال روس (ژه سن) ، وامیرال ژاپان (شیمامورا) یك قونفرانس بوقوع آمد . ازین قونفرانس که پنج ساعت امتداد یافت مقصد این بود که شرایط متارکهٔ محربه تعیین شود .

دو امیرال ، خطوط سیر سفاین را تحدید ، ومنطقهٔ بیطرفی را تعیین کردند و در باب ممنوعیت گریزی حرب نیز متحداً قرار دادند .

*
**

جناب زار روس بسببی که ازموسیو (ویته) در باب معاهدهٔ صلحیه خیلی ممنون شده بود بمکافات خدمات برگزیدهٔ اوعنوان (قونتی) رابه او توجیه نمود . این توجیه ایمپرا طوری درتاریخ (۱۰) م اوکتوبر در اخبار رسمئی دولت به اینصورت نشر واعلان کرده شد :

(قونت سرژ (ژولی یه ویچ) :

(چون آرزوی یگانهٔ من همین است که روسیه دایما از نعمت صلح وآسایش مستفید شده نایل ترقیات عظیمهٔ گردد . از انرو بهامید آنکه برهمه فلاکتها ودهشت های این حربی که اکردوام میکرد برای هریك از طرفین مخاصمین موجب بسی فداکاری های تحملگدازی میشد یك خاتمهٔ کشیده شود بقبول کردن تکلیفات رئیس حکومت امریکا که درباب اجتماع مرخصهای روس وژاپان بوقوع آمد راضی شدم .

« بنابر توجه واعتمادیکه ازبسیاروقتها برشما داشتم درباب عقد مصالحه

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 159 of 310

که اگر تکلیفات ژاپانها شایان قبول باشد شمارا بصفت مرخص درجهٔ اول برای اجرای مذاکرات بامرخصهای ژاپان مأذوناً ومأموراً بجمهور منفقهٔ امریکا فرستادم . واینرا هم میدانستم که این خدمتی که بعهدهٔ درایت شما حواله شده تابچه درجهٔ مهم ومشکل یك خدمتی میباشد . چونکه شما همه بدیهائیکه از چنین یك حرب بزرگی بوجود آید باقلم صلح بخاتمه کشیدن مأمور بودید .

در اثنای مأموریت خود وقتیکه شرایط مصالحه مذاکره میشد شرف وحیثیت روسیه رابکمال ثبات ومتانت مدافعه کردید ، وهر تکلیفی که حسیات وطنپرورانه ، ومنافع اساسیهٔ حیاتیهٔ روس راجریحه دار میکرد بخوبصورت رد کردید ، وبه اینصورت وظیفهٔ خودتان رابکمال درستی بجا آوردید . ودرباب ندادن تضمینات حربیه نیز غلبه کردید . وغیر ازین درخصوص نصف جنوبی جزیرهٔ (ساخالین) که ذاتاً مال خود آنها بود برای ماندن بدست خودشان را ضمی شدید .

« این است که به اینصورت ، باحسن تدبیر ، وکمال درایت ، وسیاست مسئلهٔ صلح وآسایش موافق منفعت عمومیه در اقصای شرق حل و تسویه کرده شد .

« لهذا بنار مکافات علم ووقوف وتجربه واقتدار که برای آدم یکدولت موجود بودن آن لازم است ، وشما تماماً مالك آن فضایل میباشید ولیاقت واهلیتی که در راه خدمت وطن صرف کرده اید عنوان (قونتی) ایمپراطوری روسیه را بشما توجیه کردم . نیقولا »

* *
*

در (۱٤) م ماه اوکتوبر بارون (دوروزمن) وموسیو (تاقاهیرا) از حکومت های متبوعهٔ خودشان یکیك تلگرافنامهٔ گرفته خبر شدند که جناب (میکادو) وجناب (زار) یکیك نسخه معاهدهٔ صلحیه را دسخط کردند .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 160 of 310

به‌این تلگراف، تصدیق معاهدهٔ صلحیه ثابت شده چنانچه مدت متارکه بدان نهایت یافت، همچنان این حرب جسیمی‌که درمابین دولت روسیه، و ژاپونیابازشده بود سراسروسماً به انجام رسید.

در (۱۶)م اوکتوبر معاهدهٔ صلحیه ازهردوطرف رسماً تصدیق شده حکومتهای روس وژاپان یکیك نسخهٔ آنهارا بااخبارهای رسمی خود شان نشر واعلان کردند.

معاهدهٔ پورتسموت

ازیکطرف حضرت ایمپراطورژاپان، وازدیگرطرف حضرت ایمپراطور روس بنابر آرزوی آنکه رعیت ومملکت خودشان‌را از نعمت صلح و آسایش مستفید گنند بعقد کردن یك معاهدهٔ صلحیه قرارداده اند. وبرای اینکار این اشخاصی راکه اسامی شان بقرارذیل‌ست صلاحیت نامه داده ازطرف خودمی خص تعیین فرمودند:

از طرف جناب ایمپراطورژاپان: حامل نشان بزرگ ناظرخارجیه جناب بارون (قومورازوتاروژوزامنی)، وسفیرفوق العادهٔ شان درنزدجماهیرمتفقهٔ امریکاجناب موسیو (ناقاهیراقوغوروژوزامنی).

ازطرف جناب ایمپراطور روس رئیس نظارجناب موسیو (سرژویته)، و سفیرفوق العادهٔ شان درنزدحکومت امریکا جناب بارون (رومان دوروزه‌ن).

ذوات مشارالیهم بعدازتدقیق وداد وستداعتمادنامه های خود شان این چندفقره معاهده نامه رادرمابین خودشان قراردادند:

فقرهٔ اول. — بعدازین درمابین حضرات ایمپراطورهای ژاپان وروس، ورعایای هردوطرف صلح ومودت حکمفرماست.

فقرهٔ دوم. — دولت روس، حق مالك بودن بعضی منافع فایقهٔ سیاسیه،

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 161 of 310

وعسکریه، ومالیهٔ دولت ژاپان را در داخل ممالک (قوره) تصدیق واعتراف میکند.
ودرباب تدابیر یکه دولت ژاپان در مملکت مذکور مانند قونترول، وحمایه، وحسن
نصایح اجرا کند دولت روس درعهده میگیرد که دراین خصوصها بدولت ژاپان
هیچ مخالفت نکند.

دیگر اینکه بارعایای روس که در (قوره) میباشند مانند رعایای دیگر دولتها
که دراینجاست معامله ورفتار میشود. یعنی بدرجهٔ افراد ملتی که زیاده ترمظهر
اعتبار باشند شمرده میشوند.

کذالك برای آنکه ازهرگونه غلط فهمیها اجتناب کرده شود، مأمورین
عالیهٔ هردوطرف که عقد مقاوله کرده اند، درحدود روس وقوره از پیش
گرفتن تدابیر عسکریه نیکه اراضی روس یا قوره را تهدید بکند قطعیاً
احتراز بکنند.

فقرهٔ سوم. — حکومتهای ژاپان وروس اینمسئله های ذیل رامتقا
بلاً درعهده میگیرند:

(۱) — غیراز (شبه جزیره لیائوتونغ) دیگر همه (مانچوری) را کاملاً
دریکوقت خالی کردن.

(۲) — غیراز (شبه جزیرهٔ لیائوتونغ) که به اجاره داده شده دیگر
همه اقسام مانچوری را که دروقت حاضر درزیر استیلاوترصد قطعات عسکریهٔ
ژاپانست تماماً وکاملاً به ادارهٔ حکومت چین اعاده کردن.

وغیر ازین، حکومت معظمهٔ روس اینراهم اعلان میکند که درمانچوری
هیچ استفادهٔ ملکیه ندارد، ومغایر بمنافع حکومت چین هیچیك امتیازرجحا
نیت وتفوق ندارد.

فقرهٔ چارم. — دولتهای ژاپان وروس، این راهم یکجا درعهده

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 162 of 310

میگیرند که در خصوص توسیع تجارت وصنایع که دولت چین در قطعهٔ (مانچوری) بادولتها ئیکه در انباب مناسبات پیدا کند هیچیکی به تدابیر عمومیهٔ ترقیات او سکته نرساند .

فقرهٔ پنجم . — حکومت روس ، برضای دولت چین ،مقاوله نامهٔ اجاره که به (پورآرتور) ، و(تالیه ن وان) وسواحل اراضی همجوار و آبهای آن عائداست باهمهٔ حقوق وامتیازات آن به حکومت ژاپان دور وتسلیم میکند وغیر ازین حکومت روس همهٔ املاك وامور نافعه ئیکه بامقاوله نامهٔ مذکور در اراضی مزبور اجاره گرفته بدولت معظمهٔ ژاپان میسپارد ، وحاصلکردن رضای دولت چین را در باب این شرط مامورین عالیهٔ طرفین عاقدین در عهده میگیرند .

وبمقابل این ، حکومت ژاپان نیز این رادرعهده میگیرد که درداخل اراضی مذکوره حقوق تصرفیهٔ رعایای روس را که براملاك خود دارند تمامها محافظه نماید .

فقرهٔ ششم . — حکومت روس عهد میکند که راه آهنی که درمابین (شانغشونغ) و (پورآرتور) کشیده شده باهمهٔ شعبه هاوامتیازهای آن ، وهمهٔ املاك ، ومعدنهای زغال که دران منطقه موجود است همه را بدون بدل ، وبحسن رضای دولت چین بحکومت ژاپان ترك نماید .

ومامورین عالیهٔ هردوعهدکنندگان حاصلکردن حسن رضای دولت چین رادرینباب جداگانه درعهده میگیرند .

فقرهٔ هفتم . — حکومتهای ژاپان وروس هردوی شان متقابلاً عهد میکنند که خطهای راه آهن (مانچوری) رابهیچصورت از نقطهٔ نظرسوق الجیش بکار نینداخته محض بمقصد تجارت وصنایع بکار بیندازند .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 163 of 310

ودرینباب نیزطرفین عهد کنندگان متفق‌الرأی اندکه راههای آهن‌مذکوربخطهای راه‌آهن(شبه جزیرهٔ لیائوتونغ)که بااجاره ترك‌شده هیچ‌شمول وتعلق ندارد .

فقرهٔ هشتم . — حکومتهای ژاپان‌وروس‌برای تعمیم وتسهیل کردن مناسبات وتقلیات تجاریه راههایی‌را که در(مانچوری)بخودشان‌عائد وراجع است منتظماً ودایماً بکارمیدارند ، ودرینباب تادرجهٔ که ممکن‌باشددرهروقت درمابین خودشان یك‌مقاوله نامهٔ عقد میکنند .

فقرهٔ نهم . — حکومت روسیه نصف‌جنوبی(جزیرهٔ ساخالین) را ، و جزیره های کوچکی که دران قسم‌باشد ، وهمه‌املاك وامورنافعهٔ که درانجا موجود است همه‌را مؤبداً بحکومت ژاپان ترك میکند .

دایرهٔ که از(۵۰)م درجهٔ عرض‌شمالی میگذردبرای حدود شمالی این اراضئی که ترك شده قبول کرده شده است .

مع هذا تحدید قطعی این اراضئی متروکه نظربه احکام ذیل‌فقرهٔ (۲)م معاهده نامه مؤخراً اجرا کرده خواهندشد .

وغیر ازین ، حکومتهای ژاپان وروس متقابلاً درعهده میگیرندکه در جزیرهٔ (ساخالین) درقسمهائیکه بخودشان‌عائداست ویادرجزیره‌های کوچك اقسام‌مذکوره هیچ استحکام ویاامثال آنگونه آثارعسکریه‌بوجودنمی‌آورند .

کذالك هردوحکومت عهدکننده این‌راهم متقابلاً درعهده‌میگیرندکه در آبنا های(تارتاری)، و(په روز)تدابیرعسکریهٔ که محل آزادئی سیروسفر باشد اتخاذ نکنند .

فقرهٔ دهم . — تبعه ورعایای روس که دراراضئی که به ژاپان ترکشده ساکن هستند این حق‌را دارندکه املاك واموال متصرفهٔ خود شان را

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 164 of 310

فرو خته بمملکت خودشان برگردند، اما اگر ماندن خودرا دراراضیمتروکهٔ مذکوره ترجیح بدهند بموجب قوانین ژاپان باآنها معامله شده بکاروبار خود مشغول وازاملاك خصوصیهٔ خودشان مستفید میشوند .

حکومت ژاپان این حق را دارد که اهالی روس را بسبب متهم شدنشان به(پولیتیقهٔ) دولتی، ویاادارهٔ حکومت از حقوق مدنیه اسقاط کند، ویانفی وطرد بکند. اما این را عهد میکند که به املاك خصوصیهٔ آنها غرض دار نشود.

فقرهٔ یازدهم . — حکومت روس این را عهد میکند که درخصوص اجرا کردن صید ماهی تبعهٔ ژاپان درسواحل روس که در بحرهای (ژاپان، واوتو چقه، وبهرنگ) واقعست باحکومت ژاپان راست می آید .

مع هذا با این تعهد حکومت روس، حقوقیکه درمنطقهٔ مذکوره پیش ازین به تبعهٔ روس، یادیگر تبعهٔ اجنبیه داده شده زایل نمیشود .

فقرهٔ دوازدهم . — معاهدهٔ تجارت وسیرسفاین که درمابین ژاپونیاو روسیه موجودبود بسبب حرب حاضر منفسخ گردید. ازان رو تابوقتیکه یك معاهدهٔ تجارت وسیرسفاین نوی عقد شود، درمناسبات تجاریه، ومعاملات ادخالات واخراجات وگمرك ودیگر خصوصات بدرجهٔ معامله ئیکه بامعتبر ترین حکومتها میشود بهمانگونه معامله کردن را باهمدیگر خودشان عهد میکنند .

فقرهٔ سیزدهم . — بعدازانکه این معاهدهٔ صلحیه بموقع تطبیق واجرا وضع شود همهٔ اسرای حربیه متقابلاً بیکدیگر تسلیم واعاده خواهندشد .

وبرای تسلیم گرفتن اسیران، هریك ازحکومتهای ژاپان وروس یکیك قو میسر خصوصئی تعیین کرده درهربندرگاهی که پیش ازین قرارداده شده باشد اسیرهارا ایگان یگان به اوشمرده تسلیم میکنند. واین محل تسلیم پیشتر به ذاتی که اسیرهارا قبول میکند خبر داده میشود .

بمجردیکه معاملهٔ تسلیم اسیر های حربیه بانجام رسد، هریك ازحکو

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 165 of 310

متهای روس وژاپان، در خصوص خورا که وپوشا که ومداوات اسیرها از روز یکه بدست دشمن درافتاده اند تابوقتیکه وفات یاتسلیم شده اند یکان یکان مبالغی که برانها صرف شده دفتر آنرا تقدیم میکنند .

حکومت روسیه تعهد میکند که بعداز تعاطی دفترهای مصارف مذکور هر قدر فرقیکه درمابین مصارف واقعهٔ ژاپان وروس درباب اسیرها پیدا شود آنمبلغ را هماندم بحکومت ژاپان تسلیم بکند.

فقرهٔ چاردهم . — معاهدهٔ حاضره ازطرف حضرات ایمپراطور های روس وژاپان تصدیق، واین مسئله تابدرجهٔ که ممکن باشد درکم مدت، یعنی کم از کم بعد ازمدت پنجاه روز از تاریخ تبلیغ آن به (توکیو) و (پترسبورغ) اجرا کرده میشود .

واین معاهدهٔ صلحیه که در (پورتسموت) امضا شده سراز تاریخ اخیر تبلیغ آن به کابینه های هردوطرف باهمهٔ موادواقسام آن مرعی الاحکام میشود .

معاملهٔ دادن وگرفتن صورتهای مصدق معاهدهٔ صلحیه تاکه ممکن باشد در کم وقت ودر (واشینغتون) اجرا کرده میشود .

فقرهٔ پانزدهم . — هم نسخهٔ انگلیزی، وهم نسخهٔ فرانسوی معاهدهٔ حاضره امضا کرده میشود. وموادمندرجهٔ نسخه های مذکور تمامها عین یکدیگرشان میباشد. مع هذا هرگاه یك اعتراضی واقع شود برای حل مشکلات نسخهٔ فرانسوی آن اساس گرفته میشود .

معاهدهٔ صلحیهٔ که در مابین ژاپون وروس منعقد شده، مرخصهای طرفین واضع الامضادر فقره های (۳)م، و(۹)م معاهدهٔ مذکوره علاوه کردن اینجند موادذیلیه را درمابین خودشان قرارداده اند :

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 166 of 310

ذیل فقرهٔ (۳)

حکومتهای ژاپان، وروس این را متقابلاً تعهد میکنند که چون معاهدهٔ صلحیه بموقع اجرا اوضع شود قوای عسکریهٔ خودشان را که در قطعه (مانچوری) دارند در یك آن پس میکشند. اما عسکرهای ژاپان که در (شبهه جزیرهٔ لیائو تونغ) هستند مستثنا میباشند. و ازین تاریخ نهایت تا به هشتده ماه بعد تول غند های هردوطرف از (مانچوری) کاملاً بیرون میبرایند.

قطعات عسکریهٔ هر دو حکومت که موضعهای نخستین را استیلا کرده اند نخستین بار پس میکشیدند. اما طرفین عاقدین برای حمایه کردن خطهای راه آهن خود شان این حق را دارند که در انجاها عسکر محافظ بگذارند. وعدد این محافظ ها بر هر کیلومتر از پانزده نفر زیاده نمیشود. اینست که این عدد در اساس گرفته قوماندانهای تول غند ژاپان وروس در مابین خودشان قرار میدهند که نسبت بدرازی راههای آهن شان چقدر عسکر محافظ برای خودشان لازم دارند.

بعد از انکه قوماندانهای قوای عسکریهٔ روس و ژاپان در امور خالی کردن قطعهٔ (مانچوری) بایکدیگر شان موافقت افکار حاصل کردند در خصوص خالی کردن قطعهٔ مذکور تا ممکن باشد به تدابیر چابکی وسرعت کوشش میورزند، و بسیار دقت واعتنا میکنند که از هشتده ماه بیشتر تال نخورد.

ذیل فقرهٔ «۹»

وقتیکه معاهدهٔ حاضره بموقع اجرا نهاده شد یك قومیسیون یعنی (کومیشن) تحدید حدود که از طرفین معاهده کنندگان بعدد مساوی اعضا داشته باشد تعیین میشود، و بجزیرهٔ (ساخالین) میرود، و در انجا در مابین اراضئی حکومتهای ژاپان وروس یك حدود قطعی وضع میکند.

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 167 of 310

این کومیشن در نسبتی که احوال (طوپوغرافیه) مساعده بکند دایرهٔ عرض شمالی را که از (۵۰) م درجه میگذرد خط حدود گرفته تعقیب میکنند. ودر جاهائیکه ازین دایره جدا شدن لازم آید از طرفین بمعادل همدیگر قسمها ترك کرده تعیین حدود میکنند .

کومیشن تحدید حدود، در قسمیکه به ژاپان ترك شده هرقدر جزیره‌های کوچکی موجود باشد یك سیاههٔ آنرا نیز تدارك وحاضر میسازد .

در آخر کار، کومیشن مذکور یك خریطه یعنی نقشهٔ مکمل اراضئی که به ژاپان ترك شده برداشته آنرا امضا میکنند .

هریك ازین دو مادهٔ ذیلیهٔ که بیان شده ماندم که معاهدهٔ صلحیه تصدیق کرده شد اینها نیز تصدیق ، وبمواقع اجرا وضع خواهد شد . (انتها)

فی روز (۵) ماه (۹) م سال (مه یجی) در (پورتسموت) و (۲۳) م ماه آگست رومی ، و (۵) م دسمبر فرنگی سنه ۱۹۰۵

م

*
**

اینست که باینصورت معاهدهٔ صلحیهٔ (پورتسموت) درمابین طرفین عقد کنندگان قرارداده شده بعداز انکه ازطرف مرخصها بهر گردیدیکبك بار امضا هم شده بانجام رسیده است .

(بیانامهٔ جناب میکادو)

بعداز انکه معاهدهٔ (پورتسموت) به انجام رسید جناب (میکادو) این بیا

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 168 of 310

نامه را که جداً شایان حیرتست برتبه، ورعایای خود نشر واعلان نمود :

« قاعدهٔ اساسیهٔ بولیتیقهٔ خود ما نرا در بین الملل همین مسئله را دانسته ایم که رفاهیت واقبال امپراطوریتی خود را در زیر امنیت بداریم، ودر اقصای شرق صلح و آسایش را محافظه نمائیم . وطرز حرکت ما دایما از فکر پیروئی همین مقصد علوی ظهور ونشئت کرده است . اما بارسال ، مجبوریت حقیقیهٔ که درباب امنیت موجودیت خود حس کردیم مارامع التأسف باهمسایهٔ ما روسیه بجنگ سوق نمود .

« از ابتدای حرب، خواه تول غندبرئی ما، وخواه دستهٔ کشتیهای جنگی بحرئی مامدافعهٔ داخلیهٔ مملکت مارا بدرجهٔ مطلوب حقیقی تأمین نموده بسر رسانیدند . وبهمه شدایدواحتیاجات یك سفر حربی که در خاك مملکت بیگانه جریان یافت سینه کشای صبر وتحمل شدند . وبه اینصورت در بر وبحر نایل فتوحات عظیمه شدند .

« مأمورین ملکیهٔ ما با ناظرهای ما همدست وفاق و اتفاق شده موافق آرزوهای ما خدمت بجا آوردند .

« همهٔ تدابیریکه درباب تعقیب حرب ، وادارهٔ امور داخلیه ، و اجنبیه لازم دیده میشد بکار برده شد . حال ووضعیت ما چنان اقتضا میکرد که ملت ما قناعتکار ومدبر باشد شوند . هر فردی از تبعهٔ من بیارگران مصارف عظیمی که برای این حرب بزرگ لازم بود تحمل کرده بهر گونه تکلیفات بحسن رضای خود شان اطاعت ، ودر راه شرف وشان محافظهٔ حکومت ما بصورت بسیارها لیجنابانه اظهار آثار حمیت وجوانمردی نمودند .

« این نتیجهٔ ظفرهای درخشانرا اول از تأثیر روحانی آباواجداد خودمان وباز بحرکتهای وطنپرورانه وفداکارانهٔ مأمورهای خود مان بدست آورده

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 169 of 310

توانستیم .

« بعداز بیست ماه جنگ وقتال ، حال ووضعیت امپراطوری ما ، واقبال و سعادت مملکت ما ازپیش زیاده ترقوت وسطوت پیدانموده . اماباوجود اینهم ، ما هیچوقت از آرزوی دوست داشتن صلح ومسالمت نکول نکرده ایم . بنابرین ملت خودرا بیشترازین بفلاکتهای حرب معروض گذاشتن رانپسندیده دانسته تکلیف رئیس حکومات متحدهٔ امریکارا که بنام انسانیت ومسالمت عمومیه درباب عقد مصالحهٔ حکومتهای ژاپان وروس بوقوع آمد حسن نیت مشارالیه راقدر شناسی کرده تکلیف واقع شان رادروقت تام ومناسب قبول کردیم ، وبرای مذاکره کردن بامرخصهای روس ، مرخصهای مأمور وماذون خودرا تعیین نمودیم .

« مرخصهای هردودولت بسیاربارها باهم جمع آمده ، وشخصی هم بایکدیگر مذاکره کرده تاآنکه مرخصهای روس تکلیفات اساسیهٔ مرخصهای مارا که مقصد یگانه ازحرب همان بود ، ودوام ورجوع بصلح نیز به همان تأمین میشد قبول کردند ، وبه اینصورت آرزوی خالص خود شانرا که درباب مصالحه داشتند برهمه عالم انسانیت آشکار وهویدا ساختند .

« ماهم ، بعد ازانکه مواد صلحیه را که مرخصهای طرفین درمابین خود شان قرارداده بودندبخوبی تدقیق ومطالعه کردیم همهٔ آنهارا بتمامها بمطلوب خود موافق یافته قبول وتصدیق کردیم .

« پس به اینصورت هم صلح ، وهم شان وشرف حاصلکرده ، ارواح اجداد خودمانرا شاد ، وبسایهٔ نتایج عالئی که ازین حرب واین صلح بدست آوردیم بازآیندگان خود را ازتعرض اغیار بری وآزاد کردیم . لهذا خودمانرا مسعود وبختیار میشماریم .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 170 of 310

« در بنوقت آرزوی بزرگ ماهین است که این شرف و شان حاصلشده را بانیمه ورعایای خود یکجا حصه و تقسیم کنیم ، و بسیار وقتها از نعمت صلح و سلامت باهمهٔ اقوام مشترکاً مستفیدشویم . روسیه سر از نوبازدوست ژاپان شد . به اینصورت ماهم صمیمی وپایدارشدن مناسبات همجواری را بکمال جدیت تمنی میکنیم .

« در عصر ما عبارت از یك دور ترقی دایمی میباشد ، برای تعدیل وبرا بری امور ادارهٔ داخلی و خارجئی آن لازم ولابد آنست که یك ملت لاینقطع کوشش ورزند . از طرف دیگر ؛ واسطهٔ یگانه بقای ملك ودولت که آن را (نول غند) میگوید نیز لازمست که باهمهٔ معانئی قوت خود حتی در وقت حضر نیز بحارج دهشت انگیزی تمام بایدداشته باشد . یعنی دولت میباید که در حال صلح چارهٔ حاصل کردن سعادت واقبال ، و محافظه و ترقئی ابدی الآمال ملت خود را بیندیشد وبیابد .

« در بنوقت ، امیدیگانهٔ بزرگ ما از تبعهٔ صادقه ماهمین است که از جای اینکه بیهوده مغرور و خیره سر شده در پیش روی عالم سرور وشادمانی کنند بچهار دست بکارهای لازمهٔ خود چنگ زده باهمهٔ قوت های خودشان در راه تحکیم اساس و بنیاد ایمپراطوری ما غیرت و کوشش بکنند . » (انتها)

معاهده نامهٔ (پورتسموت) ، یکی از حرب های بسیار بزرگ ، ودراز این ازمنهٔ اخیره رابه انجام رسانید . درین حرب عظیم روسها از (۵ تا ۶) ملیار ، وژاپانها از (۳ تا ۴) ملیار فرانگ مصرف نموده اند .

« یك فرانگ نزدیك به یکروبیهٔ کابلی است که بحساب ربیهٔ کابلی مصارف این حرب از هردوطرف این رقمها را تشکیل میکند :

« ۱۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ »

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 171 of 310

« این رقم هندسی را هر رنگی که به اصطلاح حساب رقوم فارسی میخوانند بخوانند. بفکر ناقص این عاجز بیاسنامه حضرت میکادو علی الخصوص فقره های آخری آن بارها از تبلغ بیشتر قیمت دارد . زیرا قولیست بافعل، بلکه فعلش قولش را تأیید نموده است . « القول بلا عمل کالشجر بلا ثمر » والسلام

« المترجم »

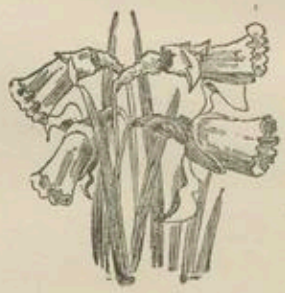

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 172 of 310

فصل مناقب

یعنی سرگذشتهای بعضی جنگاوران ژاپان درین حرب

اگرچه درباب جنگ آوری ژاپانیها بیان کردن مثل و برهان چیزی زائد شمرده میشود ، ولی چون (تاریخ محاربهٔ ژاپان وروس) مابه انجام رسید خاتمه آن رابرحکایات سرگذشت بعضی نفریها و فسران ژاپانی که به آن دسترس شده بود ختام دادیم .

(سرگذشت دو برادر)

درباب (چونی تارو) نام دوبرادر یك واقعهٔ بسیار پر تاثیری گذران یافته است :

برادر بزرگ ، بی آنکه راسمهٔ وداع رابابرادر کوچك خود بجا آرد بر حدود فرستاده شده بود . اما بسیار دیر نشد که نوبت عسکری برادر کوچك نیز درسیده بر حدود سوق گردید . این دوبرادر چون باهمدیگر وداع نا کرده جدا شده بودند به امید آنکه در (مانچوری) یعنی دران میدان شرف و شان باهم ملاقی شوند ، برادر بزرگ از شنیدن رسیدن نوبت عسکری برادر کوچك ، و برادر کوچك از امید ملاقات برادر بزرگ یك امنیت قلبیه حاصل کرده شادان شدند . این دو قلب که یك امید ، و یك نوید متحسس بود هرروز درمیدان محاربه از همه پیشتر میدویدند . تاباشد که باهمدیگر درزیر بارانهای

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 173 of 310

آتش کلهٔ دشمن ملاقی شده قهرمانانه ،وجان فشانانه یکی از دیگر پیشتر خودرا فدای میکنند ووطن وملت سازند . ولی بسیار روزها گذشت ، واین امید شان بسر نرسید .

تا آنکه در روز (٦)م ماه جولائی در میدان حرب بنا گهان این دو حسرتزده بایکدیگر خود ملاقی شدند . ملاقات بصورت بسیار صمیمانه ومؤثرانه بوقوع آمده بود . بعدازانکه همدیگر خود شان رادرآغوش کردند برادر کوچك اشك های مسرت ریختانده وسخنان وصیت ونصیحتی که والدهٔ شان اورا برتبلیغ کردن آن مأمورنموده بود به برادر خود گفت .

والدهٔ محترمه این عسکرهای دلاور قهرمان وصیتی که به اینها کرده بود اینبود :

« اولادهای من! وقتیکه درراه شرف میهن ووملکت خودبدلاوری و قهرمانی سینه تان رابدشمن سپرمیسازید ، مرگ را برای خود تان شرف عظیم وبلکه زندگانی ابدی خوش شمیمی بشمارید . امیدیگانه والدهٔ عاجزهٔ تان همین است که خبرپشت دادن تان را بدشمن نشنود . »

وقتیکه زمان جدایی درسید ، یعنی هریك باکندك خود بیکسو مأمور شده میرفتند ، این دو برادر باهمدیگر وعده کردند که یاهردوی ما دریك آن ویادرپی یکدیگر ازینجهان فانی را وداع کرده وصیت والدهٔ خود رادرراه میهن ووطن بجابیاریم . پس بنابرهمین عهدومیثاق ازهم جدا شدند .

(چونی تورو) بعدازدور وزدر اثنائیکه در (قاپینیغ) بخراب کردن خطوط مدافعهٔ دشمن مشغول بود ،بایکپارهٔ گلهٔ شرنیل دشمن این دلاور اوداع نمود . یکی ازرفقای اوخبروفات برادرش رابه (چونه تارو) رسانیدومی الیه هماندم برای برداشتن جسد برادرخودکه پیشترازوبه وفای وعد خودکامیاب گردیده

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 174 of 310

بوددوید . وقتیکه در پیش آن جسد بیروح واصل شد ، متأثرانه ومحزونانه ورشك آورانه بجسد مذکور خطاب کرده گفت :

— برادر! چقدر مسعود وبختیاری ؛ من چقدر بدبخت وکم سعادتم! ترا از خود بیشتر بدارنعیم میبینم . حالآ نکه آرزوی من این بودکه دست بدست وپهلو به پهلو میرفتیم . امابخوبی بدان که منهم از عهد خود برنگشته ام! امروز یافردا تو ملاقی خواهم شد! خاطرجمع باشی! مستریح شو برادر!

بعدازان بنابرعادت مذهبی خودشان جسد برادر خود را احراق بالنار نموده ، وخاکستر آن رادریك خریطه انداخته بگردن خود در آویخت . بعدازین واقعه جسارت ودلاورئی (چونه تارو) یك برهزار گردید . واز همه افراد بلوکی که به آن منسوب بوددایماپیشروئی همه رااختیارمیکرد . وبشدید ترین محاربه هاوتهلکه ها خود را بیمحابا می انداخت . لکن هزار افسوس که هنوز یك اندازخمی هم نه برداشته بود .

آخر الامر ، دریك شبی که ازیك محاربهٔ بسیار خونریزانه برگشته بود وبهزارها فداکاریها وجانسپاریها تشبث نموده ، ومقصد خود نایل نشده بود دهن خریطه ئیکه خاکستر برادرش دران بود باز کرده گفت :

— برادر! امروز هرقدرسعی کردم نمردم ، امابیغم باش ! فردا همه حال باتو ملاقی میشوم !

روز دیگر بلوك (چونه تارو) برهجوم یکی ازاستحکامهای دشمن بهجوم مأمور گردید . ازبلوك بجزده نفرهیچ فردی باقی نماند ، وهمه طعمهٔ آتش جانسوز دشمن گردید . (چونه تارو) برحال آنهارشك میبرد . دفعتهً تفنگ نفری ئیکه بیرق کوچك بلوك بران افراشته بود ، ونفری مذکور زخمی شده افتاده بود دربوده براستحکام مذکور هجوم نمود ، وبیك نفس خودرا درانجارسانیده

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 175 of 310

برق را بر دیوار استحکام برافراخت . ودر انجا بضرب سر نیزه وقونداق و تیغ و خنجر دشمن پاره پاره گردید . و بر وعدهٔ که با برادر خود کرده بود مو فق وکامیاب آمد .

یك نفر سپاهئی ژاپانی که بکمال صبر و متانت محاربه کرده

(سای جیرو) نام یك نفر عسکری ژاپان ، از سر خود ، و پشت گوش ، و گلوی خود زخمهای بسیار تهلکه ناکی برداشته بود ، وبسبب زخم سر نیزهٔ که اززیر بغل خورده بود حیاتش در تهلکه بود . زخمئی مذکور را در خسته خانهٔ (صلیب احمر) که در (هوری شیما) بود خوابانیده بودند . یکی از مخبرهای اخبار بعد از کمتر صحت با این نفر زخمی ملاقات کرده بود ، وسر گذشت اورا پرسیده بود ، از زبان نفری مذکور اینچنین حکایت میکند :

« در (۲٤)م ماه می درشبه جزیره بخشکه برامدم . دوروز (۳۰)م ماه مذکور به این حال افتادم . بسبی که با این زخمهای بسیار غلیظ بسیار زود معطل ماندم ، ودر راه بادشاه ووطن مقدس خود از کوشش باز ماندم به آخرد رجه متأثر و مکدرم . شما از سر گذشت من میپرسید ؛ حالا آنکه یك سر گذشت دلیرانه ندارم که بفخر و مباهات آنرا بیان کنم . وتا باز صحت نیابم ، و بجنگ عودت کرده مظفرانه ودلاورانه بمحاربه اشتراك نورزم و جدانم به این راضی نمیشود که از این زخمهای بی اهمیت خود بحث و بیان نمایم . ولی چون بسیار اصرار مینمائید سکوت کردن را خلاف آداب میدانم :

« اولا اینرا بگویم که از روزیکه به ایحال افتاده درین خسته خانه آمده ام آثار شفقت و مروتی که از طبیبان عسکریه ، و زنان خدمتکار خسته خانه دربارهٔ خود دیده ام تشکر آن را از وظایف انسانیت میشمارم .

« هنگامیکه در روز (۲۹) م می بعد از پیشین بر (پولانغ تی ین) پیش رفتیم ،

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 176 of 310

روسها هنوز بسیار دور بودند. امروز دیگر بعداز زوال ماه آنها بخوبی نزد یکشده بودیم. در آخر محاربه عسکر های ما با آنها در آمیختند کلو بگلوهم دست و گریبان شدیم. بعداز پنجدقیقه یك طرب سوارئی روس برما هجوم نمود. درین اثنا از طرب ما کم نفری باقی مانده بود. عدد دشمن پنج شش بار از ما افزو نتر بود، و از هر طرف مارا احاطه کرده بود. از رهایی دادن جان خود نومید شدیم. لهذا برین قرار دادیم که تامیتوانیم از روسها بسیار تلف ساخته خودرا نیز درهمین جا تلف نمائیم.

ما چون از صنف سواری بودیم باشمشیر، و آنها با برچه، وگله باهم جنگ میکردیم صدا های یك آهنگ پر تر نگی که از بهم خوردن آهنهای سر نیزه وشمشیر برمیخواست بالوازهٔ مهیب جنگاوران منظم آمده گوشهارا به اهتزاز میآورد. روسها که درپیش روبودند عقب کشیدند. اما درینبار رو سهائیکه درعقب بودند برما هجوم نمودند. درین اثنا افسر طرب مارا یکچند نفری روس در میان گرفته بود. آن افسر دلاور بکمال خشم وشدت برآنها تیغ اندازی داشت. بمجرد دیدن ایحال به امداد افسر خود دویدم. با کمال یاس ونومیدی شمشیر خودرا باینسو وآنسو میراندم. درین اثنا یکچند ضر بهٔ برچه برداشتم وازصبر وتاقت درافتادم، رکهاوپی هایم افسرده شد، بدر جهٔ که بر اسپ خود را گرفته نمیتوانستم. اما بامیدانیکه بلکه یك روس دیگر را نیز پیشتر از خود کنم به بسیاردشواری خودداری میکردم. تابوقتیکه اسپم نغلطیده بود برمحاربه دوام ورزیدم. امایك نفری دیو آسای روسی ازپیش شکم اسپ من چنان یك ضربهٔ سرنیزه حواله نمود که حیوان بیچاره بدوپا میل کشیده پشت بغلطید، ولی هزار شکر که شمشیر من نیز همانقدم که اوسر نیزه را حواله میکرد سر آن دشمن را از هم دوپاره نمود.

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 177 of 310

« در اثنای افتادن اسپ از پشت اسپ بیکسو افتادم ، ولی پای راستم در زیری اسپ مانده بود . اما بحرکت جانکندن اسپ که خودرا بالا کرده بر زمین میزد پایم رهایی یافت . ولی هیچ تاب و توان در جانم نبود . واز خودئی خود بیخبر بودم و سراسر بیهوش افتاده بودم .

« باین حال نمیدانم که چقدر مدت مانده‌ام که بنا گهان بصدای کفیدن یك شرانیلی که بر بر ابرئی سرم بکفید بحال آمده برپاخواستم ؛ شمشیرم هنوز بدستم بود . در نزدیکئی خود یك نفرئی قزاق روس را دیدم که او هم بصدای کفیدن شرانیل بهوش آمده میخواست که برپاشود . هماندم براو هجوم کردم ، و تامیخواست که تفنگ خود را برداشته بر من هجوم کند بشمشیر اورا دوپاره کردم .

« باتحادئه را بقدر بیست نفر عسکر روس که (۱۰۰) متر به آنطرف بودند مشاهده کردند . هماندم هر بیست آن بر من هجوم نمودند . یکچند دقیقه با آنها نبرد زدو خورد کردم . لکن از تاثیر خنک آهنهائیکه بر سر و پشت و بغل خود حس کردم باز بیهوش شده بر زمین افتادم . بعد از ان هیچ نمیدانم که چه شده نخستین بار که بعد ازین بخودی بخود آمده ام خود را در خسته خانهٔ (هیروشیما) یافته‌ام . اما این یك را نمیدانم که مرا چسان از انجا به این خسته خانه آورده‌اند ، و تا بوقتی که بهوش آمده‌ام از دگر هیچگونه حالات حرب آگاهی ندارم که چشده و نشده

« چون چشمم درین خسته خانه نخستین بار باز شد ، اول کسیکه بچشمم بر خورد افسر طرب ما بود که دو چارپای از من دور بر یك چارپای افتاده بود ، و چشمهای خودرا بیك نظر شفقت و مرحمت بر من دوخته بود .

« همهٔ افسران و آمران خودرا دیدم که بنظر مرحمت و شفقت بسوی من نگرانند . این نظر مرحمت آنهارا برای خود یك مکافات و تلطیفات بزرگی شمردم ، و درینوقت آرزوی یگانهٔ من همین است که باز بزودی کسب صحت وعا

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 178 of 310

فیت نموده بازبدارالحرب شتاب نمایم . »

(سرگذشت یك مجروح دیگر)

« یك نفر سپاهی ژاپانی که درروز (۲۴) م آگست درائنای هجومی که به یکی از استحکامهای (پورآرتور) اجرا کرده میشد مجروح افتاده بود سر گذشت خودرا اینصورت بیان میکند :

« درروز (۲۴) م آگست بساعت پنج بر استحکام دشمن هجوم کردیم . باور کنید که دهشتناکتر از هجوم بردن بریك استحکام هیچ چیزی تصور نمیشود ! اسلحهٔ ماشیندار استحکام از چار طرف برسر ما ژالهٔ گله همی بارانید . پیش از انکه مقصد بحصول انجامد بیشتر از نصف رفقای من تلف شدند . اما کسانیکه برحیات مانده بودیم برین یك قرارداده بودیم که استحکام را ازهر طرف در زیر تضییق و فشار آورده ضبط کنیم آخرالامر مظفر شدیم ، و استحکام راضبط کردیم ! .

« بعد ازانکه استحکام را بکمال متانت وجسارت استیلا کردیم ؛ طوپهای ماشیندار استحکامات چپ وراست ، وجبههٔ روس برمابلافاصله گله اندازی جاله آسا اجرا میکردند ، وعسکرهای مایکان یکان برخاك هلاك می افتادند . بسیارکم نفری مانده بودیم . قوت ما همان بتمام شدن رو نهاده بود . درین اثنا یك قوت عظیم روس بر استحکامی که ما آنرا استیلا کرده بودیم هجوم نمود . چون دانستیم که برمدافعهٔ استحکام مذکورموفق شده نمیتوانیم آن موقع متین و آهنین را که بهتر ازمشکلات بدست آورده بودیم به ترك کردن مجبور شدیم .

« در اثنای برگشتن به کلهٔ تفنگ ماشیندار دشمن زخمی شدم ؛ درمنطقهٔ دامهای سیمی برزمین افتادم ، وبرجعت دوام کرده نتوانستم ، وخودرا به

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 179 of 310

ظهورات قضا وقدر تسلیم کردم . زخم خودرا بخوبی بسته ، وپیچانیدم . از بیم آنکه مبادا روسها مرا به بینند هیچ استراحت نداشتم . بقدرده قدم به آن سو یك چقورئی نظرم برخورد که از تاثیر یك گلهٔ بم پیدا شده بود ، غلطان غلطان خودرا تابه آن غار رسانیدم . تاثیر این گلهٔ بم ژاپانی عجب کارستانی کرده بود . زیرا قدر هفت هشت جسد روس را به تاثیر پرتاب خود در ان غار مستحصلهٔ خود مدفون نموده بود . منهم درین مزار خزیدم !!

« بعد ازسه چارساعت ازحدزیاده تشنه شدم . مطرهٔ که درکردن داشتم خالیشده بود . درهرطرف نظرانداختم ! از آب هیچ اثری نیافتم . امادر زیرجسد های روسهایك حوضچه گنگ پراز خون بنظرم برخورد که خون بسیاری دران تراکم نموده بود . دریئ غم رنگ ، وبو ، وطعم آن مایع مدهش نگشته هاندم لپ لپ خون کرفته نوشیدم ، وبه اینصورت دفع تشنه کی نمودم . تابوقت شام ازشدت دردزخمها ، وخوف واندیشهٔ کشف شدنم ازطرف روسها ، وکرسنه کی وتشنه کی کاه بهوش وکاه بیهوشانه وقت کذرانیدم .

« رفته رفته دست بی امان کرسنه کی وجودم رابه پیچ وتاب میانداخت ، و روحم را مضطرب ونالان میداشت ! اضطراب دردزخمهای من نیز غیرقابل تحمل بیك حالی آمده بود . برسراینها خوف واندیشهٔ کشف شدنم ازطرف روسها عذاب مرا زیاده تر میافزود . ازین میترسیدم که جنگ کرده جنگ کرده بمیرم ، ولی این چنین مرکی که هیچ حرکت نتوانم ، وبرقتل دشمن خود مقتدر نشوم . ودرین غار مانند یك مرغی ازطرف دشمن به تیغ حلال شوم حقیقتاً مصیبت بسیارالم انگیزی میشمردم . زیرا دربنوقت مقصد من زنده کانی بود که جورشده بازپس میدان حرب درایم ، وکلوبکلو ، ونجه باپنجه بادشمن زدوخورد نمایم . وبکشم وبکشندم نه اینکه به این حال بیدست وپای ما

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 180 of 310

نند آهوی دست وپا بسته سرم را از تن جدا کنند .

« تام مدت سه روز درین چقوری به اضطرابات گوناگون جانکندن بسر آوردم . در وقت شام روز چارم ، از نزدیك صداهای روسها بگوشم برخورد ازینواقعه بدهشت برخود لرزیدم ! بدل خود تضرع ونیاز میکردم که مرا ندیده بگذرند . ولی این تضرعات من کار گر نیفتاد . چه نگه روسها جسدهای ژاپانهارا برچه زده ، ونیم جانهای شان راسر بریده نابه پیش من زدیکشدند ! .

« من روی خود را در خاك فرو برده مانند مرده افتاده بودم . یکی از روسها درپیش من ایستاد ، وبدقت بروی من نظر کرد ، ولی در من هیچ اثر حیات ندیده مرده پنداشت از آن وجبهای مرا بالیدن گرفت . پسه ، وچاقطه ، ولوازم طبیه ودیگر اشیای مرا سرقت کرد ! بعد ازان باقوندان تفنگ برپشتم بشدت زده ، وبابرچهٔ تفنگ در زیر استخوان قبورغه امیك زخم دیگری حواله کرده ، ویکچند لگد دیگری هم زده درگذشت .

« بسبب تاثیر انجهار خون ۵ دراطراف زخم پیدا شده بود سیلان دم منقطع شده بود ، وتاب وتوانم سراسر محو وزایل شده بود . عالم از حیات دور وبموت خیلی نزدیك بود . امادر خود هیچ اثر زنده گی نمیدیدم .

« روز پنجم باران بارید . بتاثیر آب وخامت احوال سراسر تزاید نمود . زخمهایم رفته رفته به تفسخ رونهاده بود . یك قسم کرم درمیان گلها فرورفته بود ! کرمها ودیگر حشرات مضره برسرورویم گردش میکردند . مجال اد تاحرکت رانداشتم . پیش از مرگ کرمهای قبر وجودم را استیلا کرده بود . والحاصل درعالم زنده گی تجربه های مرگ رامیگذرانیدم . تاآنکه سراسر بیهوش شده از خودئی خود درگذشتم !!

« درعین بیهوشی بودم که صدا های ژاپانها بگوشم برخورد . بی اختیار

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 181 of 310

چشمهایم را کشادم : در روبروی خود قو ماندان یك تولی ژاپانی را دیدم. بسوی من بنظر شفقت و مرحمت دیده ومدد فرستادن را بمن وعده داده عسکر خود را به پیش راند .

«بعد از کمتری دو نفری دولی بردار امده مرا برداشتند و نخسته خانه اوردند ...»

صورت وفات کرنیل (اویا)

«این کرنیل ، در محاربهٔ (مانچوری) در راه شرف پادشاه و وطن خود بکمال شجاعت و دلاوری محاربه کرده کرده فدای جان نموده است . یکشب پیش از محاربه به کفتان (می یوشی) چنین گفته بود :

— روسها را بهمه حال منهزم ، و پریشان باید کنیم . درینوقت اینرا گفته نمیتوانیم که چه وقت خواهیم مرد . مع هذا برای این نتیجه دایما حاضر ومهیا باید باشیم ! »

«واینراهم وصیت کرده بود که (اگر بمیرد بالاپوش تابستانی اورا برای یاد کار بردارد »

«یك کمی پیش از محاربهٔ که در ان کشته میشد بر سر خود یك شیشه (لوانطه) یعنی عطر بریخت . حال آنکه در وقتیکه بخانهٔ خود بود هیچگاه لوانطه استعمال کردن اورا کسی بیاد ندارد . و نیز حمام کرده همه وجود خود را پاك بشست وزیر پیراهنی وزیر جامهٔ پاك وتازهٔ در بر کرد .

«اینست که این طرز حرکت از عادات مستحسنهٔ قدیم جنرالهای ژاپانست که هر وقت بجنگ میرفتند بهمین عزم میرفتند که بمیرند ولی پشت بدشمن ندهند ، وپیش از جنگ حمام کرده ، ولباسهای پاك پوشیده ، ولوانطهٔ بسیاری

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 182 of 310

برسر و برخود میپاشیدند . این عادت قدیم تابحال در اردوی ژاپان موجو داست و اکثر افسران ژاپانی همین عادت را درین جنگ (مانچوری) رعایت کرده اند .

« اینست که کرنیل (اویا) نیز در روزیکه کشته میشد بهمین طرز حرکت نمود ، ودرانثنیکه تولی خود را به پیش سوق مینمود یك نفر عسکرش پس مانده بود . بمجردیکه روی خودرا برای آوازدادن نفری مذکور دورداد یك گلهٔ دشمن بطرف چپ سرش برخورده ومغزهایش رابرافشانده هماندم برخاك هلاك درافتاد . درمکتوب یاور این کرنیل که به (توکیو) نوشته بود این معلومات ذیل مندرج بود :

« کرنیل (اویاما) شش بار در موقع های بسیار نازك حرب به تهلکهٔ مرگ در افتاده بود که از پنج آن رهایی ، ودرششمین آن بیك گلهٔ بی امان دشمن ترك دغدغهٔ حیات نموده است :

« اول در اثنای هجوم (کیه ن تی ین شانغ) بود ، درزیر یك باران شدید گلهٔ تفنگ ، وشرپنل ، وبم ورون با تولی خودبه پیش حرکت کرده بود . کرنیل بعوض شمشیر یك چوب بدست داشت ، ومیگفت : (برای مغلوب کردن دو سپاهمین چوب کافی وافی ست .) هرانقدر که بدشمن نزدیك شده میرفتیم بارش گلهٔ دشمن افزونی میگرفت . عصاچوب کرنیل بگلهٔ دشمن دوباره گردید . اگرچه برای توقف کردنش یکدوبار جا کردیم ، ولی او هیچ التفات نکرده (ایلری ! ایلری) یعنی (وراند ! وراند) گفته به پیش حرکت میکرد ، وتاکامیابی حاصل میشد هیچیك دقیقه توقف نورزید .

« موقع مشکل تهلکهٔ ناك دوم این بود که برای یك کشف ؛ اسپ خودرا در زیر باران گله های بم وشرپنل دشمن بتاخت . بسیار بار دیدیم که کرنیل درمیان

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 183 of 310

دودها وغبارها ئیکه از اشتعال کفیدن بمها وشرپنلها حاصل میشد سراسر غایب گردید ، وهمهٔ ما از حیاتش یکقلم نومید شدیم . لکن از همهٔ آنها زنده وسلامت رهایی یافت . درین اثنا بمها وشراپنلهائیکه در دوروپیش کرنیل می افتاد بیشتر از (٦٥) عدد بود . اما این اشتعالها ، واین صداهای مهیب در نظر کرنیل از آواز موسیقی ، والوان رنگارنگ جشنهای آتشبازی شیرینتر ورنگینتر می آمد .

« تهلکهٔ سوم را در هجوم (شیانوچو) گذرانیده است . در اثنائیکه برای ترصد موقع دشمن پیش آمد روسها اورا دیده یکی یکبار همه گی بر او آتش کردند اما همهٔ گلوله ها خالی رفته هیچیك تاثیری بر او نکرد . زنده ماندن کرنیل در اینجا یك حال فوق العادهٔ شمرده میشد .

تهلکهٔ چارم را در وقتیکه در موقع مذکور احوال ومواضع دشمنرا کشف کرده بسوی (وانغ تی ین) جنوبی پیش شد در گذرانید . بحرکات پیشروی این قوماندان شجاعت نشان که در زیر باران گلوله های بم وشرپنل ، وتفنگ ومترالیوز سینه داده پیش میرفت اگر فلك هم مانع میشد موفق نمیشد .

تهلکهٔ پنجم این بود : بعد از انکه (هیابی ین لینغ) را استیلا کردیم بسوی (فانغ شوی لینغ) حرکت کرده بودیم . دشمن این جارا بسیار تحکیم ومحکم بندی کرده بودند گلوله مانند باران همیریخت . ولی کرنیل موقع خودرا محافظه کرده از دادن اوامر وا نمی ایستاد . درین اثنا بمن گفت : (اگر مجروح بیفتم ، ویا تلف بشوم هاندم کلاه وموزه وعلامت های افسری مرا بردار تادل عسکر نیفتد .

ششم تهلکه همین بود که آن را گذشتانده نتوانست ، وگلهٔ ناگهان دشمن مغزهایش رابادباد نمود . »

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 184 of 310

(حرکت عالیجنابانهٔ یك نفری)

در پنجم ماه جولایی (هاشیموتو) نام یك نفر ژاپانی برای وظیفهٔ پهره بر یك تپهٔ مأمور شده بود . درین اثنا پیش آمدن (۱۵) نفر عسکر دشمن را (هاشیموتو) مشاهده نمود . همان دم بسوی تولی خود که درعقب به تأسیس و تشکیل وسایط مدافعه مشغول بودند اشارت کرده اخبار کیفیت نمود . ولی خودش باحواله دار خود برای تعیین کردن مقدار عدد دشمن در پشت یك سنگ بزرگی پنهان شدند . دیدند که درعقب آن (۱۵) نفر عسکر بقدر (۱۵۰) نفر عسکر قازاق روسی نیز در پیش آمدنست . وچنان معلوم میشد که این قوت دشمن برین تولی شان که در نجا بتأسیس اسباب مدافعه مشغولند یك حرکت دوردادن وعقب گرفتن اجرا کنند .

چون این معلومات را گرفتند (هاشیموتو) وحواله دارش برخواسته بسوی تولی خود روانه شدند . درین اثنا حواله دار را یك گلهٔ در رسیده بر خاك هلاك بیفتاد .

حواله دار در نفس واپسین خود به (هاشیموتو) این وصیت را کرده جانداد:

— غیرت کن ! بزودی افسر تولی را از حادثه آگهی ده .

(هاشیموتو) دلش بهیچصورت به این راضی نمیشد که جسد آمر خودرا بدست دشمن تسلیم کند . لهذا جسد حواله دار را همراه تفنگش بر پشت خود برداشته از تپه فرو آمد . هنوز یکچند قدم فرو نیامده بود که در پیش رو پیش دو نفر عسکر دیو قامت روسی پدیدار گردید . چون وقت آتش کردن نبود هماندم بیك جهیدن لگداندازجناستیکی یکی از انهارا بپایان لولان نمود و با آن دیگر بمجادله آغاز نهاد . این مجادله خیلی مدهش بود . درانثنای زدوخورد هردوی شان لولان شدند . گاهی بزیر و آندیگری ببالا و گاه بعکس آن نابه

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 185 of 310

نیم تنه غلطان غلطان رفتند . ولی (هاشیموتو) چابکدستی کرده کارد ژاپانی خودرا کشیده سینهٔ دشمن خودرا بشکافت . وبازپس برگشته جسد حواله دار را در زیر بوته‌ها و خاکها پنهان ساخت و به نزد تولی خود عودت نموده قوما ندان تولی را از کیفیت حرکات روسها آگاهی داد .

قوماندان ، این حرکت عالیجنابانهٔ نفر را تحسین کرده بما فوق خود از کیفیت خبرداد .

مکتوب دختر کرنیل «می‌پوشی» به پدرش

هنگامیکه جنرال (قوروپاتکین) در سنهٔ ۱۹۰۳ بمقصد سیاحت به ژاپونیا آمد . بود کرنیل (می‌پوش) نیز درمیان هیئت استقبالیه‌ئیکه از طرف دولت ژاپان مقرر شده بود مأمور بود . وازانسبب از رتبهٔ سوم یك نشان روسی به او داده شده بود .

کرنیل مذکور در پنبار پیش ازانکه بجنگ مانچوری میآمد حیات خودرا بمبلغ (۱۵۰۰) مارق (سیگورت) یعنی (بیمه) نموده بود . این کرنیل به اسپ سواری و شکار خیلی هوسکار بود . محبوب یك زوج ، ومشفق یك پدر بود . همه اوقات بیکاری خودرا به تربیهٔ اولاد خود صرف میکرد . دختر بزرگ او در مکتب اناثیهٔ (کیوتو) تحصیل علم و عرفان مینمود . این دختر مکتبی که یازده ساله بود این مکتوب را بدار الحرب برای پدر خود فرستاده بود :

« پدر مهربان من !

« برای دانستن ، وخبر گرفتن احوال زنده بودن شما هرروز یك اخبار یکه روزانه چاپ ونشر میشود گرفته میخوانم . گمان میبرم که در بسی محاربه ها موجود بودید ، وبکمال قهرمانی وبهادری محاربه کردید انشاءالله بسلامت و

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 186 of 310

مظفریت می آئید، و بحکایات و مناقب برگزیدهٔ آن محاربه های باشان و شرف این دخترك عاجزه کك تاراپور شیاب فضل و عرفان میکنید .

« خیال شما شب و روز از نظرم دور نمیشود . و اینها را که وظیفهٔ خودتان را پیش از آنکه لایق بجسارت و شجاعت خود بسر رسانید از این عالم فانی وداع نکنید ؛ هیچ یکدقیقه از زبان خود کم نمیکنم ! »

نقشه هائیکه در ریگ پنهان شده بود

(آزاقا) نام یك دفه دار ژاپانی در روز (۹) م آگست با دو نفر دیگر در اثنائیکه برای نقشیش گردش میکردند یکبار از طرف یك مفرزهٔ روس که در انجاها کمین کرده بودند دو چار تعرض شدند . از آتش ناگهانی تفنگ روسها اسپ دفه دار بیچاره رم بد نمائی خورده (آزاقا) را به بدصورت بر زمین انداخت ، و از تاثیر این افتادن پایش بشکست . یکی دو نفری دیگری که هر دو مجروح شده بودند باوجود مجروحی برای خبر دادن به طرف ، بعقب تاختند بعد از کمی یکمقدار قوهٔ معاونه گرفته باز بمحل واقعه میامدند . ولی از دفه دار اثر نیافتند . معلوم شد که بدست روسها اسیر شده است .

حال آنکه در برزد (آزاقا) یکچند نقشهٔ بسیار مهمی مه جود بود که از افتادن آن نقشه ها بدست روسها قوماندان طرف بسیار به اندیشه و تلاش افتاد دو هفته بعد یك قطعه عسکر کشاف ژاپانی که در همان محل گشت و گذار میکردند در میان ریگها یك کاغذپاره بنظرشان برخورد . یکی از نفرها از اسپ فرو آمده و ریگها را پس کرده یکچند ورق پاره ئیکه باخاك و خون آغشته شده بود از میان ریگها بیرون براورد .

چون خوب نظر کردند معلوم شد که این اوراق همان نقشه هائی بود که در پیش (آزاقا) بود . مگر بیچاره (آزاقا) در نفس آخرین خود بجز اینکه نقشه های مذکور

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 187 of 310

را در خاك پنهان سازد دگر چارهٔ نیافته بود ..

قو ماندان طرب برکار وایی وصداقت (آقا) نحسین هاموده حفظ کردن اوراق مذکوره را برای یادگار موزه خانهٔ عسکری توصیه نمود .

(یك تارموی اسپ یك رساله ئی)

یك طرب سوارئی ژاپان ، بعداز عقب گیرئی روسها رگشته دریك موقعی توقف کرده بودند . دران اثناء رایهٔ داك واصل شده عسکرهامه کی دویده اطراف عرابه را گرفتند . افراداین طرب نیزدران میان بود .

داکی نامهای هرکس رابه آواز بلند میخواند ، وهرکس پیش دویده پاکت خودرا میگرفت ، وبیك ذوق وتلاش پاکت را پاره کرده احوال خانه ومملکت خود را از زبان اقرباو تعلقات خودهامیخواندند . زمین از پاکتهای پاره شده بیك قالیچهٔ سفیدی فرش شده بود .

بعضی از افراد به نظرهای متبسمانه مکتوب خودرا میخواند بعضی غمگینانه بعضی مدققانه ، بعضی متلاشیانه ، بعضی مستریحانه میخواندند که ازین وضع های مختلف الاطوار آنها تایکدرجه مضامین مکاتیب مذکور معلوم میگردید .

بعد ازانکه مکتوبهای خودرا خواندند ازطرف افسران بعسکر مأذونیت داده شدکه جواب مکتوب های خودرا بنویسند . ازان رو هرکس دریك گوشهٔ نشسته بجواب نوشتن آغاز نهادند . بعدازیکساعت جوابها تمام شده افراد مکتوبهای خود شان را بهیئت افسران تسلیم کردند .

افسران مذکور بقرار قاعدهٔ که دردارالحربها موجوداست مکتوبهای افراد را ازبهر آنکه مبادا اسرار وحرکات عسکریه را افشا کرده باشند یکان یکان از نظر مطالعه گذرانیده ، وغلطیهای آنهارا اصلاح کرده ، وسرهای

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 188 of 310

پاکت هارا بسته، ومهر لاك کرده به داك تسلیم میکردند .

یکی از مکتوب های مذکوررا یك افسر کوچك مطالعه میکرد یك تارموی ظهور نموده افسر مذکور به آواز بلند بگر افسران راخطاباً گفت :

— درمیان این مکتوب یك تارموی ظهور نموده که عجب یك کیفیتی دارد .

بشنوید که به آواز بلند بخوانم :

مکتوب مذکور از طرف یك نفر رساله بی برای پدرش به ایمضمون نوشته شده بود :

پدر مهربان من !

« امروز مکتوب شمارا گرفته، خبر صحت وعافیت شمامرا ازحد زیاده ممنون ومسرور ساخت . منهم تا به اینده زنده ام، درماه گذشته برای رهانیدن یك قسمی از تول غند (قوروکی) از جناح چپ بر دشمن بهجوم مأمور شده بودیم . دشمنرا بحال فلاکت اشتمالی دراورده تارومار نمودیم . وتابوقتیکه (قودان شای) را ضبط واستیلا کردیم ازعقب گیرئی دشمن وانه ایستادیم . بعد ازان بردشمن که در (قانوتای لینغ) بود بهجوم آغاز نهادیم . طوریکه من به آن منسوب بودم، درقطاری که جناح چپ دشمنرا تعقیب مینمود، وجود بود .

« مفرزهٔ دشمن که ازعسکر طوپچی، وسواری مرکب بود، درجوار قرار گاه تول غند خود شان بردو تپهٔ کوچك چار قطعه طوپ سیار تعبیه کرده بودند . این چهار طوپ بر طرف رسالهٔ ما که در میدان صاف به پیشروفتن مجبور بودند، متحداً آتش کشادند . من برای ترصد بریکی از تپه ها مامور شدم . در اثنائیکه من ورفیقم (قوباتان) پیش میرفتیم در پیش روی ما در بسیار نزدیك یك گلهٔ بم دشمن بکفید . رفیق بیچاره ام راتلف واسپ مرا زخمی نمود .

« ازتلف شدن رفیق خود (قوباتان) محزون، وازمشاهدهٔ حال جانکدن

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 189 of 310

اسپ خود دلخون شدم. الحق که مفارقت ابدی این حیوان صادق که از یقدر مدتها همه محنتها و مشقتها با من رفیق و شریك بود خیلی یك حزن الیمی در دلم پیدا کرد. بر اسپ رفیق خود سوار شدم، و در پی وظیفهٔ که بر ان مقرر شده بودم روانه شدم بعد از انکه وظیفه‌ام را انجا آورده پس گشتم حیوان بیچاره خود را مرده یافتم. پارهٔ کاهی تمام بر جگر گاه آن حیوان بیچاره خورده بود.

«آیا بزرگتر از این مصیبت چه تصور شود که بر ین حیوان صادق بی آنکه یك کار و خدمت بزرگی که نمونهٔ امثال شجاعت، و نمونهٔ امثال عبرت شود از دستم بیاید آن بیچاره پیشتر از من رهسپار عدم گردد!

«موبی که درین مکتوب خود برای شما فرستاده‌ام یك یادکار قیمتدار یادگار ورفی آن یار وفاشعار منست. این تار مو را در یك جای مناسب ده خود مادفن کرده یك لوحه سنگی نیز بر ان نصب کنید، و بر ان لوحه سنگ نراین عباره را بنویسید: «قبر (قونا) نام اسپ یکنفر عسکر ژاپی سواری میباشد» هرگاه زنده و سلامت به ده عودت کنم آنوقت یك صندوقهٔ قبر بسیار خوبی برای آن ساخته قدر شناسی آن یار صادق خود را بجا خواهم آورد.»

تا که خواندن این مکتوب به انجام میرسید همهٔ سامعین به نهایت درجه متاثر دیده میشدند، و از تاثیر رقت پرورانهٔ این مکتوب همه افسران را یك سکوت و سکوتی فرا گرفته بود. بلی! بسبیکه در باب بزرگی شفقت و رقت قلبیهٔ یك عسکر ژاپان یك نمونهٔ خوبی بدست آمده بود همه افسران بیك بحر سرور و نشاط غوطه خوار حیرت شده بودند.

ملاقات یك افسر روسی با یك افسر ژاپانی

یك افسر اگرچه قدر شجیع و بهادر، و در بارهٔ دشمن سنگدل و بیرحم با

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 190 of 310

شد امابازهم انسانست . گاهی میشود که چشمان اوبا شکابهٔ تأثر پر میشود . یك فرقی که درمابین او بادیگران هست همین است که درین چهره یك لمعهٔ شجاعت ویك بارقهٔ قهر وغضب بیدرخشد .

دو آدم رفیق القلب که باهمدیگر روبرو آیند هرقدر اشك که بریزند وهر قدر حسیات مشفقانه که بیکدیگر نشان بدهند، دو افسر جنگی نیز بمقابل یکدیگر ازدرجه های عالیترین این تحسسات قلبیه نمونه‌ها نشان داده میتوانند .

یك افسر ژاپانی ، بایك افسر روسی که در اثنای نهایت گرمئی محاربه ، و هنگامهٔ رستخیز جنگ ومقاتله یك دورهٔ صلح وصلاح موقتی برای خود حاصل کرده باهمدیگر یکچند دقیقه ملاقات کنند ، وبمقابل همدیگر حسیات مودتکارانه بروی کار آورند آیاچقدر علوی یك منظره ، چقدر رقت انگیز یك صحنهٔ تشکیل میدهد ؟

هرگاه انسان بخواهد که صورت جریان این ملاقات راتحریر وتصویر نماید دل رایك سرور حزنی استیلامیکند . قوهٔ متخیله مانند انوار شمس در آفاق علویه سیران وجولان میکند !

گاهی میشود که سما ابر آلود، وزمین رف آمود باشد . . . اما تاثیر این عوارض طبیعیه ضیای شمس وقمر را قطعیاً غایب کرده نمیتواند !

دریك روز ماه دسمبر سنهٔ (۱۹۰٤) از طرف یك افسر روسی یك مکتوب بیك افسر ژاپانی خطاباً نوشته شده بود بیکی ازپهره های نخستین خط حرب توپخانهٔ ژاپان رسید .

آیادرین مکتوب چه نوشته شده بود؟ این مکتوب درباب حرب حاضر هیچ معلوماتی راحتوی نبود . بلکه تنها از آرزوی دست بدست مصافحه شدن یك افسر روسی بایك افسر ژاپانی حکایت میکرد . مکتوب مذکور

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 191 of 310

بسیار نازکانه وظریفانه نوشته شده بود . بعد از کمی به این مکتوب افسر روسی از طرف افسر ژاپانی جواب نوشته شد ، ودرین جوابنامه قبول شدن آرزوی افسر روسی از طرف افسر ژاپانی تذکار گردید . درمکتوب خود افسر ژاپانی بعضی شرایط ملاقات را اصلاح و تعدیل کرده به اینصورت شرایط بیان نمود :

«درزیر احکام این شرایط ذیل باشما ملاقات کرده میتوانم ، و بعرض آن کسب شرف ومباهات میکنم :

۱) — جائیکه از طرف شما برای ملاقات تعیین شده ، من آنجا را چندان موافق نمیشمارم . لهذا یکقدری بطرف شرق یك موعد ملاقات تعیین باید شود .

۲) — روز (۳۱) م سمبر در وقت زوال ملاقات اجرا کرده خواهد شد .

۳) در اثنای رفتن و آمدن همه آنش منقطع باید شود ، وچنانچه من درینباب به تول غند خود معلومات میدهم ، شما را هم لازمست که همچنین حرکت باید بکنید .

٤) — مدت ملاقات عبارت از (۳۰) دقیقه باید بود .

٥) — در اثنای ملاقات از طرف مایك بیرق سرخ برافراشته میشود .

اینستکه اگر این شرایط قبول کرده شود باشما ملاقات کرده خواهم توانست وبااین عرض حسیات احترامکارانهٔ خودم را تقدیم میکنم » .

وقتیکه این مکتوب به تول غند روس رسید هماندم این جوابنامه نوشته شده

«مکتوب شما که مبشر بر قبول شدن آرزوی من از طرف ذات عالی شماوقوماندان محترم شما بود مرا شرف بزرگی عطا نمود . همهٔ شرایطی را که بیان کرده اید قبول کردم . باخود دونفر میآرم . یکی ازین دونفر یك بیرقی

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 192 of 310

که نصفش زرد ونصفش سرخ باشد حامل خواهد بود . محافظه کردن شما رااز هر گونه تهلکه درعهده میگیرم . مع هذادران اثناحرکات عسکریهٔ تول غند مادوچارتعطیل نمیشود . دروقت رفتن وآمدن شما بموعد ملاقات ، و دراثنای مصاحبه نه بخود شماونه بعسکرهائیکه باشماست هیچگونه تعرض کرده نمیشود . بمحل ملاقات ازراه (تایشا نغتون) می آیم وتابوقتیکه بیرق شمارا به بینم انتظارمیکشم .

« وقتیکه شما را به بینم امید میکنم که اسم عالی شمارابیاموزم ، و بمقابل آن اسم خودرانیز بشمامیدانا نم . »

روز (۳۱) م دسمبر درآسمان یك پارچه ابرهم نبود . آفتاب باهمه قوهٔ فیاضانهٔ خودشعشعه نثاری میکرد . گویا که صانع قدرت این لطافت رابشرف ملاقات این دوافسر برای همین روز تخصیص کرده بود !

افسرژاپانی بریك اسپی سوارشد ، وعسکرها نیزاورابیروی کردند . ده دقیقه بعد سواریهای طرفین بهم روبرو آمدند ، وهاندم ازاسپها فرو آمدند ، و بمکالمه ومصاحبه آغازکردند . درحالی که بمساعت برای ملاقات قرارداده بودند بیکساعت طول کشید . نهایت زمان مفارقت در رسید . این دونفرافسر که دراثنای جنگ بخون هم دیگر تشنه جنگ میکردند ، دربنوقت مانند دویارجانی ازهمدیگر جداشدند .

اینست که ایندو افسر درمیدان ها بهوی جنگ وجدال یك دورهٔ مسعودیت گذرانیدند .

(وفات صوبه دارنوژی)

خبروفات صوبه دار (نوژی) که دراثنای هجوم برتپهٔ (۲۰۳)م در (پور

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 193 of 310

آرتور) کشته شده بود ، همهٔ ژاپانهارا دلخون و محزون کرده بود .

جنرال (نوژی) فاتح (پور آرتور) را دو پسر بوده یکی (حوتهن) و دیگری (شوتهن) نام داشت . وهر دو بمنصب صوبه داری در تول غند (۳) م پ (پور آرتور) سوق شده بود . (شوتهن) در محاربهٔ (نانشان) کشته شد . (حوتهن) در هجوم ثبهٔ (۲۰۳) کشته شد .

(حوتهن) بیست و چار ساله یك افسر نوجوانی بود . بعد از انکه مقدمات تحصیل خود را اکمال نموده بمکتب اعدادی عسکری (ناغویا) دوام کرده ، و بعد ازان بمکتب حربیهٔ (توکیو) داخل شده بود ، و از انجا بمنصب صوبه داری برامده بود .

وقتیکه خبر زخمی شدن برادر خود (شوتهن) راشنیدهاندم به خسته خانه نیکه هفت فرسخ دور بود دوید . یکدو دقیقه پیشتر از وفات برادر خود در انجا واصل شده بود . اگرچه (شوتهن) بیچاره به اضطراب مرگ از خود بیخبر بود بازهم چشمان خود را باز کرده بسوی برادر خود متبسمانه بیان تشکر کرده بود .

بعد ازان (حوتهن) به تولی خود برگشت و برای حاضر شدن در مراسم تدفینهٔ برادر خود از آمر خود در خصت استحصال نمود . به این افسر نوجوان از پدر خود اصالت ، و شجاعت و بسی مزایای عسکریه انتقال کرده بود . دایما در پیش روی تولی خود حرکت میکرد ، و درزمانهای شدتنا کترین آتش نیز بعسکر معیت خود از وصیت بشجاعت و جسارت خالی نمیماند . همه آمرها و افسرهای بزرگی که او بمعیت شان بود افعال و حرکات این افسر نوجوان را تحسین و آفرین میکردند .

بنابر وفات (شوتهن) همه افسران تول غند با جنرال (نوژی) متأثر و محزون شده بودند . و برای اینکه پسر یگانهٔ دیگر او یعنی (حوتهن) هم ضایع نشود او

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 194 of 310

را به هیئت ارکان حربیه مامور کردند . این حال بجای اینکه جنرال (نوژی) و پسرش را ممنون کند خیلی موجب کدورت آن جنرال پیر باندبیر گردید . لهذا همانروز برای هیئت ارکان حربیه یك کاغذ نوشته در آن کاغذ خود را جواستر حام نمود که اگر پسر مرا از سوق و ادارهٔ یك قطعهٔ عسکر به عاجز و غیرمقتدر نمی بینید در خط نخستین حرب تعیین بکنید . زیرا او بدرجهٔ ارکان حربیه رسیده از مقرر کردن اورا بهیئت ارکان حربیه ندانستم که چه مقصد است! بعد از آن این افسر نوجوان بجنرال (تومه باسو) معاون تعیین کرده شد .

در اثنای هجوم شدتناکی که برتبهٔ (۲۰۳) اجرا کرده شد، در حالتیکه در پیش روی همه عسکر بود از بین دار فنا وداع ابدی گفت وفات این پسر دوم جنرال نوژی سخن اورا که در وقت وداع در (توکیو) به زوجهٔ خود گفته بود بحقیقت مبدل نمود .

جنرال (نوژی) به زوجهٔ خود چنین گفته بود :

— « پدر با اولاد های خود برای محافظهٔ وطن، و مدافعهٔ حدود از شما جدا میشوند . برای اولادهای من بزرگترین شرف ، و برای خود مقدس تر بن آرزو همین است که در راه این مقصد مقدس مراسم تدفینیهٔ هردو اولاد خود را در یك روز اجرا کنم ! »

(حوته ن نوژی) ، در وقتیکه اورا بهیئت ارکان حربیه تعین کرده بودند یکی از رفقای خود که مجروح افتاده بود یك مکتوب تسلیت آمیزانه و از حال خود شکایت انگیزانه یك مکتوبی نوشته بود که صورت آن از قرار ذیلست :

— « دوست محبت پرور من !

« مع التأسف مجروح شدن شما را شنیدم . چون فرصت ندارم بالذات به عیادت شما آمده نتوانستم ، تنها به این مکتوب خود شما را تسلی میدهم .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 195 of 310

بعضی از رفقای خودرا کشته ، و بعضی را مجروح می بینم ... من بیچاره را برای تنظیم و تسویهٔ بعضی کارها درعقب مقرر کرده اند ، و از انسبب از این شرف ها محروم مانده ام .

« وقتیکه درمکتب بودم نه این وظیفه های ثیکه در بنوقت مرا بران مقرر نموده اند آموخته بودم ، ونه در بنجا برای اینکارها آمده بودم . امتداد یافتن این محاربه هنوز تابسیار وقتها احتمال دارد . پر خود خوب دقت . برای خاطر مملکت محبوب تان کوشش ورزید که زود اعادهٔ صحت بکنید .)

انتحاریك افسر چرخچئی بحری

در اثنای تشبث سومین سد نمودن مدخل (پورآرتور) این افسر ژاپانی که درکشتئی (اوتاروماروٴ) مأمور بود بدست روسها اسیر افتاده بود از تاثیر زخمی که برداشته بود از خود بیخبر بوده به کشتئی خسته خانهٔ (مونغولیا) نام رو سی نقل داده شده بود .

و قتیکه از حال بیهوشی رهایی یافته چشمان خودرا باز کرد دید که یك افسر روسی فوطوغراف اورا میخواهد بگیرد . افسر ژاپانی ممانعت نمود . افسر روسی اصرار کرد . افسر ژاپانی بیان کرد که درهیچ یك مملکتی که تمدن کرده باشد این عادت نیست که تا اجازهٔ خودانسان نباشد فوتوگراف او گرفته شود ، و اینحرکت شما قطعیاً لایق افراد یك ملت مدنی نمیباشد . بنابرین افسر روسی از گرفتن فوتوگراف افسر ژاپانی صرفنظر نمود .

وقتیکه درمجلس بود ، تا بزمانی که دستهٔ کشتی های جنگی روس در (پور آرتور) میبود احوال صحیهٔ افسر ژاپانی خوب میبود . هر روز از نخبرهٔ که بسوی مدخل (پورآرتور) ناظر بود دستهٔ کشتی های جنگی را سیر میکرد ،

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 196 of 310

وچون از پنجره مفارقت میکرد، بجای خود یك نفر ژاپانی را که او هم اسیر بود برای نظارت کردن دستهٔ کشتیهای جنگی در پنجره می نشاند.

در روزهای آخر ماه جون یك صبحی بود که دستهٔ کشتی های جنگی روس خروج نمود. این حرکت برافسر ژاپانی خیلی گران آمده. بعد ازین بغیر از آب وچای دگر چیزی نمینوشید. نان ودوائیکه از طرف دا کترها باو داده میشد نمیخورد. واز ینسبب رفته رفته قوهٔ بدنیه اش تناقص میکرد. ووجودش روز بروز ضعیف میشد.

در (۸)م آگست هر قدر که ممانعت کرد اورا بخسته خانه خوابانیدند. در نجا چون مجبور بود که دوا وغذارا بخورد زبان خود را جویده وساعت خود را به پنهانی فرو برده باینصورت انتحار کردن خواست ولی موفق نیامد. بعد از یك ماه بازاورا بحبسخانه فرستادند وجودش آنقدر ضعیف شده بود که رفقایش نیز اورا نشناختند. علی الخصوص که بسبب جویدن زبان خود بدرستی سخن هم گفته نمیتوانست. یگانه مقصدش همین بود که یك آن اولتر خود را کشته ازاسارت دشمن وارهد.

آخر الامر خود را از طبقهٔ سوم حبسخانه بکله پایان انداخته تلف نفس نمود. وجودش پارچه پارچه شده بود. مراسم تدفینیه اش در پورآرتور از طرف روسها بکمال تأثر وتقدیر اجرا کردید.

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 197 of 310

نتایج عسکریهٔ محاربهٔ روس وژاپان

ازین سفر حرب عظیم روس وژاپان دربارهٔ (فن عسکری) فائده های بسیار مهم وبزرگی حاصل شده است . و خلاصه وزبدهٔ همهٔ این کتاب برای فنو ن حربیهٔ عسکریه عبارت ازهمین نتیجه های مهمه ایست که درین فصل ذکر و بیان میشود . نتیجه های مذکور برصنوف مختلفهٔ عسکریه جدا شده یکان یکان درینجا نشانداده شده است . اماچون همهٔ این مسئله هامتعلق فنون حربیهٔ عسکریه میباشد بجزارباب آن دیگرکسی ازان کمتر استفاده کرده میتواند .

(طوپچی)

صنف طوپچی نیز مانند صنفهای دیگرازین سفر (مانچوری) خیلی از خیلی استفاده کرده است .

شرایط جدیده ئیکه بصورت استعمال طوپچی عائداست : —

طوپهای جدید یکه دورمنزل ، وسرعت بزرگ انداخت را مالك باشند ، وازمواضع مستوربه اجرای تأثیرکردن قابلیت داشته باشند وبرهدفهائیکه باخندکهای شکاری مستور باشد ضعیف بودن تاثیر آتش آن درمحاربه های زمان ماشرایط استعمال طوپچی را تنظیم وتعیین میکنند .

اگرچه بصورت تصادفی هم باشد ، هرگاه در داخل ساحهٔ تاثیرشرابنل در میدان بازیك هدفی ظهورنماید درظرف یکدودقیقه بضایعات مدهش دوچار

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 198 of 310

میشود . زیاده گی منزل (از ۵۵۰۰ تا ۶۰۰۰) مترداير ۀ تاثیرات طوپچی را در داخل نسبتهای عظیم توسیع کرده است .

استعمال شراپنلی که بخوردن باچیزی بکفد ، بسبب حاصلشدن تاثیر بسیار جزوئی آن ثابت شد که بمقابل هدفهای مادی و مقاوم هیچ یك خسارت مهمی بوقوع آورده نمیتواند .

آمدیم برگله های طورپیلی که ژاپانها استعمال کرده اند : بسبب مشکلاتی که درراه حاصل کردن صحت انداخت آن پیش آمده تاثیر آن نیز خیلی محدود مانده است . بناءً علیه وظیفهٔ اصلئی طوپچئی نوعبارت ازینست که متحرك وذیروح هدفهارا تحزیب کند ، وشکل طبیعئی انداخت نیز همین است که بار (رافال) نام شراپنل وبسیار زود وچابك آتش کرده شود . آتش آهسته ، تنها برمواقعیکه قطعات احتیاط ، وقطار وقافله دران مامول ، وازنظر محفوظ باشد اجرا کرده میتواند شد . هرگاه شراپنلها وقت بوقت درعین یك موقع اشتعال بکند ، درچنان نقطه ها اقامت کردن بالطبع خیلی مشکل ومخاطره دار است که از انسبب دشمن به تبدیل دادن موقع مجبور میشود .

حالا پیش ازانکه ازنتایج طوپچیگرئی که درین حرب اقصای شرق استحصال شده عرض وتشریح کنیم دراول امر یکنظر سریعی بسوی تشکیلات طوپچئی هردوطرف عطف کردن لازمست .

طوپچئی صحرای روسها ، عبارت از طوپخانه های بود که هرطوپخانه از (۸) قطعه طوپ ، و(۱۲) عرابهٔ جبه خانه مرکب بود ، واز ینسبب تشکیلات آن خیلی سنگین بود . درزمان اعلان حرب هنوز تجهیز نشده بودند . همه طوپخانه هائیکه بدارالحرب فرستاده شده بود بقدر نصف آنها ملزمهٔ نوخود شان رایك کمی پیشتر از حاضرئی سفرحرب ، ودرأثنای حاضرئی سرحرب

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 199 of 310

حرب گرفته بودند . و تعلیمنامه ، وتعلیمنامهٔ انداخت نواین طوپ‌ها چار پنج ماه بعد بطوپ خانه‌ها فرستاده شده بود . افراد احتیاطیهٔ که صنف طوپچی را بمو جود سفر یش ابلاغ کنند قسماً از افراد پیاده وسواری مرکب بود که ازهر گونه تعلیم ابتدائی طوپچیگری محروم بودند .

طوپ های صحرای نوروسها اگرچه یك اسباب مخصوص پس لگدزدن راداشت ولی بمعنای حقیقی خودیك طوپ سریع آتش نبود . زیرا بعدازهر انداخت تنظیم وتوجیه کردن شان لازم می آمد . واینهم بسیار شایان دقت و حیرتست که نه در طوپ های روس ونه در طوپ‌های ژاپان سپرهائیکه مخصوص برای محافظهٔ افراد طوپچی باشد ، وجود نبود .

جبه خانه روسها نیز یك حالی که بمطلوب ، موافق باشد نبود . ودلیل آن اینست که بسیار بارها گله‌های شان درداخل میل طوپ می گفید و بسیار گله‌های شان بوده اشتعال نمیکرد ، ونقطه‌های اشتعال شان بسیار انحراف میکرد . یك قسمی ازکارتوس های شان که برای طوپ‌های مودل (۷۷) عائد بود بابارو ت‌های سیاه و کهنه مملو شده بوده محذورهای بسیار آنها نیز دیده شده بود . چونکه برمواقع مسکوبه ، واستحکامهای صحرا که درهرسو تصادف میشد گله‌های بسیاری انداختن لازم می آمد ، و برای این بکار طوس بسیاری اشد احتیاج دیده میشد موجود نبودن هوانهای موافق صحرا نیز برای روسها این محذوررا زیاده تر کرده بود . سوق واداره آتش بسیار که میشد باجزو تام کندك اجرا کرده میشد . طوپ خانه های روس درابتدای حرب ، درزمین صاف بی پناه بصف میدرامد ، واکثردر میان خط پیاده اخذ موقع مینمود . بعد ازتجربه های بسیار تلخی که ازینگونه حرکات حاصل کردند طوپ خانه‌های خودشان را در پس پشت تپه ها ، واکثر بصدها متر دورتر میگذاشتند و بعد از تنظیم انداختی که

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 200 of 310

ازمسافه های دور میکردند یك قطعهٔ (۶۰۰) متره یی را درزیر آتش شرابنل گرفته بهمینقدرا کتفامیکردند .

کرنیل (برونزار) المانی درراپورخودگفته است که :

« روسها ، دایما این اصول را ترجیح میکردند که همه اراضی را درزیر آتش ثابت بگیرند . گاهی دریکجاو گاهی دردیگر جادوده‌های کوچك کوچك سفید کفیدن شرابنلهای شان دیده میشد . ژاپانها درکم مدت این نوع آتش را دانستند که هیچ مخاطره ندارد .

« روسها به این یك هیچ اهمیت نمیدادند که صنف طوپچی را برای استحصال نتیجهٔ قطعیه باصنوف دیگر درحرکات شریك سازند ، وازین بود که باوجو دحرکت های فداکارانهٔ بعضی افسران آتش طوپچئی روس نتیجه های مهم حاصل نمیتوانست کرد . همه ضایعات ژاپانها که از طرف طوپچئی روس بوقوع می آمد از صد (۷ تا ۸) نمیگذشت .

« پس به این تأثیران قلیلهٔ طوپچی صحرای روس دیده درباب تأثیرات طوپچی صحرا یك حکم عمومی دادن ، یك خطای فاحش میشود .

« آمدیم بر ژاپانها : طوپخانه های اینهاشش طوپی بود . طوپها خفیف ولی ترتیبات تسمه و جوت و اسباب کشیدن طوپ شان بد بود . بنابرین قابلیت حرکت شان جزوی بود . در صورت عمومیه بطرز عادتی حرکت کرده است . طوپ صحرای ژاپانها سریع آتش هم نبود . ودرخواص (بالستیقیه) ازروسها دونتربود . امابمقابل این جبه خانهٔ ژاپانها ازروسها بهتر بود . بازهم شرابنلهای شان نسبت به شرابنلهای ما کمتر قابل استعمال بود ، چونکه از (۳۰۰۰) متر پیشتر جزوی بودن تأثیر آن عیان گردید .»

تأثیرهاوانهای صحرای ژاپان خیلی خوب بود .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 201 of 310

سوق و ادارهٔ آتش از طرف ژاپا ها باجزوهای تام بزرگ نیز اجرا کرده شده است . چنانچه درماههای فبروری ومارچ سنهٔ (۱۹۰۵)(۱۳۰) قطعه طوپ توپ غند نخستین ژاپان که برپنج غروپ منقسم بود درزیر یك امر ویك قوماندا استعمال کرده شده است .

ژاپانها از اول محاربه به اخذ موقع کردن مستور قیمت واهمیت بزرگی عطف کرده اند ، وبازهم تاثیر خصوصی خود رانیز فراموش نکرده اند . یگانه مقصد طوپچی ژاپان همین بود که پیادهٔ خود را بوقت وزمان لازمی آن ستر وحمایه نماید .

نتایج حربیه ئیکه بصنف طوپچی عائداست برسه قسم تقسیم میکنیم تا آنکه بصورت واضحانه نشانداده شود . اول (تعبیه) دوم (تشکیلات) سوم (ملزمه وجبه خانه) :

تعبیهٔ طوپچی — یعنی جنگ طوپچی

(شراکت حرکت طوپچی صحرا بادیگر صنفها علی الخصوص باصنف پیاده)

ایمسئله نقطهٔ مهمترین مطالعات ما راتشکیل میکند : هرگاه طوپچی صحرا در هرمحاربه باصنف پیاده بصورت ارتباط دایمی ، وحرکت مشترکه ایفای وظیفه بکند ، معلوم است که صنف طوپچی وظیفهٔ خودرا کامل ، ومقصد حرب را حاصل کرده است . حرکت وکار گذاری طوپچی ، مانند دیگر صنفها دایر همین نقطه معطوف بایدباشد که همهٔ تول غند نتیجهٔ موفقیت را اکتساب نماید . ایمقصد مهم نیزبا این حاصل میشود که صنف پیاده گلوبگلو بادشمن دست وگریبان شده زدوخورد نماید ، وتاب آوری مقاومت آخرین دشمنرا بشکناند ، وقوتهای دشمنرا باصنفهای دیگر یکجابایك تعقیب شدتناکی بمحو کردن احر ازموفقیت نماید . بناءً علیه صنف طوپچی تنهابرای اسانی

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 202 of 310

دادن این وظیفهٔ صنف پیاده اکتفا نکرده بلکه سعی و کوشش خود را بر این حصر و صرف باید کنند که آن وظیفه را با پیاده یکجا بجا بیارد . و این هدف و این مقصد برای تنظیم فعالیت و حرکت صنف طوپچی یك معیار مکملی باید بود .

طرز اجرا کردن استکشاف ؛ عدد طوپهائیکه بخط آتش ادخال شود ؛ انتخاب موضع ؛ انتخاب هدفها و آغاز کردن زمان آتش همه گی میباید که نظر بهمین مقصد و همین هدف تعیین کرده شود . پس ازین استنتاج میشود که ایحرکات منفرد بیك قاعدهٔ ثابته ربط و وضع کردن موافق نفس الامر نمیشود . چونکه چنانچه طرز استحصال نتیجهٔ قطعیه برای دیگر صنفها نسبت بوضعیت حربیه تبدیل وتغییر میباید ، همچنان برای طوپچی صحرا نیز این وظیفه ها و اصول حرکتها درهرحال وهروضعیت مختلف است .

بنا برین بر صنف طوپچی لازم وواجب است که روضعیت عمومیهٔ حربیه ، وافکار ومقاصد سرافسر وعلی الخصوص برطرز استعمال شدن پیاده وقوف تام حاصل کرده حرکت خود را نظر به آن موافق و برابر سازد .

بواسطهٔ استکشافات ، میباید که طوپچی باین یك دانسته شود که دشمن بچه صورت به پلانهای قوماندان ما مخالفت خواهد کرد ، وبرای دشوار ساختن بجا آوردن وظیفهٔ پیادهٔ ما بچه گونه تشبثات اقدام خواهد ورزید ، وبعد از ان همه وسایط جدی ومؤثری که بمقابل تشبثات وافکار دشمن لازم آید پیدا باید کند ، وتطبیق نماید . واین وسایط مؤثر عبارت ازین است که هدفهائیکه برای پیاده مهلکتر باشد آنرا بشدت بکوبد . اما این یك بصورت یك قاعده بیان نمیشود که آیا این هدفهارا درقوت طوپچی دشمن که درمسافه های دور هستند جستجو کردن لازم است ، یا آنکه درقوت پیادهٔ دشمن که در مسافه نزدیکتر هستند ؟ نی بلکه این جستجو دایما نظر به احوال حر

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 203 of 310

بیه به یقین میرسد .

درین حرب (ماپچه ری) بسبب عدم عایت به این قواعد یه درباب اشتراك طوپچئی باپیاده بیان کردید سبب انهزامهای الیمی شده است . ودر احوالهای بسیار مساعد وموافق نیز بسبب همین بی رعایتی استحصال شدن موفقیت قطعیه عدیم الامکان مانده است . روزها ، ساعت ها بومبارد مان طوپچی بوقوع آمده ولی چون باحرکات پیاده ارتباط ومناسبت نداشته است بهیچ حسن نتیجهٔ منجر نگردیده .

مقدار طوپ هائیکه به آتش اشتراك کرده میشود نیز میباید ۵ نظر مخصوصات وقواعدیکه قبل ازین بیان شد تعیین باید کرده شود . اگر محاربه باجنگ وغوغای طوپچی آغاز شده باشد ، میباید که یك قوت طوپچئی که درعدد بر طوپچئی دشمن فایق باشد به حال فعالیت وکارگذاری وضع کرده شود . از دیگر جهت اینراهم فراموش نباید کرد که در جزوتامهای یزدك یك قسمی از قوت جزوتام را جدا کرده یك احتیاط طوپچی تشکیل بایدداد . ولی اینراهم بگوئیم که این جدا کردن احتیاطرا مثل یك قاعدهٔ ثابتهٔ قبول نباید کرد ، زیرا در بعضی جاها مخاطره را داراست ، لهذا اجتناب کردن ازاز لازمست . این ملاحظات ذیل درباب خوبی احتیاطهای طوپچی اعطای حکم میکنند :

در محاربهٔ روس وژاپان یك دوئلوی حقیقئی طوپ چی که بوقوع آمده ها نادر محاربهٔ (یالو) ست . در محاربه های دیگر محاربه های طوپ چی نادراً بوقوع آمده است .

اگر دشمن بمقابل طوپ خانه شما انداخت خودرا تنظیم کرده ، ومخاطره ضایعات مرتبات موجود باشد تدبیریکه لازم است این است که آتش خودرا قطع باید کرد . دشمن بعد ازانکه یکچندرا فال بکند یا به اندیشهٔ اینکه از اسراف

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 204 of 310

کردن جبه خانهٔ خود از آتش بیهوده صرف نظر میکنند ، یا آنکه شدت خود را تخفیف میدهد . در اینوقت بازدور آتش کشادن بشما میرسد . پس اگر نقطهٔ اصابت گلوله های توپ مطلوب موافق باشد دشمن شما اختیار سکوت کرده افراد نمیرطوپچی خود را درمیان خندقها پنهان و پوشیده میکند . بناءً علیه یك طوپ چی را که درداخل این شرایط موضع گرفته باشد برای محو کردن آن کوشش کردن یك حرکت بیفایده شمرده میشود . چونکه اگر خندق یك بسیار بی اهمیتی هم باشد که افراد نمیر طوپچی در ان موضع گرفته باشد ضرر رسانیدن به آنها غیرقابلست .

یك طوپ چی که خوب و مستور یك موضعی گرفته باشد ، وهم با سپر مجهز بود به آنچنان طوپ چی خسارت رسانیدن یك کیفیت بسیار مشکلیست . محو وفناساختن این چنین یك طوپ چی اگرچه عدداً ضعیف هم باشد عدیم الامکانست .

در محاربهٔ (۱۲) اوکتوبر طوپچی ، طوپخانهٔ یکم روس که به غبرك غند (۱۵) منسوب بود ، بسیار بارها بقطع کردن آتش خود مجبور شده بود ، چونکه از دو استقامت مختلف طوپ چی ژاپان برین بطاریه متصل آتش میریخت . اما باوجود آنکه از صبح تا بشام آتش خودشان را بر طوپخانه مذکور توجیه نمودند همه ضایعات طوپخانهٔ مذکور بر (۱) افسر ، و (٦) نفر منحصر ماند .

درین حال بعد ازین از محاربهٔ طوپ چی مقصود اصلی باید همین باشد که طوپ چی دشمن را دایما بهراقال دوچار کنند ، واورا از آتش کردن بر پیاده وطوپ چی و رسالهٔ ما که درحال حرکت باشند ، ودیگر هدف های متحرك مانع کنند ، وبمقابل آن وظیفهٔ پیادهٔ خودمارا آسانی دهد .

تجربه های حربیه این را هم بما نشاندا ده که کشف کردن موضعهای

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 205 of 310

طوپچی که خوب انتخاب شده باشد باعث مشکلات عظیم میشود. برچنین مو
ضعها تا بوقتیکه تأثیرات گله های دشمن حس شود بسیار وقت میگذرد. بنا
برین یك قوماندان در ابتدای محاربهٔ طوپ چی هر گاه مساوی بعدد قوت
دشمن طوپ داخل نکند چیزی عیبی ندارد. زیرا اول میباید که وضعیت
و موضع را تعیین کرده و یك قسم طوپ چنی خود را آهسته، ولی بقصد حرب
موافق بموضع داخل کند، وچون وضعیت و موضع معین شد همهٔ طوپ
هارا یکی یکبار بموضع او خال کردن جائز میشود. درهنگامیکه درباب مسئلهٔ
چقدر طوپ را دراول امر بموضع داخل کردن اندیشه و تأمل میشود، مقدار
جبه خانه را نیز بنظر حساب و تدقیق گرفتن اقتضا میکند، زیرا بسبب کمبود
ئی جبه خانه طوپ خانه های خودرا بتأثیرات آتش طوپچئی دشمن معروض
گذاشتن چندان کار معقولی شمرده نمیشود. علی الخصوص که دریك میدان
محاربه یك زمینی که وسعت مطلوبه را حائز باشد پیدا کردن نیز خیلی مشکل
یك مسئله ایست. حالا آنکه برای کمکردن تأثیر آتش دشمن، و آسان کردن
ترصدات خود مابه فاصله های بزرگی نیز بسیار لزوم و مجبوریت حس میشود.
احتیاط های طوپچی برای یك قوماندان یك سلاح بسیار قیمت داری
شمرده میشود. قوماندان این سلاح قیمتدار را برای تبدیل دادن مرکز
ثقلات خود درهر نقطهٔ که ارزو کند، ویانظر بهتحولات وضعیت و تدابیر دشمن
در دیگر موقعیکه به آن احتیاج به پیدا استعمال کرده میتواند.
برای آسانی خراب کردن طوپ خانه های دشمن که با سپر مجهز باشند
بهترین و مساعد ترین موضعها همان موضعها ئیست که در بغل باشد و در (انفیلا)
گرفته شده باشد. اگر این چنین موضع پیدا شود طوپچئی احتیاط درانجا
سوق کرده میشود. والحاصل درنتیجهٔ ملاحظات خودابنرا هم میگوئیم که

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 206 of 310

در محاربات استقبال وظیفه تبیین کردن نتیجهٔ قطعیه را احتیاط های طوپچی وپیاده اصابت خواهد کرد.

مع هذا اینرا نیز بگوئیم که این ملاحظاتیکه بیان شد، چنانچه درفقرهٔ (۴۹۲) م تعلیمنامهٔ پیادهٔ نوالمان نیز بحث وبیان شده، که تفریق کردن احتیاطهای طوپچی را در داخل جزؤنامهای بزرگ جائز است، ولی باز هم درهر حال خصوصی تفریق کردن احتیاط طوپچی که آیاتفریق بشود، یانشود؟ و چقدر تفریق بشود؟ اینمسئله‌ها را وضعیت حربیه تعیین کرده میتواند. در بخصوص چیزیکه اجرای تاثیر میکند حال ووضعیت محاربه است. بنابرین از قواعد پرستی اجتناب باید کرد، ودلیا احتیاجات وایجابات وضعیت را نظر باید کرد. صورت حرکات قواعد پرستی روسها در بنابانک عبر تا للسا برین شده.

برای اینکه دربك بیان نامهٔ (قوروپاتکین) از اهمیت ولزوم احتیاط ها بحث وبیان شده، روسها اکثراوقات یك قسم مهمی ازطوپچی‌های خود شان را برای احتیاط تفریق میکردند. وباوجودیکه باشتراك کردن این قوت در محاربه اشد لزوم و احتیاج دیده میشد باز هم بخط آنش سوق نکرده بسیار مدتها بیهوده وبیفائده درعقب نگهداشته‌اند.

موضعهای طوپچی

« تابع تعبیه »

این مسئله آنقدر مهم است که ازمحاربه آسیای شرق درین خصوص استحصال شدن، یا استحصال نشدن یك نتیجهٔ قطعیه مجهول مانده، وازان رودرین باب تدقیق کردن فوق العادهٔ موجب استفاده است.

طوپ چشی روس دراول محاربه بسببی که موضعهای بازبی پناگاه برای

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 207 of 310

خود انتخاب میکردند بضایعات بزرگی دوچار شده‌اند . وسی طوپ خانه های شان ازین سبب ازطرف ژاپانها ضبط کرده شده بود . اما بسی ۵ روسها سپرنداشته بودند ، ویك طوپ چنی سپردار ۵ درجای بی پناه یا بی مستور باشد وبهمین حال دوچار شود این مسئله یك دلیلی برای این تشکیل نمیتواند . لکن طوپ های صحرای کهنه که بدست ژاپانها بود وبه اینندرجه اجرا کردند پس درزیر آتش طوپ های سریع آتش نودرجای بی پناه اخذموضع کردن — صرف نظر از احوال مجبره وضروریه — یك خطای بزرگی شمرده میشود . حمایهٔ سپر چون بعد از مسئلهٔ اخذ موضع آغاز میکنند ازان رودراثنای اخذ موضع در مابین بودن ونبودن سپر یك فرقی نیست .

در باب فرعات این مسئله ، آیا از ن حرب اقصای شرق هنوز بسی اثبات های دیگر نیز بروی کار آورده است یانی ؟ آیا با آنکه مستوراً موضع گرفته شود و موضع هم مستوراً موجود شود اجرا کردن اداخت (آدیرکت) را نیز بصورت یك قاعدهٔ مخصوصه تعیین کرده است یانی ؟

مآل مطالعه وراپورهائیکه درینباب داده شده عین فکر ونتیجه را ناطق نیست . یکی از برگدهای روس دریك رسالهٔ عسکری ئیکه در المانیا نشر میشد یك راپوری نشر کرده دران راپور خود اخذکردن (موضع های سراسر مستور) را توصیه مینمود . اما مطالعات این برگدرا قطعی الحکم تلقی کردن جائز نمیشود . زیرا در بعض مطالعات او مفرزه های طوپچی ئیکه از (۲) طوپ خانه ، وگاهی از (۳) طوپ خانه مرکب بوده موضوع بحث شده است . حالانکه اصل مشکلات اخذکردن (موضعهای سراسر مستور) درجزو نامهای بزرگ خودرا نشان میدهد . بواقعیکه بحری کردن موضعهای موافق طوپ خانه ، ویابتن نقطه های ترصد خوب برای قوماندان های طوپ خانه ، وقوماندان

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 208 of 310

های کندك ، وغند ، وغبرك غند تفریق وتمیز کردن کله های طوپ خانه هارا
ازیکدیگر بسیار مشکل میشود . دیگر اینکه اینهم دور نیست که مرکد مذکور روس
برتأثیرات طوپ خانه های خود بیك اعتماد کاذبه ذاهب نشده باشد .
مثالهای دیگری که در باب مواضع مستوره روسها بیان کرده اند نیز این
مسئلهٔ مشکل را حل وتنویر نمیکند . چونکه اولا روسها بسببی که سپر نداشتند مجبور
بودند که ستره ها وموضعهای مستور جستجو کنند . ثانیا مشکلاتی که ذکر شد هیچ
وقت داخل حساب شان نشده بود . زیرا اجزو تامها نیکه از کندك پیشتر باشد آتش
مجتمع اجرا نشده بود . ثالثا روسها بسببی که کله رون هیچ ندا شتند تنها شرا پنل
انداخت میکردند . طوپ چئی ژاپان چون سپر نداشتند این مسئله برای شان یك
کامیابی بود ، وشرا پنل برای شان موافق ترین کله ها شمرده میشد . زیرا شرا پنل
چون بمقابل سپرها بی تأثیر است از انرو بمقابل طوپ چئی سپر دار با کله رون محاربه
کردن اولی ست . اجرای انداخت بارون به تنظیم انداخت صحیحتر عرض احتیاج
دارد . چونکه در انداخت شرا پنل نسبتا با تشکیل پنجهٔ تنگتر اکتفا میشود . پس درین
حال مشکلاتیکه در اجرای انداخت از موضع های مستور ظهور میکند ، وهران
قدر که جزؤتامها بزرگ شود در باب تفریق کله ها از یکدیگر این مشکلات بیشتر
حس میشود . اینچیزها در نزد روسها اصلا داخل حساب نشده بود . رابعا روسها از
افراط به تفریط افتاده اند . زیرا در اول سر اسر از جای باز و بی پناه آتش می
کردند . ، بعد ازان بصد ها متر در پس ستره ها وتپه ها رفته اند . جنرال (قورو
پاتکین) بصورت قطعیه امر کرده بود که طوپچی خواه در اثنای هجوم ، وخواه
در اثنای مدافعه دایما انداخت (اندیرکت) اجرا بکنند این احتیاط مفرط
پسان شان را باضایعات بزرگ اول شان یك عکس تأثیر میخانکی تلقی باید کرد .
این یك را روسها اصلا تجربه نکرده بودند که خیر در اوسط است . خامسا تأثیرا

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 209 of 310

نیکه طوپ چینی روس تحصیل کرده بیکدرجهٔ که شایان رشك آوری باشد نیست که دلیل خوبی موضع های مستور شود ، واینهم ادعا نمیشود که عکس آن را اثبات بکند .

در تولغند ژاپان اگرچه درین خصوص خیلی تجربه‌ها اجرا شده ولی اکثر آن خفی وپنهان گرفته شده است . مع ذالك بعضی معلوماتیکه به تصادف در بنباب بدست آمده بقرار ذیل نقل شده است :

از (تاغاتا) نام برگد طوپ چینی ژاپان بمقابل سوالی که درباب اینکه چرا آتش اندیرکت اجرا کرده واقع شده بود این جواب را گفته است :

« اسباب این بسیار ساده وبسیط است . زیرا راست آتش کردن غیر ممکن شد . اگر دشمن موضع مارا کشف میکرد ، درپیش سرعت آتش طوپ های روس ، در کم مدت هیچ شبهه نبود که طوپ های ما بحال خارج از محاربه میدرامد . خلاصهٔ کلام یك طوپ خانه را نشان دادن عبارت از محو کردن آنست . »

درین نزدیکیها در رسایل عسکریهٔ المانیا درباب اینکه آیا مستور آیا آنکه بازو بی پناه ، یا آنکه نیم مستور ، یا آنکه درپشت تپه ها موضع گرفتن کدام یك موا فقتر است ؟ یك مناقشهٔ قلمیهٔ بسیار شدتنا کی باز شده است درنتیجهٔ این مناقشات سالمترین محاکمه ها عبارت ازین است :

نظر به نتیجهٔ حرب اقصای شرق ، اولا درزیر آتش طوپ چینی دشمن درجای بازو بی پناه موضع گرفتن دراحوال ضروری ومستثنا جواز داده میشود ؛ ثانیاً در صورت عمومیه قیمت واهمیت ستر خیلی زیاده است ؛ ثالثاً در استقبال طوپ چینی سحرا مجبور میشود که ازین زیاده تر ازموضعهای مستور آتش اجرا کند ؛ رابعاً اصول انداخت اندیرکت درصورت عمومیه ازلوازمات شرایط حاضرهٔ حربیه میباشد .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 210 of 310

لکن این را نشان نداده است که این حرب مشکلاتیرا که در جرونامهای بزرگ از انداخت اندیرکت پیش میاید بچه صورت برطرف کرده است ؟

حالا از حرب اقصای شرق دور باب اینکه از تئاترهای خوب چه خوب نتیجه‌ها حاصل میشود یکدو مثال ذکر کردن میخواهیم :

در محاربهٔ (لیائویانغ) برگد (سلیوزار منقو) که طوپخانهٔ که بهول تول غند (۱۰) منسوب بود قوماندهٔ میکرد در یک اخبار روسی چنین نوشته است: «هردو طوپخانهٔ ما در پشت یک تپهٔ سنگستانی چنان مستور و پنهان بود که گویی در پشت یک دیواری باشد تنها من بر سر تپه بودم، و از بجا بواسطهٔ بیرق اشارت میدادم . در پیش من بجز نفری‌ها نیکه با بیرق اشارت او امرزا تبلیغ میکردند دیگر کسی نبود . »

و نیز در محاربهٔ (لیائویانغ) طوپخانه های هردو طرف ، در عقب پشته های کوهها چنان مستور بودند که انداخت کردن اندیرکت غیر ممکن بود طوپ های ژاپان در هموارى بصعوبت ازهم پرا کنده ودر جاده ها و کشتزارها نیکه سه متر ارتفاع داشت بحال مستوریت بود . اسپ های طوپ کش در پشت خانه های ده محفوظ بودند . ودختان جواردہ وظیفهٔ ترصد گاههای بسیار مکمل را بجای اورد . طوپ چئی روس تمام روز هرانقدر سعی کردند موضعهای طوپچی ژاپان را کشف نتوانستند . از هرچیزیکه برای سررشته دادن اطلاع دشمن در باب معلوم شدن شان باشد اجتناب کرده شده بود . برای اخذ موضع کردن طوپ خانه‌ها درجاهای مستور هرگونه حرکات تبدیل موقع درشب اجرا کرده شده بود . حتی در روز دوم محاربهٔ (وافانقو) در وقت صبح روسها بکمال تعجب دیدند که یکچند طوپخانهٔ ژاپان در شب بر یک تپهٔ که برمواضع شان سراسر حاکم و ناظر بود آورده شده است . ژاپانها در باب آوردن

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 211 of 310

طوپ خانه های خودرا درانجا آنقدر احتیاط بکار برده بودند که برخاستن گرد وغبار را نیز رفع کرده بودند . حتی چرخهای عرابه ها وعرابه های جبه خانه را نیز نزدیك نکرده بودند . وجبه خانه را بصورت قدیمه بواسطهٔ سلسلهٔ افراد ازدست بدست تا به طوپخانه ها سوق میکردند .

دیگر مثال اینکه در محاربهٔ (دا شیچاعو) طوپ خانهٔ (۲)م لوی غند(۹)م شکاری روس بقدر(۱۵)ساعت متمادیاً به آتش(٦)طوپ خانهٔ ژاپان معروض مانده بود . اما بسبب مستور بودن موضع آن ، دشمن بکشف کردن آن کامیاب نیامده ، وبجز یکچند گلهٔ تصادفی که برانها اصابت نمود و یك ضایعات جزوئی رسانید دگر هیچ چیزی نتوانست . وسبب این بود که یك طوپخانهٔ روس در نزدیکئی بطاریهٔ مذکور در جای باز بصف حرب درامده بود که دشمن آن را مشاهده کرده بران آتش کشاده بود .

اینهم به تجربه رسیده که در پیش جاهائیکه در اراضی یك شکل ومنظرهٔ مخصوصی نشان بدهد که جالب نظر دقت باشد از اخذ وضع کردن دایما اجتناب باید کرد . زیرا طرف مدافع ، مسافاتی را که درمقابل اینگونه نقطه ها موجود است از اول بکمال اعتنا پیش کرده میباشد . لهذا یك طوپ خانهٔ که درپیش آن چنان یك نقطهٔ معلوم دار اراضی اخذ وضع کند به آتش شدید و وسریع دشمن معروض میشود . در(۲۸)م ماه برسر یك طوپ خانهٔ ژاپان که در کنار قریهٔ (لیوبایزا) اخذ موضع کرده بود همین حال آمده بود . طوپ خانهٔ ژاپان در زیر آتش شدید و صحیح دشمن به آتش کشادن هم کامیاب نشده بود .

در باب موضع های طوپچی اینرا نیز بگوئیم که هیچگاه به تاثیرات عادات وتجارب سابقه مربوط نباید ماند ، وتجارب جدیدهٔ یومیه را دایما بنظر اعتنا ودقت باید گرفت ، وبرای انداخت آندرکت در وقت لزوم وایجاب خوب حاضر

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 212 of 310

بایدشد که برای حاضر شدن به این وظیفهٔ مشکل که اندیرکت است به این میسر میشود که در وقت حضر افراد را بخوبی درین خصوص تعلیم بدهند، و به تعلیم وتجربهٔ متمادی صنف طوپچی را با این وظیفهٔ مشکله بخوبی الفت بدهند. رسالهٔ (میلزو وخن بلات) درینمو ضوع بیك مقالهٔ خود با این عباره ختام داده است:

« تاریخ این را بمانشان میدهد ومیاموزاند که مربوط ماندن بك توپخانه بمعلومات مکتسبهٔ خود شان اصلا دلیل سلامت نیست. توقف برمعلومات، عبارت از رجعت است. ومولد مغلوبیتهای آینده است. »

استکشافات

« تابع تعبیه »

غیر مرئی بودن هدفها که بادوربینهای بسیار خوبتر واعلا نیز به آسانی کشف نمیشوند، مسئلهٔ استکشافات هدفها را اهمیت زیادی داده است. و ومشکلات را بهمان نسبت افزونی داده است وعلی الخصوص که دشمن از نمایش های پیش ازوقت احتراز هم بکند! اگر کشف کردن موضع های طوپچی دشمن ممکن نشود برای افشاساختن آن به بعضی حیله ها تشبث میشود. مثلا دشمن را برین تشویق میکند که موضع خود را افشا کند. چنانچه در موضعهای بسیار دوربدرجهٔ که از آتش دشمن متضرر نشود بعضی طوپ خانه های منفرد باز وباطوپ خانه های مستور آتش میکشایند که این اصول در محاربه های اقصای شرق بکثرت استعمال شده است. ژاپانها این اصول را بسیاربارها بکمال مو فقیت وکامیابی تطبیق کرده توانسته اند. ژاپانها برای کشف کردن مواضع طوپ چی دشمن درابتدای شروع جنگ یك قسم کوچك طوپ چی خود را ازیکدیگر بسیار دور، وازدشمن بمسافهٔ بسیار بعید بصورت غیرمستور دریك

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 213 of 310

موقعیکه به نظر دشمن برخورد بصف حرب داخل میکردند . وباینصورت انظار تجسس ودقت طوپچی دشمن را بخود جلب کرده به آتش باز کردن مجبور میساختند . تابوقتیکه این حرکت خدعه کارانه ژاپانها از طرف روسها فهمیده نشده بود ژاپانها دایما بکشف مواضع دشمن کامیاب آمده اند .

صورت تشکیل خطهای طوپچی، وسوق واداره آتش آن

« تابع تعبیه »

ژاپانها ، درین محاربه از این یك اجتناب کرده بودند که بنابر حسن مقصد سوق واداره آتش طوپچی خود ، وآسانی جمع وتوحید آن در نقطه که بخواهند ، قوت های شان را بریك جبهه تنگی جمع کرده وبه اینصورت متصل ومتما دی یك خط طوپچی تشکیل بدهند . ژاپانها بالعکس همیشه این ترتیب را ترجیح کرده بودند که قسم کلی قوت های طوپچی خودشان را تا که ممکن باشد بریك جبهه فراخی توزیع کرده بحال غروب ، وقدمه دارند .

طوپ هائیکه درداخل هر طوپخانه بود ، دائما بریك خط منتظم ترتیب نشده درین باب همیشه حال وتاثیر اراضی بنظر اعتبار گرفته شده بود . برای بازی دادن دشمن اینهم نادر نبود که طوپ هارا درپیش روی ، وضع ، ویا یك بغل بدارند .

دایره انتشار شراپنل های روس به (۱۶) متر بالغ میشد . لهذا ژاپانها این قضیه را درمد نظر گرفته برای کم کردن تاثیرات شراپنل های روسها درما بین هر طوپ بقدر (۲۴) متر یك جاخالی ترك میکردند ، ودرمابین غروپها ، وقدمه های خودشان فاصله های بزرگی میگذاشتند . این اصول تعبیه محسنات بسیاری دارد . چونکه به این اصول هم ضایعات کم میشود ، وهم درداخل هر

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 214 of 310

غروب ترصد ، وسوق واداره آتش کسب سهولت میکنند . ازدیکر جهت بسبب جا خالیها وفاصله های بزرگ وسعت وامتداد خط طوپ چی زیاده شده ، امکان احاطه کردن موضع دشمن ، و درزیر آتش بغلکی گرفتن بیشتر میشود ، ونیز بسایهٔ امتداد موضع تامرتبهٔ ممکن بسیارطوپ خانه هارابه آتش اشتراك داده میتوانند ، و درعین زمان کشف کردن موضع را نیز ازطرف دشمن دشوار میسازد .

مشکلاتیکه درخصوص مخابره ، وسوق واداره آتش واقع میشدآن را بسایهٔ استعمال تلفون برطرف میکردند . ژاپانها کتله های جسیم طوپ چئی خود شان را بسایهٔ همین اصول که هرطوپ خانه را بهقوماندان جزؤ تامهای بزرکتر ربط میدادند ، ودرخصوص تبلیغ اوامرامنیت تامه بوجود میآورند درزیرادارهٔ دست واحد سوق واداره کرده آتش طوپ خانه های بسیار خودرا برنقطه هایی که نتیجهٔ قطعیه را تامین بکند جمع ومتحشید کرده توانسته اند . وباینصورت خواه در محر ، وخواه دربرموقفیات عظیمه تحصیل کرده اند .

پس معلوم شد که اس الاساس قاعدژاپانها در محاربهٔ طوپچی عبارت ازین بود که قوت طوپچئی خودشانرا بحال جزؤتامهای بزرگ استعمال کنند ، و براراضی بصورت ازهم تیت ، وامتداد دارتوزیع کنند ، اماهمهٔ آنهارامتحداً سوق واداره نمایند .

آمدیم برطوپچئی روس : اینها دایما قوت خودشانرا پراکنده میکردند اکرازروی عدد ازدشمن دونترهم باشند ، بازهم یك طوپ چئی احتیاط تفریق میکردند ، وازلازم بودن سوق واداره آتش متحد بیخبر بودند ، هرقوماندان هرطوپ خانه بحساب خود ، وبی آنکه وضعیت عمومیهٔ حربیه را اصلا بنظراعتبار بکیرند کوشش میکردند ، وطوپ های خودشان را پراکنده

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 215 of 310

براستقامت دشمن انداخت میکردند که از سوء نتایج این اصول حرکت، در محاربه های مدافعه، ودرزمانیکه احتیاج محاربه خیلی افزونی میداشت جبه خانهٔ شان تمام میشد، وطوپ خانه ها به تعطیل آتش مجبور میشدند.

وظیفهٔ تخسین طوپ چئی هردوطرف بالطبع عبارت ازهمین کوشش است که طوپ چئی دشمن را بکوبد، وپیش ازانکه هجوم پیاده آغاز کند آن را محو وفاسازد. لکن غیرازمحاربه های اولی که آنها مستثناست دردیگر محاربه های اقصای شرق این نتیجه بسیارنادر استحصال توانسته شده بود. بعضاً در اثنای شب نیز منقطع نشده، روزهاروزها محاربهٔ دامنه دار طوپچی نمادی کرده، وصنف پیاده که به نتیجهٔ محاربهٔ طوپچی انتظار میداشتند در اثنای این مدت تماماً اختیار عطالت کرده بود. درباب محاربهٔ (داشیچاعو) جنرال (زاخاروف) درراپور خود چنین گفته است:

« برقطعات مرکز هیچ هجوم واقع نشده، تنها بومبارد مان کرده شده است.»

ومارشال (اویاما) درراپورخودنیز چنین گفته است:

« امروزتنها صنف طوپچی محاربه کرد.»

این آتشهای بیحاصل طوپ خیلی نادریك نتیجهٔ حاصل میکند. وتنها طوپ خانه های دشمن را عقیم گذاشته آنهارا دراثنای هجوم پیاده به اشغال کردن اکتفا کرده اند.

چیزیکه در محاربهٔ طوپچی حائزاهمیت بزرگ است همین است که، هجوم پیادهٔ خودرا تاقرب وجوار، وضع دشمن باآتش طوپ چئی خود حمایه و استنادبکند. این حمایه واستنادبااجرای اندا ختی که از سر پیادهٔ خودبکمال عزم وجسارت اجرا کنیم ممکن الاجراست.

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 216 of 310

چنانچه در اکثر اپورها نوشته شده است که عساکر پیادهٔ روس وژاپان ازمنقطع شدن آتش طوپ چی خودشان اجرا کردن آتش طوپ خانه های خودشان را که از سرشان بگذردوا گرچه باآن بضایعات هم دوچارشوندتر جیح و آرزو کرده بودند . اینهم طبیعیست که برای اینکار طوپ هائیکه مقوس انداخت اجرا بکنند نظر بطوپ های صحرا موافقتراست . اوبوسهای ژاپان ، تابوقتیکه عساکر ژاپان بقدر (۵۰) متر بموضع دشمن نزدیك میشدند آتش خودرا قطع میکردند . ولی طوپ خانه های صحرا ازمسافهٔ (۵۰۰) متر آتش خودشان را قطع نمیکردند . زیرا کمتر ازین مسافه پیاده های خودشان را دو چار مخاطره میکردند . پس اگر در وظیفهٔ حمایه واستناد هجوم پیاده اهمال کرده شود عدم موفقیت محقق است . چونکه در انوقت همه طوپ خانه های دشمن آتش خودرا بر پیادهٔ مهاجمین توجیه و توحید کرده هجوم را بی نتیجه میگذارد .

برای مثال اینمسئله تفصیلات یك مخبر حرب که محاربهٔ (۱۹) م جولایی سنهٔ (۱۹۰۴) را در جوار (موخیاتو) برای العین تماشا کرده شایان نظر است ،

« طوپ خانه های ژاپان بخیال اینکه برای هجوم پیاده بدرجهٔ کافی حاضرلی خودرا اکمال کرده اند ، بعد از طوپ اندازلی شدید بسیار اختیار سکوت کرده بودند بنابرین پیادهٔ ژاپان باخطهای کثیف شکاری بهجوم برخاستند . خطهای شکاری در زیر حمایهٔ اراضی پیش میشدند ، قطعات احتیاط به نظام قطار آنها را تعقیب میکردند . طوپ خانه های روس که از بومباردمان طوپ خانه های ژاپان فارغ بودند بیکبارگی برین پیاده های ژاپان سریع و شدید آتش کشادند ، وآن هارا توقیف کردند ، وبضایعات جسیمه دوچار ساختند . ما ازدور تماشا میکردیم که صفهای ژاپان درزیر آتش متصل طوپ چئی روس چسان برزمین میغلطیدند . ژاپانها به این ضایعات مدهشه تحمل نکرده رجعت

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 217 of 310

کردند . »

اینست که اینچنین هجومهای ناهنگام ، یعنی بدون حمایه واستناد طوپچی این گونه هزیمتها را موجب میشود .

بعضی طوپ خانه ها تا بخط پیشترین محاربه با پیاده رفاقت باید کرد ، چون که درچنان زمان صنف طوپچی نیز بادیگر صنوفیکه تولغند را تشکیل داده ، برای پیشرفتن بایك آرزوی شدید پرشوق و هیجانی متحسس میباشد ، وبمانند صنف پیاده او نیز بفدای موجودیت خود حاضر و آماده میشود .

یك چارنعلهٔ سریع ، تابوقتیکه بخط پیشترین — یعنی منتهای هدف برسد ثنیه هایی را که مرور میکنند تنقیص مینماید . یك وزن وقرار سریع پیدا کردن ، از اراضی بصورت ماهرانه استفاده کردن ، درمابین طوپ ها فاصله های بزرگ گذاشتن ، بابلوکهای منفرد طوپ ها را حرکت دادن ، چنانچه تولغند (اوقو) درپیشگاه (لیائوپانغ) بکمال مهارت اجرا کرده بود — طوپ ها را با لذات از طرف افراد به پیش سوق کردن ، چیزهائیست که تاثیرات دشمن را بحداصغر تنزیل میکند .

درخصوص حمایه و استناد پیاده خدمت های برگزیده و درخشان تفنگ های ماشین دار را دیده گمان نشود که این وظیفه از دست صنف طوپچی نزع شده باشد . نی نی اینچنین شبهه وگمان سراسر خطاست . چونکه نه از جهت تاثیر معنوی ، ونه از جهت تخریبات مادی ئیکه از انداخت حاصل میشود ، تفنگهای ماشیندار هیچ گاه باطوپ های سریع آتش صحرا قایسه کرده نمیشود .

کذالك ازین تجارب حربیه یك نتیجهٔ مهمهٔ حقیقتدار دیگر نیز ظاهر میشود که آنهم اینست که مبادلهٔ طوپچئی صحرا ، با هیچ صنف سنگینتر ازو ممکن نمیشود ، ودرهیچ وقت طوپ چئی صحرا طبیعت وماهیت مخربی ، جوالی ،

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 218 of 310

طیارئی خودرا ضایع نمیکنند .

درزیر آتش دشمن تبدیل موضع کردن برای طوپچی دربعضی احوال استثنائیه نادرا موافق میشود . و کربه تجارب حربیه این یك ثابت شده است که درزیر آتش دشمن تبدیل دادن موضع غیر ازانکه موجب انقطاع آتش بشود سبب آنقدر ضایعات مدهشی میگردد که فوائد موضع نو و خوبتری که برای این تبدیل بوقوع میآید بقیمت خیلی گرانبهایی تمام میشود . امابرای طوپ خانه هائیکه موضع شان مستور است تبدیل موضع کردن آسانتر است . کذالك استعمال طوپ هارا منفرداً یابلوك بلوك درصورت عمومیه تنهابرای رفاقت کردن هجوم پیاده بیك حال بسیار مستثنا جوازداده میشود . ژاپانها کار تبدیل موضع خودشان را بایك بصیرت تامه ، و ازاراضی بکمال اعتنا استفاده کرده اجرا میکردند ، طوپهارا پی هدیگر میکشیدند ، وازاراضی نیکه به انظار دشمن معروض باشد سراسر اجتناب میکردند ، و برای تبدیل موضع دایما ظلمت لیل را انتظار میکشیدند .

اینهم تجربه رسید که درهنگام رجعت کردن دشمن تا که ممکن باشد به سرعت یکچند طوپ خانه درعقب آن سوق شود . زیرا این یك عنصر مهم موفقیت است . اگرچه دراینباب بعضی مخاطره ملحوظ میباشدباز هم ازین کا صرف نظر نبایدشد .

یك افسر روسی دراینباب میگوید :

« دروقت شام روز (۱۲) م اوکتوبر قطعات مارجعت کردند اما ژاپانها برپیش راندن طوپ خانه های خودرا بر ماجسارت نتوانستند که بسبب این احتیاط بروزی شان ماازیك پل کوچك سنگین بارسه لوی غندرا ازنهر (شاحو) به بسیار آرامی و آسانی گذرانیدیم . ودراستیشن (شاحو) همه مالزمهٔ متحر

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 219 of 310

که را با (۵۰۰) زخمی به نقل دادن موفق شدیم . اما اگر طوپ خانه های ژاپان زحمت در زیر طوپ گرفتن طریق زحمت مارا برخود اختیار میکردند دوچار شدن ما بیك هزیمت کلیه محقق بود . »

تعلیمنامهٔ طوپ چی ژاپان برای تنظیم انداخت دراول (۴۰۰ویا۲۰۰) متره یی یك پنجه را تشکیل دادن ، وبعدهٔ نظر بمساعدهٔ احوال آنرا تابه (۵۰) متر فروآورد امر میکنند .

طاقم (۲) م نظر بمسافه ئیکه تخمین کرده شده نشانگاه انتظیم میکنند . طاقم های (۱) م و(۳)م (۲۰۰)متر کوچکتر، و(۲۰۰)متر بزرگتر بیك مسافهٔ نشان میگیرند . طاقم (۲) م به آتش آغاز میکند ، ونظر به ترصدان دومی طاقم (۱)م ویا(۳)م آتش میکند .

خواه دروقتیکه یك منطقهٔ اراضی عمقاً درزیر آتش گرفته شده باشد در تنقیص وتزئید مسافه ها ، وخواه درزمان فاصله های آتش رعایت کردن به انتظام بسیار بداست . چونکه دشمن به بسیار آسانی آن اصول را آموخته واز صحت وانتظام اصابت طوپ های تو استفاده کرده حرکات خود را به آن توفیق ، وبه اینصورت خودرا از خسار مصون کرده میتواند .

دراثنای محاربه های (شاحو) بنابر امر سوقوماندان یك غند پیاده مجبور شده بودند که دریك نقطه درزیر آتش دشمن بمانند . قوماندان غند بسایهٔ انتظام انداخت دشمن خود را بحمایه کردن موفق شده بود . بلوکها بدفعات در اراضی مذکور موقعهای خود شان را تبدیل کرده بودند . بیکصورتی که گله ها درمیان جا خالیهای که درمابین کندکها بود اشتعال کرده است وبسبب کمتی ساحهٔ تأثیر شان باعث ضایعات جزوئی شده اند . تمام غند (۳) نفر مقتول، و(٤)افسر خفیف مجروح داده ودرخط حرب باقی مانده اند .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 220 of 310

ونیزدریك محاربه ؛ طوپ چنی ژاپان بعدازانکه یك طوپخانهٔ دشمنرا بسکوت مجبور گردانید ، برای آنکه جبه‌خانه وحیوانات آنرا وامیدادمداد آنرا نیز محوکنداز اضلی عقب آن را نیز به کوبیدن دوام نموده بود .

در آتشی که روسها برقصبه ها ، واسنحکامها اجرا میکردند انداخت شراپنلهای مصادمه را باشراپنلهای احتراق ، وشراپنلهای طوپ های صحرا ، وانداخت دانه های طورپیل هاون مزج میکردند ، وژاپانهادرعین احوال باطوپ های صحرا طورپیل وشراپنل استعمال کرده اند . دانستن مقصد این امتزاج اسانست . زیرا گله های که بمصادمه می کنند بمجردیکه بستره‌ها بخورد ازهم میکفندازانرودرپس ستره البته یك حرکت غیراختیاری حاصل میکند . در عقب آن شراپنل احتراق رسیده افرادی را که بیرون برامده اند بضایعات دو چار میسازد .

برای یك تنظیم انداخت مکمل ، اول چیزیکه لازم است همانا وقت وزمان فراخست . آن فکرواعتقادیکه (هرکس نخستین گله را انداخت فتح وظفربه طرف اوست) درینوقت زایل شده است . چونکه مظفریت به گلهٔ نخستین نی ، بلکه بگلهٔ مؤثرنخستین است . لهذا برای طوپ چنی صحرا که موضع خودراو موضع دشمنرا بکمال اعتنا بخوبی کشف کندوقت وزمان ترك باید کرد . لکن تنهازمان هم لازم نیست بلکه برای استکشاف اسپ های بسیارخوب وتیزدو کامل الاوصاف نیزلازم است .

کاراستکشاف تنهابه احوال دشمن انحصارندارد بلکه باقطعات مانیزعلی الخصوص باخط پیادهٔ پیشترین محافظهٔ ارتباط کردن شان لازم است . ژاپانها درانثنای محاربهٔ پیاده ، درین خصوص بسیار اهمیت میدادندکه خط پیش روی ترین تابکجا واصل شده است . المانهادرنقرهٔ (۷۴۴)م تعلیمنامهٔ نوپیادهٔ خود

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 221 of 310

در بنباب میگویند : (ازطرف صنف طوپچی؛ بپیش رو افسرها فرستاده میشود ، واینها به اشارت بعقب خبرها میفرستند . این افسرها ازهمه چیز پیشتر درباب اینکه خطهای شکارتی مابد شمن تاچه قدر نزدیکشده بصنف طوپ چئی خود متمادیاً بمعلومات دادن حصردقت میکنند . تاکه باینصورت طوپچی تاکه ممکن باشد بسیار مدت به اجرا کردن آتش دوام کرده بتواند . »

اینهم حاجت ندارد که بگوئیم که اجرای این وظیفه به وجود افسرها ، وافراد ، واسپ‌ها عرض احتیاج دارد .

حالا اینرا هم آرزو داریم که تفصیلات بدهیم که ژاپانها ، پیش ازانکه به آتش آغاز کنند بچه مشغول میشدند ؟ :

ژاپانها بعد ازانکه ازطرف دشمن دیده نشده به آمدن موضع موفق میشدند به آتش کشادن استعجال نکرده ازهمه اول تربرای طوپ هاستر می کندند وبرای افراد خندکهای ستر ترتیب میکردند ، وبعد ازان بواسطهٔ آلت های تخمین مسافه ، مسافات را تخمین میکردند ، وبعدازانکه همهٔ اینگونه استحضارات را اکمال میکردند به آتش شروع مینمودند . مع هذا اگروقت وزمان برای اینقدر استحضارات مساعد نمیبود بمجرد موضع گرفتن نیز آتش میکشادند .

اما افسران روس دراول امربه استعجال تام به آتش کشادن مسارعت میکردند ، ودرباب تعیین مسافات اهمال میورزیدند . درباب تعیین کردن مسافه تعلیم وتربیهٔ طوپ چئی روس بسیار ضعیف ونافص بود .

ژاپانها وروسها ازعملیات حفریه مبذولاً استفاده کرده اندهرابه های جبه خانه ، واسپ های طوپ کش نیزدفن شده ، وبرسرطوپ‌ها که ازگله و پارچه های شرابنل محفوظ بماند سقفها نیزساخته بودند . ولی اینرا هم بنظر

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 222 of 310

دقت باید گرفت که حرب اقصای شرق را (مواضع حرب) موجود بود، و برای ساختن این کار ها وقت وزمان مساعد بود. معمافیه باوجودیکه طوپ ها سپر دارهم باشد این عملیات حفریه را دانستن واگر امکان باشد تطبیق کردن خیلی لازمی یك کاریست. چونکه سپرها تنها همان افرادی را حمایه میکنند که درعقب آنست. حتی آنهارا نیز کاملاً محافظه نمیتواند.

درموضع های مستور طوپ چی نیز برای افراد خندك های تنك وعمیق حتی الکثر سر پوشیده تأسیس کرده شده است. در زمانهای که آتش دشمن بسیار مؤثر وشدید میبود. افراد به این خندکها التجا کرده تاوقتیکه بسبب کمبودنی جبه خانه آتش دشمن سست میشد دراینجا انتظار میکشیدند.

در زمانهائیکه باوجود هرنوع ضایعات برآتش دوام کردن بنابر بعضی اسباب قطعیاً مقتضی نباشد، این اصول حرکت بسیار باصواب، وخیلی شایان توصیه است. وازین اصول حرکت نفرت کردن هیچگاه معقول نیست.

اگروقت مساعد باشد برای سوق ونقل جبه خانه، وموقعهای ترصد قوماندانهای طوپ خانه هانیز تأسیس کردن راههای اتصال فائده منداست.

زمینهای (مانچوری) بسببی که لخت بوداز توپره های ریگ استفاده های بزرگی شده بود. بنابرین طوپ چی باخوددایما جوالهای خالی برمیداشتند ودروقتیکه برای طوپچی بکار نمیبود دبعسکر پیاده میدادند.

در اثنای مدافعهٔ موضعهای مستحضر، درپیش خندك های شکاری حاضر کردن ستره های طوپ شایان توصیه است که دروقت پرخواستن دشمن بهجوم در درون آنها یکچند طوپ گذاشته شود. صورت حاضر کردن همهٔ این ستره هارا طوپ چی صحرا در وقت حضر باید بیاموزد وباآن کسب الفت کرده باشد.

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 223 of 310

برای کشف نشدن موضع های طوپچی در وقت حرب بواسطهٔ نقابها وچیز های ساخته نما اشکال بایدکرده شود . علی الخصوص دربنیاب ژاپانها اقدامات تعب ناپذیری اجرا کرده اند . برای پیش راندن طوپ خانه‌های خود شان را از بعضی نقطه هائیکه معروض انظار دشمن بود نقابها ساخته‌اند . حتی برای بازی دادن دشمن از چوب تقلید طوپ هاساخته‌درون سپرهای صنعی وضع نموده اند . اما خود شان نیز بعضی بارها از طرف روسها بازی خورده اند . ازین قبیل در محاربهٔ (داشیجاعو) درحالتیکه طوپ خانه های روس بصد هامتر دورتر درعقب بود ، طوپ خانه های ژاپان ساعتها (۱۲) موضع خالئی طوپ چئی روس رابزیر آتش طوپ گرفته اند . درعقب این نقابها یعنی این موضعهای ساخته گی دوطوپ خانهٔ روس موجود بودکه اراضئی پیش راازده (۲۲۰۰) متر ومیکوبید . برین دوطوپ خانه دراول (۳) طوپ خانهٔ ژاپان آتش کشادند . وروسها به آن جواب دادند . بعداز نیمساعت غروب های منفرد ژاپان که از (۲۲۱) طوپ ، ویا (۳) غندك مرکب بوظهور نموده همه بیکباره گی برموضع روس آتش های خودشان را باز نمودند . آتش این طوپ خانه هامضع پیادهٔ روس را که دریك نقطهٔ بود خیلی از خیلی دوچار خسارت نمود . ژاپانها درین یك قانع شده بودند که طوپ چئی روس درهمان (۱۲) موضع سالف الذکر هستند . بنابران برموضع های ساخته گئی مذکور یك آتش شدتناکی اجرا کردند . اماچون دیدند که این بومباردمان مؤثر آتش طوپ های روس راساکت نتوانستند دانستند که بازی خورده اند . باز همه پشته هائیکه احتمال طوپ خانه های روس دران بود بکوبیدن آغاز نهادند اما باز هیچ تأثیر حاصل نتوانستند . وموضع اصلئی طوپ خانه های روس را نیافتند .

پس ازین معلوم شد که فوائد اینگونه تطبیقات وحاضری ها بسیاراست

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 224 of 310

و ازینسبب کار کشف را نیز بمشکلات عظیمه دوچار میسازد . واین مشکلات علی الخصوص درمقابل موضع های مستحضر زیاد تر احساس میشود . قطار های کشف اگرچه بنقطه های ترصد بخزیدن موفق هم بشوند باز هم درباب استحکامهای حقیقی ونقاب های ساخته گی دراصدهای بسیار تجربه کار نیز به مشکلات بر میخورند . اگر افسران استکشاف درباب شرایط انشای اینگونه استحکامها یك وقوف جدی حاصل نکرده باشند منظره ئیکه درپیش نظرشان انکشاف میکند بسببی که معنای حقیقئی آن رانمیدانند راپورهائیکه درانباب بفرستند ازقیمت محروم است . اگر استکشافات موضعهای مستحکم بعدم موفقیت منجر بشود ، امید منجر شدن هجوم بموفقیت نیز خیلی کم میشود .

محافظ طوپچی

اینهم درین محاربه بتحقیق پیوست که برای صنف طوپچی ترفیق وتعیین کردن یك محافظ خصوصی از احتیاجات ضروریهٔ قطعیهٔ حربیه است . درموضع ، برای دوطوپ خانه یك تولی پیاده ودراثنای رفتار ، برای هریك غندك طوپ یك تولی ترفیق کردن کفایت میکند . معما فیه درین خصوص یك قاعدهٔ ثابته وضع کرده نمیشود .

وظیفهٔ این محافظها این است که طوپچی رااز هرگونه تعرضات محافظه کند ، ودرنقطه های مشکل به آن معاونت کند . طرز جریان این محاربه های نو آنقدر پیچیده ومغلق است که یك قطعهٔ پیاده اگرچه در پهلوی طوپ چی باشد ، وهر قدر بحسن نیت آرزوهم بکند به امداد ومعاونت طوپچی شتابان شده نمیتواند . اگر محافظ خصوصی برای طوپچی تعیین شود بالطبع در باب بجا آوردن وظیفهٔ خود مسارعت میتواند .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 225 of 310

در محاربهٔ جوار (شیلیحو) که در(۱۲)م اوکتوبر سنهٔ(۱۹۰٤) بوقوع آمده بودیك طوپ خانهٔ ژاپان که به غند(۳۵) م منسوب بوددرمیان یك دره به آتش پیادهٔ دشمن دوچار آمده بودکه اگر معاونت تولی پیاده که بمحافظهٔ آن مأمور بودنمیبود محوشدنش محقق بود. کذالك درشب(۱۰)م مارچ یك تولی افراد پیادهٔ روس که دراثنای شکست خوردن روسها پراندن طوپ خانهٔ خودمأمور بودند . طوپ خانه رابرهوا نکرده بسبب تلف شدن همه حیوانات طوپ خانهٔ مذکورطوپ خانه را پرشانه های خودشان تابه(۰وکده۰)که (۵) کیلومترمسافه بودرسانده درانجابه غندیکه منسوب بودتسلیم کرده اند .

صندوقهای جبه خانه وقدمهٔ نخستین

صندوق های جبه خانه بعد ازانکه جبه خانه را درپیش طوپ هابگذارند بازبرای جبه خانه گرفتن پس رفته درپهلویاعقب طوپ خانه باستره هاستروحمایه بایدشده. قدمهٔ نخستین ، لااقل از طوپ خانه بقدر(۵۰۰) مترد ورتر ودرپشت ستره ها باشد بود . جبه خانه رابواسطهٔ افرادبایدنقل بدهند. چونکه حرکت اسپهایك طوپ خانهٔ را کتابه آتش از طرف دشمن کشف نشده باشند بخوبی معلوم وپدیدار میسازد . کدامهای کارتوس هرگاه درمیان خندك های کو چك نزدیك طوپ خانه هاباشند هیچیك مضرتی ندارد. شرابنلها اگر کلهٔ تفنگ بر یطانی آن اصابت نکند اشتعال نمیکنند .

کله های طوربیل ژاپان بعضاً از نتیجهٔ اشتعال یك کلهٔ که درجوارشان بوقوع آمده اشتعال کرده اند. درمحاربهٔ (شاحو)صندوقهای جبه خانهٔ ژاپانها برهوا شده یك ابری ازدودسیاه تشکیل داده بود .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 226 of 310

ترصد

پیش ازین گفته بودیم که بهترین چاره ها برای احتراز کردن از ضایعات عبارت ازین است که بهر گونه وسایط ممکنه در باب ستر کردن قطعات را از انظار دشمن مراجعت کنند. بناءً علیه ترتیب کردن خدمت ترصد دشمن را بکمال اعتنا از طرف طوپچی شرط الزم است.

راصدها که افسران وافراد باشند بر تمام امتداد خط محاربه توزیع کرده شده بالذات اجرای ترصد باید کنند. واز ترصدات قطعات مجاور نیز استفاده باید کنند. بواسطه تلفون تبلیغ ترصدات بلاتأخیر به قوماندان های طوپخانه ها و توپچی ها ممکن میشود. برای هر طوپخانه شش هزار متر سیم، و سه چهار استیشن تلفون بکار است بانیر قهای اشارت و دیگر واسطه ها مخابره کردن آنقدر فائده مند نیست چونکه دشمن آنهارا مشاهده کرده برای محو کردن را صد ها فرصت فوت نخواهند کرد. درماه فبروری سنهٔ (۱۹۰۵) در (والیان طون) راصد های روس که باینگونه واسطه ها اخبار معلومات میکردند از طرف ژاپانها سراسر محو و تلف شدند.

در یك منطقهٔ حرب، ارکان حرب افسر بزرگ، و همه قوماندا نهای صنف پیاده وسواری هر معلوماتیکه درباب دشمن بیابند هماندم باید بموضع طوپچی تبلیغ کنند.

ژاپانها از ترصدات حیرت افزایی که چینیان اجرا میکردند نیز بسی استفاده ها کرده بودند. چونکه بسیار بارها در محاربهٔ چین دیده بودند که چینیها با آئینه، و بیرق و آتش دردادن، و دست جنبانیدن، حتی بدر دادن خانه های خودشان از احوال خود خبر میدادند.

ژاپانها در باب ترصد و استکشاف اقسامیکه در داخل تاثیر ساحهٔ طوپخانه

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 227 of 310

های میدان محاربه میبود به آنقدر جه اعتنا کارانه عطف نظر دقت کرده بودند که درهیچ وقت هیچ یك هدف معین از ترصدشان رهایی نیافته است .

اراضئی که درپیش روی یك طوپخانه ئیکه تماماً مستور باشد بسببی که راه براه دیده نمیشود البته که ترصد آن زیاده ترکسب اهمیت میکند . علی الخصوص که قطعات عسکریهٔ پیش رو باقطعات عسکریه وطوپخانه ستر وحمایه نشده باشد وبرای یك شبخون درزیر امنیت گرفته نشده باشد درانوقت این اهمیت زیاده تر میشود .

وازسبب اهمال کردن این تدبیراست که در(۳۰) آگست یك طوپخانهٔ روس که به لوی غند (۶) م سیبریا منسوب بود بهجوم پیادهٔ ژاپان گرفتار آمده وسراسر محو کرده شده است . طوپخانه مذکور دریك کشت زار گندم دریك جای چقوری مستور بود . افراد درپهلوی طوپ نشسته بودند پیادهٔ ژاپان از میان کشت زار پیش رفته آتش کشادند . قوماندان طوپ خانه دراول فیروفات یافت ، ودیگر همه افسرها زخمی شدند ، وافراد جملهٔ زده وزخمی شدند ، و طوپها بدست ژاپانها درامد .

محاربه های شب : — حرکت پیش رفتاری درمیدان بازودرزیر آتش دشمن خواه برای پیاده وخواه برای طوپچی موجب ضایعات جسیمه میگردد . واز ینسبب است که برای ضبط کردن موضع پیش اکثر حرکات دروقت شب اجرا شده است . واز انرو محاربه های شبانه بوقوع آمده است . درأثنای هجوم های شب صف هدفهائیکه ازروزبران انداخت کرده میبودند آنرا بکمال موفقیت کوبیده توانسته اند . دیگر اینکه ازتاریکئی شب درینباب نیزاستفاده کرده اند که بر بعضی موضعهای مستحکمی که درروزبران هجوم برده اند ، چون شب شده طوپ خانه هارا به آن نزدیك کرده وبمجردیکه سپیدهٔ صبح دمیده هاندم یك آتش

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 228 of 310

بسیار شدیدی بران باز کرده اند .

هجوم‌های سواری : — بر یك طوپچی که موضع اخذ کرده باشد، درین حرب اقصای شرق هیچ واقع نشده که سواری یعنی دسته هجوم برو برده توانسته باشد . بنابرین در حرب های آینده نیز — صرفنظر از بعضی احوال استثنائیه هجوم سواری را برمقابل جبههٔ خط طوپچی بجز انتحاریعنی خودکشی بردیگر چیزی حمل نباید کرد .

(تشکیلات طوپچی)

۲

طوپخانه های چارطوپی ، یاشش طوپی : — ایندرب اخیرایندسئله را حل نتوانسته است که طوپخانه هارا از چارطوپ ، یاشش طوپ تشکیل باید داد ؟ طوپخانه های روس از هشت هشت طوپ مرکب بود . وازژاپانها اگرچه شش طوپی بود ولی ازطوپهای سریع آتش جدید نبود . واز طوپهای سریع آتش نوتشکیل طوپخانه های چار چارطوپی ممکن میشود نه زیاده . از طوپهای نوسریع آتش خودژاپانها طوپخانه های چارچارطوپی تشکیل داده بودند ، وبه اینصورت قوهٔ حربیهٔ هرطوپ تزایدکرده وظیفهٔ خودرابخوبی ایفا میکردند ، وازستره هانیزخوبتراستفاده میکردند .

طوپخانه های اوبوس : — دراکثرتوپخانه ها که طوپخانه‌های اوبوس را افزونی داده اند ازینست که استحکامهای صحرای دشمن رابه آن بکوبند . تأثیرات فایقهٔ اوبوسهای گروپ (۱۲) سانتیمتره فی ژاپانها درمحاربه های (یالو ، وپور آرتور ، ولیانوپانع ، وشاحو ، وموکدن) دیده شده است .

یك مخابر فرانسوی نیکه بیطرفانه محاربهٔ (یالو) را تماشا کرده است چنین میگوید :

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 229 of 310

« او بوسهای گروپ جنرال (قوروکی) برخندکهای شکاری روسها توجیه کرده شد . عسکر روس درزیرباران گله های متمادیی که ازروی سما برسرشان باریدن گرفت بضایعات فوق العاده عظیمهٔ آن تاب آور مقاومت نشده شکست خوردند . »

بسببی که خندکهای روس که در (یالو) بود در ظرف کم مدت به گله های اوبوس ژاپانها خراب کرده شد ، حرکات هجوم پیاده راباضایعات بسیار جزوئی منتج موفقیت نمود . آتش اوبوسها هجوم عسکر پیاده راتابوقتیکه (۵۰) متربکنار خندکها نزدیك میشدند استنادوحمایه کرده بود . حالآنکه باطوپ های لیسنده بر آتش به اینقدردوام کردن ممکن نمیشد . زیرا عسکر خودرابهمه حال دوچار مخاطره میکرد .

بانجارب حربیه تأئید وتصدیق شده که برای هرلوی غندپیاده غیرازدیگر طوپخانه هاملك کندك اوبوس نیزباید باشد .

طوپچئی کوهی : — تشکیلات طوپچئی کوهئی ژاپانها نسبت بروسها مکملتربود . وژاپانهاطوپهای کوهئی خودشان راتنهابه استعمال کردن درکوهها وبیراهه ها اکتفانمیکردند بلکه بهجوم پیاده نیزترفیق مینمودند . ودرصفحه های نخستین محاربه ، درونتیکه هنوزموضع طوپچئی دشمن معلوم نمیبود برای مجبورساختن آنهارابرآتش کشادن نیزاستعمال میکرده اند .

هاوانهای صحرا : — بسببیکه طوپ های سریع آتش دورمنزل شرایط محاربه را تبدیل داده ازان رومعلوم گردید که منزلهای هاوانهای صحراوصحت انداخت شان غیرکافیست . انداخت هاوانها ، که باانداخت شرابنل طوپها یکجاباشدهانا منحصربرانداخت گله عبارت میماند .

هرگاه یك هاون صحرایی که نزدیك بمنزل طوپ های صحرایك مسافه شدید

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 230 of 310

النأثیر دانه های طوپیل انداخته بتواند، وهقدر طوپهای صحرا قابلیت حرکت راهالك باشد موجود شود فوق العاده شایان آرزو یك چیزیست. برای هاوانهای صحرا به مرمّی شرابنل آنقدر احتیاج دیده نمیشود.

افواه نارنجهٔ سنگین :— یعنی طوپ های بزرگ سنگین، درین حرب در هر دو طرف موجود بود. امّا از هر طرف بجداگانه مقصدها استعمال شده است. درجهت روسها بسببی که درطوپ های صحرای شان دانه های تحزیب موجود بود به استعمال این طوپ ها مجبور شده بودند. وژاپانها در محاربهٔ (موکدن) بنا برین چند سبب استعمال کرده اند.

۱) در مرکز خط حرب روس اجرا کردن نمایش، و آن را تماماً درزیر تهدید یك هجوم گرفتن.

۲) برای تقویه کردن طوپ های صحرای خود که به اعتبار منزل از طوپهای روس یکقدری کمتر بودند.

۳) مجادله و مقابله کردن با طوپ های محاصرهٔ روس.

٤) برای اینکه طوپ چتلی صحرائی خودرا که درمرکز بود، بجناح چپ که به تشبثهای قطعی مأمور بودند سوق بتوانند.

آتشی که ازطرف این افواه ثقیله بی آنکه باشرابنل مرافقت نمایند اجرا شده بود، تنها یك تأثیر معنوئی اجرا کرده است. وضایعات مادّی ئیکه بحصول آورده چندان شایان تذکار نیست.

آمدیم بر افواه نارنجهٔ ثقیلهٔ روسها: روسها طوپ های بسیار بزرگ سنگین چاپ خودرا درزیر امر قوماندان منطقه توذیع نکرده به استیدان سرافسر کل تول غند آتش کردن لنها مجبور و موقوف نموده بودند که ازینسبب تنها در بعضی احوال منفرده استعمال شده، انداز ان جمله یك نتیجهٔ درخشانیکه این طوپ های

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 231 of 310

روس استحصال کرده اندها نابرده های مستحکمی که در منطقهٔ قول تول غند (۲) مربود اجرا شده است. چونکه بمجردیکه بومباردمان اغاز نمود ژاپانها بخالی کردن ده‌های مذکور مجبور شده‌اند.

والحاصل گفته میشود که اگر امکان تزئید وتقویهٔ طوپ های صحرا با افواه نارنجهٔ بزرگ چاپ ممکن باشد ازین واسطه صرف نظر کردن بالطبع معقول شمرده نمیشود. اماچنانچه پیش ازینهم بود حالاهم همچنین است که استعمال افواه نارنجهٔ سنگین ازلوازمات ضروریه وشرایط اصلیهٔ محاربات صحرا شمرده نمیشود. موجود بودن طوپ های سنگین چاپ در محاربه های میدان وقت حاضر ازاحوال استثنائیه شمرده بایدشد. ژاپانها این طوپ هارا در محاربهٔ موکدهٔ ن بیشتر استعمال کرده‌اند. درین محاربه هائیکه بقدر (۱۰) روز دوام ورزیده هیچیك کار قطعئی ایفانکرده‌اند. قطعه های روس که اطراف مواضع متینهٔ مستحکمهٔ اطراف (شاحو) را ترك کرده‌اند، از تاثیر آتش طوپ های بزرگ محاصرهٔ ژاپانها نبود بلکه بتاثیر حرکات احاطه ئیکه لوی غندهای ژاپان اجرا کردند ترك وخالی نمودند.

مع هذا در المانیادر وقت حاضر به مالزمهٔ طوپ چئی سنگین یك اهمیت بزرگی عطف نموده اند. حتی یك تعلیمنامهٔ مخصوص توی نیز درینباب نشر کرده‌اند. در المانیا تاثیرات این افواه نارنجهٔ بزرگ را درمیدان محاربه باتاثیرات دیگر صنوف به آن درجه مربوط شمرده میشود که مالزمهٔ طوپچئی سنگین را بنام صنف رابع یادوم تسمیه نموده‌اند.

(طوپچئی سنگین صحرا) که گفته شود، طوپ چئی قلعه ومحاصره خیال نبایدشود بلکه عبارت ازمالزمهٔ یك صحراست که اساس وطبیعهٔ آن عبارت ازتعرض است افواه نارنجهٔ که این صنف را تشکیل کرده از (۳) چاپ متشکل است که آن هم

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 232 of 310

عبارت از ینست :

۱۵ سانتیمتره بی اوبوس سنگین صحرا ،

۲۱ سانتیمتره بی هاوان فولادی ،

۱۰ سانتیمتره بی طوپ های سپردار .

اما این چاپ آخری از سبب بسیار سنگینی بحرکات محاصره مناسبتر است لهذا آنرا اخراج کردن لازمست .

اوبوس (۱۵) سانتیمتره بی بعضی اسبابهایی را مالك است که پس لگدزدن راهرو بعد از انداخت ، میل طوپ را پس بحال خودش رجوع میدهد که باین سبب یك نوعی از طوپ های سریع آتش شمرده میشود ، در هر دقیقه از (۳ تا ٤) مرمی انداخت میتواند ، وبادانهٔ مرمیهای بزرگ (٤۲) درجه بی ، یك کلهٔ (٤۰) کیلویی را که (۷) کیلو بادهٔ باریه را احتوا میکند رمی میکنند .

این اوبوس سنگین باشش اسپ کش میشود ، ودر هر نوع اراضی با پیاده سیك سرعت مساوی حرکت کرده میتواند . این طوپ خانه های اوبوس از قرار تعلیمنامه بحرکت عادتی در دقیقهٔ (۱۰۰) خطوه ، بحرکت سریع در دقیقهٔ (۲۰۰) خطوه قطع میکنند ، درقدمه های مختلف جبه خانه ، موجودئی جبه خانه بر هر طوپ (٤۳٤) انداخت اصابت میکنند .

آمدیم بر هاوانهای فولادئی (۲۱) سانتیمتره بی : این افواه نارهٔ ثقیله درزا ویهٔ بزرگتر از ان یك دانهٔ (۱۲۰) کیلویی را انداخت میکنند ، براههای بسیار هموار نیز بصورت عادتی حرکت میتواند ، برای سوق ونقل کردن آن در وقت لزوم برای هر طوپ خانهٔ هاون دو دونولی بایك کندك تخصیص میشود . این ها ونها بر نشست گاههای مخصوصی انداخت میشود ، وبعد از انکه بموضع برسد چار ساعت بعد به آتش کردن مهیا میشود . طوپ خانه ها از چار چار طوپ مرکب

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 233 of 310

است . برهرطوپ چهل چهل مرمی اصابت میکند .

مع مافیه برای این هاونهای (۲۱) سانتیمتره بی درحربهای صحرا یك محل تطبیق یافتن خیلی مشکلست . زیرا حرب اقصای شرق این مطالعات مارا تأیید کرده است .

تعلیمنامهٔ المان دربنباب میگوید: «برای محو کردن استحکامهای موقت ، واستحکامهای دایمی ، به جبه خانهٔ بسیار قیمت بهای این طوپهای سنگین صحرا احتیاج هست . این طوپخانه هابرای یك مقصد معین وصریح به تول غند صحرا رفاقت میکنند . »

اصل وظیفهٔ طوپچی سنگین رادرمیدان محاربه ، تعلینامه بااین چند کلمهٔ مختصر بیان میکند :

« اصل وظیفهٔ طوپچی سنگین عبارت ازین است که درخصوص کوبیدن ومیده کردن نقطه ئیکه سرافسر اصل هجوم پیاده را بران نقطه سوق کردن میخواهد باطوپچی صحرا توحید حرکت بکند . اما برای بوجود آوردن موفقیت این صنف برطوپچی دشمن استحصال کردن تفوق آتش امرضروریست . بنابرین وظیفهٔ نخستین طوپچی سنگین همین است که باطوپچی صحرا که ظهیر واستنادگاه اوست تفوق آتش خود شان را تأمین کند . »

منزلهای این طوپهای سنگین چون درازتر است ازاتر واخذ موضع کردن ، ومنتشر شدن طوپچی صحرا انیز حمایه کرده میتواند . طوپچی سنگین قاعدةً یکیك کندك استعمال کرده میشود . تعلینا ، درباب صورت ادارهٔ آتش طوپهای سنگین چنین میگوید :

« بمجردیکه محاربه کردن لازم آمد ، هماندم طوپچی سنگین ازابتدابرای استحصال کردن یك تأثیر عظیم باهمه طوپ های خود در عین زمان آتش

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 234 of 310

باید کشاد .

« مع هذا اینرا هم هیچوقت از نظر دقت دور نباید کرفت که بسبب کمبودن جبه خانهٔ طوپ چئی سنکین ، وظیفه هائیکه باین صنف تخصیص کرده میشود، باید که نسبت بصرفیاتیکه واقع میشود برابری کند، وبمصرف آن اثبات لیاقت بتواند .

آمدیم برمسئلهٔ هدف یعنی آماج : طوپ خانه‌های سنکین اوبوس بمقابل هدف های ثابت تأثیر بزرکی اجرا میکنند . بامادهٔ اشعالیه ، واصابت پارچه ها ، وتأثیرات کله های خوددر خصوص خراب کردن وکوبیدن طوپهای سپردار ، واستحکامات قوت ناك صحرا ، وخندکها ، وموانعیکه باجنکلها محفوظ باشد خیلی مؤثر است .

متراليوزها : — یعنی تفنکهای ماشیندار درین حرب اقصای شرق اهمیت فوق العادهٔ کماهی کرده اند . نظر به کفتهٔ یك میر آلای روس عسکرهای روس ازطوپها کرده بر تفنکهای ماشین دار زیاده تر اهمیت واعتماد عطف کرده اند . مومی الیه درهر لوی غند پیاده بشرطیکه بهغندها مربوط نباشد ومستقل جزؤنامها تشکیل کند از (۱۲ تا ۱۶) متراليوز موجودداشتن را لزوم نشان میدهد . در اثنای تعرض برای تأمین محافظ کردن نقطه هائیکه ضبط کرده شده از تفنکهای ماشیندار بهترسلاح تصور نمیشود .

ملزمه

۳

فائدهٔ طوپ هائیکه برقونداق خود به پس بجهد به استعمال کردن روسها تحقق وتظاهر کرده است . واین یك مسئله ایست که بصورت قطعیه حل شده است .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 235 of 310

وژاپانها نیز اینمسله راتصدیق کرده اند ، وبه این سبب ادخال وقبول این نوع طوپ هارا تسریع میکنند .

فایدهٔ سپرها نیز درباب استعمال کردن شان از بعضی مثل هائیکه موجود است مستبان شده است . درباب استعمال وسایط صناعیهٔ معاونه این حرب اخیره بسیار نتیجه های شایان استفاده احضار کرده است .

جبه خانه :— صرفیات جبه خانهٔ روسها نسبت به ژاپانها خیلی افزونی داشت . در (شاهو) یك طوپ درظرف یکروز (۳۶۱) انداخت صرف کرده است . در (داشیچاعو) این مقدار به (۵۲۲) بالغ شده است . اما ژاپانها در خصوص صرف جبه خانه بحسن اداره وصرفه جوئی رعایت کرده اند . در (موکدن) طوپ های ژاپان در روزی (۲۲۰) مرمی انداخت کرده اند .

معهذا به این صرفیات روسها دیده اینرا استخراج کردن معقول نیست که اینقدر جبه خانه موجود باید داشت . چونکه در بدایت حرب طوپچی روس بسیار کم تربیه ، وناقص تعلیم بودند ، وبعد از ان هر اراضئی را که هیچ هدف دران نمیبود نیز بیهوده بران آتش میکردند . وبه اینصورت بجا های بیلزوم بسیار جبخانه اسراف کرده اند . باز هم اینرا هم تسلیم باید کرد که نظر بشرایط جدیدهٔ حرب درین اوقات صرفیات جبه خانه بیشتر لازم میآید . چونکه طوپ خانه ها اولا سریع آتشست . ثانیاً طرف دشمن از ستره ها استفاده میکنند ، ودر وقت لزوم ستره های صنعی ترتیب کرده میشود . ثالثاً دشمن نقابها ، واستحکامهای ساخته کی بوجود آورده سبب صرف شدن جبه خانهٔ بیهوده میگردد . رابعاً طوپ خانه ها اکثر با سپرها مجهز میباشند .

آمدیم بر مسئلهٔ مرمی : این حرب اقصای شرق به اثبات رسانیده که نه شرا پنل تی بلکه دیگر نوع مرمیها نیز استعمال باید شود . موجود بودن فیوزهای

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 236 of 310

مصادمه که بخوردن ازهم میکفند از لوازمات ضروریهٔ حربهای حاضر شمرده میشود .

فیوزهای مصادمهٔ روسها ضعیفترین بناهارا نیزخراب کرده نتوانسته است . بلکه یك سوراخی به برابری حجم خودکشاده توانسته است . حتی یك دیوار خشتی را نیزخراب نکرده ، و برسپرهای شکاری نیزهیچ گونه خسارتی نرسانیده .

حالآنکه دانه های طوپیلی که ژاپانهااستعمال کرده اند همهٔ این وظیفه ها را بکمال سهولت ایفا کرده اند . درمحاربهٔ روز اول دسمبرسنهٔ ۱۹۰٤ یك مفرزهٔ ژاپان که دریك خانهٔ منفردی ترصد داشتندیك غندك روس بران آتش کشاده درظرف یکچند دقیقه بایکچند دانهٔ طوپیل خانهٔ مذکوررا از بیخ وبن برانداخته اند . برسپرهای خندکهانیزبسبب صعوبت اصابت تاثیر آن کمتربوقوع آمده ؛ ولی هردانهٔ که اصابت کرده است تاثیر آن بخوبی محسوس شده .

حالاپیش ازانکه باین بحث طوپچی گری راختام بدهیم این را نیزعرض کنیم که سبب یگانهٔ غلبهٔ طوپچی ژاپانهابرروسهاباوجودیکه طوپخانه های ژاپانها ازطوپهای کهنه مجهزبود ، وطوپخانه های روس باطوپهای سریع آتش نومجهزبود ازچه پیش آمد ؟

این است که سبب یگانهٔ این را عرض میکنیم . محقق باید دانست که موفقیت وکامیابی یگانهٔ ژاپانهامحضا ازهمین بود که تول غند ژاپان با طوپچی آن ازجنرال شان گرفته تابسایر سپاهی ، درخصوص قوهٔ معنویه و اخلاقیه بیکدرجهٔ فوق العادهٔ حیرت آورانهٔ بود . وگرنه دراسباب وآلات حربیه هیچ برتری نداشت .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 237 of 310

صنف رساله

بسببی که یك قسم بزرگ دار الحرب کوهستان وعارضه ناك بود ، خدمت سواری بصورت عمومیه دوچار مشکلات شده است . دیگر اینکه بسببی که سواری یعنی رسالهٔ ژاپان عدداً ضعیف بودند ، ووظیفهٔ استکشافیه را باجاسوسها یکجا ایفا میکردند ، بارسالهٔ دشمن بمصادمه لزوم ندیده اندرسالهٔ روس ، با وجود فایقیت عددی شان بسببی که از اوصاف وخصایل تعبویه بتمامها محروم بودند ، ورسالهٔ دشمن شان نیز بسببی که دایما ارتباط خودشان را باپیاده محافظه میکردند بامصادمه یك احراز موفقیت نکرده اند از صنف سواری روس در خصوص استکشافات نیزکه یگانه وظیفه ومقصد شان همانست بخوبی استفاده نشده است . چونکه درزمانهای بسیار مشکل وبحران انگیزی نیزاین خدمت که ازانها انتظار میشد سرقوماندان را از معلومات بسیار قیمتدار محروم گذاشته اند . حالاما درینجا متعاقباً رول سوق الجیش ، وصورت استعمال آن رادر دائرهٔ تعبیه موضوع بحث میکنیم :

وظیفهٔ سوق الجیشیهٔ سواری

استکشافات در مقیاس بزرگ ؛ درعقب دشمن جولان

در بدایت حرب یك غبرك غند سواری درزیر ادارهٔ جنرال (میچه نقو) برای ترصد حرکات پیش رفتاری (قوروکی) تابه (۱۵۰) کیلومتره آنطرف (یالو) رفته بود. دیگر یك حرکت سوارئی روس اینبود که درظرف ماههای اپریل ومی از طرف قایقام (مادرینوف) با (۵۰۰) سوار در داخل (قوره) یك جولان بزرگ اجرا شده است ، وازین جولان دراخبارها بسیار بحث وبیان نشده بود .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 238 of 310

این قاپقام که از (موکدن) رهسپار شده بود ، در اثنای جولان خود از منصب نهر (یالو) (۱۵۰) کیلومتره به آنطرف گذشته ، وگدامهائیکه درراه یافته بود خراب کرده تابه (ژه نسان) رفته بود، وجمعاً قدر (۱۲۰۰) کیلومتریك مسافهٔ را قطع نموده بود .

جولان سوم در جنوری سنهٔ (۱۹۰۵) بازاز طرف جنرال (میچه نقو) اجرا کرده شده بود که ازین جولان نتیجهٔ فائده مندیکه ازان انتظار میشد حاصل نشده است . چونکه درحرکات شان بسیار سستی ووقت ضایع کردن پیش آمده ودرباب ترتیباتیکه برای هجوم (اینقو) گرفته شده بود غلطی نموده بود .

ازین حرکات استکشافیه که یك نمرهٔ فائده مندی از نقطهٔ نظر سوق الجیش حاصل نشده ازینست که باحرکات تول غند هیچ تعلق وارتباطی نداشته لا علی التعیین اجرا کرده شده است . واینهم دلیل واضح است برینکه برای یك مقصد معینی مشترکاً صرف سعی وکوشش نشده هرصنف جدا جدا تشبثات نموده اند .

در (۱۳)م ماه فبروری سنهٔ (۱۹۰۵) ژاپانها نیز برخطوط مواصلهٔ تول غندروس همچنین یك حرکتی اجرا کردند . یك مفرزهٔ ژاپان که از (۱۵۰) سواری مرکب بود ، واجته های (طونغوزها) پشتیبانی به آنها داده شده بوددر (قانچیاتون) که (۲۴۰) کیلومتر بجانب شمال (موکدن) بود برای هجوم خراب کردن خط شمندوفر تشث نمودند که نزدیك بود تشبث شان منتج موفقیت هم بشود . این قوت بجهت شمال غربی عقب کشیده بایك مفرزهٔ پیاده وسوارئی قوتنا کتر خودشان التحاق کرده ویك خط محافظ مفرزهٔ روس را که درراه شان برابر آمد دوچار انهزام نموده بودند .

بعد از محاربهٔ (موکدن) سوارئی ژاپان بصورت بسیار جرئتکارانه در

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 239 of 310

جهت شمال باتول غندروس تمام خودرا محافظه کرده بودند .

حمایهٔ جناحهای تول غند ها : — سوارئی روس تابوقتیکه محاربهٔ (مو کدهن) می چسپید امنیت سوق الجیشیهٔ جناحهای تول غند خودرا بشرایط موافق تأمین کرده است . درتمام موسم تابستان لوی غند های جنرال (میچه نقو) و (رهنتقامف) اراضئی کوهستانیکه درجهت شرق خط شمندوفر بود خطوه بخطوه مدافعه کرده اند . وحرکات پیش وقتارئی مفرزه های ژاپانرا بتأخیر کردن موفق شده اند . معهذا این وظیفه برای صنف سواری روس یك وظیفهٔ عادتی لازمی بود که بسایهٔ موافقت اراضی تایکدجه بصورت شر فناکی اجرا کرده توانسته اند . درمحاربه (لیائویانغ) جناح راست تول غند روس دراول بالوی غند های سوارئی (میچه نقو) و (صامسونوف) مستور بود . اینها حرکات پیشرفتارئی قطار های تول غند جنرال (اوقو) را که از جناح چپ پیش می آمدند بوقت وزمان مناسب آن خبرداده وتأخیر کرده اند . وهم در جناح چپ جنرال (رهنتقامف) مرور (قوروکی) راازنهر (تایچه) هیچ نباشد بقدر (۲٤) ساعت تأخیر کرده بود . بعدازان جنرال مذکور ، درجوار معد نهای (یهنتای) بقدر (۲۷) طرب سوارئی خودرا جمع کرده باآن در (۳۱) م آگست منتهای جناح یسار تول غندروس را ستر نموده . در (۱) م ، و (۲) م ستمبر لوی غندمذکوردرحوالئی (یهنتای) بالوی غند (اورلوف) یکجاحرکت کرده دوبار قطع شدن محاربه را حمایه نموده . ووقتیکه لوی غند (اورلوف) بحال خارج شدن از محاربه درامد سواری پیاده بجنگ آغاز کرده پشته های جنوبئی (یهنتای) را محافظه کرده . وبه اینصورت مقابله ومدافعهٔ قول تول غندهای (۱) م و (۳) م سیبریارا که از (لیائویانغ) آورده شده بود بمقابل حرکت احاطهٔ جنرال (قوروکی) کامیاب آورده بود . در آخر ختام حرکات (لیائویانغ) لوی غند

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 240 of 310

جنرال (میچه نقو) نیز بحمایهٔ جناح روس مشارکت ورزیده است .

در محاربه های (شاحو) جنرال (رمنتقامف) بایك لوی غند سواری و یك لوی غند پیاده جناح خارجی چپ قول غند روس را ستر کرده بود. و برای خوب ایفا کردن این وظیفه یك لوی غند قازاق دیگر نیز بمعیت جنرال الحاق کرده شده بود .

آمدیم بر محاربهٔ (موکدن) : در یکمحاربه صنف سواری روس بر ایفای وظیفهٔ مهمهٔ خود موفق نشده اند و درباب جلوگیری تأخیر دادن حرکات پیشرفتارنی جنرال (نوژی) که قول غند روس را احاطه میکرد هیچ یك خدمت بزرگی نکرده اند. یك کپتان فرانسوی درباب اینعدم موفقیت میگوید:

« باعث اصلی این عدم موفقیت را آیا در کجا جستجو باید کرد ؟ آیا این را برزخمی شدن جنرال (میچه نقو) که درنهایت جنوری زخمی شده ازقو ماندانی بصرف نظر کردن مجبور شده بود حمل باید کرد ؟ یا آنکه بمقابل مهاجمات طو نفوزها که برخط راه آهن شمال اجرا میکردند سوارنی بسیاری به آنطرف سوق شده بود حمل کرده شود ؟ یا آنکه بسبب تضییق یافتن قول غند دوم روس که از طرف جنرال (اوکو) درزیر فشار گرفته شده بود قطعات پیاده را از معاونت لوی غند های سواری گرفته بودند حمل کرده شود؟ اینست که در یخصوص هیچ یك فکر قطعی داده نمیشود . یك چیزیکه هست همین است که صنف سواری خدمت و وظیفهٔ خودرا که سلامت و امنیت تمام قول غند به او تودیع شده بود بجا آورده نتوانست والسلام ! »

درین اثنا ئیکه سوارنی روس این چنین اختیار عطالت میکردند ، در طرف ژاپانها دیده میشد که نخستین بار یك سوارنی بسیار قوتمندی مستقلاً ایفای خدمت میکردند . چونکه یك لوی غند سواری که از (۶) غند مرکب بود در

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 241 of 310

زیر قوماندهٔ جنرال (آقایاما) حرکت جنرال (نوژی) را اخفا وستر میکردند .
در نزد این لوی غند متعدد طوپ های کوهی ، و یك استناد قوت ناك پیاده ، و
(۲٤) مترالیوز موجود بود .

خدمت کشف : — تا بمحاربهٔ (موکدن) خدمت استکشافیه ژاپانها به
جاسوسهائیکه آنها را بیکصورت عجیب وحیرت آوری تنظیم وترتیب کرده
بودند منحصر بود . درظرف اینمدت قطارهای کشف ژاپان تامسافه دور هیچ
دیده نمیشود . از طرف روسها باوجودیکه مملکت خیلی عارضه ناك واهالی آن
دشمن ، وخریطهٔ مکمل هم بدست نداشتند بیك جرأت حیرت آوری اجرای
کشفیات نموده اند .

باین قطارهای کشف علی الاکثر از مردمان بومی یکدو رهبر ترفیق میکر
دیدین استکشافات اکثر یکچندروز دوام مینمود . بعضی قطارهای کشف
در میان قطارهای دشمن بدر امدن کامیاب وموفق شده اند . در نهایت ماه
آگست یك قطار کشف که از داوطلبان (طاغستان) مرکب بودند تول غند جنرال
(قوروکی) را از یکسر تا بدیگر سر قطع کرده ، وجناح راست جنرال (نوزو) را
نیز دور کرده وباقول تول غند (۱۰) م ارتباط پیدا توانسته است .

در سنهٔ (۱۹۰٤) دوطرب کشاف بمعیت خود سر قوماندان روس تشکیل
نموده بود که این دوطرب از افراد افسران بسیار ماهریکه در فن کشافی بد طولا
داشتند بودند . اینها هم برای تحقیق کردن حوادثهای مهمه ، وهم برای مستعجله
استعمال شده اند . درانثنای محاربه این کشافها بر جبههٔ صف حرب ثبت شده
درباب شکل وطرز جریان محاربه واسطهٔ معلومات سر قوماندان میگردیدند ،
ودر زمانهای سکونت حرب در استکشافهای بعیدهٔ پهلو وعقب دشمن استعمال
می شدند .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 242 of 310

ازین معلوم میشود که این تدبیر سرقوماندان روس ازین پیش آمده بود که برصنف سوارهٔ خود امنیت کامله نداشت . اگر صنف سواری وظیفهٔ خودرا بخوبی ایفا میکردند به این مفرزه های خصوصی کشف احتیاج نمیماند .

(استعمال سواری ازروی تعبیه)

سواری روس ، چون اصول اجرا کردن مصادمه را باقطعات بزرگ سواری نمیدانستند ازمصادمه زیاده تر پیاده جنگ کرده اند . سبب یگانهٔ دیگر این نیزاین بود که سواری ژاپان چون عدداً کم بود ازمصادمه اجتناب میکردند .

در تعلیمنامهٔ سواری روس صریحاً بیان شده است که « در بعضی احوال قطعات سواری پیاده باید جنگ کنند ، و بادشمن تعرضی یك محاربه اجرا کنند . » و از ینست که سوار بهای دراغون تفنگهای برچه دار دارند . و قزاقها چون برچه ندارند استعمال کردن شمشیر شان توصیه شده است . روسها در محاربهٔ آتش (طوپچی سواری) خودشانرا درمقیاس بسیاربزرگی استعمال میکنند . (طوپخانه های سواری) روسها بسبب سیاری بسیاری که دارد یك صنف خیلی گزیدهٔ شمرده میشود .

آمدیم برسواری ژاپان : چنانچه روسهاهم تصدیق کرده اند که سواری ژاپان محاربهٔ آتش رابه بسیارمهارت اجرامیکنند، وعلی الخصوص درحرکت کردن باپیاده بصورت مشترك اظهار مهارت فوق العاده کرده اند .

در محاربهٔ (شاحو) سواری روس بسایهٔ پیاده جنگ کردن بمقابل پیادهٔ ژاپان شایان تذکار نتیجه هانحصیل کرده اند .

آتش سواری ، ویاآتش طوپچی سواری گاهی نتیجه های قطعی بسیار غریبی اجرا میکنند که یك مثال آن دراثنای رجعت روسهادر محاربهٔ (موکده ن) از طرف ژاپان هابعمل آمده است . در (۱۱) م مارچ درمیان قافله و

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 243 of 310

قطار رجعت کنندهٔ روسها بسبب صدای یکچند طوپ یك تلاش وهیجان حقیقی بسیار دهشتناکی پیدا شد . این آتش طوپ عبارت ازیك چند گلهٔ بود که ازطرف یك طوپخانهٔ سواری ژاپان که بایکدوطرب سواری بکمال و فقیت وجسارت خودرا در میان قافله ها وقطارهای شکست خوردهٔ روس انداخته بودند بظهور پیوسته بود . این چند گله آنقدر یك برهمی ودرهمی و اضطراب و هیجان در قول غند روس در انداخت که اگر سواری ژاپان یکقدری قوتمندتر می بود در قول غند روس نتیجه های بسیار المانگیزی حاصل میکرد.

مصادمه : — در (وافانغو) اجرا کردن یك هجوم سوارئی روس که بریك طوپ خانهٔ ژاپان اجرا کرده بود ، ودر (۶)م مارچ سوارئی ژاپان که در (او ئه نشانپو) یك هجوم اجرا نمود مثالهای خوبی برای مصادمه نشان میدهد . این هجومها یك برهان روشنیست که محاربه های که بااسلحهٔ جارحهٔ سواری اجرا کرده میشود چقدر قیمت عظیمهٔ معنویه رامالك است .

مع هذا دراجرای هجوم مشکلات بسیاری رخ میدهد که به این سبب در باب انتخاب زمان هجوم از پیش کرده زیاده تراعتنا کردن لازمست .

*
* *

ازین ایضا حات معلوم میشود که رول سواری در محاربات جدیده از اهمیت ساقط نشده است . دوام کردن دورودراز محاربه ها، ودوچار شدن اعصاب بضعف از نتیجهٔ آن، برای صنف حقیقتاً یك ساحهٔ بسیار واسع حرکت و فعالیت احضار وتامین کرده است .

در (۱۰)م مارچ سنهٔ (۱۹۰۵) درنزدیکئی خط شمندوفر این ندا که (سوارئی ژاپان آمد) درمابین عسکرهای روس یك تأثیر بسیار بزرگی حاصل کرده بود . این است که تنها همچنین یك صدا در چنین زمان نتایج عظیمه

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 244 of 310

حاصل میکنند .

سواری بسببی که در روز (۶۰) کیلومتر یك مسافهٔ راقطع میتواند ازانرو هرگاه درپس شان قطار وقافله هم نباشد درعقب تول غند های جدیدبه بسی کارهای مهم تصادف میکند . هرگه سواری به اجرای این چنین حرکتها موفق شود صنف پیاده آن را توقیف کرده نمیتواند .

چیزیکه ازهمه بیشتر باد آوری آن لازم است همانا اهمیت عظیمهٔ پیاده جنگ کردن صنف سواریست . حرب حاضر صریحاً اثبات نموده که چون سواری بر زمین فرو آید برای یك زمان موقت بایك پیادهٔ فایق نیز مقابله کرده میتواند . علی الخصوص که با اوطوپخانه یامترالیوز هم باشد .

یك افسر روس میگوید :

« قطعه های کشف سوارئی ما اکثراوقات از سرعت خود استفاده حرکت های احاطه دشمن را به اینصورت توقیف میکردند که هرگاه حرکت های احاطهٔ دشمن تهلکه ناك میشد یکقطعه سوارئی کشف ما بریك تپهٔ پهلوی قطعهٔ دشمن میتاختند ، وازانجا بر قطعات احاطهٔ دشمن یك آتش بغلکی اجرا میکردند . و بااینصورت به تجربه ثابت شد که ده نفر سوارئی با تفنگ جدید مسلح نیم طرب ، وگاهی یك طرب را توقیف کرده است »

لهذا بسبب این قابلیت آتش سواری هیچ انکار نمیشود که این صنف یك عنصر مهم حرب شمرده میشود .

صنف پیاده

بنابر نتیجهٔ مهم و نخستین ترقیات اسلحهٔ جدیده در محاربات این عصر (۱۹) هم وظیفهٔ استفاده کردن از اراضی برای صنف پیاده خیلی ضرور و مهم شده است . بحقیقت که مسئلهٔ از اراضی استفاده کردن یك قاعدهٔ اساسئی تعبیه

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 245 of 310

جدیده را تشکیل میدهد، چونکه قوت خود را حسن تصرف و اداره کردن، واز تاثیرات آتش دشمن کمتر متأثر شدن، وحرکات خود را از دشمن ستر و اخفا کردن همه کی بسایه استفاده از اراضی ممکن میشود، وبسبب لازم بودن این مسئله استفادهٔ اراضی است که نظامهای صنف پیاده ثابت ومعین نیست، بلکه نظر به طبیعت اراضی هر آن متحول بودنش ایجاب میکند. واین حال خاصهٔ فارقه وممتازهٔ تعبیهٔ جدیدهٔ صنف پیاده را تشکیل میدهد، بناء علیه از همه چیز اولتر ازین مطالعه آغاز میکنیم که آیا از اراضی چسان استفاده کرده میشود:

استفاده از اراضی

ژاپانها در خصوص استفاده از اراضی خیلی زیاده عطف اعتبار میکردند. اما اینرا هم بگوئیم که استفاده از اراضی، شدت اجرا آت را اصلا منع نمیکند. در نزد ژاپانها تنها خطهای شکاری نی بلکه قطعات احاطه نیز از هر نوع ستره ها استفاده کرده به این کوشش میورزیدند که خودشان را بیک حال غیر مرئی درآرند. علی الخصوص شکاریها برای ستر کردن خودشان، ودر اثنای توقف باز جمع کردن خودشان هیچ یک ملجاء وهیچ یک ستره را اهمال نمیکردند. در اراضی صاف وبی سرپناه شکاریها دایما بر زمین میخوابیدند، ودر زیر آتش دشمن میبودند یا بامانغه ها یا باغروپ های کوچک پیش میرفتند. قطعات امدادیه که برای ملاقی شدن خط شکاری فرستاده میشدند از یک برجهیدن تا بدیگر برجهیدن بصورتی که از هر نوع ستره ها بخوبی استفاده کنند به نظامهائیکه موافق اراضی باشد، میدرامدند. این قطعات در صورت عمومیه با خطهای بسیار باریک، واز همکنده پیش شده در ستره هائیکه شکاریها توقف کرده میبودند آنها را تقویه میکردند.

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 246 of 310

قطعات احتیاطیهٔ ژاپنها :دایماًمسافه‌هایی را که درمابین خودشان ودشمن میبود ملاحظه ، وتابعدتیکه اراضی مساعده میکردنظامهای کثیف خودرا محافظه میکردند . این قطعات احتیاط در باب تستر به آخر درجه اعتنا بکار میبردند ، ونادراً دیده میشدند . اماباوجود این همه دقت واعتنابعضی اوقات میشدکه بعضی احتیاطهای ژاپان که بانظام قطار میبودندبه آتش طوپ چنی دشمن ویا ازمسافهٔ بسیار دوربتأثیر آتش پیاده دوچار می آمدندکه تأثیر این آتش آنهارا پریشان میکرد، وتاملجاء های نزدیك آنهارابصورت ابتر برجعت مجبور میساخت .

آمدیم برروسها : بسببیکه اینها لزوم استفاده کردنرا از اراضی نمیدانستند ، وبچگونگی استفادهٔ اراضی نیز واقفیت نداشتند — علی الخصوص در اوایل محاربه — ازانروبضایعات عظیمه دوچار آمده‌اند . دراوایل محاربه که روسها ازاصول استفادهٔ اراضی بیخبربودند. ازکم معلوم شدن دشمن خودخیلی حیرت میکردند . وازینسبب درنظامهای بسیار کثیف به آتش دشمن معروض میشدند . اما این خطاهای شان آهسته آهسته ولی بخون بهای بسیار انسانها تصحیح کرده شده است . ونظر بهادعای بعضی محررهای فرانسوی یکچند ماه بعدهردوطرف درین خصوص یکرنگ ماهرومهارت را مالك شده‌اند .

باوجود اینهم، روسهابنابر اقتضای تمایلات قومیهٔ شان دایمابهم نزدیك وچسپیده حرکت میکردند . وخطهای شکارتی شان آنقدربهمدیگر درامده میبودند که برای انداخت یکدیگر خودشان را نیله وتنبه میکردند . این حال روسها هیچ عجیب دیده نبایدشد . زیرا ازخواص طبیعیهٔ روسهااینست که در زمان تهاجم بایکدیگر بسیار نزدیك میشوند ، وعلی الخصوص دراطراف آمر خودشان به بسیارفشارجمع میشوند . این حال روسهانهادرینسفر (مانچوری)

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 247 of 310

دیده نشده . بلکه در اثنای محاربهٔ هفت ساله دردوران امپراطوری نخستین ، وبعد ازینهم عصر در سفر حرب (قریم) نیزاین حال مشاهده شده بود .

این مسئلهٔ استفاده کردن از اراضی در ژاپانها آنقدر تعمیم واهمیت داده شده بود که درو قتیکه درزیر آتش دشمن بخوابیدن مجبور میشدند بی آنکه پاخیزند درهمانجا که افتاده بودند برای خودشان یك ملجاء وسرپناهی می کندند . اگر دو نفر عسکر میبودند یکی ازان دونفر بر آتش دوام میکردند ، وآن دیگری درجائیکه افتاده بود مانند نباش بعملیات حفریه دوام میورزید .

وبمجردیکه درپیش روی خود یك بلندئی کوچك خاکی حاصل مینمودهماندم به آتش آغاز میکردودرینبار رفیق دیگرش بزمین کنی آغاز مینهاد . اما اینهم گمان نشود که این عملیات تستریه وتحکیمیه برمیل تعرض وپیش رفتارئی ژاپانها یك سوء تأثیری اجرا کرده باشد ، یاآنهارا همان خندکها ، وسرپناههای شان ربط وثابت قدم کرده باشد . نی بلکه دمبدم ازپیش رفتارئی پنهانئی خودوانه ایستاده اند .

برای صنف پیاده ، مسئلهٔ باروت بیدود نیز برای استفاده کردن شان از اراضی خیلی معاونت ومدد رسانی نموده ، چونکه دانستن وتخمین کردن عدد نفری شانرا از طرف دشمن بمشکلات عظیمی برمیخورد ، ودشمنرا درانیاب بغلطیهای بزرگی دوچار میکرد . حتی در محاربهٔ (شاهو) یك کندك خاصهٔ ژاپان همهٔ یك لوی غند پیادهٔ روس را بازی داده به انتشار دادن مجبور نموده بود .

آتشه ملیتر دولت ایتالیا که درمحاربهٔ (ماچوری) فرستاده شده بود درخصوص استفادهٔ ژاپانها ازاراضی این سطرهارا درجریدهٔ (میلیتر ووخن بلات) نشر نموده است :

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 248 of 310

« برای دانستن استفاده کردن عساکر طرفین از اراضی، فوتوگرافهای محاربه را از نظر تدقیق گذرانیدن کفایت میکند. در تصویرهای محاربه دیده میشود که نقری‌های ژاپانها درمیان موجهای اراضی، و پست و بلندیهای ریگ زار سراسر گم و نایاب شده میباشند. و نقری‌های روس دایما معلوم‌دار و آشکارا بنظر میخورد.

« وقتیکه در چول پیرمهای پیش ژاپانها بودم میدیدم که نفرزه‌های روس برسرتپه ها وراهها ظاهر و آشکار پدیدار بودند. وچون بطرف وضعیت افراد ژاپانها نظر میکردم، هیچ چیزی دیده نمیشد. حال آنکه در اثر مینهائیکه شما آن را تنها و از انسان خالی گمان میکردید مقدار کلفی عساکر ژاپان که از روسها بیشتر بودند موجود بود.

« در محاربه های (لیائویانغ) سوارهای قازاق روس را میدیدم که مانند (شوالیه) های زمان قدیم، درمیان دشتی که باکوهها وتپه‌ها محاط بود چار نعله میتاختند، وتفنگهای خودرا بتخمینی وبیهوده گی خالی میکردند. زیرا دیدن ژاپانها که از چار طرف برانها آتش میکردند برای روسها غیرممکن بود. در اثنای این حرکتی که از یک میدان اسپ دوانی هیچ فرق نداشت قازانها خود شان رااسپ‌های خودشان راطعمهٔ آتش ژاپانها میکردند. »

*
* *

مناسبت ومرابطه که درمابین تستر و آتش موجود است چون خیلی شایان اهمیت میباشد از انرو در ینباب به بیان کردن بعضی مطالعات لزوم دیده شده است:

موفقیتی که دراجرای محاربهٔ آتش بدست آید، تابع نسبتی است که درمابین تستر و آتش موجود است. چونکه هردوی این بریکدیگر خود قطعی ترین تأثیر هارا اجرا کرده میتواند.

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 249 of 310

این قاعدهٔ اساسیهٔ حربیه که : « تأثیر آتش به تستر مرجح است » اگرچه این قاعده در ظاهر حال خیلی ساده و بسیط مینماید : ولی مضامین ضمنی آن غوامض کثیرهٔ مندرج دارد . تعبیر (تأثیر آتش) که گفته شد مقصد از آن این است که فرق واختلاف تأثیرات مارا باضایعات ما بنظر مطالعه دراورد . یعنی تأثیرات آتش مارا باضایعات نفرتی ما ، وتأثیرات وضایعات دشمن مقایسه کرده نتیجه بهر طرف که توجه کند آنطرف را متفوق شمردن لازم می آید .

احتیاجی که تعبیهٔ این حرب های زمان آخر طلب میکند همین است که تا ممکن باشد یك قطعهٔ عسکری را تا بسیار وقت از انظار دشمن محفوظ بدارد . لهذا تأثیر حرکت) بر (تأثیر آتش) فایقست . چونکه یك دشمنی که از طرف دیگر دشمن مقابل خود دیده نشود تا بوقتیکه از طرف دشمن غیر مرئی بماند آزادی واستقلالیت حرکت خودرا محافظه میتواند کرد . وهرانقدر که مستوریت قطعات مذکوره کمتر بود آزادئی حرکات شان نیزهمان نسبت کمتر میشود . چونکه حرکات وتدابیر ما ؛ بهر درجه یکه به انظار دشمن معروض بشود ، هیچ شبهه نیست که دشمن نیزهمان نسبت تدابیر وحرکات با مامقابله خواهد کرد . دشمن تنها از تهلکهٔ که ازان خبردار نباشد خوف میکند . وگرنه از قشیبی که آن را به بیند و بران آگاه بشود هیچ نمیترسد . چونکه درجهٔ اهمیت آن را تقدیر وتخمین کرده ازهمان قرار تدابیر وحرکات او نیز کار میکند .

بناءً علیه محاربین هرانقدر که از ستره های اراضی استفاده کنند احتمالات موفقیت بهمان نسبت کمتر میشود ، وتأثرات عسکر نیز کمتر میشود ، واحوال معنویهٔ شان ساکن وبی هیجان میماند . پس نظر به این ملاحظات به تحقیق میرسد که : « تستر برای بیشتر تحصیل کردن آتش واسطهٔ بسیار قوی ومتین می باشد . » چونکه ضایعات خودما از ضایعات دشمن که بقدر ما تستر نکرده اند

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 250 of 310

کمتر بوده تاثیر آتش ما نیز بهمان نسبت افزونی میگیرد و از انسبب از تاثیریکه به آن دوچار میشویم زیاده تر تاثیر اجرا کرده میتوانیم .

اما شایان دقت این است که این تاثیر افزونی تاثیر انداخت مانی بلکه از کم تاثیری آتش دشمن برمایش می آید . والحاصل نتیجه اینست که : دو فقیت متقابلا دو قطعهٔ محارب که درداخل شرایط متساویه آتش اجرا میکنند تابع اینست که ستره های شان نسبت بیکدیگر غیر مرئی باشد .

استحصال کردن تفوق بواسطهٔ آتش، وحرکت، ودوچار کردن دشمنرا بغفلت برای صنوف ثلاثهٔ عسکریه موقوف براستفاده کردن است ازاراضی . یعنی استفاده ازاراضی واسطهٔ بسیار قوی ومتینی ست برای حاصلکردن نتیجهٔ موفقیت . واینرا هم بایددانست که برای استفاده کردن ازین واسطه واجب اینست که دروقت حضر ، درمابین این سه عنصر مهم یعنی (حرکت)، (آتش)، (تستر) مناسبت ویگانگی رابخوبی ودرستی تقدیر وتامین بایدکرد .

قطعه های کوچك نسبت بقطعه های بزرگ آسانتر (ستره) پیدا میتوانند ازاز و یك (تفنگ ماشیندار) برهانقدر عدد تفنگی که با آن معادل باشد فایق می آید .

ازین ملاحظات که تابه اینجا بیان شددرباب مناسبات آتش ، وتسترقواعد این چیزهای ذیل استخراج کرده میشود :

۱ — استحصال کردن یك تاثیر مکمل ، بایك تستر مکمل ، غایهٔ امل را تشکیل میکنند .

۲ — در حرب تاثیر هیچ وقت یکطرفه نی بلکه اکثر دوطرفه است . پس درانحال تاثیر که گفته شود ، تنها تاثیریکه یکطرف اجرا میکند دانسته نشود ؛ بلکه فرقی را که درمابین ضایعات ما ، وضایعات دشمن است بنظر

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 251 of 310

مطالعه باید کرفت .

۳ — یك ستر خوب : برای حاصل کردن تفوق آتش قوی ناك ترین وا سطه هاست . ستره هر قدر که غیر مرئی باشد تاثیر آن نیز بهمان نسبت زیاده میشود . واکر یك ستره ئیکه از طرف دشمن واضح دیده شود بجای آنکه فایده بر ساند بالعکس ضرر میرساند .

٤ — درجهٔ استفاده کردن از ستره تابع جنس وطبیعت سلاح میباشد . درصورت عمومیه تنها اسلحهٔ ثقیله کاملاً مستور رامه انداخت اجرا کرده می تواند . اما دراسلحهٔ خفیفه میل تفنك ، واقسام علویهٔ افراد بدشمن معروض میماند که اینهم غیر قابل اجتنابست .

٥ — اسلحهٔ ثقیله در وقتیکه کاملاً مستور بوده آتش کند ، اکرچه ازین جهت تاثیرشان ناقص هم بماند ، باز هم بردشمن خود که درمیدان باز آتش میکند فایق شمرده میشود . تابوقتیکه موضع مستور آهسته آهسته ازطرف دشمن کشف وتعیین بشود ، ودر تاثرات هردوطرف یك توازن حاصل بشود باز هم دران وقت فوائد خوبتر ترصد کردن ، وقابلیت حرکت را بخوبی محافظه کردن بهمانطر نیست که مستوراً آتش میکرد .

٦ — نظر بضایعاتیکه وقوع آن محتمل است ، هرکاه نتیجهٔ موفقیت و کامیابی زیاده تر باشد دراونوقت ازستره صرف نظر کردن شایان توصیه است .

محاربهٔ پیاده

درینمحاربه نه درطرف ژاپانها ، ونه درطرف روسها به اصول (بوئر)ها یك پراکندکی وتیت وپرکی دیده نشده است . درهمهٔ محاربه های اقصای شرق ، شکاریها خطهای بسیار باریك تشکیل می دادند ، وبه احوال دیده

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 252 of 310

باما نفه مانفه ، یاباغروپهای کوچك کوچك پیش میرفتند . مع هذادرباب حر کتهای شان که با خطهای کثیف وغلو یعنی یکنك خطوه ازهم دور ، حتی آرنج بآرنج حرکت پیش رفتاری شان بسیارمثالهادیده شده است . درزیر کثیفترین آتش دشمن نیزحرکات پیشرفتاری شکاریها تظاهر کرده است . اماشرط اعظم این پیشرفتاری شکاریها اینست که با آتش شدید طوپ حمایه شوند ، وبرای پیشرفتاری بسیاراستعجال نکنند ، ودم راست کرده پیش شوند .

حرکات جهیدن عسکرها ازیك نقطه بدیگرنقطه درزیر آتش دشمن اکثربا غروپهای (۱۵) نفری و (۲۰) نفری اجرا کرده میشد . افراد در اثنای دویدن بخواهش خود شان حرکت میکردند ، وباز باهم یکجا میشدند . جهید نها تقریباً بدرازی ، (۵۰ تا ۶۰) خطوه بود . درصورت عمومیه افسران بایکچندنفر پیشتر ازهمه حرکت میکردند . بعدازان افسران کوچك افراد متباقی را به پیش رفته گیها نزدیك میکردند . این حرکات خیزان خیزان بسیار تعب آور بود که ازانرو درهر ملجاء وسرپناه توقف شان دراز میشد .

دراراضی باز ، در هر ستره خوابیده آتش کرده میشد . معهذا در میان راپورهای تفصیلات محاربه ها بیك راپور شایان دقت تصادف کرده شده است : افسرغبرك غندروس دریکی ازراپورهای خودکه درباب محاربهٔ یکی ازروز های جنگ (شاحو) بجنرال (دراغومیروف) فرستاده بودنوشته بود که : « بر فرمودهٔ شما حرکت کردم . و غبرك غندرا بی آنکه بر زمین بخوابانم بهجوم سوق نمودم ، ودشمن را گریختاندم . »

اما این یك حال خصوصی ومستثنائیست که برای اراضی باز اینگونه حر کت قاعدهٔ عمومیه اتخاذ نمیشود . اینگونه حرکت تنها دروقت هجومهای نا

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 253 of 310

گهانئی شیخون استعمال شده میتواند . در (۱۱)م اوکتوبر سنهٔ (۱۹۰٤) یك مفرزهٔ پنج کندکی روس بی آنکه یك گله هم بیندازند دشمنرا به شیخون تاگهانی دوچار آورده یك غند ژاپان را باسر نیزه بضایعات عظیمه گرفتار آورده اند . این هجوم آنقدر ناگهانی اجرا شده بود که یك قسمی از ژاپانها بگرفتن تفنگهای خود شان که کوت بسته بودند نیز فرصت نیافته بودند .

مسافهٔ انداخت ، ونوع انداخت : — تفنگ های نو، بشرطیکه مقدار بسیاری جبخانه صرف شود از (۲۰۰۰) خطوه بدشمن ضررهای کلی میرساند . معهذا این آتش چنانچه درتعلیمنامه هامذکوراست باید که برای کوبیدن یك ساحهٔ اراضئی معین ویاهدف های واسع ذیروح استعمال کرده شود . مانند قطارهای ثقیله ،وقطعات جسیمه ،وقطارهای رفتار .

(از ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰) متر اجرا کردن اتش یکجا یکی که برقطعات نظام قطار اجرا کرده شود ، معناً نتایج حسنه حاصل میکند . طرفیکه این انداخت را اجرا کرده باوجودیکه دشمن غیرمرئی بوده تاثیرخودرانشانداده، وضایعات بوقوع اورده است .

از (۱۵۰۰) خطوه ، اتش شکاری اغاز میکرد . بسببی که هردوطرف در پنهان شدن ساعی بودند ، برای اجرا کردن اتش جمع ویکجایکی هدف پیدا نمیشد . ازینسبب هدف هارا تفریق کردن ،ونقطه هائی را که بران نشان گرفته شود نشان دادن غیرقابل شده است .

اتش شکاریکه ازین مسافه اغاز میکرد گاهی کثافت وشدت خودرانزئید ، وگاهی سراسر منقطع مینمود . ژاپانها اتش جمع ویکجا یکی خود شان رابقا بل بسیارمسافه های دور، ویاازطرف قطعات احتیاط استعمال میکردند، و بعد ازهجوم افرادرا بازدرزیردست خودجمع اوری کرده استهلاك جبخانه را

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 254 of 310

منع میکردند وهمین نوع آتش رادایما ترجیح میکردند .

تأثیر آتش از (۱۲۰۰) متر بسیار شدید میشود . اما تأثیر آتش هر قدر که مؤثر بشود باز هم شکارهایی را که خوب تستر کرده باشند — اگرچه در مسافه های بسیار نزدیك هم باشند — سراسر ساکت ساختن وموقع های شان را خالی کراندن قابل نشده است .

طرفین چون بیکدیگر نزدیکشوند هدفها طبعاً خوبتر دیده میشوند . اما عصبیت و هیجان نیز بهمان نسبت زیاده میشود . یکی از برکدهای روس در اثنائیکه آتش بهایندرجه کسب کسافت میکرد ؛ « بژس گله هارا به خت خت یك دیگ بسیار بزرگی که بحال جوش خوردن باشد » تشبیه داده است . درچنین اوقاتها در مسافهٔ (۴۰۰ و ۵۰۰) متر بدرستی نشان گرفتن خیلی مشکل مینمود ازانرو گله های شان سرگردان بر هدفهای بسیار دور عقب شان اصابت میکرد .

تجارب حربیه بخوبی نشان داده است که هروقتیکه مهاجمین بقدر (۱۵۰) خطوه ویا کمتر ازان بمدافعین نزدیك شده اند ، آتش مدافعین تمام بها غیر مؤثر شده است . شجیعترین نفریها نیز بیك حال عصبیتی گرفتار آمده قوت خود شان را غایب کرده اند . حتی نفری هائیکه بسیار نشان اندازهای ماهر بوده اندو بچند ها تجربه های حربیه ملکه ومهارت زیادی پیدا کرده اند بازهم درچنین حالها از صحت انداخت تفنگ خود استفاده نکرده اتکلی وبرهدف موهومی گله انداختن گرفته اند .

این است که در چنین زمانها میترالیوزها یعنی تفنگهای ماشیندار یك اهمیت فوق العاده گرفته اند نفری های تفنگ های ماشیندار بسببی که باسپر مستور بودند مانند عسکرهای پیاده بهیجان عصبی گرفتار نمی آمدند وصف های مهاجمین را دروکرده اند .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 255 of 310

درمیان غلیان عصبیت، وجوش وخروش محاربه ، ولوله وغلغلهٔ مطرد وآهنگدار تفنگهای ماشیندار که بکمال سکونت واعتدال گله میبارانیدند یك تأثیر بزرگی حاصل کرده بود. نظر بحکایتی که افسران روس میکردند چنان معلوم میشود که در هردوطرف — علی الخصوص درطرف روسها یك (آتش شکار ئی حقیقی) اجرا کرده نشده است . چونکه تربیه وتعلیم شکاریان روس در خصوص انداخت بسیار ناقص بوده. دلیل واضح وبرهان روشن آن نیز اینست که نشانگاههارا بمسافات مختلفهٔ محاربه تبدیل نداده دایما بریك نشانگاه انداخت اجرا کرده شده است . روسها در ابتدای امر از شدت آتش شکاری های ژاپان خیلی متأثر شده اند . اما آهسته آهسته باآن الفت حاصل کرده اند. بواقعیکه درمحاربه های آتش که ازمسافه های نزدیك بوقوع میآمد تأثیر مادئی آتش تناقص کرده. قوهٔ معنویهٔ مدافعین تزاید کرده است .

بعضی زمانها یی شده است که بواسطهٔ ایشپلاق، وصفیر نیز آتش قطع کردن افرادی که اعتدال دم خودشان راضایع کرده بودند ممکن نشده است .

جبخانه — درین حرب اخیر صرفیات کارتوس بسیار عظیم شده است در اثنای محاربهٔ (شاحو) دیده شده است که دریك روز بعضی غند ها که عدد موجودئی نفرئی شان خیلی کم شده بود در یکروز (۲۰۰،۰۰۰) کارتوس سو ختانده اند . غند (۱۳۸) م از (۱۳ تا ۱۷) م اوکتوبر (۱،۹۲۰،۷۳۰) کارتوس خرج کرده اند .

غند شکارئی (٤) م سیبریا در (١٤) م اوکتوبر سه بار هجوم ژاپانها را بمو فقیت دفع کرده بود. ژاپانها از خندکهای روس (۳۰۰) متر دورتر خودرا رسانیده بودند . لکن درین اثنا برای روسها چون کارتوس باقی نمانده بود آتش شان سستی پیدا کرده بود . مهاجمین باز بر هجوم پرداختند ، وخودرا بخندکها

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 256 of 310

رسانیده محاربهٔ شدید برچه بوقوع امددرین حرب اقصای شرق کیفیت بی جبخانه ماندن ، بسیاربارهابوقوع آمده، علی الخصوص درطرف روسها.

والحاصل صرفیات جبخانه درین حرب از مقدار نظا مئی آن که درنزد عسکر موجود بودن ان قاعده است خیلی تجاوز کرده است . در ابتدای حرب برسرهر نفری (از ۱۲۰ تا ۱۵۰) کارتوس تقسیم شده بودرفته رفته به (۲۰۰ تا ۲۵۰) بالا برامد .

در محاربهٔ (شاحو) دروزهای (۱۱و۱۲)م اوکتوبر نفری های غند (۹)م چارصد چارصد کارتوس صرف کرده بودند . درطرف ژاپانها نیز عیناً همین حال واقع شده بود . از نفریها بکس های شان گرفته شده بجای ان برسر ادم دوصدد وصد کارتوس داده بودند . برای رسانیدن کارتوس به خطهای شکاری بدرجهٔ اهتمام تمام احضار شده بود که یکنفر (۷۰۰) کارتوس برداشته میتوانستند . باوجود اینهم قطعات پیاده علی الخصوص بعد از آتش تعقیب بی جبخانه مانده اندواز انروبسی فرصتهای گرانبها را غایب نموده اند .

انحرب های وقت حاضر بسبب این غیر مرئیتها ئیکه دارند، واین سحت وسرعت های اندا ختی که تفنگهای شان دارد؛ بیك خدمت استخباریه بسیار محتاج میباشند که این خدمت استخباریه ازشرطهای الزم واقدم شان شمرده می شود .

برای حاصل کردن این خدمت لابدولازم چنانست که درموضع محاربه هرگاه یکدر ختی، یایك خانهٔ، یایك تپهٔ بی وماشبه ذالك یك چیزمعلوم دارو معینی که دیده شود درانجاهایك ادم بایك بینی که بایك دوربین بسیارتیزبینی مجهز باشد بنشانند که آن آدم دشمن رایك لحظه ازنظر غائب نکند، وکوچکترین خطا ها ئیکه ازطرف خود شان ویاازطرف دشمن بوقوع ایدازان زودخبر بدهد

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 257 of 310

ودقیقه بدقیقه یك ترصد دایمی اجرا نماید .

هرگاه یك ساحهٔ انداختیکه بیش تر از (۱۵۰۰) متر باشد بران آتش جمع ویکجایکی شایان ترجیح است . ودر مسافات کوچك ووسطی بشرطیکه تربیه وضبط وربط مکمل باشد آتش شکاری مؤثر تر است .

حالا قواعد اساسیهٔ شرایط محاربه را اجمال کرده مینویسیم که این شرایط عبارت از پنجند فقرهٔ ذیل است :

۱) قطعه های اراضی ئیکه از انظار ترصد دشمن تماماً مصون باشد، آن اراضی را از تأثیرات آتش دشمن محفوظ باید شمرد .

۲) برای کم کردن ضایعات بهترین چاره ها پنهان ماندنست . بعد از ان نظام هارا کمتر کشیف کردن .

۳) بکمال اعتنا با لذات دشمن را ترصد باید کرد .

٤) برای اینکه دشمن را یك آن از نظر دور ندارند، ونظر بمعلوماتیکه بگیرند حرکت بکنند ، وعلی الخصوص بصور تیکه ایجاب بکند ما نوره بکنند بوا سطهٔ راصد ها ، بیك ترصد واستکشاف خصوصی اشد لزوم . وجود است .

٥) در ادارهٔ آتش به استقلالیت وآزادی وسیعه مالك باید بود .

٦) و افر صرف شدن جبخانه را در پیش نظر دقت باید گرفت .

طرز اجرای هجومها : — موافق بر اصول وقواعدیکه در تعلیمنامه های حرب روس وژاپان توصیه وسفارش شده به اثبات رسیده که همچنان هجومها وهجومهای مقابل نتیجه بخش موفقیت گردیده است . لهذا حالا بیان کنیم که این هجومها ایادر زیر چگونه شرایط اجرا شده است :

ژاپانها پیش از انکه بهجوم اغاز میکردند ، در اول امر، دایما از مسافهٔ (٦۰۰ تا ۸۰۰) متر در خصوص تفوق کردن اتش پیادهٔ خودشان بر دشمن حصر دقت

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 258 of 310

واعتنا میکردند. روسها نیز در اکثر احوال بهمین صورت حرکت کرده‌اند.
اینرا هم باید دانست که طوپچی نیز در تخصوص بشدت اشتراك میورزید. در جاهائیکه اجرای هجوم حقیقی ملتزم نمیبود نیز به این حصول تفوق آتش سعی وغیرت ورزیده میشد. بیکصورتیکه بردرازی همهٔ جبهه بشدت تمام آتش تفنگ اجرا کرده میشد. این آتش گاهی بسیار دراز میشد، ومنمادیاً پنج شش ساعت وبلکه زیاده تر دوام میورزید.

بعد ازانکه بر تفوق آتش قناعت حاصل میشد بهجوم ابتدا میشد. حرکت هجوم، گاهی با گروههای کوچك پی هم دیگر، وگاهی بقطعه های بزرگتر ازان حتی گاهی باهمه تولی ها متعاقب همدیگر خیزان اجرا کرده میشد. قطعاتیکه در خط نخستین توقف میکردند (رافال؟) های بسیار شدتناك اجرا میکردند، وپیش از حرکات جهیدن نیز دایما (رافال؟) میکردند. واز سترها هم به آخر درجه استفاده شده بود.

معهذا باوجودیکه در خصوص احضار هجوم، واستحصال تفوق آتش به اندرجه سعی وکوشش ورزیده میشد باز هم مهاجمین اکثر اوقات در باب قیمت ودرجهٔ حاضرئی هجوم بازی خورده اند. اینهم ازین پیش آمده که یا تمام در ها نوقت برای قوهٔ مدافعین قوهٔ امدادیه آمده، یا آنکه طوپچئی مدافعه بصورت مؤثر وفائده مند بصحنهٔ فعالیت داخل شده است.

در انحال اکثر اوقات هجوم مهاجمین در چار انکسار شده زیر آتش دشمن تابملجائیکه از انجا بهجوم آغاز کرده بودند برجعت کردن مجبور میشدند. ویا آنکه در ها نجا برز مین چسپیده میماندند. در چنین زمانها برای استحضارات نو، وباز هجوم کردن بورود احتیاطهای تازه احتیاج پیدا میشود. برای اینچنین هجومها نیکه عقیم، وبیفائده مانده، ومهاجمین در زمین خوابیده وبعد ازان باز موفق

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 259 of 310

شده اند بسیار مثالها موجود است . اما اینرا هم باید دانست که یك هجوم یکه بخوبی حاضر شده باشد وبسیار مدت با آتش طوپچی حمایه شده باشد، وبصورت جدی اجرا شود آتش مدافعین کسر کرده نمیتواند .

درانحال اگر قوهٔ معنویهٔ مدافعین بدرجهٔ کافی برهم نخورده باشد، گلوبگلو بامها جمین آمده زدوخورد سرنیزه بوقوع میامده . وبعدازانکه باینصورت یك محاربهٔ سر نیزه بوقوع می آمد ، ویادیرباز ودبه انجام میرسید نتیجهٔ قطعیه معلوم میشد . اکثراوقات روسها وقتیکه میدیدند که آتش شان صولت مهاجمین را نمی شکست ، باسر نیزه بهجوم مقابل برخاسته ، واز سپرهای خود برامده بمقابل دشمن خود شان میبرامدند . این صفحهٔ هجوم الحق که خیلی شایان دقت است .

ازیکطرف مهاجمین رامیبینیم که بسی مشکلات را برخود گرفته، وبرخیلی موانع غلبه جسته ، وبسایهٔ تفوق آتش طوپ وتفنگ خود بردشمن هجوم نموده ، وبموضع نزدیك دشمن خودرا رسانیده ، وباینصورت منتظر امید های داخل شدن به استحکام های دشمن شده خواهشگر رچیدن ثمره های جانفشانیهای خود میشدند .

از دیگر طرف مدافعین را می بینیم که بر محاربهٔ تعرضکارانه ، وفق نیامده درزیر آتش مؤثردشمن درمیان سپرهای خود به پنهان شدن مجبور شده ، ومنع پیش آمدن پیاده های دشمن جراً تکار خود کامیاب نیامده به ناامیدی ترك موضع خود که ازبسیار وقتها آن را بهزار خون جگر مدافعه کرده اند گرفتار آمده اند .

پس در چنین حال خطرناك بحران اشتمال، برای طرف مدافعین یك کار باقی میماند که بکمال جرأت وجسارت این تفوق وحاکمیت دشمن را حقیر شمرده با

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 260 of 310

ضربه های سرنیزه ازسپرهای خودبیرون برامده دشمنرا استقبال کنند.

این حرکت جسورانهٔ مدافعین احتمال کلی دارد که دشمنرا مغلوب ومنکسر نماید. زیرا مهاجمین که بمشکلات مدیدی خودرا تابه انجاهارسانیده اند البته ازتاب وتوان افتاده مهیا شند. لاجرم در پیش اینگونه حرکت جسورانهٔ قهرمانانهٔ مدافعین منهزم وپریشان میشوند.

باز تکرار میکنیم که درچنین احوال هرنوع عناصر ومؤثرات مادی از حکم وتأثیر ساقط وعاطل مانده، احوال روحیه ومعنویه بدرجهٔ نخستین اجرای تأثیر میکنند. اعصاب دو مخاصمیکه اینچنین بهم نزدیك رسیده باشند به آخردرجه متأثر وخلدارشده نفنگیکه بدست دارند آنرانیز به امنیت و صحت تمام استعمال کرده نمیتوانند. بنابرین درچنان وقت ها کار بانداخت کامل، وتفوق آنش پیش نمیرود، بلکه بجرأت، وعزم، وعلوهمت بانجام میرسد. زیرا مهاجمین هرانقدر که برقوت خود اعتماد داشته باشند، وازبر طرف کردن اینهمه مشکلات وموانعات، ونزدیکشدن به اینقدرجه بمدافعین سرعت نشهٔ نلفربا شند بازهم درمقابل این حرکت جرأتکارانهٔ مدافعین که ازسپرهابرامده سرنیزه برانها بتازند معتادوچارهیجان میشوند. چنانچه دربعضی اوقاتی که روسها همچنین حرکت کرده اند ژاپانهاباوجودیکه خود رابسیار به استحکامهای آنها نزدیك هم کرده بودند تاب آورمقاومت نشده رجعت کرده اند.

این تأثیرمعنوی تهلکه برچه راکاهی در هجوم مهاجمین نیزمی بینیم که درینباب نیزبسی مثالها موجوداست. ازین قبیل یك غند سیبریاکه درائنای محاربهٔ (یالو) درجوار (نوره نچون) ازطرف جناح راست ژاپانها احاطه شده بودند، وخط رجعت شان بریده شده بود، بقوت هجوم سرنیزه صفهای

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 261 of 310

دشمنرا شکافته راه برای خود باز کرده اند . درین جا دیده میشود که یك نمونهٔ قیمتدار ترین فن تعبیه بسایهٔ هجوم برچه عقیم مانده است .

کذا لك بسی مثالها موجود است که هجومها ئیکه بعزم وشدت اجرا کرده شده است بموفقیت نتیجه پذیر گردیده است .

در (۱۳) م اوکتوبر ، ژاپانها باقوتهای عظیمی که هجوم بردند اقسام پیشروی قول غند (۱۰) م روس راکه ساحلهای (شاحوپو) را گرفته بودند دفع کردند ، ودیگر بعضی هجومهای شان نیز مرکز قول غند روس رابسوی (شاحو) برجعت مجبورساختند روز دیگر بساعت (۱۰) جنرال (قوروپاتکین) فرستادن یك قسمی از احتیاط عمومی رابه امداد مرکز ضرو ری دیده (۲) طوپخانه ، و (۲) طرب سواری و (۲) غند پیاده رارواله نموده ، با این قوتهای کندکها (۲) غند دیگر نیز در اصل موضع محاربه موجود بود که همهٔ اینها بزیر ادارهٔ یك برکد داده شده بود .

این هجومها را یك کپتان روس در اخبار (روسکی انوالد) اینچنین تصویر نموده است :

« یکی از غند های پیاده که (۲) کندك آن در خط پیش ، ویك کندك آن در احتیاط بود ، بر پشته ئیکه خدمت موضع انداخت را میدید جابجا شده . ازین جا بعد از زوال تا بساعت چار یك آتش شدید تفنگ اجرا کرده شد . درین اثنا طوپخانه ها هم رسیده وظیفهٔ حاضر شدن هجوم را برتپهٔ که ژاپانها آنرا گرفته بودند عهده نمود .

« این حاضری ها تا بیکساعت دوام نموده بساعت پنج بعد از یك باران شدید اشارت تعرض داده شد . این اشارت بر تمام جبهه به بسیار نشاط وسرور قبول شده غند های پیاده به آتش شدت ناك تفنگ دشمن اهمیت نداده بیك

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 262 of 310

عزم قویتی پیش شدند .

« عسکرها بلا توقف پیش میرفتند . مهاجمها وقتیکه بموضع ژاپانها نزدیك شدند غیر از جناح چپ دیگر بر همه امتداد خط حرب آتش را منقطع کردند . اما آتش تفنگ جناح چپ رفته رفته تزئید شدت میکرد . از اثر وعسکرهای مابقوت سر نیزه ژاپانهارا از جائیکه در آن تحصن کرده بودند براوردند . ساعت شش وقت شام بود که شکاری های روس پشته های موضع ژاپانها را ضبط نمودند . »

این محاربه شایان تدقیق است . در اینجا می بینیم که هجوم بایك آتش شدید طوپچی که تا بخط شکاری هجوم خود را حمایه کرده ، هجوم را منتج موفقیت کرده است . بعد ازانکه این حاضرتی طوپ چی به انجام رسیده قطعا تیکه بهجوم مأمور بودند بی آنکه یکدم توقف کنند پیش رفته موضع ژاپانها را ضبط کرده اند . معهذا در اینجا یکبار این دیده میشود که هجوم تا سینه بسینه رسیدن پیش رفته ، وتنها حاضرتی آتش کافی نیامده به استعمال برچه احتیاج پیدا شده است .

حالا در باب ژاپانها نیز یك مثالی دگر عرض میکنیم که این مثال از یك رساله فرانسوی ترجمه شده است :

« در اثنای محاربهٔ (لیائویانغ) از طرف لوی غندهای (۳و۵) م تول غند (اوقو) یك موضع روس را باینصورت ضبط کردند : روز (۳۱) آگست بوقت صبح طوپچیهای ژاپان برای تسهیل کردن هجوم ؛ خندك های روس را بایك گرد بادطوفان گله ریزی ستر نمود . پیادهٔ ژاپان در خندکهای خودشان که بقدر (۱۰۰۰) متر دورتر از موضع روس بود منتظر امر هجوم نشسته بودند . در خط اول یك قوت (۳) کندکی موجود بود . افراد در میان خندکها آرنج به آرنج نشسته بودند . مسافه ئیکه قطع کردن آن لازم بود صاف وباز بود وبجز یکدو کمبولتی دگر هیچ سترهٔ موجود نبود . برای هجوم ، عساکر موجوده

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 263 of 310

را بر غروپ های (۲۰) نفره و (۱۲) نفره تقسیم کردند، وغروپ هارا درزیر فرماندانی یکیك افسر کوچك تودیع نمودند. وبهریك ازین غروپها نقطهٔ که واصل شدن شان به آن لازم بود واضحاً تعیین و تثبیت کرده شده بود. قطعا تیکه بهجوم مأمور بودند، تعلیمات یگانهٔ که از فرماندان خود گرفته بودند عبارت از تعیین نمودن همین نقطه ها بود.

« تام ده دقیقه بعد از زوال، پیاده های ژاپان اشیای خود شان را که در پشت داشتند بر زمین گذاشته بهجوم عمومی آغاز نهادند. خط اول یك صف شیرانه از خندك های خود شان بر جهیدند. فرماندانهای غروپ هابه پیش تاخته بسرعتیکه ممکن بود تابه نزدیکترین موجهای اراضی خود را رسانیده در انجا بر زمین بخوابیدند. قطعه ها بی آنکه بهیچگونه نظام و انتظام رفتار رعایت بکنند، و هر نفر بجز اینکه تاممکن مرتبه به نقطهٔ که رسیدن شان امر شده خود را برسانند دیگر هیچ چیزی نیندیشیده آمرهای خودشان را تعقیب میکردند. بعضی ازین قطعه ها ازمیان کشت زارها میگذشتند که باینسبب رفتار آهسته تر مجبور میشدند. اما بمقابل این آهسته روی از پنهانی خود استفاده کرده بدون تهلکه خود را تابه نقطهٔ معلومه میرسانیدند. دیگر قسمهای شان باپاهای کوتاه خود تاممکن مرتبه بسرعت دویده، نقطهٔ اراضئی باز و بی سر پناه را سرود می نمودند.

« پیش رفتاری؛ باین جهیدنهای پی همدیگر، ودم راست کردنهای مدید دوام میورزید. افراد آمرهای خودشان را تعقیب، و آمرها نیز سترههای پیش روی را و گذرگاههای رسیدن را به انجا انتخاب میکردند. اکثر استقامت حرکت های خودشان را برای استفاده کردن از سترههای اراضی بچپ و راست میل میدادند وباز استقامت اولئی خود را میگرفتند.

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 264 of 310

« در توقف نخستین انتظام اولئی که داشتند زایل شد. بعضی غروب‌ها خوابیده وسینه مال، وبعضی عوارض زمین راسپر کرده، وبعضی بدویدن پیش میشدند. غروب ها حذای همدیگر را تجاوز میکردند، ویکی دیگر خود شان راستر میکردند تا آنکه (۹۰۰) متر اراضی را باینصورت قطع کرده تا موانع فرعیهٔ موضعهای روس خود را رسانیدند. ودر انجا باز کسب انتظام ورزیدند.

« در اثنای این نظام رفتار که در حقیقت هیچ نظام نبود، چیزیکه شایان دقت است همین است که مهاجمین سلاح خودشان را هیچ استعمال نکرده، یعنی هیچ تفنگ نینداخته‌اند. غروب‌های پیاده در پیش روی یکدیگر گذشته در مابین روسها ورفقای خودشان اخذ موقع میکردند. که در اثنای اگر آتش میکردند به رفقای خود ضرر میرسانیدند. دیگر اینکه دشمن خودشان را که در عقب سپرهای خودشان خزیده بودند نمیدیدند، ونشان گرفته نمیتوانستند از بنسبب ها همه حرکت هجوم بی‌استعمال سلاح بوقوع آمده یك دانه گله هم انداخته نشده بود.

« وقتیکه خط نخستین مهاجمین به نصف مسافهٔ هدف مقصود نزدیك شدند خط دوم از خندك هائی که دران بودند برامده، واز اراضی استفاده کرده، وما نند خط اول حرکت کرده برموضع دشمن هجوم نمودند ودر پئی آن خط سوم، خط دوم را والی آخره تعقیب کردند آخر الامر همهٔ خطها در حالتی که شش کولمبوتئی کشتهٔ های پئی همدیگر را گذشتند، درمیدان پیش روی موضع روس که صد متر مسافه بموضع دشمن مانده بود جمع آمدند.

« درین اثنا افراد داوطلب ژاپانها بریدن دامهای سیمئی که درزیر میل های تفنگ روس بود، مشغول شدند، وبه اینصورت خزیده خزیده ازمیان موانع فرعیه بگشادن راهها موفق شدند. لکن ازین دلاوران جان نثار بسیار کم

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 265 of 310

مردم باز پس بر فقای خود التحاق توانسته بودند . وباقی همهٔ شان در راه فدای جان کردند .

« هنگامیکه همهٔ شان جمع شدند حکم (برچه یك) داده شد . لمعه پاشی برچه‌ها که از غلاف کشیده شدند بر همه خط یك چراغانی بوجود آوردند . باز یکبار افسرها ملجاء خودشان را ترك کرده ، و (بانزای) گفته به پیش تاختند همهٔ مهاجمین بیکباره گی بر خندك‌های دشمن خودرا بینداختند . تام در همین وقت شکاری های سیبریا از خندکهای محفوظ خودشان بیکبارگی برخاسته بر تمام درازی خط یك آتش جمع یکجایکی اجرا کرده ، وبعد از ان بقدمهای دو یدن از بغلهٔ عقب کوه فرو آمدند ، ودر یکنقطه باز دشمن خودشان را منتظر شدند . ژاپانیز در عقب آنها بتاخت فرو آمده درانجا یك محاربهٔ شدید سر نیزه درمابین شان در گرفت . ولی چون روسها دانستند که خط رجعت شان بریده میشود بر جعت قهقری به عقب کشیدن مجبور شدند . درین محاربه طوپ چئی روس تنها بیك چند فیر یکجایکی بر طوپ چئی ژاپان اکتفا کرده بودند .

« آمدیم بر آتش پیاده : عساکر ژاپان که در جناح راست هجوم اخذ موقع کرده بودند ، خطهای روس را درزیر آتش بغلکی گرفته بودند که همین آتش هجوم مذکور را بمو فقیت منتج نمود . این هجوم بر لوی غندهای (۳و۵) م ژان به (۳۰۰۰) نفر مقتول ومجروح تمام شد »

یکی از وقایع حربیه ئیکه در هجومها پیش میاید وخیلی شایان دقت است این است که در بعضی هجومهای قطعی بسبب مزاحم عظیمهٔ بدنیه ، ومساعئی فوق العادهٔ تعبیه وتأثرات روحیه گاهی میشود که مهاجمین سراسر از قوت وطاقت ساقط میشود . در ینباب بیك مثال عجیبی که شایان تذکار است تصادف شده

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 266 of 310

که آن را در اینجا حکایه میکنیم :

در اثنای محاربه هائیکه در (۳۱)م آگست در جنوب (لیانویانغ) بوقوع میامد یکی از غند های شکارئی سیبریا از نتیجهٔ یك هجوم شدتناکی که از طرف ژاپانها بوقوع آمده بود از خندکهای شکارئی شان براورده شده بودند . روسها بی آنکه مصادمه کنند بیك حال پریشانی وفلاکت موضع خودشان را تخلیه کرده در پشت خانه هائیکه یکقدری در عقب بود پنهان شدند . امادر انجا افسر آنها سعی وکوشش ورزیده آنها را به ایستادن ، وپس بحال انتظام رجعت دادن موفق گردیده باز بر ژاپانهاکه موضع شان را ضبط کرده بود به پیش سوق نمود . ژاپانها در میان آن خندکها که آبدوجه بیتاب وتوان افتاده بودند که بمقابل این عودت تعرضیهٔ روسهانه بمدافعه کردن ، نه فرار کردن مجال حرکت نداشتند . در حالتی که باقونداق تفنگ ، وسرنیزه ، وتیغ وخنجر بیچاره ها را قتل میکردند ، و اسیر میگرفتند باز هم هیچ تاب وطاقت نداشته از همانجائیکه بودند نمیخواستند .»

این مثال ، بصورت بسیار واضح بمانشان میدهد که هر گاه یك موضعی ضبط شود ، میباید که در عقب آن مفرزه ئیکه آن موضع را ضبط کرده اند برای دفع کردن عودت تعرضیهٔ محتملهٔ دشمن بسرعت ممکنه قطعات تازه دم احتیاط فرستاده شود .

از مدهشترین احوال محاربه های زمان مایکی اینست که بریك موضع چون هجوم برده شود ، وآن هجوم عقیم بماند ، ودر زیر آتش شدید دشمن رجعت مجبوریت دست دهد خیلی مهلك میباشد . زیرا در چنان وقت قوهٔ معنویهٔ مدافعین فوق العاده بالا بی گرفته واعتدال دم خودشان را بخوبی محافظه کرده چنانچه در یك میدان نشان اندازئی باشند بشدت وکثافت آتش تعقیب را اجرا میکنند که از از ومهاجمین را بضایعات عظیمی گرفتار میارند .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 267 of 310

نظر بعلو ماتیکه ازمنابع (المان) گرفته شده چنان معلوم میشود که ژاپانها از چنین رجعت درزیر آتش خیلی احترازمیکردند . اگرهجوم خیلی مشکل ، وغیر قابل اجرادیده میشد درنیم راه توقف کرده بحفرکردن وتا پس دادن سپر مشغول میشدند . و برای دوباره هجوم کردن ، ویا سراسر رجعت نمودن بحلول شب انتظار میکردند .

در اپریل سنهٔ (۱۹۰۴) برگید (ماردینوف) روسی درهجوم (آنجو) نیز همچنین حرکت کرده بود . برگید (ماردینوف) قطعه های خودرا که بسبب بی تدبیری پیشدارتابه نزدیك شهربادشمن بمحاربه داخل شده بود ، وزیر آتش دشمن مجال حرکت برای شان نمانده بود درجهٔ که زخمیهای خود شارا نیزبرداشته نمیتوانستند تقویه داده ، و جناحهای خود راحمایه کرده ، تابشب بر محاربه دوام نمود ، وچون شب شد زخمی های خودراجمع کرده بکمال امنیت برجعت آغاز نهاد .

(محاربه های شبانه)

بعد ازمحاربه های اوکتوبر که برنهر (شاحو) بوقوع آمده بودتوپخانه های هر دوطرف محاربه های شبانه راخیلی زیاده استعمال کرده اند واکثر اوقات قوتهای بزرگ مانند غبرك غند ، ولوی غند بمحاربه های شبانه اشتراك کرده اند . اینمحاربه های شبانه یابوقتیکه ظلمت شب بخوبی حلول میکرد ، یابوقت غروب بوقوع می آمد .

در اثنای محاربهٔ (شاحو) بسایهٔ یك هجوم شبانه ژاپانها در (۱۴) م او کتوبر یك کندك طوپچی روس راسراسر محوکرده بودند . صورت وقوع این هجوم دریك رسالهٔ فنی حرب روس باینصورت حکایه شده است :

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 268 of 310

« درطرف صبح یك دمهٔ پیدا شده بود . ستاره هایکان یکان خاموش میشد . درده پیش رو یك آتش تفنگ شنیده شد . درطوپخانه های روس یك بیداری وهر شیاری تمام حکمفرمابود . یکی یکبار ازمیان موجهای دمه پیش آمدن یك خط پدیدار گردید . سایه های که این خط رانشکیل میداد بسرعت تمام برطوپخانه هایش می آمد . درعقب این خط دیگر خطهاپیش میشد ، و لحظه بلحظه صداهای تفنگ بیشترشده میرفت .

« در اول امرروسها چنان پنداشتند که این آیندگان رفقای خودشانست که ازپیش دشمن گریخته میآیند . ازانسبب برای آنکه رفقای خودشان راضرر دیده نسازند بایك زاویهٔ بزرگ رمی آتش میکردند . درین اثنا خطهای شکاری دشمن ازتپه فرو آمده جناح چپ یکی ازطوپخانه هارا احاطه کردند . رفته رفته مسافه کمترشده میرفت . روسها هنوز درشبهه بودند . آخرالامر سایه هاچون بقدر (۱۵۰) خطوه نزدیك شدند به تحقیق پیوست که اینها ژاپون است .

« هماندم فیوزهای شراپنلهارا بحد صفر تنظیم کرده بزودی تمام آتش کشادن امر کرده شد . زیرا کلهٔ رون موجودنبود . لهذا شراپنل عمقاً اجرای تأثیرنکرده ژاپانها رانتوقیف کرده نتوانست . قوماندان طوپچی برگد (سومه لنسکی) یکی ازجملهٔ مقتولان بود مومی الیه وقتیکه میمرد (قاما) ونشانگاه های طوپ هارا به کشیدن وگریختاندن امرنمود .

« طوپ هاازآتش کردن در افتادند . چونکه محاربهٔ اسلحهٔ جارحه آغاز گردیده بود . اسپ های طوپ هانیز همه تلف شده بودند . قوماندان طوپخانه چون تلف شدن اسپ هارا بدید ، بردن طوپ هارا بشانه ها امرنمود . به اینصورت دوطوپ را تایکچند خطوه بشانه کشیدند ، ولی همهٔ افرادیکه آن راحامل بو

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 269 of 310

دند مقتول ومجروح شدند .

« این است که باینصورت قسم اعظم افسران ، وافراد ، واسپ ها تلف شده وطوپ ها هم ضبط گردید . تنها بعضی (قه های) طوپ ها از طرف روسها گریخانده شده بود . »

این مسئله با این محاربه واضح شد که هر گاه پیاده بقدر (۱۵۰ تا ۲۰۰) خطوه بیك طوپ خانه نزدیك شوند بهمه حال بر مقصد خود نایل وکامیاب میآیند .

درشب (۱۶) م و (۱۷) م اوکتوبر ، برتیهٔ (پوتیلوف) ، ودیگر تیهٔ مجوار آن از طرف روس ها یك هجوم شبانه اجرا شده بود ؛ باین محاربه که هنوز از روز آغاز ننهاده بود از هر دو طرف قوهٔ عظیمه اشتراك کرده بود . از طرف ژاپنها لوی غند (۱۰) م کاملاً ، واز طرف روسها ارلوی غند های مختلف نزدیك به (۷) غند یك قوت اشتراك ورزیده است .

این قطعات برسه مفرزه تقسیم شده بود . اما همهٔ آن در زیر ادارهٔ یك قوماندان بود . حالانکه درمابین این مفرزه اتحاد حرکت حاصل نشده بود .

در طرف راست غبرك غند (پوتیلوف) ، در مرکز قطعات جنرال (نووقوف) که از (۳) غند و (۲) کندك مرکب بود . در طرف چپ یك غند شکاری موجود بوده

این محاربه که تفصیلات آن در جلد چارم کتاب ما مفصلاً مذکور ، وبنام محاربهٔ « تیه » (پوتیلوف) مشهور است یکی از مثالهای درخشان حرب روس و ژاپان را تشکیل میدهد . این محاربه بخوبی نشان داده است که درشب باقطعات بزرگ اجرا کردن هجومهای قطعی ممکن میباشد . درینمحاربه برچه اهمیت فوق العادهٔ خود را بمیدان براورده است .

والحاصل محاربه های شبانه برای ضبط واستیلا کردن نقطه هائیکه در روز نزدیك شدن بانها ممکن نباشد چارهٔ یگانه امکان را تأمین وتشکیل میدهد .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 270 of 310

استعمال سرنیزه

بنام دیگر (برچه)

درتجارب حربیه هرکس درهمین معنی است که همان دلایلی را پیدا کنند که اصابت نقطهٔ نظر خودش رانشان بدهد. وازین است که المانها حرب (مانچوری) رادرصورت عمومیه برای مظفریت (تعبیه اتش) مانند یك برهان قاطعی نشان دادن میخواهند. بلی درین هیچ شبهه نیست که در محاربهٔ پیادهٔ اتش معناً ومادةً قیمت بسیار گرانبهایی رامالك است. چونکه هرگاه مهاجمین از مسافات وسطی به اتش پیاده احراز تفوق نکنند احتمال موفقیت درهجوم قطعی کاهی تصور نمیشود.

مع هذا این را هم تسلیم باید کرد که از محاربهٔ سنهٔ (۱۸۵۹) سفرحرب فرانس درایتالیا باینطرف استعمال برچه چنانچه درین حرب روس وژاپان دریکمقیاس بزرگی بوقوع آمده دردیگر هیچ حربی واقع نشده است.

بحقیقت خواه درپیش گاه (پور آرتور) درمحاربه های قلعه وخواه در (مانچوری) درمحاربات صحرا برچه بصورت بسیار واسعی استعمال شده است.

نظر به ایستاتستیقهائیکه اطبا داده اند درینمحاربهٔ اقصای شرق درمیان زخمیها در صدی (۸۰ تا به ۸۵) از گلهٔ پیاده درصدی (۸) از گلهٔ طوپچی، در صدی (۷) به سرنیزه زخمی موجود شده است که ازینهم معلوم میشود که برچه برابر صنف طوپچی تخریبات بعمل آورده است.

بناءً علیه چنانچه بعضی کسان اعتقاد کرده اند که برچه عبارت ازیك ثقلت بی لزومی شمرده میشود، چنین نیست زیراهنوز زمان رفع کردن وبر داشتن آن نرسیده است، چونکه تجارب اخیره حل اینمسئله را بیك زمان

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 271 of 310

آینده مجهولی واگذاشته است . در روسیه به تعلیم برچه خیلی زیاده اهمیت داده میشود . حتی عسکر پیاده در حال رفتار نیز دایما تفنگ را بحال (برچه یك) میبر دارند . اگر چه این یك احتیاط مفرط است . معهذا در یك زمان بحران انگیزی این حرکت احتیاطکارانه باوقت ضایع کردن برچه انداختن تضمین میشود . در (۲۴) م جولایی در محاربهٔ (داشیچاعو) یك غند سیبریا بر قطعات ژاپانها یك هجوم مقابل اجرا کرده بودند . حال آنکه ژاپانها برای برچه انداختن وقت و فرصت نیافته بودند .

همه محاربه های این حرب اخیر به اثبات رسانیده که ، در وقت هجوم ، برچه یك واسطهٔ قطعی ایست که نتیجهٔ مظفریت را تعیین میکند . زیرا اکثر اوقات طرفین مخاصمین تا بمسافهٔ برچه بهمدیگر نزدیك شده اند ، و به اینصورت گلوبگلو محاربه کرده اند .

چنانچه پیش ازین هم گفته شده بود که هروقتیکه مهاجمین تابصد خطوه نزدیك میشدند ، روسها بابرچه هجوم مقابل اجرا میکردند . و این هجومها اکثر منتج موفقیت هم میشد که این هجومهای مقابل ، قیمت معنویهٔ برچه را اظهار کرده است . در حقیقت که نظر شود این یك هیچ قابل انکار نیست که ژاپانها با وجودیکه در هجومهای خود شان در خصوص شدت و متانت ، و استحقار موت جسارت و دلاوریهای فوق الحد نشان میدادند ، ولی باز هم در پیش این تهلکهٔ برچه کردن خم میکردند . درین هم هیچ شبهه نیست که سبب اینهم قسماً از تفوق جسمانی روسها پیش میآمد . یك بر گدروسی در تالیف خود چنین نوشته است :

« برچه در دست عسکر های ما از قیمت خود هیچ چیزی ضایع نکرده است . من در اینجا چیزهائیکه برای العین مشاهده کرده ام مینویسم : یك قوت

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 272 of 310

عسکریهٔ ماکه ازیك غندو(۲)کندك مرکب بوددر(۱۱)م اوکتوبر(اندونیولیو) نام یك قریه رابی آنکه یك گلوله بیندازند باهجوم سرنیزهٔ شبانه ضبط نموده اند . ودرینجاربه ژاپانها را بیشتربه (۱۵۰۰) ضایعات دوچارکرده اند . برای مثال درینجا تنها حرکت یك صوبه داری را که به غند مذکور منسوب بود حکایه میکنیم :

« غند ما ، یکدهی را که درجبههٔ غرب ،وضع مستحکم(موکدهن) بود اشغال کرده بودند : در وقت صبح (۸)م مارچ ، ژاپانها هجوم کردند . ژاپانها بقدر (۵۰۰) متربموضع مانزدیك شدند، ولی درمقابل آتش بسیارشدید ماطا قت نتوانسته باضایعات عظیمه رجعت کردند. لکن یك قسمی ازانها، یکقدری درپیش روی این ده درمیان قبرستانهای کهنهٔ چین التجا گزین شده بود . بعد از نیمساعت ازین جهت یك آتش شدیدتفنگ برما آغاز نهادکه این آتش ،وضع مارا در زیر آتش بغلکی میگرفت، وسبب یك برهمی ودرهمی بزرگی میشد . چونکه هم سبب ضایعات مامیشدهم مواصلهٔ مارا باده قطع مینمود .

« لهذا اولا کرچه با آتش جمع یکجایکنی و بعدازان بامیترالیوزها برای کشیدن ژاپانهارا ازانجا کوشش ورزیده شدلکن ممکن نشد . زیرا اینمحل که از سه طرف باکوتهای خاك محاط بودبرای ژاپانها یك سترهٔ مکملی تشکیل مینمود . تنها جهت چارم شان بسوی غرب باز بود .

« ساعت (۱۱) بود که صوبه دار (سته فانقو) برای دفع کردن ژاپان هارا ازین جا ازقوماندان اجازه خواست . قوماندان غندبعدازانکه ترتیب حرکات صوبه دارا شنید اجازه داد .

« صوبه دار (سته فانقو) ازمفرزهٔ خود (۶۰) نفرداوطلب جدا کرد . ازهمه پیشتر برجبههٔ (۱۰) نفرفرستاد . این ده نفربرسینه خزیده خزیده و

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 273 of 310

ازاراضی استفاده کرده تابه (۲۰۰) خطوه خودرا به ژاپانها نزدیك کردند. وازانجا یك آتش شدید تفنگ اجرا کردند. این حال غیر منتظر نظر ژاپانهارا به آنطرف جلب نمود. ژاپانها برین ده نفرکه عددقوت آنها به ایشان معلوم نبود همه آتش خود شان را توجیه نمودند. صوبه دارازین دقیقه استفاده کرده با (۵۰) نفرعسکر معیت خودبه طرف چپ قبرستان بکمال سرعت وچابکی دویدند. ودرانجا نقطه های مساعد وموافق را استیلا کردند. ویك آتش بسیار شدیدی برژاپانها باز کردند. درین اثناسه نفرکشاف به صوبه دار خبرداد که درعقب قبرستان یك جاخالی خوبی موجود است که ژاپانها آنجارا نگرفته اند. هماندم صوبه دار (۲۰) نفررا درانجا فرستاد تعلیماتیکه صوبه دار به آنها داده بود این بودکه دراول امر یك بولی آتش یکجایکی داده وبه اینصورت ژاپانهارا بازی بدهند که برزمین بخوابند، وچون خوابیدند هماندم بهجوم برچه برانها برخیزند.

«اینحساب صوبه دار درست براید: ژاپانها به بولی (تولی) برزمین خوابیدند. درهمانساعت آن (۲۰) نفر بهجوم برخاستند. (۳۰) نفردیگر قبرستانرا درزیر آتش بغلکی گرفته بودند. ازین هجوم، ژاپانها بحیرت افتاده برنفریهای هجوم کننده روی خودرا گردانیدندکه بقوت آتش آنهارادفع کنند. درین اثنا صوبه دار (سته فانقو) با (۳۰) نفرهمراهان خود بابرچه بهجوم برخاست.

«ژاپانهارایك پریشانی عظیم استیلا نموده فرارکردند. دیگرتولی ها ومترالیوز های روس که منتظر فرصت بودند باآتشهای شدید ژاپانهارا کوبیدن گرفتند. واز(۵۰۰) نفرژاپانهاتنها (۷۰) نفرشان رهایی یافته باقی مقتول ومجروح افتادند. این محاربه که ازوقت پیشین آغاز نهاده بود بساعت

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 274 of 310

یك به انجام رسید ..

این مثال هم نشان میدهد که یك مقصدیکه بخوبی دران اندیشه شده باشد، وعزم قوی دران باشد محققست که بموفقیت وکامیابی نتیجه پذیر میشود.

(صلاحیت)

یعنی اختیار داری

مهمترین اسبابی که درمحاربهٔ پیاده نیزروسها راعاجزوکم زورداشته بود همین بود که افسران کوچك شان هیچ قیمت عسکریه رامالك نبودند، و برخود شان هیچ اعتمادنداشتند، وچون ژاپانها که ازخود صاحب رأی و قرار هستند آنهاازین اقتدارسراسر محروم میبا شند. وتعلیم وتربیهٔ شان بدرجهٔ کفایت نیست.

این چنان یك نقصان عظیمیستکه تول غند روس هیچگاه بررفع وازاله کردن آن موفق وکامیاب نخواهد آمد. روسهادرزمانهای بحران انگیز محاربه در اطراف افسران خودکرد آمده هرچیزرا ازانها امیدمیکنند. اینحال در فطرت قوم روس موجوداست. برای عسکر روس بهمه حال یك سائق ورهبرلازمست که باسوق وتأثیر آن بیکجایی رفته بتوانندویك کاری کرده بتوانند. اهالی روس ازاهالی هر جازیاده تر جاهل میباشندکه ازان سبب انتخاب افسران کوچك از میان آنها یك مسئلهٔ بسیارمشکلیست.

در تول غند روس نظامهای بسیار کثیف استعمال کردن، و درزیر اتش دشمن درنظام بهم چسپیده قطعه هارادادشتن، وآتش جمع ویکجایکی رابسیار استعمال کردن، ودرخصوص آتش شکاری که درمسافات وسطیه و قریبه خیلی مؤثراست اهال ورزیدن همه کی ازهمین سبب است. سبب یگانهٔ بسیاری ضایعات افسران شان نیزهمین است که افسران کوچك شان بی

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 275 of 310

اقتدار هستند .

آمدیم بر ذکر بانها : صلاحیت، وذکاوت افرادشان بیشتر، وتعلیم وتربیهٔ افراد افسران کوچك شان مکملتراست . درانثنای محاربه ، افسران کوچك آتش ، و شکاریها را بخوبی اداره میکردند. لهذا افسران بزرگتر بوظیفه های مهمتری که اصل بخودشان عائد بود حصر دقت کرده خودشارا به آنقدر تهلکه نمی انداختند . وبا تفرعات کوچك زمان خودشارا ضایع نمیکردند .

(افسران کوچك عبارت از حواله دار ، کوت حواله دار ، لنداك وتابك وامثال آنها که کریج بندنبستند میباشد ، وافسرازصوبه دار آغاز میکند .)

نظر بشرایط جدیدهٔ محاربهٔ پیاده ، این صلاحیت واختیارداری افراد وافسران کوچك از شرطهای لازم وضروری دیده میشود . تنها قوماندانهای کندك نی ، بلکه قوماندانهای تولی ، وحتی بلوك نیز مسئولیت را بذمه گرفته ، بکمال صلاحیت و اختیار قرارهاداده وآن قرارهارا به اجراوتطبیق کردن مجبور میباشند . بناءً علیه برای اینها نیز یك فکر تعبیوی مکمل ورو شنی لازم است . اکثر اوقات میشود که نفری نیز خود بخود بحرکت کردن مجبور میشود . بناءً علیه فکر آمر خودرا بخوبی دانستن وآنرا بموقع تطبیق رسانیده توانستن لازم است .

شکل و منظرهٔ محاربهٔ جدیده

اون چیزیکه محاربه را بازمیکند ، وشکل وصورت محاربه را میبندد، همانا محاربهٔ (طوپچی) ست . اگرچه در محاربه های قدیم هم وظیفهٔ آغازنهادن محاربه بطوپچی عائدبود ، ولی دربنزمانهابسیار مدت بلکه اکثراوقات روزها دوام میکند . گردباد های طوفان آسای گلهها هوای نسیمرا بشدت پاره

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 276 of 310

میکنند ، وغرش مانم انگیز آن یك ولولهٔ دوزخینی بوجود می آورد . سقوط واشتعال شرانیلها ، وطوربیلها باصفهای ابر پاره های کوچك کوچك دودهای آتشین معلوم میشود . طوریکه این بارانهای بلای گله هارا میریزاند در عقب سترهائیکه بصورت بسیار ماهرانه ترتیب شده ، ویادر عقب سترهای زمین ، وبانیه ها پنهان گردیده یك حال غیر قابل رویت مانده اند . اما باوجود آنهم گاه گاه شعلهٔ زرد هیبت ناك ، یك دهن ناری ، وولقان مانند طوپهارا افشا میکنند اکثر اوقات اداخت اندیرکت استعمال کرده میشود . چونکه درخصوص تستر وتحفظ هر طوپخانه ئیکه اعمال کارانه حرکت بکنند به تحزیب بسیار سریعی محکوم میماند .

در اثنای این محاربهٔ طوپچی که ازمسافهٔ (٤ تا ٦) کیلومتر بوقوع میآید ، پیاده ها در میان استحکامها وسترهائیکه ازشب آنرا ساخته اندسا کنانه و وساکتانه انتظار میکشند . اطراف این استحکامها بادامها وشبکه های سیمی وگرداگردها ، ونقبها مدافعه کرده شده میباشد . درحالتیکه یك چند صدهزار آدم در مقابل همدیگر میباشندیك کندك شان هم دیده نمیشود . بصورتیکه هرگاه بطرف میدان محاربه نظر کرده شود چنان گمان میشود که یك میدان خالی وتنها ئیست . گاه گاه یك (بالون) ثابتی درمیان طبقات هوابلامیشود که آنهم بایك سیم تلفون بزمین مربوط میباشد . در میان سبد این بالون یکدونفر افسری دیده میشود که آنهاهم همین سعی وکوشش هستندکه مواقع طوپخانه های دشمنرا کشف کرده ترصدات خود شانرا بواسطهٔ تلفون به قوماندا نهائیکه برزمین هستند تبلیغ کنند .

بریك تپهٔ مرتفع دیگریك جنرالی دیده میشود که بایك دوربین بسیار تیزبینی طرز جریان محاربه را تعقیب میکند . این جنرال بواسطهٔ تلگراف

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 277 of 310

صحرا ، و یا تلفون و یا بواسطهٔ چاووشهای او امر رسان بقطعات مختلفه احکام و اوامر تبلیغ میکنند .

در اثنای محاربه صنف سواری یعنی رساله را می بینیم که از اسپها فرو آمده ، و در عقب جناحها پنهان شده برای رفتن بیك نقطهٔ تهلکه ناك بفرصت انتظار میکشد . هروقتیکه یکی از طرفین مخاصمین دید که طرف مقابلش بدرجهٔ کافی با آتش توپچی میده و کوبیده شده بلرزه درامد ، هاردم پیادهٔ خود را بهجوم سوق میکند . اما مانند محاربه های پیش ، درین محاربه های عصر حاضر آنچنان نظامهای کثیف بهم چسپیدهٔ نزدیك دیده نمیشود . بلکه دیده میشود که غروپهای (۱۵) نفری ، و (۲۰) نفری بافاصله های از هم دور ، و هرغروپ بحساب خود از همهٔ عوارض زمین استفاده کرده از یك ستره بدیگر ستره باقدم دویدن پیش میروند . واگر زمین کوهستان ، و چقوری بسیاری داشته باشد دیده میشود که گروپهای مذکور از شیله ها ، و چقوریها ، و دره ها خود را الخشانیده به آنصورت به پیش رفتن کوشش میورزد . همهٔ این گروپهای کوچك بی آنکه انداخت تفنگ اجرا کنند یکسر بسوی هدف مقصود یك تشبث متقارب اجرا میکنند و چون بیك مسافهٔ کوتاهی آمدند با هجوم سرنیزه نتیجه را بدست آوردن میخواهند .

اینستکه این دور ، بحران انگیز ترین آوان محاربه است . طرف مدافع درینوقت همهٔ تفنگها و مترالیوزهای خود را بشدت تمام بفعالیت میدارد ، و بر مهاجمین مانند باران و جاله آتش میریزاند . درچنین وقت هیچ شبهه نیستکه هرطرفیکه قوهٔ معنویهٔ محکمتر را مالك باشند نتیجهٔ ظفریت را حاصل میکنند . در اکثر اوقات سینه بسینه گلو بگلو محاربه بوقوع میآید . سرنیزه درینوقت به اجرای وظیفهٔ خود آغاز میکند . اکثر همچنین هجومها بشب بوقوع میاید ،

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 278 of 310

مهاجم بسوی پیش پی هم موجهای نفری سوق میکنند ، پیشترین موجه ها محو میشوند ، ودر پیش دامها وشبکه های سیمی دوچار توقف میشوند ، ودر گرگ دامها سراسر زایل وپریشان میگردند . اما بجای آنها دیگر موجه ها میرسند ، وبرگشته ها قدم نهاده میگذرند ، وآخرالامر موضع دشمنرا ضبط میکنند .

اینستکه به اینصورت در روز تنها آتش طوپچی وگاه گاهی بصورت مستثنا هجوم پیاده واقع میشود . وچون شب شد طوپچی الزام سکوت کرده هجوم سرنیزهٔ پیاده آغاز میکنند . یعنی پیاده درصورت عمومیه در روز ها میان سپرهای خودشان استراحت گزین عافیت میبودند ، ووظیفهٔ اصلیهٔ خود شانرا درشب ایفا میکردند . وطوپچی بعکس آن کار میکردند .

اینستکه درصد (۸) محاربه هائیکه دراقصای شرق بوقوع آمده همین شکل ومنظره رانشان داده است .

معهذا این طرز جریان محاربه بطرز ثابت و قطعی قبول نمیشود که در استقبال هم درمحاربه ها همین حال ، وهمین شکل ، ومنظره بوقوع آید . اگر چه روسها و ژاپانها بواسطهٔ آتش پیاده در خصوص حاضر کردن هجوم بصورت مکمله اهمیت نداده اند امابرای تامین موفقیت وکامیابی باینهم اشد لزوم میباشد . ذاتاً ژاپانها بسببیکه به اینمسئله عطف اعتبار نکرده بودند جزای آنرا بضایعات عظیمهٔ خودشان کشیده اند ، چونکه درهمه هجومهای خودشان بضایعات عظیمه دوچار شده اند .

معهذا چنانچه پیش ازینهم گفته شده بود که بشرطیکه ازاراضی بصورت مهارتکارانه استفاده شود و وقتیکه بمسافهٔ بسیار کوتاه نزدیکشدند بهجوم سر نیزه برخاستن برای استحصال غلبه وظفرازوسایط یگانهٔ فتح وظفرشمرده

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 279 of 310

میشود که اینمسئله را نیز بصورت جدی بنظر مطالعه گرفتن لازمست .

تا ثیر امر وقوماندهٔ آمر وقوماندان دروقت هجوم بر خط شکاری رفته رفته کمتر میشود . افسر تنها بسر خود بلوك خود را در زیر آتش اداره نمیتواند ، کپتان نیز تولی خود را سوق واداره نمیکند . تا ثیر افسر در چنان وقت تنها برهان قطعه ئیکه باخود اوست ویك کمی که درجواراوست منحصر میماند . معهذا این افسر ما نغهٔ خودرا بصورت (مانغهٔ استقامت) استعمال کرده نمونهٔ امتثال دیگر قطعه ها کرده میتواند . درجهٔ صلاحیت واختیارداری افسران کوچك بیکدرجهٔ واصل شده که به افسرکلان درچنان اوقات درحرکات هیچ احتیاجی باقی نمانده است . این حسن صلاحیت ، دروقت حضر تنها به افسران کوچك نی ، بلکه به شکاریهای منفرد نیز بخوبی دا نستانده و آموخته میشود . تبلیغ اوامر در چنان هنگام باصدا اجرا کردن ممکن نمیشود . و ازینسبب قطعه های متفرقهٔ دیگر ، قطعهٔ استقامت افسر رامدنظر واستاد گرفته به اشارتهائیکه بدست ، یا بشمشیر میدهد بحرکت کردن عادت گرفته میباشند .

سوق واداره کردن احتیاطها از اول خیلی مشکلتر شده است . درین خصوص ازهمه عوارض زمین استفاده کردن ازواجبات شمرده میشود . این است افکار وقواعد عمومیه ئیکه الیوم درتول غند های اوروپا درباب محاربهٔ پیاده جاری وحکمفرما میباشد .

درختام این بحث خود ازاصول ماهرانهٔ هجوم یك قطعهٔ پیادهٔ تول غند جنرال (نوژی) که بریك طوپخانه اجرا کرده ذکروبیان مینمائیم : قطعاتیکه برهجوم مأمور بودند روهای شان بسوی هدف متوجه بود ، وبربعضی قطارها تقسیم ، وهریك ازین قطارها پنج پنج نفر شده یکی درعقب دیگر درکشیده شده بودند . این قطارها برای استفاده کردن ازاراضی خزیده خزیده پیش میرفتند

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 280 of 310

که روسها آنرا (قطارهای مار پیچ) نام نهاده بودند . بحقیقت که همچنین هم بود زیرا چنانچه مار حلقه های خود را پی همدیگر نشان میدهد این قطارهای به همدر کشیده گیهای پنج نفری خود را همچنان پی همدیگر بدشمن نمودار میکردند

بمجردیکه اشارت داده میشد در کشیده گی پنج نفری اول بقدمهای دویدن بقدر (۳۰) خطوه به پیش تاخته درانجا برزمین میخوابید ، وبهمین صورت هردر کشیده گی پی همدیگر همین مانوررا اجرا میکردند . وبعد ازانکه درکشیدگی آخری به آنها ملاقی میشد قطارها باز بعین صورت بسوی پیش یك حرکت مار آسای نوی اجرا میکردند . وتا بوقتیکه بهمین صورت بیك مسافهٔ کوتاهی میرسیدند به تضییق احتیاطهاکه ازعقب میرسیدند بهجوم آغاز مینهادند . بزرگترین فائدهٔ این هجوم که روسها آنرا به (طرز هجوم نوژی آسا) توصیف کرده اند این استکه به آتش دشمن یکهدف بزرگی تشکیل نمیدادند . چونکه تنها پنج پنج نفر به آتش دشمن معروض میشدندکه طو بخانهٔ دشمن برچنین افرادیکه عمق آن کم وکوچك بود بیك صورت مؤثر آتش کرده نمیتوانستند .

ازین ملاحظات این چند فواید ذیل استخراج وتظاهر میکنند :

۱) یك موضعیکه خوب مدافعه شده باشد برای ضبط کردن آن تنها آتش کافی نیست . بلکه یك تعرضیکه بکمال عزم وشدت تابه صفحهٔ آخرینی که استعمال سرنیزه را ایجاب میکند اجرا کردن لازم است که این تعرض قوهٔ تدافعیهٔ دشمنرا کثر ابطال کرده بتواند .

۲) خطهای شکاری که متصل ، ومنتظم ، وکثیف باشد درداخل منزل مؤثر انداخت طوبجی ، یعنی از (۳۵۰۰) متر بضایعات بسیار مدهشی گر رفتار می آیند .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 281 of 310

۳) در نظام بهم نزدیك ، قطعات درداخل اینمسافه بشرطیکه محفوظ با شند ، محافظهٔ موجودیت کرده میتوانند .

٤) با جزوتامهای قوتناك با (بلوکها) حرکات جهیدن غیر ممکن است .

٥) هرگاه خطهای شکاری کمتر کثیف استعمال شود ، واز اراضی بخوبی استفاده کرده شود مهاجمین دایما بموضع دشمن بحرکت کردن ، وبرای هجوم بردن دریك مسافهٔ کوتاه بجمع کردن قوای کافیه موفق میشود .

٦) در مسافه های کوچك ، برای حرکت کردن به پیش حاصل کردن تفوق آتش رابیشتر شرط الزم است .

۷) بعد ازانکه این تفوق آتش حاصل شد ازهمه موضعهائیکه برای انداخت مساعد وموافق باشد یك آتش شدتناکی اجرا کرده شود که به اینصورت محافظهٔ تفوق آتش ممکن شود ، و اینهم بصرف کردن جبخانهٔ بسیاری موقوفست .

۸) در مسافات بسیار نزدیك شکار بهابسببی که بیك حال فوق العادهٔ عصبانی گرفتار میآیند ازانرو برغم قواعد نظریه بحث انداخت درینمسافه هازایل وضایعات بسیارکم میشود .

۹) درمقابل این اسلحهٔ جدیدهٔ مکمله اجراشدن یك هجومیکه بموفقیت نتیجه پذیر گردد اگرچه سبب ضایعات عظیمه میشود ، ولی ازقدیم الایام به اینطرف ممکن الاجراست درهر صحیفهٔ تاریخ حرب تعبیهٔ تعرض دایما قیمت وشرف شمشیر بارخودراحافظه کرده آمده است .

۱۰) یك جزوتامی که یك جبههٔ واسع رافراگیرد ، هم ضایعاترا کم میکنند وهم قوهٔ معنویه راحافظه میکنند .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 282 of 310

(یگانگی در کوششها و حکمها)

صنوف مختلفهٔ عسکریه در خصوص اشتراك حرکت ، ویگانگی سعی غیرت بیکدیگر خود بدرجهٔ فوق العاده محتاج میباشند . اما این احتیاج علی الخصوص برای صنفهای پیاده ، و طوپچی اند لازم غیر فارق ، و ضامن فتح وظفر است .

لازم بودن حرکت وفاق و اتحاد در مابین پیاده وطوپچی در هیچوقت انکار نشده بود ، اما امروزه روز بدرجهٔ ثبوت وصراحت قطعی رسید ، واز هرگونه ابهام و اغلاق آزاد شد .

چونکه طوپچی برای پیاده بمحاربه آغاز میکند ، واز گلهٔ نخستینیکه می اندازد تابه گلهٔ آخرین خود درهر آن وهرزمان تنها مظهر زیت پیاده را می اندیشد وسوق کردن آرا بمنزل مقصودش تفکر میکند .

در محاربات گذشته نیز پیاده وطوپچی از اول تابه آخر کوشش شان کم وبیش برای یك کار ویك مقصد بود . اما باز هم به اینقدر جه نبود . چونکه تابحال طرز محاربهٔ طوپچی وپیاده را ازیکدیگر شان تابیکدرجه جدا وفرق دار تصویر و تحریر میکردند ، ودر تعلیمنامه ها چنین مینوشتند که : طوپچی ازهمه اولتر باطوپچی دشمن بمجادله میدراید ، ودرین مجادله به استحصال تفوق وحاکمیت سعی وغیرت میورزد ، وبعدازان آزادانه به پیادهٔ خود بمعاونت کوشش میکند . این است که تابحال این فکر وتصور بنای مطالعات کتابهای تعبیه ، وتعلیمنامه ها را تشکیل مینمود .

حالا که بعد ازین محاربهٔ ژاپان این صورت تفریق اهمیت واعتبار خودرا غایب کرده وظیفهٔ یگانهٔ طوپچی عبارت از معاونت کردن ، واستناد شدن پیاده

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 283 of 310

مانده است ، و بجز همین وظیفه دیگر وظیفهٔ به اوداده نشده است .

فتح وظفر اساساً به پیاده ، وبحرکات وموفقیات آن وابسته میباشد . صنف پیاده در حرب چنان یك صنف مهیبیستکه بزرگترین تأثیرهارا او بحصول میاورد ، وبه بزرگترین تلفات اومعروض میشود ، ودرهرگونه کارهای تعرض ومدافعه اوماًمور است ، ودرشب وروز درهرگونه اراضیٔ پوشیده وباز بیك چستی وچالاکیٔ بزرگی به اجرای حرکت او مستعدومقتدراست . چنانچه قبل ازینهم گفته شده بودکه درصدی (۸۰) تا (۸۵) تلفات وضایعات ازکلهٔ پیاده ، ودرصدی (۷) ازسرنیزهٔ او بعمل می آید . بناءً علیه ازینهم معلوم میشودکه تلفات عمومیه درصدی (۹۰) ازطرف صنف پیاده بروی کار می آید . پس گفته میشود که ژاپانها مظفریت خودشانرا محض بسایهٔ پیاده های متین وفعال جوال خود شان بدست آورده اند .

لهذا در یکنظر دانسته میشودکه نظر به این زبدهٔ اوصافیکه درحق صنف پیاده عرض کردیم سرمایهٔ افتخار صنف طوپچی همین است که به این صنف برگزیده که ازجهت آتش نظر به پیاده اقتدار بزرگترا مالك است معاونت جدیه و حقیقیه برساند .

در محاربات گذشته سوء نتایجیکه ازاستعمال تأثیرات منفردومتفرق پیاده وطوپچی بعمل آمده است بسیار دیده شده است . در محاربهٔ (پلونه) روسها به این خطا بسیار جانها فداکرده اند . روسها چهار روز بلا فاصله موضعهای عثمانی را با آتش شدیدناك طوپچیٔ خودکوبیدند . بعدازان پیادهٔ خودرا بحرکت پیشرفتاری سوق کردند . درانثنای آتش طوپچی که تنها بسر خود اجرای تأثیر میکرد عساکرعثمانی ازخندکهای موضع خودشان خودشانرا کشیده هیچ متأثر نشده اند ، وبعدازانکه طوپچی سکوت نموده پیادهٔ

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 284 of 310

روس پیش آمده است هماندم بازعساکر عثمانی بموضع های اصلی خودشان درا مده به آتش بسیار شدتناکی عساکر روس را بحال پریشانی برجعت مجبور کر ده اند ، و به اینصورت همه هجومهای شانرا عقیم گذاشته اند .

در اثنای حرب (انگلیز وبوئر) که انگلیز بعدم کامیابیهای مختلف و بسیاری دوچار شده اند همه‌از همین بی آهنگیئی که درمابین یگانگی کوشش طوپ چی و پیادهٔ شان بودبوقوع آمده‌است . انگلیزها چنان خیال میکردند که باطوپ های بزرگ چاپ بسیار خودازدور آتش بسیار شدیدی اجرا کرده بوئرهارا بیك حالی درارند که در موضعهای خود ایستاده پای نتوانند . وبعدازان بکمال آ سوده گی پیاده های شان دستهای خودشان را جنبانیده ، وموزیکه نواخته به موضع های شان درایند . چنانچه در محاربه های میدان (قوله نزو) و (ماکرس فونتاین) پیش از تعرض پیاده انگلیزها از طرف طوپ های بزرگ چاپ کشتنی خود دوروز متمادیاً بومبارد مان اجرا کردند . اما قسم اعظم این طوپ ها بر مو ضعهای خالی وتنهائیکه یگدانه (بوئر) دران نبود گله انداختند که بالطبع ازین بو مبارد مان مدهش هیچ یك نتیجهٔ حاصل نشده بود .

لهذا یگانه مقصداز آتش طوپ چی همین است که دراثنای بومبارد مان پیادهٔ خودرا نیز متصل به پیش براند وموضع دشمنرا بقوت پیاده ضبط کند ، وطو پچئی دشمنرابه هویدا کردن مجبور گرداند .

پیاده وقتی که به پیشرفتاری آغاز کندازطوپچئی خودبه معاونت دیدن و استناد یافتن مجبور است . این استناد و معاونت علی الخصوص در تعرضهائیکه بر موضعهای مستحکم صحرا اجرا کرده میشود خیلی لازم وقیمتدار است در چنین جاها گله های تخریب خیلی ضروروالزم است درطوپ چئی صحرای روس فقدان ونایابئی این ملزمهٔ حربیه خیلی تلخکامیها به آنها چشانیده است .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 285 of 310

جنرال (اوقو) درباب یگانگی سعی وکوشش صنوف مختلف عسکریه خود، پیش از محاربهٔ میدان (موکدن) به تول غند خود در اوامر یومیهٔ خفیه از قرار ذیل شرح وبیان نموده است :

« آتش طوپ چی برای حاضر ساختن هجوم بالطبع بهترین واسطه هاست؛ اما اگرچه طوپهای بزرگ چاپ هم استعمال بشود تا پیاده به پیشرفتاری آغاز نکند برموضعهای دشمن از کله بارانیدن هیچ نتیجه حاصل نمیشود . اگر هنوز زمان حرکت نرسیده باشد طوپ چی میباید که برای آغاز کردن به آتش بزمان حرکت پیاده انتظار بکشد . پیاده بهرصورتی که باشد باید به پیش برود ، وباین پیش رفتارئی پیاده آتش طوپ چی هم آهنگ باید شود . »

این سخنها الیوم از قواعد اساسیهٔ تعلیمنامه های آخرین فن تعبیه میباشد .

حاضر کردن حرکت پیش رفتاری ، وهجوم اکثر اوقات بسیار مدت دوام میورزد . برتمام بودن ، وکملیت حاضر شدن هیچ وقت امنیت کامله حاصل نمیشود . در باب درجهٔ تأثیر وموفقیتی که استحصال شده باشد بازی خوردن بسیار محتمل میباشد ، وهم درعین احتیاج دفعةً طرف مدافعین باقطعات پیاده ویا طوپچی تقویت یافتن شان نیز ممکن الوقوع است . بناءً علیه طوپ چی میباید که مشکلات ، ومقاومت طرف دشمن را که بوقوع آوردن آن محتمل است دایما درنظر دقت گرفته برای محافظه کردن حرکت رجعیهٔ پیادهٔ خود حاضر باید بود .

در بعضی هجومهائیکه بر (پور آرتور) اجرا کرده شده است ، طوپچی ژاپان تا بوقتیکه پیادهٔ شان بخندکهای استحکام دشمن میدر امدند بر آتش دوام ورزیده است . معهذا در صورت عمومیه قاعده همین است که درمابین دو پیاده تابوقتیکه (۳۰۰ یا ۴۰۰) متر حاصل بشود اجرا کردن آتش طوپچی ممکن میشود . بعد ازانوقت، طوپچی آتش خود را برعقب هاتمدید کرده قوای

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 286 of 310

جدیدهٔ را که برای مدافعین در آمدن باشد میدهکنند، ویا آنکه اگر رجعت دشمن بوقوع آید بمشکلات وتلفات دوچارسازند .

اما اینرا هم باید دانست که این رقم (۳۰۰ یا ٤۰۰) متر که گفته شد عبارت ازیك قواعد نظری میباشد ، حالآ نکه طوپچی را بایدخوب تعلیم وتربیه کنند ، وکمال اعتنا عادت بدهند که ازسرپیادهٔ خود بکمال سکونت و اعتدال دم تاهر قدرمسافه ئیکه ممکن باشد اجرا کرده بتواند . محاربهٔ (سی هون هان) که در (۱۹) م جولائی بوقوع آمده بود برای اینگونه آتش یك مثال بسیار مقنعی تشکیل داده است :

پیادهٔ ژاپان بعد ازانکه یك حاضری بسیار جدی ودقتناکی اجرا کرده شد بیك متانت وشدت بسیار پر قوت و عزمی هجوم نمود . وبسببی که در آوان هجوم طوپچی آتش خودرامنقطع نمود باوجودیکه هجوم راچاربارتکرار کردند بازهم به ناکامیابی منجر گردید .

فائدهٔ اشتراك کوشش طوپچی با پیاده درحال مدافعه بیشترعیا نآدیده میشود . محاصرهٔ پورآرتور درینخصوص بامثالهای بیشماری مالامال است . و درمحاربه های میدان (لیائویانغ ، شاحو ، موکدن) این حقیقت به بسی وقایع مؤکده تائید شده است .

با لمقابله پیاده نیزوقایه وحمایهٔ فوق العادهٔ به پیاده میرساند . درینمحاربهٔ روس وژاپان ازینگونه مثالها نیزبسیار دیده شده است . ازجمله درمحاربهٔ (لیائویانغ) طوپخانهٔ روس بسبب عدم معاونت و اشتراك پیاده به آتش و هجوم پیادهٔ ژاپان دوچارآمده محوشده است . در (۱٤) م اوکتوبر کندك طوپچی (سمولنسکی) که بر (شاحو) بود نیز بهمین سبب همهٔ موجود خودرا غائب کرده است .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 287 of 310

این محاربهٔ ژاپان تاثیرات اسلحهٔ موجودهٔ جدیده را که بچه درجه مند هش اند بخوبی تصویر و تجسیم نموده طرفین محاربین را بمصادمه های شبانه سوق نموده است قوتها ئیکه به این مصادمه ها اشتراك ورزیده اند ازمقداریکه تاالحال قبول شده بود ودیده شده بود افزونی کرفته است. به غبرك غندها، ولوی غندها، حتی به قطعات بزرکتر ازان بالغ شده است. این کیفیت به سرنیزه سراز نوا همیت فوق العادهٔ بخشیده. روسها برای اجرای محاربات شب بدرجهٔ کافی حاضر نبودن خود را اعتراف کرده اندودرطرف ژاپانها نهامکملتر بودن این حاضریهای محاربات شبانه را تصدیق کرده اند.

صنف سواری درحرب از اسپ خود بخوبی استفاده نکرده اند. اکر چه در باب حمایهٔ جناحها، وارتباط اقسام متفرق وبعید تول غند رابایکدیکر دراوایل محاربه تا یکدرجه خدمت شان سبقت ورزیده، ولی درماههای فبروری و مارچ و محاربهٔ (موکدن) در المخصوص نزیك فائدهٔ مستحسنهٔ شان دیده نشده.

آمدیم برخدمت کشف که یکانه مقصد ازسواری همانست نیز بیکاره کی که ازسواری دیده شده شایان حیرت است. سواری از حادثات سوق الجیش بدرجهٔ بیخبری غفلت نشان داده است. مرور تول غند (قوروکی) ازهور (تایچو)، رفتار تول غند (نوژی)، وایضاً حرکات احاطهٔ تول غند (نوژی) یك چیزهای بود که روسها ازان هیچ خبردار نشده اند.

اما این وقایع صنف سواری راازقیمت حقیقهٔ آن نینداخته است، بلکه قیمت سواریرا اعلا، وسواری بیکاره بی قیمت را بدرجهٔ سفلیت تنزیل و اسقاط کرده است. اسباب این بی قیمتی سواری روس رادر نقصان تربیه وتعلیم وقوف و عرفان قاراقها که موجوداصلی سواری راتشکیل داده بود

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 288 of 310

باید جستجو نمود .

صنف سواری نیکه مانند برق جوال باشد ، و تربیه و عرفان عسکری آن مکمل بود ، و مانند صاعقه صفهای دشمن را بدراند ، و بسرعت تلگراف از احوال دشمن خبر برساند خیلی یك صنف مدهش و خوف انگیز است . علی الخصوص تأثیر معنوی که از هیبت و صولت خود در دلها می اندازد جداً عظیم است .

در (۱۰) مارچ قافله های روس که در وقت یك طوپخانه رجعت میکردند بهجوم دو طرب سواری ژاپان دوچار آمده بودند . طوپخانه یك دو گله انداخته توانسته دران واحد سواری ژاپان قافلهٔ عسکر روس را باطوپخانه برهم و درهم نمود . این حادثه نیز مثال بسیار در خشانیستکه سواری در وقت رجعت بر دشمن چگونه تأثیرات مدهشی اجرا میکند .

مارشال (اویاما) بسبیکه برای عقب گیری دشمن مقدار مکمل سواریرا مالك نبود باوجود اعتدالدمیکه داشت بدفعات اظهار تأسفات بیشمار کرده است .

خلاصتهً بازتکرار کنیم که حرب اقصای شرق بخوبی اظهار و اثبات کرده است که سواری بی تعلیم و تربیه هیچ خدمت کرده نمیتواند . و وظایف سواری بسیار دقیق و مشکل یك کاویست . و بسایهٔ استعمال حرکت خود که اسپ سوار باشد ، و هم پیاده باشد وظایف سوق الجیشیه بسیار بهتر اجرا می آرد .

محاربهٔ روس و ژاپان بصراحت و قطعیت تمام اثبات کرده که درمابین صنف های مخالف ارتباط و اشتراك خیلی لابدولازم است . خدمت ارتباط در نزد روسها بدرجهٔ لازمی و ضروری موجود نبود ، حتی نقلها و روایتهای افسران خودشان همچنین است .

بسیار بار ها شده که یك قطعهٔ سواری رایك قطعهٔ پیاده که در نزدیك

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 289 of 310

آن بوده بمحاوت خودطلب کرده وسواری در انجا، وجودنبوده، گاهی شده که پیاده از طوپخانه ئیکه در جوار او بوده خبرنبوده، ورجعت کرده است، وطوپخانه را بدست دشمن ترك کرده بدررفته است. اکثرخبرها وامرها درراه غائب شده وبجاهای لازمی آن نرسیده، ویاخیلی دیررسیده. والحاصل یکی ازافسران ارکانهای حرب روس که مجروحاً بمملکت خودبرگشته بود در (پترسبورغ) یك قونفرانسی داده بلسان بسیارپر تاثیری فریادزنان گفته است: «بسببی که از قطعات معیت ما خبرنمی آمد هیئت ارکان حربیه در اثنای محاربه از وضعیت حرب درمیان یك ظلمت بیخبری ومجهولیت مانده بودند.»

بحقیقت که این سخن افسرارکان حرب خیلی شایان حیرت وتأسف است حقایق حرب نشان میدهد که هرگاه درباب مانوره ها، وقت حضر بصورت مخصوصه عطف نظرکرده نشود، درزمان حرب تاکواریها وتلخ کامیهای فراموش کاریهای ارتباط وغیره آن را میکشد.

همه مخابرینی که درتول غندژاپان بودند میگویند که کیفیت ارتباط واشتراك در تول غندژاپان به بسیار دقت واهمیت به آن اعتنا کرده میشد. درمابین صنف های مختلف، وقطعه های مجاوروفاق وارتباط درصورت عمومیه خیلی اساسداربود. خواه در اثنای رفتار، وخواه دراثنای محاربه بکمال استعجال تلگراف وتلفون تاسیس کرده قرارگاههای قوماندانها بایکدیگر ربط کرده میشد. علی الخصوص بیرق های اشارت ودیگر گونه اسباب های اشارتها آنقدر بسیار استعمال میشد که حدونهایت نداشت.

این کیفیت ارتباط که نتایج آن بسیاراهم است هرگاه درهرکس فکرتعبیه موجودباشد، وهرکس احتیاج یکدیگر خودرا بداند درانوقت بیشتر فوائدو

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 290 of 310

محسنات میرساند .

در حرب حاضر بسی مثالهای هجوم موجود است که حقیقتاً بشدت ، و فداکاری بسیار بزرگی تابه نهایت پیش رفته شده ، ولی در آن بحران بسبی که بادیگر قوت تقویه نشده به ناکامیابی منجر شده است . در (وافانقو) در بعض نقاط پیاده های روس باوجودیکه بخندکهای شکاری ژاپان بقدر (۳۰) خطوه نزدیک شده توانسته است امابسبی که بادیگر قوت تقویه نشده بود در هجوم آخری خود موفق وکامیاب نیامده اند .

لزوم احتیاط — احتیاط برای نتیجهٔ موفقیت ها ازلوازمات ضروریهٔ حربیه دیده میشود . تعرضی که بریك جناح دشمن اجرا کرده شود بقوت احتیاط تعقیب کرده میشود . در (۲۶)م آکست درمحاربهٔ (لیائویانغ) حرکت غندازاسلق روس درینجاب یك مثال بسیار رعنایی تشکیل میدهد . برکد (مارشال) حرکت موفقیت کارانهٔ غند خودرا به اینصورت بیان وحکایه میکند :

« در (۲۵)م آکست ، ازقوماندان بزرگ امر مانع شدن حرکت احاطهٔ ژاپان هارا درجناح راست ، مفرزهٔ شرق توجیه واجرا شده بود کرفتم . مفرزهٔ من عبارت ازیك غندپیاده ویك طوپ خانه طوپ چی ویك طرب سواری بود .

« درشب وقتیکه قرطلوع میکرداز (چوفانتون) حرکت کردم . واز درهٔ که درمابین (چوفانتون) و (آیداغو) بودبیك رفتار بسیار زحمت ناکی که حتی طوپ های خودرا نیزبا پیاده میکشیدیم گذشته بطلوع صبح بوادی ئیکه به (قوفینتسه) فرومی آمدرسیدیم . درین آوان از استقامت جنوب غربی صدا های طوپ شنیده میشد .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 291 of 310

« در وسط راه (سیانساندی) و (چاندرا اوپو) به قزاقهای (غرب قوف) را برآمدم. از یك افسر این قزاقها این خبر را گرفتم که ژاپنها بکمال جدیت بر جناح راست مفرزهٔ شرق ما بر حرکات احاطه دوام میورزند. واگرچه بعضی قطعات پیاده بمقابل آنها فرستاده شده ولی هیچ فایده نکرده است.

« براستی که از انطرف یك ولولهٔ شدید آتش تفنگ هم شنیده میشد. وقتی که این خبر را گرفتم برین قرار دادم که در پهلوی حرکت احاطهٔ دشمن خود را بیندازم. وبنابرین مقصد استقامت (پاوشوغو) را گرفتم.

« در حالتی که از هر طرف خود با کشاف ها محاط بودیم از یك چقورئی واسع سیل پرده کی راه میزدیم. غند پیاده وطرب سواری به اینصورت به جهت شرقئی ده واصل شده. تپهٔ که در عقب آن بودیم از طرف قطعات مفرزهٔ (غرب قوف) اشغال شده بود. طوپخانهٔ ما از چقورئی سیل پرده کی گذشته نتوانست. منهم آن را در زیر حمایهٔ نیم طرب به پس فرستادن مجبور شدم.

« خودم بر تپه بالا برامده و ضعیت محاربه را دیدم. ژاپنها بحال یك خط درازی جناح راست مفرزهٔ شرق ما را تیر شده بودند. درمقابل آنها بجز یکچند قطعه پیادهٔ بی اهمیتی دگر کسی نمانده بود. درینوقت هر دو طرف یعنی روسها وژاپانها در وادئی شرق (پاوشوغو) بودند. یعنی جبههٔ قطعات ژاپان برجبههٔ مفرزهٔ شرق ما عمود افتاده بود.

« فکر کردم که بنا گهان پیدا شدن ما ازین جهت البته ژاپنها را بیك تلاش و اضطراب میاندازد. لهذا ازین فکر خود استفاده کردن خواستم. وهم برین قرار دادم که تنها بمقاومت کردن ومانع شدن حرکت احاطهٔ ژاپنها کفایت نکرده بیك تعرض شدتناکی قیام نمایم.

« سه کندك خود را بر خط نخستین تعیین کرده یك کندك را در احتیاط گذا

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 292 of 310

شتم . مفرزهٔ کشف خودرا بجهت غرب وادئی (پاوشوغو) فرستادم . طرب سواری را برستر کردن عقب خود امر نمودم . بعد ازانکه این کار ها تمام شد ، تقریباً بساعت (۱۱) به پیش رفتاری آغاز نهادم ، و خط بالای تپهٔ را که ما راستر کرده بود درگذشتم ، وبکمال سرعت برجناح دشمن بیك تعرض شدیدی حمله بردم .

« ژاپانها ازین ظهور نا گهانی غیر منتظر ما متحیر مانده بسرعت تمام منتهاهای جناح چپ خودرا پس کشیدند ، وبرپایهٔ نخستین خودشان استناد داده به تشکیل دادن (قولتوق) تشبث کردند . اما تعرض بلافاصلهٔ شدت ناك کندك های ما ژاپانها را از ان پایه بلکه دوسه پایهٔ دیگر نیز به برکندن وپس انداختن موفق میشد .

« درین وقت ، مفرزهٔ کشف غند (زارایسیق) و مفرزهٔ کشف غند نشان انداز (۱۲)م از بغلهٔ غرب وادی بالابرامده ژاپانهارا بزیر آتش جناح چپ گرفتند . وازیکطرف دیگر طرب های مختلف غند (۱۲)م نیز برتپه های شرق برامده از جناح راست نیز برژاپانها به آتش آغاز نهادند .

« ژاپانها که باین آتش شدید ما ازجناحهای خود متأثر شدند ، واز جبههٔ خود نیز با آتش غند (زارایسیق) درزیر تضییق درامدند تاب آور مقاومت نشده بعداز کمی ثبت وبرك شده بفرار رو نهادند . ما هم متصل به آتش بسیار شدید آنها را تعقیب میکردیم .

« نشه ونشاط عسکر ما بدرجهٔ فوق العاده بود . درین اثنا دیدم که کندك احتیاط من به این حرکت عمومی گرویده شده بخط پیش نخستین الحاق نموده . ازین مسئله به اندیشه افتاده هماندم پنج طرپی که جناح راست مفرزهٔ مرا تشکیل داده بود جمع کرده سراز نوبك احتیاطی تشکیل دادم زیرا ترسیدم که

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 293 of 310

قطعات تازه دم دشمن از جبههٔ غربی ظهور نکنند ، ویکی یکبار یك عکس عمل بظهور نرسد .

« به اینصورت همه جناحهای ژاپانها که به احاطه مامور بودند بقوت غند ما وغند (زارایسیق) بعقب رانده شدند . غند مادیگر قطارهای دشمن را که در دیگر طرف راه (طاشیغو) دیده بودند در زیر آتش شدت تاکی به میدان کردن دوام نموده تابو قتیکه تاریکئی شب جهان را فرامیگرفت در (تاشیغو) بماندند . وقتیکه شب سراسر حلول نمود همه غندرا گرفته به (یاوشوغو) ردم ، ودر انجا برای بجا آوردن وظیفهٔ خود که عبارت از منع نمودن حرکت احاطهٔ دشمن و جناح راست ، فرزهٔ شرق خودمان راستر و تامین کردن بود ، منتظر شدم .

« در نیمحار به غند ما (۳) افسر ، و (۱۳۵) نفر تلفات داده بود . ژاپان ها در میدان محاربه بسیار تلفات داده بودند . حتی در بعضی چقورها کشته های شان بروی همدیگر خرمن شده افتاده بودند .

« سبب یگانهٔ این کم تلفاتی ما ، وبیش تلفاتی ژاپانها ازین بود که تعرض ما غیر منتظر وناگهانی بوقوع آمد . وبر جناح دشمن موافق یك استقامت تعرض انتخاب کردیم ، وسبب کلی این بود که درعقب جناح ژاپان احتیاط کافی موجود نبود .

« برای دانستن درجهٔ قوت آتش خود ما همین کافیست که درهمین روز محاربه وروز دیگر آن تنها غند (زارایسیق) (۱۵۸۲۰۰) کارتوس سوخته بودند . »

این حکایهٔ برگد (مارتینوف) سراسر از استفاده هاملوست . بزرگترین خطا هائیکه درطرف ژاپانها دیده میشود این است که درعقب جناح خطاول خود احتیاط نگذاشته اند . این خطا در پیش یك حادثهٔ غیر منتظر نتیجهٔ

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 294 of 310

حرکت نتوانستن را تولید نمود . و دیگر اینکه در جناحهای تهلکه ناك خود سواری نیز تکذا شته بودند که آنهم موجب حاضر کردن این نتیجه شایان دقت گردید .

از حرکات روسها میبینم که یکقطعهٔ تازه دمیکه در یك جناح بازوئی حمایهٔ دشمن بنا گهانی ظهور کند، واز اراضی بصورت ماهرانه استفاده کنند بر استحصال چسان نتیجهٔ قطعی مقتدر میشود .

برکد (مارتینوف) درباب احتیاط نیز خیلی عاقلانه اندیشیده چونکه اول احتیاج قطعی خودرا به احتیاط بخوبی اندیشیده برای مبادا احتیاط جدا کرده، وچون آن احتیاط ازدستش برامده ماند درائنای حرب یك احتیاط دیگر تشکیل داده است .

اینهم ظاهر میشود که درعین اراضی جزؤ مامهای مختلفی که حرکت میکنند هرگاه در مابین شان وفاق و ارتباط باشد، و یکی بدیگر معاونت و اشتراك سعی وغیرت برساند چقدر اهمیت حربیه را بالا میکنند .

موجود نبودن احتیاط برای ژاپانها درینجحاربه موجب فلاکت گردید . زیرا بعدازین مشکلات عظیمه نیکه درباب حرکت احاطه اجرا کردند ومعنا ومادهٔ مانده وخسته شده افتادند بمقابل یك تعرض مقابل بجز احتیاط تازه دم دگرچیزی نبود که ایشانرا در موضعهایی که بجان کنی هابدست آورده بودند ثابت ومحکم بتواند . اگر درعقب یك احتیاط مکمل موجود میبود به تقویهٔ آن احتیاط بازعسا کررجعت کنندهٔ خودرا به یك موجهٔ اراضی محکم کرده بهجوم سوق وشوق پیدا میتوانستند .

(قطع محاربه)

کیفیت قطع محاربه که درصورت عمومیه خیلی نازك یك کیفیتی شمرده

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 295 of 310

میشود ، اما هرگاه درمیان قطعات انتظام غائب نشده باشد ، وبسیارمتأثر ومانده هم نشده باشنددرچنان زمانهامی بینیم که این کیفیت به آسانی اجراشده میتواند . چنانچه درمحاربه های (سی هوهان) و (په ن سیهو) ، و (شا حو) مثالهای بسیاری درباب این کیفیت درحرکات رجعیه موجوداست .

برای بریده توانستن محاربه رابه آسانی دراول امر بحمایهٔ یك طوپچی احتیاج دارد که از اول درعقب یك موضع حمایه جابجا کرده شود . وهم بحمایه کردن قدمه های مختلف که مشترکاً یکدیگرخود شانرا محافظه کنند نیز عین نتیجه حاصل میشود .

دربدایت حرب روسهابریدن محاربه رایعنی باختیارخودمحاربه رابریده کار رجعت کردنرانمیدانستند ، ونمیتوانستند ایحال بسیاربار هاسبب تلفات عظیم شان گردیده بود . در (یالو) و (وا فانقو) تلفات عظیمهٔ شان مثالهای واضح این است . این خطاها قسماً ازین پیش آمده که امررجعت بر طبع شان گوارانمی آمدکه اینهم یك حس غیرمعقولست .

جنرال (شتاکلبرغ) در باب محاربهٔ (وافانقو) راپوری که نوشته دران راپور خود صراحةً بیان شکایت کرده است که بعضی غند ها امررجعت را اجرا نکرده اند . اما روسها که ازین رجعت معقوله امتناع کرده اند نتیجهٔ آن برای شان بسیاروخیم گردیده است زیرا تلفات عظیمه ومدهشه شکست فاحش خورده اند .

(اهمیت وحدت درافسری)

هنگامیکه احتیاطها بمحاربه داخل شوند وعلی الخصوص که مصادمه روزها روزها دوام بکندارتباط تعبیوی درمیان جزؤنامهابرهم میخورد .

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 296 of 310

وقطعاتیکه برای یك حرکت اشتراك میورزند عبارت از قطعات جزؤنامهای مختلف میباشد .

پس درچنین حالات اگرچه ازطرف قوماندان یك سررشتهٔ تنظیم هم نشده باشد لازم چنانست که هرکس بسعی ذاتی خود کوشش ورزند که بیك قوماندانی تابع شوند . قوماندان های معیت درچنین اوقات خود بخود درزیر قوماندانی یك افسر بزرگ که نزدیکتر باشد داخل شده تر ابایك سوق طبیعی حس میکنند . این حال در بسیار جاها ، علی الخصوص برای قطعات پیاده که درنز دیکی جنرال (ره نتقائف) وجنرال (بیچه نقو) بمحاربه درآمده بودند بکثرت واقعشده است .

وغیرازین برگد (سیونیسکی) که بریکی ازغندهای لوی غند (۲۲) م مأمور بود در (۱٤) اوکتوبر بر همه قطعاتیکه بتعرض قطعی مأمور بود به قوماندانی مأمور شده بود که مفردات قطعات مذکور از قرار ذیل است :

غند (۸٦) م وملیا نستراند . غند (۸۸) م پتروفسکی . (۲) طوپخانه . (۲) طرب ازقزاقهای اورال . طابورهای مختلف که درعین اراضی پیش ازین بمحاربه چسپیده بودند .

در (۱٦) م اوکتوبر که برتبهٔ (یکدرخت) تعرض میشد قطعه های مختلف درزیر قوماندانی جنرال (پوتیلوف) داده شده بود .

والحاصل اهمیت وحدت قوماندانی نیز درمحاربه بسیاراست که مثالهای آن درین حرب روس وژاپان بسیار دیده شد .

طرز محاربهٔ جزؤنامهای بزرگ واستعمال احتیاطها

تابه ماه مارچ سنهٔ (۱۹۰۵) که سرافسرئی کل قول غندژاپان درعهدهٔ

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 297 of 310

جنرال (قوروپاتکین) بود دایما قطعات بسیار جسیمی برای احتیاط جدا میکرد واگر آن احتیاط ازدست میبرامد درحال دیگر احتیاط بجای آن جمع میکرد.

در محاربهٔ میدان (لیااویانغ) قول تول غندهای (۲)م و (۵)م سیبریا در ابتدای حرب برای احتیاط عمومی تفریق شده بودند. این احتیاطها هنوز در اثنای محاربات جبهه برخط آتش سوق شده ازدست برامده بود. جنرال (قوروپاتکین) از مواضع جنوبی حالاً هماندم قول تول غندهای (۱)م و (۳)م سیبریارا جمع کرده بطرف شرق شهر فرستاده بود. وبرای مقابلهٔ حرکت احاطهٔ جنرال (قوروکی) آن رادر زیردست داشته بود.

در (شاحو) جنرال (قوروپاتکین) دراول امر قول تول غند نخستین اوروپا را باقول تول غند (۸)م که نووارد شده بود برای احتیاط عمومی نگهداشته بود. برای تعرضهای شدت ناك (اوقو) و (نوجو) همین احتیاطها سوق وصرف شده است که بجای آنها (قوروپاتکین) بزودی تمام از تول غند شرق قول تول غندها (۱)م و (۲) سیبریارا خواسته سراز نویك احتیاط عمومی تشکیل داده، ودر (شاحو) سعی وشدت آخرین ژاپانهارا باتعرضهای مقابل همین احتیاطها جلو گیری توانسته است.

در اثنای محاربهٔ (موکدن) احتیاط عمومی روسها از قرار ذیل بود:

در عقب مرکز تول غند (۲)م که تول غند جناح راست بود قول تول غند (۱) م سیبریا، ودرنهر (هونهو) که جنوبی (موکدن) است (۳) غبرك غند قول تول غند (۱۶)م موجود بودند. بسبب تعرضهای شدید جنرال (قوروکی) وجنرال (قاوامورا) قول تول غند نخستین سیبریا به بسیار زودی به تول غند (۱)م فرستاده شده بود. وچون بعداز کمی حرکت احاطهٔ جنرال (نوزی) ظاهر شد اقسام قول تول غند (۱۴)م نیز کاملاً برای تأمین جناح راست صرف شده بود.

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 298 of 310

جنرال (قوروپاتکین) درمقابل این وضعیت برای تشکیل دادن احتیاطهای نوهر چیزیکه کردنی بود کرد . وبجای آن قول تول غند (۱) م سیبر یارا که نو وارد شده بود باز جلب نمود . جنرال (بیلدر لنغ) که مأمور این احتیاط بود دیگر قطعاتی که در تول غند مرکز بیکار بودند نیز درزیر قوماندهٔ خود گرفته این حرکت احاطهٔ جنرال (نوژی) راتوقیف واجرای رحمت تول غند روس را ممکن نمود .

در طرف ژاپانها درانثنای محاربه فکروتصوراحتیاطهای جسیم به بعضی تبدلات دوچارشده است .

در بدایت حرب بسببیکه عدداً زیاده فایق بودند احتیاطهای قوتنا کی جدا کرده درعقب جناحهای خودجابجامیکردند، وبواسطهٔ آن دشمن خود راازدوجناح به احاطه کردن میکوشیدند .

سر ازماه جولائی بسببی که نسبت عددیه درمابین هردوطرف برابر آمد طرز حرکت خود را که تابه آنوقت پیش گرفته بودند به تبدیل دادن مجبور شدند . وهمه قوتهای خود را بکارسوق ، وازجبههٔ بسیار بزرگی پیش قتا ری کردند . هر تول غند یك جبههٔ تعرض داشتند ، و این جبهه بسیار بزرگ بود . به اینصورت هر لوی غند ها را هدفهای خصوصی بود که برهمان هدفهای خود مستقلاً حرکت میکردند . حتی گاهی تول غند هانیز بمقابل هدفهای خود مستقلاً حرکت میکردند . هر قول برای خود یك احتیاط مخصوصی داشتند که این احتیاط دروقت لزوم به مددرسانیدن قطعات همجوارخود مکلف بودند . تول غند ژاپان بمعاونت ومددرسانیدن قطعات مختلفه به یکدیگرشان ازسرتابپایك اهمیت عظمایی میدادند . اماباوجوداینهم درزیرقوماندهٔ مارشال (اویاما) جداکردن یك احتیاط عمومی بزرگ

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 299 of 310

خیلی شایان اهمیت دیده میشد. در اثنای جریان وقایع تول غندها بایکدیگر استناد میشد، ومستقلاً یکدیگر خود را تقویه میکردند. درماه اوکتوبر دراثنای محاربانی که بر (شاحو) بوقوع میامد، یك قسم تول غند جنرال (قوروکی) به امداد تول غند جنرال (نوجو) آمد. دراثنای محاربات (موکدهن) (۳) لوی غند تول غند جنرال (اوقو) به تول غند جنرال (نوژی) برای معاونت داخل شد.

خلاصه طرز محاربهٔ ژاپان، به اساسهای مانوره های آخرنی المان مشابهت میرساند که این اساسها عبارت ازین بود که برنفس خود یك اعتماد قوی کردن، از هروضعیت استفاده کرده دشمن را به آرزو وحرکات خود رام کردن، از همه جبهه یك تعرض شدتناکی نشان دادن، هرفرد همه قوت وقدرت خود را صرف واستعمال کرده وبمجاورهای خود امنیت عظیمه پرورانیدن.

اعتماد نفس، وامنیت عظیمه برمجاورها بدرجهٔ که برگرفتن جبهه های بسیارفراخ جسارت بدهد زیاده بود. درهرجبههٔ تول غند بسیارفاصله ها گذاشته میشد واین فاصله بامفرزه های کوچك گرفته میشد، وبا این گونه اقتصادها وسرفه جوئیها با وجودیکه تفوق عددی هیچ نمیبود براحاطه کردن دو جناح دشمن موفقیت وکامیابی حاصل میشد.

این کارها به این ممکن میشد که هرقوماندانی که بهررتبهٔ بود چنانچه بر تصورات و اجراآت خود امنیت داشت برمادونهای خود نیز اعتماد فوق العادهٔ میپرورانید. این اعتماد متقابل در ژاپانها بدرجهٔ اتم موجود بود. به این اعتماد البته که قوت احتیاط کم میشد. زیرادرمابین اعتماد برقطعات، وقوت احتیاط یك نسبت موجود است، هرانقدر که برمعیت خود کمتر امنیت کرده

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 300 of 310

شود احتمال معروض شدن به احوال ناگهانی نیز بهمان قدر زیاده میشود . لهذا احتیاطی که برای ظهور آن احوال ناگهانی جدا میشود بهمانقدر جبهه بیشتر و برقوت شدنش لازم می آید .

ژاپانها از تعرضهای شدت ناك جبهه هیچ ترس واندیشه نمیکردند . این حال در (کینچو) ، و(پورآرتور) ، و(لیائویانغ) ، و(شاحو) درمحاربات میدانی که بوقوع آمده عیاناً تظاهر نمود .

ژاپانها دایما احاطه میپالیدند . واگردرین خصوص وسعت جبهه از حد لزومئی آن بیشتر هم میشد ازانهم روگردان نمیشدند . ژاپانهاناز (یالو) و (وافانقو) بهاین مانوره آغاز کردند . در (لیائویانغ) قطارهای جناحهای چپ تول غند جنرال (اوقو) به احاطه کردن جناح راست تول غند روس کوشش میورزید . ودر عین زمان جنرال (قوروکی) به احاطه کردن جناح چپ تول غند روس سرگرم میبود . در(شاحو) جنرال (اوقو) بازبه تکرار کردن همین حرکات جهد وکوشش نمود . والحاصل محاربهٔ میدان (موکدن) نیز بر همین اساس وپلان بنا یافته بود که هردوجناح روس رااحاطه کنند .

آمدیم برجبهه : جبههٔ ژاپانها درروزهای اول مارچ اینقدر واسع بود که از یك جناح تا بدیگرجناح (۱۴۰) کیلومتر بازبود . امااینراهم بگوئیم که این افراطی که دردرازی جبهه روداشته بودند ، وکافی نبودن احتیاط عمومی سبب یگانه افتران نکردن نتیجهٔ قطعیهٔ محاربات (لیائویانغ) و(شاحو) گردید . ونزدیك بود که بهمین سبب محاربهٔ میدان (موکدن) نیزبه نتیجهٔ قطعیه منجر نشود .

محاربهٔ میدان (موکدن) یك مثال بسیار روشن وبرهنیست که روسها به مانورهٔ ژاپانها چسان به یك تسلیمیت تمامی رام شده است ، چونکه بچکمد

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 301 of 310

روز پیشتر از حرکات قطعیهٔ محاربه تعرضهائیکه بر جناح چپ روسها اجرا کردند ، روسهارا به آن بازی داده نظردقت شانرا به آنطرف جلب کردند ، ومقصدیگانهٔ خودشانرا که حرکت احاطهٔ جنرال (نوژی) از جناح راست بودبسررسانیدند .

به بینیدکه درینباب چگونه پلان ومانوره بکاربرده اند : چنانچه گفته شدکه ازطرف جناح چپ روسهارابه تعرضات شدیدهٔ خودمشغول ساخته بودند ، درمرکز نیزازطرف تول غند جنرال (نوجو) بمددکاری طوپهای سنگین چاپ بزرگ که از (پورآرتور) آورده شده بود بومباردمانهای شدیداجرا ، وبحمایهٔ آن هجومهای شدتناك جبهه رابیش میبردند . اگرچه این هجومهای جبهه همه گی ازطرف روسهادفع گردید ؛ ولی هرانقدرعسکری که درمرکز تول غند روس موجودبود همه گی درجای خود میخ شده ماندند که اصل مقصدژاپانهاهم همین بود . درعین زمان جنرال (اوقو) نیزازهر دوساحل نهر (هونهو) بشدت پیش شده روسهارادرموقع خودشان ثابت قدم نمود . وبرجعت کردن مجبورشان میساخت .

درین اثنابرای اصل مقصدکه عبارت ازحرکت تول غند احاطهٔ جنرال (نوژی) از طرف جناح راست بود کوشش تمام ورزیده میشد . در اول برای ستراین تول غند صنف سواری که باطوپخانه هاومترالیوزهاویکمقدار پیاده تقویه شده بود بجانب غرب (موکدن) فرستاده شده بود . برای مقابله ودفع این احاطه دراول امربدست جنرال (قوروپاتکین) یك قوتی موجودنبود . زیراقوتهای اورااز هرطرف ژاپانها بکار گرفتارکرده بودند . امابمشکلات بسیارعظیم بعدازچند روزیك قوتی که احاطه راتوقیف بتواند جمع نمود . جنرال (قوروپاتکین) درین اثنامیخواست که تول غند مانده و

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 302 of 310

بتاب جنرال (نوزی) رابیك عودت تعرضیهٔ بسیارشدید محونماید، وهمه حاضری آنراهم کامل نموده بود. اماچون دیدکه ازطرف دیگردرهٔ (قوز یان) بدست یکی از پیشدار های تول غند جنرال (قوروکی) درامد، و (قوروکی) ازان دره بشدت خود را درافگنده، خط رجعت مرکزروس را تهدید نمود از همه چیزدر گذشته درشب (۹)م ماه خالی کردن (موکدن) و رجعت کردن را بر(تیه لینغ) امرنمود.

شایان حیرت اینست که در(موکدن) ژاپانهاعدداً برروسها هیچ افزونی نداشتند. اما درخط آتش حرب روسها قطعات عسکریهٔ ژاپانرا سیك کمیت ونفوقی دیده بودندکه هیچ امید آن را نداشتند. ژاپانها برای بردن بازی شطرنج جنگ همه قوت های خودشان را صرف کرده بودند؛ وهمه چیز خود را فداساخته بودند، آخرترین طوپ ها ونفنگ های خود شان را بخط آتش دراورده بودند، عقب های خط محاربه راسراسر خالی کرده بودند اساس اینگونه پلانهای جرأتکارانهٔ ژاپانها از عطالت و سستئی روسها پیش آمده بود.

این حرب ازسرتاپه آخربتاثیرات معنویهٔ تعرض تعبیه وی وسوق الجیشی بدست آمده است. این حرب درباب نتایج درخشان مسلك تعرضی برای تاریخ حرب مقنع و مسکت یك نمونهٔ بیمانند یست. درحرکت پیش رفتاری اگر یك ناکامیابی هم پیش شود بهمه حال بایك کامیابی دیگر تلافی میشود. امادرمدافعهٔ مطلقه هرگاه یکباریك رخنهٔ پیداشود همهٔ خط سقوط میکندکه ایحرب سنهٔ (۱۹۰۵) اینمسئله را بکمال صراحت اثبات کرده است.

پیش ازانکه اثرخودرا اکمال نمائیم درباب تول غندهای طرفین معلومات خودرا اکمال کردن میخواهیم:

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 303 of 310

قیمت دار ترین درس این حرب ژاپان وروس همین است که اساس یگانهٔ فتح و ظفر تنها عبارت از تکملات اسلحه ، وتجهیزات ، وصنایع جدیده نیست ؛ بلکه مهمترین ونخستین ترین عنصر حرب (انسان) است . زیرا در هر حال و هر وضعیت در هر صفحهٔ محاربه مهمترین تاثیری که اجرا کرده است همانا عناصر ومؤثرات معنویهٔ انسان است .

دلاوری وفداکاری از خصایل لازمهٔ حربست : اماهزارافسوس که اینها کافی نیست . هرگاه ازین یك هرکس مطمئن باشد که تربیهٔ عسکریهٔ همهٔ اقسام تول غند بدرجهٔ کفایه است درانحال این قوهٔ معنویه واعتماد که شرط الزم موفقیت است حاصل میشود .

هرقوماندان که به اواطاعت کرده میشود ازهمین است که عسکر بر واعتماد تام دارند . وچون قوماندان ازین ایمن شد که عسکرش بر و همین اعتماد وادارد فداکردن حیات هزار هاانسان را طلب کرده میتواند . عسکرهانیز چون دا نستند که برای استحصال مقصد حرب به این ضایعات لزوم واحتیاج است بو ظیفه های خودشان چابکی میورزند . درتول غندژ پان این اعتماد وقوهٔ معنویه بدرجهٔ مطلوب ، ودرروسها مفقود بود .

افراد وافسران روس ، چون از اقتدار قوماندانهای خودشان امین نبودند در خصوص بجاآوردن وظیفهٔ خودشان یك سرعت وچابکی برهیجا نی نشان نمیدادند چونکه فداکاری که برایشان امرمیشد آ رائی فائده وی لزوم میشمردند . دریك کتابی که بعدازفن حرب ، درروسیه نشرشده احوال فکریه و روحیهٔ افسران و افراد روس دران تصویر شده است . درین اثر مذکورمینویسد :

« که درمیدان محاربه دریك سپرشکاری شیکه دریك نقطهٔ تنهاومتروکی

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 304 of 310

واقعشده یك مقدار عسکر روس بایك افسر برای محافظه گذاشته شده بود .
برین سپرشکاری از طرف ژاپانها متصل یك باران گله میبارید . کسانیکه
ادنا سر خودرا ازسپربالامیکردند هماندم کشته میشدند . افسریکه درسپرشکا
ری بود دربودن خود و قطعهٔ عسکریهٔ خوددرین سپرتك وتنها هیچ فائده
ومقصدی نمیدید این افسربه همراهان خودمیگفت : « هرگاه جنرال (سقو
یله ف) زنده میبود و بمن میگفت که : (کپتان ! تولی خودرا بصف نظام
حرب دراورده در زیر این آتش دشمن به خطوهٔ موزونه پیش ببر . » من
این امررا هماندم بجامی آوردم . چونکه میدانستم که برای استحصال یك مقصد
به این فداکاری ما لزوم دیده . حالا آنکه درینجاازین ضایعات ما هیچ یك مقصد
وفایدهٔ تصور نمیکنم . ما درینجا بیهوده کشته میشویم ، وقوماندانهای مادرا
نطرف ، یعنی بیرون ازدایرهٔ تأثیردشمن بکمال استراحت وخاطرجمعی به راپور
نویسی مشغول میباشند . اینست که مابرای پرشدن راپور آنها کشته میشویم . »

پس دریك تول غندکه اینچنین افکار وحسیات ظهورنماید ، قوهٔ معنویهٔ
آن تول غند تمامها خلل پذیرشده میباشدکه عاقبتهای الم انگیزی که ازان حاصل
میشود این احوال فجیعهٔ روس نمونهٔ مثال خوبی تشکیل داده است .

یك افسردیگرروسی نیز درحق هیئت قوماندای روس دراخبار (میلتر
ووخن بلات) این تفصیلات شایان حیرت رادرج کرده است :

« در سراداره وکارتول غندروس ، قوماندانهائیکه اقتدار حقیقتی عسکری
را مالك باشند موجود نبود ، بلکه کاتبها یعنی میرزاها موجودبود . این قوما
ندان ها بسببی که به اقتداردادن یك امرقطعی مالك نبودندازبهرآنکه ازباز خوا
ست رهایی یابند از حدزیاده اوامر وتعلیمات عمومی میدادندتا معلوم کنند که آنچه
از دست شان آمده دران قصور نکرده اند . هرکاررا به زیردستان خوده یکر

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 305 of 310

دند ، وازانها کار های غیرقابل اجرا طلب میکردند . دراثنای محاربه نیز معما ملات قلمیه وکارهای نویسنده گی بدرجهٔ بسیار بود که افسران کوچك برای خلاص شدن ازین کارهای بی انتهای نویسنده گی محاربه کردن را دوزبرگله های دشمن ترجیح میکردند ، چونکه بمجردیکه محاربه به انجام میرسید افسران خودرا درپیش یك (بوروبار دمان اوراق) میبافتند . درنظر آنها (بوروبار دمان گله) ازین کارهای بیپایان اوراق نویسی زیاده تر قابل تحمل مینمود . »

(حس اعتماد مشترك) یعنی که یك بردیگر اعتماد خودرا بدانند — ازلوازمات کلی فتح وظفر شمرده میشود که آنهم به این حاصل میشود که هرعسکر اول بر خودوقوت خوداعتماد تام داشته باشد ، وبرافتدار عسکری وفکر تعبیوتی قطعات هم جوار خودنیز مطمئن باشد که دروقت تهاکه برای محافظه وحمایهٔ اوبهرگونه فداکاری حاضروآماده میباشند . ازین نقطهٔ نظر میباید که درابتدای محاربه احتیاطهائیکه هنوز شناخته نشده باشندوعلی الخصوص افسران کوچك ، و افسران که توبه تول غندداخل میشوند به این حس آن هارابزودی عادت بدهند یکی ازاستاد های صنعت حرب زمان مارشال (بوژو)ی فرانسوی گفته است :

« تابوقتیکه افرادازیك دیگ مدت مدیدی نان نخورند ، یك قطعهٔ عسکریه مکمل شمرده نمیشود »

کپتان (قامپه ریو) که بصفت اتاشه میلتری حکومت ایتالیا درتول غند روس بود دریك اثرخودعسکروروس وژاپان رابایکدیگر مقایسه کرده بابنصورت بیان مطالعات نموده است :

« درتول غندروس یك خصلتی که موجب شرف وافتخاریگانه میباشد این است که به مقابل تهاکه مرگ بی قید میباشند . نفرتی روس برای اثبات کر دن نه ترسیدن خود ازمرگ بمردن میرود . روسهاحقیقتاًدرین محاربه دایما

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 306 of 310

اثبات کرده اند که از مرگ نترسیده اند ومرده اند .

« آمدیم بر ژاپانها : اینها همهٔ سعی وکوشش شان تنها برای حاصل کردن یك هدف مقصود معطوف است : که آنهم عبارت از محو کردن دشمن وخطر رجعت شان را بر بدنست .

« برای استحصال کردن این مقصد هر ژاپانی از همه وسایط واز همه معلومات استفاده کرده بمغلوب کردن ومحو نمودن دشمن کوشش میورزد . این است که در مابین این هردو تول غدد فرقهای اساسی عبارت از همین است که گفته شد .

« جسارت ودلاوری که ژاپانها بکار برده اند مانند روسها عبارت از یك جسارت بی فائده وبی نتیجهٔ غیر معقول نبود ؛ بلکه بر یك احتیاط ودور بینی مفرط مبنا یافته خیلی عاقلانه وفداکارانه یك جسارتی بود . ژاپانها تا که ممکن میشد از مصادمهٔ اسلحهٔ جارحه احتراز میکردند ، جنرال های شان در موقع های محفوظ میبودند . افسران خودشان را کم اظهار میکردند . اما این محفوظی وکم اظهاری شان پر فکر تمرضی فوق العادهٔ وبدرجهٔ شایان حیرت حقیر شمردن موت شان هیچ یك تاثیر بدی اجرا نمی کرده است . »

اخبار (روسکی اوالید) از تعلیمنامهٔ جنرال (اوقو) این معلومات ذیل را نقل کرده است :

« نکتهٔ (ظفر) عبارت از همین است که برای واصل شدن بیك هدف مقصود یکه تصور شده باشد جسارت ، مقاومت ، ثبات نشان داده شود . آمرها به مادون های خود باید بدانانند که ادنا پس ماندن ، ادنا تردد وبی عزمی ضایعات را افزونی میدهد ، و وصول به هدف را پس میاندازد . وعزم وثبات و متانت وغیرت ضایعات را تنقیص وسعیها را تسهیل میکند . بنابرین هیچ مشکلاتی مغلوب نشده تا وقتیکه هدف مقصود استحصال شود عنودانه ثبات

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 307 of 310

کارانه پیش رفته بایدشود . »

این عبارهٔ جنرال (بونال) فرانسوی نیز این فکررا تائید واثبات میکند:

« در اثنای هجوم (زدن) خونست . »

نتیجه

ازین مطالعات یك نتیجهٔ ابدی الحکم استنتاج میشود که آنهم عبارت ازین است : (برای مظفرشدن صاحب عزم قوی مظفریت شدن لازم است .) اساس یگانه وشرط ونتیجهٔ اعظم این (عزم مظفرشدن) عبارت از (تعرض) است . وفایدهٔ مهم اینتعرض همین است که دشمن را بتضییق وفشارعزم و ارادهٔ قوی خود که بران متوجه نموده تابع بسازد ، و برای خود آزادی ، واستقلالیت حرکت حاصل بکنند . تعرضهای خون آلود جنرال (نوجو) ، وجنرال (اوقو) که ازجبههٔ جناح راست درمحاربهٔ (لیائویانغ) اجرا کرده اند، وتعرضهای مقابل پرتلفاتیکه درمحاربه های (شاحو) و(ساندیو) برتمام جبهه از طرف ژاپانها اجرا کرده شده ، وهمه وقایع حربیه که محاربهٔ (مو کدن) ، و(پورآرتور) راتشکیل داده دلایل وبراهین این (عزم قوی مظفریت) رانشان میدهد . اما یفهم ازواجبات است که هیئت قوماندانیه تاثیرات بعضی حسیات تابع نشود، وازضایعات وتلفات هرقدر که بسیار هم باشد احتراز نکنند ، وهیچ چیزی را دریغ نکرده هرگاه لازم شود آخرترین نفرتی خودرا نیز به آتش اشتراك بدهدوبرین کارهابکمال جدیت واهمیت عازم وثابت باشد .

بخوبی بایددانست که شاهد دل آرای (مظفریت) دایمابه معندها ، وبصاحبان عزم قوی ، وبکسانیکه برتعرض اقدام نموده یك هدف حقیقی راتعقیب کنند، والحاصل بهمان کسانیکه حقیقتاً مظفریت را آرزوداشته باشند توجه میکند . تول غند مغلوب همان تول غندیست که مغلوب شدن خودرا کمان کند والسلام .

تمت بالخیر

http://hdl.handle.net/2333.1/q573n60q Image 308 of 310

عرض شکران واعتذار مترجم

بحضرت ذات اقدس متعم کائنات جل شانه هزارها هزار حمد وثنا میکنم که این عبد اعجز احقر را بر تمام نمودن ترجمهٔ این اثر گرانبهای بزرگ موفق و کامیاب نمود .

مدت سه سال کاملست که در راه ترجمهٔ این کتاب فوائد انتساب بجان کو شش ورزیده ام تا آنکه بیاری باری آن را بانجام رسانیدم . امادر اثنای ترجمهٔ این کتاب یعنی درظرف این سه سالی که بترجمهٔ این پنج جلد کتاب (تاریخ حرب روس وژاپان) مشغول بوده ام سه چهار کتاب دیگر رانیز ترجمه وتالیف نمو ده ام که آنها هم عبارت از اینهاست :

۱) سیاحت بردور ادور زمین بهشتاد روز ،

۲) سیاحت در جو هوا ،

۳) مختصر جغرافیای عمومی

٤) مکمل ومفصل جغرافیای عمومی

حال آنکه اصل ترکیبی این کتاب را سه چار نفر از افسران ومتفنان نامدار عثمانی درظرف سه سال از زبانهای المانی ، وفرانسوی ، وانگلیزی ، وروسی برای استفاده واستفاضهٔ تول غند دولت خود ترجمه کرده اند . فوائد بی انتهائیکه از مطالعهٔ این (تاریخ حرب) برای عالم عسکری حاصل میشود قابل انکار نیست ولی چون این عبد عاجز اولا از صنف جلیل عسکری نیستم وثانیاً در دولت